



فصلنامه توسعه پایدار شهری

- ۱ گردشگری پایدار و دوگانه طبیعت و ورزش؛ تدوین راهبردهای توسعه گردشگری استان کرمانشاه
مهرناز مولوی ، امیرحسین عظیم پور
- ۲۱ سنجش مؤلفه‌های بر سازنده‌ی حس مکان در بافت‌های تاریخی؛ مروری بر محله بازار کرمانشاه
مجتبی لرزنگنه، محمد مسعود ، آرزو جمشیدی شیخی‌آبادی
- ۳۹ واکاوی معنادر معماری تاریخی و معاصر شهر سمنان با تمرکز بر آرای پدیدارشناسانه نوربرگ-شولتس
سید مهیار هاشمی هزاوه ، فرامرز حسن پور ، سعید کامیابی
- ۶۱ کشف ساختار دانش در داده‌کاوی شهری با استفاده از تحلیل هم رخدادی واژگان
عنایت اله محقق نسب ، محمود محمدی
- ۷۵ خوانشی بر تحولات کالبدی فضای باز و نیمه‌باز در بناهای تهران اواخر قاجار و پهلوی اول
جوهر کوتی ، ژاله صابر نژاد، مهرداد متین
- ۹۵ فلسفه تاریخ معماری اسلامی در نگرش شرق شناسی
مرضیه ثابت اقلیدی ، احد نژاد ابراهیمی ، لیلا مدقالچی



- موضوعات نشریه در زمینه پژوهش در معماری، شهرسازی و مطالعات بین رشته‌ای توسعه پایدار شهری می‌باشد.
- مقاله‌های ارسالی نباید قبلاً در هیچ نشریه‌ای به چاپ رسیده و یا همزمان برای نشریه دیگری فرستاده شده باشند.
- مقاله‌ها باید به زبان فارسی و با رعایت اصول و آیین نگارش این زبان باشند.
- تأیید نهایی مقاله‌ها برای چاپ در نشریه، پس از نظرات داوران با هیئت تحریریه نشریه است.
- مسئولیت مطالب مطرح شده در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.
- نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش محتوای مقاله‌ها آزاد است. مقاله‌های دریافتی بازگردانده نخواهند شد.
- مقاله‌ها باید حاصل کار پژوهشی نویسنده و یا نویسندگان (Research Paper) باشند.
- مقاله باید دارای بخش‌های چکیده مبسوط انگلیسی، عنوان، نویسندگان، چکیده فارسی، کلمات کلیدی، مقدمه، روش تحقیق، بدنه تحقیق شامل موضوعات مختلف، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت‌ها و فهرست منابع باشد.
- صفحه اول مقاله باید شامل عنوان مقاله، چکیده فارسی و واژه‌های کلیدی، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، عنوان (رتبه علمی)، آدرس، تلفن، نمابر و پست الکترونیکی نویسنده (نویسندگان) باشد.
- عنوان نوشتار باید کوتاه، گویا و بیان‌کننده محتویات نوشتار باشد.
- واژه‌های کلیدی مربوط به متن و عنوان مقاله بلافاصله بعد از چکیده و بین ۳ تا ۵ کلمه نوشته شود.
- مقاله‌ها باید دارای چکیده فارسی و انگلیسی باشند. چکیده مقاله باید شامل بیان مسأله، هدف، چگونگی پژوهش، موضوعات مقاله و یافته‌های مهم و نتیجه باشد. این بخش باید به‌تنهایی بیان‌کننده تمام مقاله و به‌ویژه نتایج به‌دست آمده باشد. اندازه چکیده فارسی و چکیده انگلیسی حدود ۳۰۰-۲۵۰ کلمه است. چکیده مبسوط انگلیسی ۱۰۰۰-۷۰۰ کلمه است.
- جهت تایپ متن مقاله و عنوان قسمت‌های مقاله از قلم (فونت) B Zar و (سایز) ۱۲ استفاده شود.
- در صورت نبودن معادل فراگیر فارسی برای واژه خارجی، آن را به زبان فارسی نوشته و اصل واژه به صورت Footnote با قلم Times New Roman با ضخامت ۱۰ آورده شود.
- تعداد صفحات مقاله بین ۱۵ تا ۲۰ صفحه A4 (با درج شماره صفحه)، فاصله بین خطوط ۱ سانتی‌متر، حاشیه صفحات از بالا ۳ سانتی‌متر، پایین ۲ سانتی‌متر و طرفین ۲/۵ سانتی‌متر باشد.
- روش ارجاع‌دهی و تنظیم منابع برگرفته از شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (APA) است.
- نتیجه نوشتار باید به گونه‌ای منطقی و مفید که روشن‌کننده بحث و ارائه یافته‌های تحقیق باشد، ارائه گردد.
- در بخش تشکر و قدردانی، راهنمایی و کمک‌های دیگران یادآوری شده و به‌طور خلاصه از آن‌ها سپاسگزاری می‌گردد.
- پی‌نوشت‌های مقاله (اصطلاحات و معادل‌های واژه‌ها، توضیحات و غیره) می‌باید در متن به ترتیب شماره گذاری شده و در پایین صفحه مرتبط گنجانده شوند.
- فهرست منابع به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در انتهای مقاله می‌آید.
- مقاله‌ها می‌بایست به فراخور شامل شکل و جدول واضح و گویا با (دقت 300dpi و با فرمت jpg)، ذکر منبع و تعیین محل مناسب در مقاله باشند.
- چنانچه مقاله دارای چند نویسنده باشد، تمامی نویسندگان می‌بایست کتباً یک نفر را به عنوان نماینده جهت انجام مکاتبات به دفتر نشریه معرفی نمایند.

توجه

- نویسندگان می‌توانند فایل الگوی نگارش مقاله‌های فصلنامه را با مراجعه به سایت مجله به آدرس usdjournal.daneshpajooan.ac.ir دریافت و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با آدرس الکترونیکی journal@daneshpajooan.ac.ir مکاتبه نمایند.



فصلنامه توسعه پایدار شهری
سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
مدیر مسئول: دکتر امیر مسعود سامانی مجد
سر دبیر: دکتر فاطمه مهدیزاده سراج

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر سیدمهدی ابطحی فروشانی، دانشیار دانشگاه صنعتی اصفهان
دکتر کیومرث ایراندوست، استاد دانشگاه کردستان
دکتر حمیدرضا پورزمانی، استاد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
دکتر امیرمسعود سامانی مجد، دانشیار مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
دکتر علیرضا قاری قرآن، دانشیار مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
دکتر رامتین معینی، دانشیار دانشگاه اصفهان
دکتر فاطمه مهدیزاده سراج، استاد دانشگاه علم و صنعت تهران
دکتر سیدکمال میرطلایی، استاد مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
دکتر مهین نسترن، دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

داوران و همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر سمیه رفیعی	دکتر ساناز رهروی پوده
دکتر محسن افشاری	دکتر مریم روستا
دکتر محمدتقی پیربایی	دکتر ریحانه السادات طباطبائی
دکتر سپیده پیمانفر	دکتر فرشاد طهماسبی زاده
دکتر لیلا جلال آبادی	دکتر زینب مرادی
دکتر جمشید داوطلب	دکتر پریسا هاشم پور

مدیر داخلی: مهندس مریم طائف نیا

مدیر اجرایی: دکتر نرگس قدسی

صفحه آرا: محبوبه رستگار پناه

گرافیک: نرگس دیانی دردشتی

مدیر تولید نشر: ماندانا مرادی

ویراستار فارسی: دکتر سیده راضیه انوری، دکتر مژگان اسماعیلی، مهندس نسیم رحیمی، دکتر عاطفه انصاری

ویراستار انگلیسی: مهندس مریم طائف نیا

نشانی نشریه: اصفهان، چهار راه جهاد، خیابان جهاد، نبش کوچه ۱۴ (مسعود)، پلاک ۳۷۰.

تلفن: ۰۳۱-۳۲۳۳۷۰۸۱، داخلی ۵۰۳

نمابر: ۰۳۱-۳۲۳۶۰۵۷۵

وب سایت نشریه: usdjournal.daneshpajooohan.ac.ir

پست الکترونیکی: journal@daneshpajooohan.ac.ir

- مقالات مندرج لزوماً دیدگاه نشریه توسعه پایدار شهری نبوده و مسئولیت مقالات برعهده نویسندگان محترم می باشد.
- استفاده از مطالب و کلیه تصاویر فصلنامه توسعه پایدار شهری با ذکر منبع، بلامانع است.
- پروانه انتشار این نشریه از سوی اداره کل مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره ثبت ۷۴۹۹۰ مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۰ صادر شده است.
- این شماره به همت عالی هیأت تحریریه، هیأت داوران و کارگروه اجرایی مجله در مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو آماده شده است.
- از همه فرهیختگان، استادان، دانشجویان و صاحب نظران توسعه پایدار شهری دعوت می شود مطالب و نظرات خود را به این مجله ارائه نمایند.

- ۱ گردشگری پایدار و دوگانه طبیعت و ورزش؛ تدوین راهبردهای توسعه گردشگری استان کرمانشاه
مهرناز مولوی؛ امیرحسین عظیم پور
- ۲۱ سنجش مؤلفه‌های بر سازنده‌ی حس مکان در بافت‌های تاریخی؛ مروری بر محله بازار کرمانشاه
مجتبی لرنزنگنه؛ محمد مسعود؛ آرزو جمشیدی شیخی آبادی
- ۳۹ واکاوی معنا در معماری تاریخی و معاصر شهر سمنان با تمرکز بر آرای پدیدارشناسانه نوربرگ-شولتس
سید مهیار هاشمی هزاوه؛ فرامرز حسن پور؛ سعید کامیابی
- ۶۱ کشف ساختار دانش در داده‌کاوی شهری با استفاده از تحلیل هم‌رخدادی واژگان
عنایت اله محقق نسب؛ محمود محمدی
- ۷۵ خوانشی بر تحولات کالبدی فضای باز و نیمه‌باز در بناهای تهران اواخر قاجار و پهلوی اول
جوهر کوتی؛ ژاله صابر نژاد؛ مهرداد متین
- ۹۵ فلسفه تاریخ معماری اسلامی در نگرش شرق‌شناسی
مرضیه ثابت اقلیدی؛ احد نژاد ابراهیمی؛ لیلا مدقالچی



گردشگری پایدار و دوگانه طبیعت و ورزش؛ تدوین راهبردهای توسعه گردشگری استان کرمانشاه

مهرناز مولوی^{۱*}، امیرحسین عظیم پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده: امروزه، با شتابی که تاریخ شاهد آن نبوده است، گردشگری به یکی از عریض‌ترین و رنگین‌ترین نظام‌های صنعتی بدل شده و در مسیری دوربرد و راهبردی، به ایجاد تغییرات شگرف اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی همت گماشته است. ویژگی‌های طبیعی استان کرمانشاه حاکی از ظرفیتی سرشار است. گردشگری می‌تواند در قامت یک قوام‌بخش در عرصه فرهنگی و اجتماعی درخشیده تا با آمیزه‌ای از فرهنگ، هیجان و فعالیت‌های ورزشی، گردشگران و سرمایه را به سوی استان رهنمون سازد. این پژوهش ضمن در نظرگیری رونق اقتصاد و فرصت‌های شغلی جامعه محلی، مشخص می‌کند که توانایی‌ها و محدودیت‌های توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه چیست؟ و به دنبال این هدف است که راهبردهای توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه را ارائه دهد و مؤثرترین آن‌ها جهت نیل به هدف را شناسایی کند. پژوهش حاضر به جهت روش آمیخته، از جهت هدف توسعه‌ای - کاربردی، از لحاظ ماهیت پیمایشی - اکتشافی و به لحاظ زمان مقطعی است. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی و جهت تحلیل داده‌ها از دو روش SWOT و QSPM و برای نمونه‌گیری از روش گلوله برفی استفاده شد. نتیجه یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده موقعیت گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه در بخش راهبردهای بازنگری یا تدافعی (WT) است و بر این اساس «ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف دولت و برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی جهت ارتقا کیفیت خدمات عمومی در مکان‌های گردشگری ورزشی به ویژه مراکز ورزش‌های هوایی» در اولویت نخست و «بازبینی دولت در برنامه‌ریزی و حمایت از بخش خصوصی...» و «حمایت دولت از توسعه متقابل گردشگری و ورزش با برگزاری دوره‌های آموزشی...» و «آموزش و استفاده از کارشناسان در نهادها و ادارات مرتبط با گردشگری...» در اولویت‌های بعد قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی راهبردی، کرمانشاه، گردشگری طبیعی - ورزشی، SWOT، QSPM.

^۱ استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران؛ نویسنده مسئول: mehrnaz.molavi@gmail.com

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

رشد گردشگری، مهیج و غنی، به ویژه در اقتصادهای در حال توسعه که با نوسانات ارزی و اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ایران، با تکیه بر جاذبه های فراوان در گستره انواع گردشگری، مسیر بکری را در این صنعت می بیند. مسیری که می توان با برنامه ریزی دقیق و اندیشه ورزی در بستر توسعه زیرساخت های گردشگری به پیشبرد این صنعت در خدمت توسعه پایدار و همه جانبه اندیشید (علی بیگی و سپید نامه، ۱۳۹۸). استان کرمانشاه بر اساس نتایج آمارگیری نیروی کار در پاییز ۱۴۰۲ با برآورد نقطه ای نرخ بیکاری ۱۱/۲ درصد پنجمین استان کشور از حیث بیکاری در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). تنوع طبیعی و ویژگی های جغرافیایی دربرگیرنده مناطق کوهستانی تا مناطق گرم و خشک و بیابانی حاکی از ظرفیت گردشگری بالای استان است.

پژوهش حاضر با نگاهی کاوشگرانه به استان کرمانشاه و با تأکید بر توانایی های وافر گردشگری طبیعی - ورزشی آن، به دنبال ایجاد زمینه های مشتاقانه برای رونق بخشی به اقتصاد و فراهم آوردن فرصت های شغلی برای جامعه است. در این راستا، گردشگری نه تنها در قامت یک شغل که به عنوان یک قوام بخش در عرصه فرهنگی و اجتماعی درخشانده و راهی به سوی توسعه همه گیر و پیوسته را می شکافد. در واقع این مطالعه به تدوین تدابیری می پردازد که به سازمان دهی و بهینه سازی گردشگری کمک رسانده تا با آمیزه ای از بستر طبیعی و فعالیت های ورزشی، گردشگران را به سوی این منطقه رهنمون سازد. باین حال، مشخص است که مسیر توسعه گردشگری در کرمانشاه به موازات حل چالش های عمیق تر اقتصادی و اجتماعی و دیدگاهی چندجانبه و همه جانبه در تمامی بخش ها پیموده می شود. این پژوهش مشخص می کند که توانایی ها و محدودیت های توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه چیست؟ و راهبردهای توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه را جهت نیل به هدف را شناسایی و ارائه می کند.

انسان از آغاز پیدایش خویش بر خاک، همواره با سفر هم آوا بوده است؛ سفرهایی که در ابتدا از سر نیاز به آب و غذا، امنیت و یافتن منابع نو آغاز شد؛ اما به مرور، با برآورده شدن این خواست های بنیادین، سفر از کالبد صرف اکتشاف و به دست آوردن، به انگیزه های والاتری چون تفریح و لذت بخشی بالید. در این میان، ساخت ابزارهای نو برای جابه جایی، از خلق چرخ تا بدیع ترین فناوری های حمل و نقل، میدان دید بشر را وسیع تر کرد. در واقع به او این امکان را بخشید تا با تمام نقاط جهان پیوند خورده و از سرزمینی به سرزمین دیگر گام نهد. در این افق، گردشگری، به مثابه فعالیتی جامع، با انباشته ای از خدمات و ساختارها در بطن شهرها شکل گرفت که واحدهای گوناگونی از جمله حمل و نقل، استراحتگاه ها، سرو خوراک و فرصت های خرید و تفریح برای سیاحانی که دور از دیار خویش هستند را شامل می شود. توسعه اقتصادی، افزایش اوقات فراغت و توسعه شبکه های حمل و نقل سریع و ارزان، همگی وضعیتی را پدید آوردند که منجر به رشد بازاریابی در بخش گردشگری شد (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۸).

امروزه با شتابی که تاریخ شاهد آن نبوده است، گردشگری به یکی از گسترده ترین نظام های صنعتی بدل شده و در مسیری دوربرد و راهبردی، به ایجاد تغییرات شگرف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی همت گماشته است. این صنعت، در جایگاه موتور محرکه اقتصاد جهانی، به سودآوری ارزی و اشتغال زایی چشمگیر پرداخته و در توسعه زیربناها نقش آفرینی می کند. در این میان شهرها به بستری برای جنگ اقتصاد گردشگری بدل گشته اند. ایران، با عنایت به موقعیت جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کشور می تواند به یکی از قطب های گردشگری جهان تبدیل گردد (محلانی، ۱۳۹۳). باین حال، در حال حاضر سهم این سرزمین از منافع گردشگری، ناچیز است و لازم است که با بصیرت فراوان و از طریق تدبیر راهبردهای مدون و سنجیده، در این صنعت جای پای استوار یابد (امین رستم کلایی و همکاران، ۱۳۹۸).

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در ارتباط مستقیم و نسبی با موضوع حاضر به لحاظ هدف و روش صورت گرفته است. پژوهشی باهدف ارزیابی چالش‌ها و راهبردهای توسعه گردشگری شهری اهواز با روش آمیخته و الگوی QSPM - SWOT، راهبردهای «جذب سرمایه بخش خصوصی جهت حفظ و نگهداری جاذبه‌های گردشگری»، «بهبود حفاظت از جاذبه‌های گردشگری از طریق همکاری‌های بین‌سازمانی» و «ارتقای سهم اهواز از بازار گردشگری داخلی و خارجی با بهبود کیفیت جاذبه‌های گردشگری، ابزارهای الکترونیکی و تبلیغاتی» را در صدر اولویت‌ها شناسایی کرد (راهدار، ۱۴۰۳).

در پژوهشی دیگر با عنوان «تحلیل مدیریت گردشگری خلاق شهر زاهدان با الگوی QSPM» با استفاده روش آمیخته و الگوی SOWT و QSPM، راهبرد «ایجاد مکان‌های فرهنگی و هنری برای عرضه محصولات خلاق فرهنگی» را در اولویت و «اجرای طرح امکان‌سنجی گردشگری در شهر زاهدان»، «هماهنگ‌سازی ساختن سازمان‌های متولی گردشگری و دیگر سازمان‌ها» و «آموزش شهروندان و مطلع ساختن آن‌ها از چگونگی برخورد با گردشگران» را در جایگاه‌های بعدی نمایان ساختند (مولوی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی توسعه گردشگری پایدار شهر مراغه بر اساس فن سوات» با استفاده از روش آمیخته و دلفی به ارائه راهبردها پرداخته شد که نتایج بیانگر رقابتی/تهاجمی بودن راهبردها و وجود آثار تاریخی و باستانی غنی به‌عنوان مهم‌ترین نقطه قوت توسعه گردشگری مراغه است. همچنین نامناسب بودن زیرساخت‌های محیطی کالبدی به‌عنوان مهم‌ترین نقطه‌ضعف شناسایی شد (قهرمان و همکاران، ۱۴۰۲).

در پژوهش‌های پیرامون مطالعات استان کرمانشاه، جهت رتبه‌بندی زمینه‌های بوم‌گردی، گردشگری تاریخی و انسان‌ساخت جهت توسعه پایدار منطقه‌ای کرمانشاه با استفاده از روش کمی و آزمون تحلیل عاملی دریافتند که وضع گردشگری انسان‌ساخت استان به‌جز در شهر کرمانشاه

نامطلوب است. در بخش گردشگری تاریخی اختلاف معناداری میان شهرستان کرمانشاه در رده نخست و ثلاث باباجانی در رده آخر وجود دارد. شاخص گردشگری طبیعی برای تمامی شهرها به‌استثنای سرپل ذهاب، قصر شیرین، اسلام‌آباد غرب و سنقر در وضع مطلوبی قرار دارد. (فیض‌اله‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). علاوه بر این در پژوهشی دیگر جهت «بررسی عوامل راهبردی مدیریت گردشگری روستایی با استفاده از الگوی QSPM - SWOT در استان کرمانشاه» با استفاده از جامعه آماری خبرگان، به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر مدیریت گردشگری روستایی استان پرداخته شد. از میان راهبردهای چهارگانه توسعه گردشگری روستایی، راهبردهای تهاجمی مناسب‌ترین راهبرد است. بنا بر نتایج از میان راهبرد اصلی شناسایی‌شده، راهبرد بازنگری در اولویت است (رضایی و جلیلیان، ۱۳۹۸).

در نگاه به عرصه جهانی، پژوهشی با بررسی توسعه پایدار گردشگری مبتنی بر طبیعت در الجزایر با استفاده از پرسش‌نامه و روش دلفی پرداخته و با بررسی ویژگی مکان و فرهنگ‌های محلی نمایان ساخت که مناطق کوهستانی با توجه به ویژگی‌های منحصر آن‌یک کانون جاذبه برای بازدیدکنندگان است. ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی همراه با توجه مضاعف به مشارکت مردم محلی، به ترتیب در اولویت و مطلوبیت برای توسعه گردشگری پایدار مناطق کوهستانی قرار گرفتند (Khalfallah, 2023). پژوهشی دیگر جهت ارزیابی گردشگری روستایی مبتنی بر بوم‌گردی در اوکراین با استفاده از داده‌های اسنادی دریافت که تعامل گردشگران با طبیعت از طریق استفاده پایدار از منابع، تمرکز تجاری بر حمایت از زیست‌بوم سالم، مناطق تعامل فعال با جمعیت محلی، تأکید بر بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی، افزایش آگاهی و جذب سرمایه برای استفاده پایدار به‌عنوان ویژگی‌های هدف و اقدامات حفاظت از محیط‌زیست در اولویت است (Kotsiuk et al., 2023).

همچنین به جهت بررسی تأثیر اراضی و منابع طبیعی پیرامون شهرها در گردشگری پایدار لهستان، با استفاده از

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- گردشگری و بازتعریفی جدید

تاریخ گردشگری، سیر تکاملی از یک ضرورت بقا به یک نیروی اقتصادی و اجتماعی روزآمد را نشان می‌دهد (Kumar, 2018). این صنعت در ایران، با توجه به میراث فرهنگی غنی، تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و ارزش‌های اجتماعی به خصوص در دوران صفوی و پهلوی اول گسترش یافت (محلانی، ۱۳۹۳، کاظمی، ۱۳۸۵). درک علوم مرتبط با انسان‌شناسی مانند گردشگری از «جامعه‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، علوم سیاسی، انگاره انتقادی و مطالعات فرهنگی بین‌رشته‌ای» برای درک مطالب حوزه خود استفاده می‌کند (Leite & Graburn, 2009). این تکامل در نحوه مطالعه گردشگری بر لزوم حرکتی فراتر از پارادایم تأثیر و در نظر گرفتن تخصیص خلاقانه و اختراعات فرهنگی در بستر گردشگری تأکید می‌کند. فرهنگ، قومیت، هویت، تغییر، میراث، تحرک، نیروی کار، تجارت، مهمان‌نوازی، صمیمیت، توسعه و محیط‌زیست از جمله مفاهیم و حوزه‌هایی هستند که به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر گردشگری قرار گرفته و تغییر می‌کنند (Simoni, 2020).

از سوی دیگر، امروزه درک شیوه‌های گردشگری و نقش تشریفات در ایجاد واکنش‌های احساسی پیرامون آن حائز اهمیت است (Bargeman & Richards, 2020)؛ بنابراین گردشگری، به‌عنوان یک مفهوم وسیع و تعامل‌پذیر تعریف می‌شود که تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه و محیط طبیعی داشته و به تدریج باید در جهت بهبود تدابیر و تعاملات اجتماعی و اقتصادی گام بردارد. این دیدگاه‌ها با بازتعریف گردشگری به‌عنوان یک موضوع و ابزار، به‌ویژه در زمینه برنامه‌ریزی شهری و روستایی گسترش یافته و فرانسه یکی از پیشروها در این خصوص بوده است (Sicart, 2016).

۳-۲- گردشگری طبیعی - ورزشی

واضح است که جوامع توسعه می‌یابند، اقتصادها بالغ می‌شوند، مردم با بهبود سبک زندگی عمر طولانی‌تری خواهند داشت و اوقات فراغت بیشتری دارند که گردشگری

داده‌های ثانویه پژوهشی انجام شد. نتایج بررسی‌ها حاکی از امکان استفاده از ذخایر طبیعی منتخب شهرها برای توسعه اشکال پایدار گردشگری فعال به‌ویژه پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، آموزشی و فعالیت‌های تفریحی روزانه ساکنان شهرها است. همچنین نقاط شناسایی شده با برنامه‌ریزی مناسب گردشگری زیست‌بوم محور توانایی تبدیل به یک مقصد محبوب در بین گردشگران زیست‌بوم را دارد (Gonia & Thöle, 2022). در پژوهشی دیگر جهت توسعه نوآورانه گردشگری پایدار و اشتغال‌زایی از طریق رویدادهای ورزشی بر اساس روش کمی دریافتند که توسعه پایدار گردشگری از طریق ورزش با متغیرهای متعددی از جمله تأثیر اقتصادی، نگرش ساکنان به رویدادهای ورزشی و گرایش شهروندان به کارآفرینی قابل پیش‌بینی است. علاوه بر این، رویدادهای ورزشی بر گرایش شهروندان به سمت کارآفرینی تأثیر می‌گذارد. در نتیجه رویدادهای ورزشی بسیاری از جنبه‌های یک مقصد گردشگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Tsekouropoulos et al., 2022).

پژوهشگران با بررسی چالش‌ها و فرصت‌های رویدادهای گردشگری ورزشی پایدار در شهر میزبان (نایروبی) با استفاده از روش آمیخته، «برنامه‌ریزی ضعیف» و «مسائل مربوط به سیاست و امنیت» را به‌عنوان چالش‌های عمده پیش روی میزبانی رویداد گردشگری ورزشی شناسایی کردند. نتایج نشان‌دهنده «رونق گردشگری داخلی»، «متنوع سازی محصولات گردشگری و بازاریابی شهرهای میزبان» به‌عنوان فرصت‌های اصلی این پژوهش است (Wanyonyi et al., 2022). بررسی مطالعات پیشین نشان‌دهنده لزوم توجه بیشتر به گردشگری به‌خصوص در پژوهش‌های اخیر در سطوح بین‌المللی، ایران و کرمانشاه دارد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف برای مورد مطالعاتی جدید بوده و در امتداد نسبی با پژوهش قهرمان و همکاران (۱۴۰۲) به ارزیابی و تدوین راهبردهای توسعه پایدار گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه با نگاهی جدید برای استفاده مناسب از مواهب طبیعی این استان می‌پردازد.

سطح محلی - منطقه‌ای مبتنی بر برنامه‌ریزی سازمان‌یافته نیست، بلکه بر اساس اقدامات فردی است که در برخی موارد، به جای توسعه پایدار مقصد، مشکلات اضافی ایجاد می‌کند (Amir et al., 2015). در مقاصد گردشگری، نوآوری‌های اجتماعی و پایدار نیازمند ساختار جدید برنامه‌ریزی، مدیریت و سازمان، منابع محلی نامحدود، منافع جمعی جامعه محلی و شیوه‌های معطوف به توسعه پایدار است (Tsekouropoulos et al., 2022). به این خاطر راهبردهای توسعه گردشگری باید به دنبال نوآوری در مدیریت روابط بین مقاصد گردشگری منطقه‌ای و بازیگران محلی باشند (قادری و همکاران، ۱۳۹۹).

همچنین با تمرکز بر منطقه، توانایی بالقوه گردشگری برای کمک به هویت منحصر به فرد و اهداف پایداری را آشکار کرده و رشد پایدار در مقاصد را رقم می‌زند (Morfoulaki et al., 2023). چنین فضاهایی حتی بر تجربیات حسی گردشگران تأثیرگذار است، به نحوی که حس‌های شنوایی، بویایی و لامسه را حتی در گردشگران کم‌توان و ناتوان تحریک کرده و در عین حال، تراکم‌های سنگی مسیر باعث افزایش تمایل به ادامه صعود می‌شود (Hafiar et al., 2019). گردشگری طبیعی - ورزشی در شهرهای کوهستانی با انجام فعالیت بدنی سازمان‌دهی شده و منظم در طبیعت جذابیتی منحصر به فرد را در ذهن گردشگران فعال ایجاد می‌کند (Soares & Nunes, 2020). اشکالی همچون گردشگری مسیر ضمن کمک به سلامتی به عنوان یک روش ترجیحی تجربه مقصد، به گردشگران اجازه تعامل با جامعه محلی، طبیعت و فرهنگ را داده و تقاضای گسترده فعالیت در فضای باز را برآورده می‌کند (Acevedo-Duque et al., 2022).

در این بین رویدادهای ورزشی و خدمات پیرامون آن با ایجاد ارتباط بین گردشگری و هویت محلی موجب تقویت حس غرور و عزت نفس ساکنان می‌شود (Custódio et al., 2018, Perić, 2018). همچنین توسعه پایدار را از مسیر طبیعت، ورزش و تغییرات اجتماعی به ارمغان می‌آورد (Perna et al., 2019, Seočanac, 2022). علاوه بر این

را به فعالیت مهم‌تری بدل می‌کند (Bell et al., 2007). اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت، گردشگری طبیعی را سفری مسئولانه می‌داند که موجب حفظ محیط‌زیست و بهبود زندگی مردم محلی می‌شود (Doswell, 1997). این رشته، با تنوعی در محیط‌های طبیعی و اهداف استفاده از آن، در فضاهای باز طبیعی و مکان‌هایی همچون باغ‌وحش‌ها، باغ‌های گیاه‌شناسی و پرندگان اجرا شده و انگیزه‌هایی از قبیل لذت از طبیعت، ماجراجویی، آموزش و فراغت را در برمی‌گیرد (Mtapuri & Giampiccoli, 2019).

در صورت استفاده مناسب و پیاده‌سازی راهکارهای متناسب با هدف گردشگری، وجهه اقتصادی آن، بیشترین تأثیرگذاری را بر سایر عوامل مؤثر در جامعه محلی هدف دارد (عظیم‌پور و مولوی، ۱۴۰۲). جدیدترین نتایج، افزایش ۰/۱۲ رشد اقتصادی را در مقابل رشد یک درصدی درآمد گردشگری را نشان می‌دهد (Tuncsiper, 2023). اهمیت این مسئله با توجه به توانایی‌های فرهنگی و طبیعی ایران و نیاز به ایجاد اشتغال، بیشتر خودنمایی می‌کند (امینی و همکاران، ۱۳۹۶). در واقع تداخلی میان گردشگری ورزشی و طبیعی وجود دارد که در نتیجه آن، وضعیت مطلوب طبیعی به عنوان اساس توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی شناخته می‌شود (علی‌بیگی و سپید نامه، ۱۳۹۸، امین‌رستم کلایی و زرنندی، ۱۳۹۸). این گردشگری طیف وسیع فعالیت‌هایی است که با غلبه بر موانع در محیط طبیعی انجام شده و ایمنی مسیر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته گردشگری ورزشی به عنوان یک حوزه مستقل و اجتماعی، شیوه زندگی بخشی بزرگ از جامعه شناخته می‌شود (Prokopenko et al., 2020, Perić et al., 2018).

۳-۳- ابعاد تأثیر گردشگری طبیعی - ورزشی

گردشگری به طرز قابل توجهی بر یک مقصد از نظر اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد (Camprubí & Gassiot-Melian, 2023). با این حال ترکیب شیوه‌های فیزیکی و ورزشی در محیط طبیعی می‌تواند توسعه پایدار یک بافت محلی را با بهبود مقصد و محیط اجتماعی - اقتصادی آن افزایش دهد (Radicchi, 2013). معمولاً گردشگری در

و در سویه مثبت خود، حمایت و تعهد جامعه را تقویت می‌کند (Yayla et al., 2023).

۴- روش پژوهش

استان کرمانشاه با مساحت ۲۴۶۴۰ کیلومتر مربع، از سمت شمال با کردستان، از جنوب با لرستان و ایلام، از شرق با همدان و از غرب با کشور عراق همسایه است. مطالعه حاضر از لحاظ روش آمیخته، از لحاظ ماهیت پیمایشی - اکتشافی، به جهت هدف توسعه‌ای - کاربردی و به لحاظ زمان مقطعی است. به منظور تدوین چارچوب فکری پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی و به منظور جمع‌آوری داده‌ها از برداشت‌های میدانی استفاده شد. سرانجام جهت ارائه راهبردهای مربوطه از روش تحلیلی SWOT استفاده گشت. رهیافت‌های حاصل در چهارچوب مربوطه، به عنوان خط‌مشی‌های راهگشا در تقویت زیرساخت‌ها و توانایی‌های گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه ارائه گردید.

همچنین جهت تحقق راهبردی پژوهش با استفاده از جدول برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) به اولویت‌بندی راهبردهای انتخابی در جهت بهبود عملکرد دستگاه مورد هدف پرداخته شد. مراحل فرایند عبارت است از: ۱. مرحله صفر (شروع): تعیین مأموریت ۲. مرحله ورودی: بررسی عوامل داخلی و خارجی و تشکیل جداول (IFE) و (EFE) همراه با تعیین ضرایب و رتبه‌بندی ۳. مرحله مقایسه: تشکیل جداول SWOT، داخلی و خارجی (IE) ۴. مرحله تصمیم‌گیری: اولویت‌بندی راهبردها بر اساس جدول QSPM. به منظور پیاده‌سازی بخش کمی پژوهش، طیف امتیازی یک تا چهار و نظرات گروهی متشکل از ۲۲ تن از خبرگان آشنا به گردشگری استان شامل شش استاد دانشگاهی، هفت کارشناس نهادهای شهری، چهار پژوهشگر حوزه گردشگری و پنج تن از مسئولین گروه‌های گردشگری محلی (جدول شماره ۱) و به جهت نمونه‌گیری جامعه آماری از روش گلوله برفی استفاده شده است.

طیف وسیعی از مزایا همچون رشد اقتصادی، مشارکت جامعه و حمایت از حفاظت طبیعی را به دنبال دارد (Istiqomah et al., 2019). البته گردشگری فعال هزینه روزانه بالاتری را در مقصدها ایجاد می‌کند (Araújo Vila et al., 2020). صنعت ورزش می‌تواند با جذب گردشگر از طریق رویدادهای ورزشی در مقیاس بزرگ، از گردشگری در سطوح کلان کشوری حمایت کند (Nasrulloh et al., 2018). در سطوح بالا، نهادهای دولتی و در سطح اجرایی، ارائه‌دهندگان خدمات اقامتی و حمل‌ونقل در صنعت گردشگری اثرگذار هستند. در واقع دولت ترسیم اولویت‌ها، تعیین مقیاس و گستردگی گردشگری را در کنار هماهنگی با بخش خصوصی بر عهده دارد و سازمان‌هایی مانند بانک‌ها و رسانه‌ها خدمات مکمل و پشتیبان را عرضه می‌کنند (Alavi, 2004, Mtapuri & Giampiccoli, 2019).

توسعه راهبردهای گردشگری طبیعی - ورزشی به دلیل رشد فراوانی و تأثیر بلایای طبیعی، نیاز به رویکردی یکپارچه و مشارکتی‌تر دارد (Bhaskara et al., 2021). به‌ویژه با رشد تقاضای فعالیت‌های خارج از منزل پس از گذار از کووید-۱۹، به توسعه رقابتی گردشگری مبتنی بر طبیعت، از جمله ورزش‌های ماجراجویی تأکید می‌شود (Correia et al., 2022). این روند روبه رشد، نیاز به محصولات و مقاصد نوآورانه و رقابتی که از طریق توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی قابل‌دستیابی است را نمایان ساخت (Azmi et al., 2023). البته آسیب‌پذیری صنعت گردشگری بر اهمیت راهبردهای پایدار، از جمله راهبردهای مرتبط با گردشگری طبیعی - ورزشی تأکید می‌کند (Barbhuiya, 2023).

توسعه پایدار این حوزه با تحقق یک رویداد ورزشی دربرگیرنده نیازهای جامعه محلی و حفظ منابع موجود، شکل می‌گیرد (Lu, 2021). واقعیت این است که گردشگری ورزشی بارد منافعی اقتصادی کوتاه‌مدت، حفاظت زیست‌محیطی و کاهش ردپای به‌جامانده را در پیش می‌گیرد (Hall, 2019). در نتیجه، تأثیر چندبعدی یک رویداد ورزشی بر یک مقصد بر ارتباط و مشارکت ساکنان مؤثر بوده

جدول ۱. جمعیت آماری پژوهش

میانگین سنی	آقایان		بانوان		کل
	۳۸,۴	۳۲,۴	۳۶,۲	۳۲,۴	
جنسیت	۱۴	۸	۲۲ نفر		
کارشناسی ارشد	۸	۵	۱۳		
دکتر	۶	۳	۹		

گردشگری پایدار». مرحله ورودی، مشخص سازی عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر تدوین راهبردهای کلان: در این مرحله عوامل خارجی و داخلی اثرگذار بر استان با بهره گیری از جداول ارزیابی عوامل خارجی (EFE) و ارزیابی عوامل داخلی (IFE) شناسایی و تجزیه و تحلیل می شود.

۵-۱- ارزیابی عوامل خارجی و داخلی

هر منطقه گردشگری سرشار از فرصت ها و تهدیدهایی است که در اثر قوای خارجی حاکم بر منطقه به وجود آمده و در پنج قوای اجتماعی، فرهنگی، بوم شناسی، اقتصادی، سیاسی، قانونی و دولتی، رقابتی و فناوری قابل بررسی است. مطابق با بررسی ها در بخش فرصت ها عامل «توسعه حمل و نقل (جاده ای، ریلی و هوایی)» و در بخش تهدیدها، عامل «تهدید محیط زیست استان در نتیجه توسعه فعالیت های گردشگری» نسبت به سایرین بیشتر مورد تأکید است (جدول شماره ۲).

۵- بحث و یافته های پژوهش

مرحله صفر، بیانیه مأموریت استان کرمانشاه: با بهره گیری از نظرات گروه خبرگان، بیانیه گردشگری طبیعی - ورزشی استان تدوین گردید: «بهره گیری بهینه از توانمندی های طبیعی و ورزشی، در نظرگیری استانداردهای زیست محیطی، ایجاد تجربه رضایت بخش برای گردشگران و ورزشکاران در کنار بهره مندی جوامع محلی از توسعه پایدار گردشگری طبیعی - ورزشی در جهت ایجاد آورده اقتصادی و نیل به توسعه

جدول ۲. ارزیابی عوامل خارجی توسعه گردشگری ورزشی استان کرمانشاه و اولویت بندی عوامل

رتبه	امتیاز وزنی	امتیاز	وزن	فرصت ها (Opportunities)	رتبه
۱	۰/۲۵۸	۳/۹	۰/۰۶۸	توسعه حمل و نقل (جاده ای، ریلی و هوایی)	O1
۲	۰/۲۱۸	۳/۷	۰/۰۵۷	ظرفیت انجام گشت های طبیعی - ورزشی در سطح ملی و بین المللی مانند سنگ نوردی و جشنواره های بومی و محلی مانند زوران و پلان	O2
۳	۰/۲۰۰	۳/۶	۰/۰۵۵	رشد سریع و جهانی شدن بازارهای گردشگری ورزشی با افزایش اوقات فراغت و درآمد سالیانه و افزایش تقاضای گردشگری طبیعی - ورزشی	O3
۴	۰/۱۸۷	۳/۴	۰/۰۵۷	ترقی فناوری های اینترنتی مانند بانک های اطلاعاتی و فراگیری رسانه های ارتباط جمعی	O4
۵	۰/۱۸۳	۳/۴	۰/۰۵۳	افزایش اشتغال و سرانه درآمدی با توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی	O5
۶	۰/۱۶۶	۳/۲	۰/۰۵۳	تغییر نگرش مردم و افزایش توجه دولت به برنامه ریزی و استان، افزایش انگیزه سرمایه گذاری خصوصی در گردشگری طبیعی - ورزشی	O6
۷	۰/۱۶۴	۳/۲	۰/۰۵۲	موقعیت مناسب جغرافیایی استان و ارتباط نزدیک با کشور عراق	O7
۸	۰/۱۵۸	۳/۱	۰/۰۵۰	توسعه بازارهای مختلف اقتصادی، همچون زیارتگاه ها، نمایشگاه ها و...	O8
۹	۰/۱۵۶	۳/۱	۰/۰۵۰	رشد مراکز پژوهشی و افزایش کارشناس در بخش گردشگری طبیعی - ورزشی	O9
رتبه	امتیاز وزنی	امتیاز	وزن	تهدیدها (Threats)	رتبه
۱	۰/۰۵۷	۱/۱	۰/۰۴۷	مشکلات سیاسی، افزایش تنش ها و مرزی بودن استان، سو تبلیغات و تحریم ایران	T1
۲	۰/۰۶۰	۱/۱	۰/۰۵۲	رشد سوداگری قیمت زمین و تخریب اراضی و پوشش گیاهی (جنگل و مراتع)	T2
۳	۰/۰۶۳	۱/۲	۰/۰۵۰	ناتوانی بخش خصوصی و دولتی در سرمایه گذاری و یا جذب سرمایه خارجی	T3
۴	۰/۰۶۵	۱/۲	۰/۰۵۳	ارائه خدمات متنوع گردشگری توسط رقبا و افزایش رقابت در جذب گردشگران	T4
۵	۰/۰۶۷	۱/۲	۰/۰۵۷	تهدید محیط زیست استان در نتیجه توسعه فعالیت های گردشگری طبیعی	T5

T6	محدودیت آب‌وهوایی مناطق کوهستانی برای طرح‌ریزی گردشگری ورزشی فراگیر	۰/۰۵۷	۱/۳	۰/۰۷۸	۶
T7	بی‌ثباتی بازار ارز و نوسانات آن و مشکلات بانکی با خارج کشور	۰/۰۵۸	۱/۴	۰/۰۸۹	۷
T8	تهاجم فرهنگی، تخلف و بزهکاری اجتماعی در مقاصد گردشگری	۰/۰۶۶	۱/۴	۰/۰۹۴	۸
T9	نبود سامانه نظارت و ارزیابی قوی و ضعف در تأمین امنیت گردشگران	۰/۰۶۹	۱/۵	۰/۰۹۷	۹
	$\sum = 2/36$				

نقاط ضعف «نبود زیرساخت‌های مناسب و مراکز اقامتی، رفاهی و بهداشتی مطلوب در مجاورت مقاصد گردشگری» از اهمیت بالاتری نسبت به دیگر عامل‌ها برخوردار هستند. در بررسی جدول ارزیابی عوامل داخلی ۱۸ عامل شناسایی شد (جدول شماره ۳).

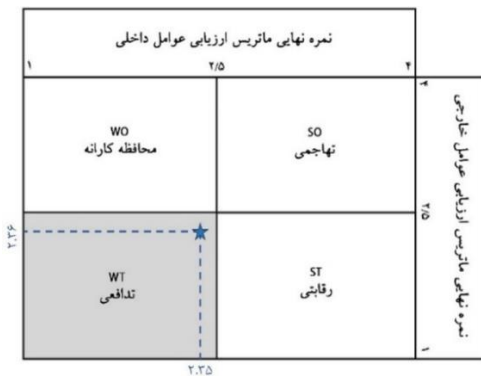
هر منطقه گردشگری سرشار از نقاط قوت و وضعی است که مزیت رقابتی یا تفاوت مهارت‌ها را در بین مناطق گردشگری رقیب رقم می‌زند. با توجه به بررسی به عمل آمده در بخش نقاط قوت عامل «برخوردار بودن از توانایی‌های طبیعی جهت فعالیت‌های گردشگری طبیعی - ورزشی» و در بخش

جدول ۳. ارزیابی عوامل داخلی توسعه گردشگری طبیعی-ورزشی استان کرمانشاه و اولویت‌بندی عوامل

رتبه	امتیاز وزنی	امتیاز	وزن	قوت‌ها (Strengths)	
۱	۰/۲۴۹	۳/۷	۰/۰۶۶	برخوردار بودن از جاذبه‌های طبیعی - ورزشی مرتبط با ورزش‌های آبی، کوهنوردی، غارنوردی، شکار و صید، دامنه نوردی و طبیعت‌گردی برای راه‌اندازی مسیرهای پیاده گردشگری طبیعی - ورزشی.	S1
۲	۰/۲۲۷	۳/۶	۰/۰۶۴	وجود جاذبه گردشگری تاریخی و فرهنگی در کنار مناطق هدف گردشگری طبیعی - ورزشی.	S2
۳	۰/۲۲۰	۳/۶	۰/۰۶۰	توانایی بالا در زمینه ورزشی و قابلیت برگزاری مسابقات ملی و بین‌المللی و بومی و محلی مانند کشتی زوران و پلان.	S3
۴	۰/۲۱۲	۳/۴	۰/۰۶۲	نگرش مثبت مردم نسبت به توسعه فعالیت‌های ورزشی و طبیعت‌گردی.	S4
۵	۰/۱۷۵	۳/۱	۰/۰۵۸	برخوردار بودن از اقلیم چهارفصل در کل استان برای گردشگری.	S5
۶	۰/۱۶۷	۳/۱	۰/۰۵۳	سکونت و کوچ عشایر در مسیرهای جذاب گردشگری طبیعی و ورزشی.	S6
۷	۰/۱۶۶	۳/۱	۰/۰۵۱	وجود تجهیزات فناوری اطلاعات و داشتن بانک‌های اطلاعاتی به‌روز.	S7
۸	۰/۱۶۰	۳/۰	۰/۰۵۰	برخوردار بودن از صنایع دستی و غذایی متنوع جهت کمک به جذب گردشگران.	S8
۹	۰/۱۴۴	۳/۰	۰/۰۴۷	بهره‌مندی از ورزشکاران و طبیعت‌گردهای متخصص در زمینه گردشگری.	S9
رتبه	امتیاز وزنی	امتیاز	وزن	ضعف‌ها (Weaknesses)	
۱	۰/۰۵۳	۱/۱	۰/۰۵۰	نبود زیرساخت‌های مناسب و مراکز اقامتی، رفاهی و بهداشتی مطلوب در مجاورت مقاصد گردشگری.	W1
۲	۰/۰۵۵	۱/۱	۰/۰۵۱	عدم بهره‌وری مناسب از فناوری اطلاعات و تبلیغات اینترنتی بین‌المللی و توانمندی‌های طبیعی - ورزشی استان.	W2
۳	۰/۰۶۱	۱/۲	۰/۰۵۲	عدم حمایت پژوهشی و نبود پایگاه تحقیقاتی برای برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی.	W3
۴	۰/۰۶۴	۱/۲	۰/۰۵۲	ناآگاهی از نیاز گردشگران و ضعف در شناسایی بازارهای هدف.	W4
۵	۰/۰۶۶	۱/۳	۰/۰۵۵	نبود بودجه توسعه مسیر و مقاصد تفریحی و گردشگری - ورزشی.	W5

۶	۰/۰۷۸	۱/۴	۰/۰۵۴	عدم برگزاری نمایشگاه‌ها و اجلاس‌ها، مسابقات چندجانبه ورزشی برای بازاریابی مقاصد گردشگری استان.	W6
۷	۰/۰۸۲	۱/۳	۰/۰۵۶	توانایی پایین در برقراری ارتباط کشورهای خارجی و بخصوص پیشرو در حوزه گردشگری طبیعی - ورزشی.	W7
۸	۰/۰۸۵	۱/۵	۰/۰۵۹	فقدان مسئولان متخصص در زمینه گردشگری طبیعی - ورزشی	W8
۹	۰/۰۸۷	۱/۶	۰/۰۶۰	عملکرد ضعیف رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی عمومی پیرامون تأثیر توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی.	W9
$\sum = 2/35$					

گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه را در بخش راهبردهای بازنگری یا تدافعی (WT) در (شکل شماره ۱) نشان می‌دهد.



شکل ۱. ارزیابی عوامل داخلی و خارجی (IE)

۵-۲- تشکیل جدول SWOT و ارائه راهبردها

در ادامه با بهره از جدول SWOT و قیاس عوامل، راهبردهای چهارگانه تهاجمی (SO)، محافظه کارانه (WO)، رقابتی (ST) و تدافعی (WT) ارائه می‌گردد (جدول شماره ۴).

جدول ۴. تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف (SWOT) گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه

نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)
<p>S1 برخورداری از جاذبه‌های طبیعی - ورزشی مرتبط با ورزش‌های آبی، کوهنوردی، غارنوردی، شکار و صید، دامنه نوردی و طبیعت‌گردی برای راه‌اندازی مسیرهای پیاده گردشگری طبیعی - ورزشی.</p> <p>S2 وجود جاذبه گردشگری تاریخی و فرهنگی در کنار مناطق هدف گردشگری طبیعی - ورزشی.</p> <p>S3 توانایی بالا در زمینه ورزشی و قابلیت برگزاری مسابقات ملی و بین‌المللی و بومی و محلی مانند کشتی زوران و پلان</p>	<p>W1 نبود زیرساخت‌های مناسب و مراکز اقامتی، رفاهی و بهداشتی مطلوب در مجاورت مقاصد گردشگری.</p> <p>W2 عدم بهره‌وری مناسب از فناوری اطلاعات و تبلیغات اینترنتی بین‌المللی و توانمندی‌های طبیعی - ورزشی استان.</p> <p>W3 عدم حمایت پژوهشی و نبود پایگاه تحقیقاتی برای برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی.</p> <p>W4 ناآگاهی از نیاز گردشگران و ضعف در شناسایی بازارهای هدف</p>

مرحله مقایسه، شناسایی و تعیین راهبردهای قابل قبول: در این بخش، باتوجه به اطلاعات به‌دست آمده میان عوامل داخلی و خارجی استان انطباق برقرار شده و به ارائه راهبردهای اجرایی خواهد رسید. پس از ضرب وزن‌ها و رتبه‌های عوامل خارجی و داخلی، باتوجه به وضعیت عوامل، راهبردها (تهاجمی، رقابتی، محافظه کارانه و تدافعی) نوشته می‌شود. در صورت بیشتر بودن جمع امتیازات وزنی جدول عوامل خارجی و جدول عوامل داخلی از ۲/۵، فرصت‌ها و قوت‌های استان بر تهدیدها و ضعف‌ها غالب بوده و در صورت جمع کمتر از ۲/۵، غلبه تهدیدها و ضعف‌ها بر فرصت‌ها و قوت‌های استان را نشان می‌دهد. تشکیل ماتریس داخلی و خارجی (IE): نمایش جداول ارزیابی عوامل داخلی و خارجی (IE) گردشگری طبیعی - ورزشی استان و پیاده‌سازی نمره نهایی جداول ارزیابی عوامل داخلی (۲/۳۵) و خارجی (۲/۳۶)، موقعیت

<p>W5 نبود بودجه توسعه مسیر و مقاصد تفریحی و گردشگری - ورزشی.</p> <p>W6 عدم برگزاری نمایشگاه‌ها و اجلاس‌ها، مسابقات چندجانبه ورزشی برای بازاریابی مقاصد گردشگری استان.</p> <p>W7 توانایی پایین در برقراری ارتباط کشورهای خارجی و بخصوص پیشرو در حوزه گردشگری طبیعی - ورزشی.</p> <p>W8 فقدان مسئولان متخصص در زمینه گردشگری طبیعی - ورزشی</p> <p>W9 عملکرد ضعیف رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی عمومی پیرامون تأثیر توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی.</p>	<p>S4 نگرش مثبت مردم نسبت به توسعه فعالیت‌های ورزشی و طبیعت‌گردی.</p> <p>S5 برخورداری از اقلیم چهارفصل در کل استان برای گردشگری.</p> <p>S6 سکونت و کوچ عشایر در مسیرهای جذاب گردشگری طبیعی و ورزشی.</p> <p>S7 وجود تجهیزات فناوری اطلاعات و داشتن بانک‌های اطلاعاتی به‌روز.</p> <p>S8 برخورداری از صنایع دستی و غذایی متنوع جهت کمک به جذب گردشگران.</p> <p>S9 بهره‌مندی از ورزشکاران و طبیعت‌گردهای متخصص در زمینه گردشگری</p>	
<p>راهبردهای محافظه‌کارانه (WO)</p>	<p>راهبردهای تهاجمی (SO)</p>	<p>فرصت‌ها (O)</p>
<p>WO1 بهره‌برداری از نظام مدیریت سامانه‌های اطلاعاتی و توسعه فناوری و رسانه‌های ارتباط جمعی جهت آموزش و اطلاع‌رسانی به جامعه جهت افزایش آگاهی عمومی از تأثیر صنعت گردشگری طبیعی - ورزشی.</p> <p>WO2 استفاده مناسب از رشد مراکز علمی و پژوهشی، مدیران، کارکنان و اصلاح و بازسازی ساختار ادارات و جذب افراد جوان و متخصص و تحصیل کرده در بخش گردشگری طبیعی - ورزشی.</p> <p>WO3 بهره‌گیری مناسب از تغییر نگرش عمومی و اعتنای بیشتر دولت به برنامه‌ریزی و افزایش انگیزه‌بخش خصوصی باهدف جذب سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها، امکانات تفریحی، ورزشی، اقامتی و رفاهی در مکان‌های هدف.</p>	<p>SO1 پیش‌رو سازی استان در گردشگری طبیعی - ورزشی بین‌المللی با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی مناسب و توانمندی‌های طبیعی مانند کوه‌نوردی همراه با گسترش ورزش‌های هوایی مختلف.</p> <p>SO2 ارتقای نشان و جایگاه مکان‌های گردشگری استان با برگزاری اردوگاه‌ها و مسابقات پرمخاطب مانند سنگ‌نوردی و ورزش‌های بومی مانند کشتی زوران و پلان.</p> <p>SO3 توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی استان با بهره‌برداری درست از تغییر نگرش و افزایش انگیزه عمومی به‌خصوص جوانان به گردشگری طبیعی - ورزشی با تجهیز و ساخت فضاهای گردشگری موردنیاز باوجود منابع طبیعی سرشار، متنوع و توانایی بالای ایجاد پایگاه‌ها و مسیرهای ورزشی در طبیعت.</p> <p>SO4 بهره‌گیری از خبرگان در اداره کل گردشگری و ورزش و جوانان استان در راستای توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی با استفاده از ظرفیت رشد مراکز پژوهشی، سطح تحصیلات و افزایش متخصصین در بخش مربوطه.</p> <p>SO5 استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت معرفی گردشگری طبیعی - ورزشی استان با استفاده از فناوری و شبکه‌های اینترنتی و رسانه‌های ارتباط جمعی فراگیر.</p>	<p>O1 توسعه حمل‌ونقل (جاده‌ای، ریلی و هوایی)</p> <p>O2 ظرفیت انجام گشت‌های طبیعی - ورزشی در سطح ملی و بین‌المللی مانند سنگ‌نوردی و جشنواره‌های بومی و محلی مانند زوران و پلان</p> <p>O3 رشد سریع و جهانی شدن بازارهای گردشگری ورزشی با افزایش اوقات فراغت و درآمد سالیانه و افزایش تقاضای گردشگری طبیعی - ورزشی</p> <p>O4 ترقی فناوری و شبکه‌های اینترنتی مانند بانک‌های اطلاعاتی و فراگیری رسانه‌های ارتباط جمعی</p> <p>O5 افزایش اشتغال و سرانه درآمدی با توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی</p> <p>O6 تغییر نگرش مردم و افزایش توجه دولت به برنامه‌ریزی و استان، افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری خصوصی در گردشگری</p> <p>O7 موقعیت مناسب جغرافیایی استان و ارتباط نزدیک با کشور عراق</p> <p>O8 توسعه بازارهای مختلف اقتصادی، همچون زیارتگاه‌ها، نمایشگاه‌ها و...</p> <p>O9 رشد مراکز پژوهشی و افزایش کارشناس در بخش گردشگری طبیعی - ورزشی</p>
<p>راهبردهای تدافعی (WT)</p>	<p>راهبردهای رقابتی (ST)</p>	<p>تهدیدها (T)</p>
<p>WT1 ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف دولت و برگزار کنندگان رویدادهای ورزشی جهت ارتقا کیفیت خدمات عمومی در مکان‌های گردشگری ورزشی به‌ویژه مراکز ورزش‌های هوایی.</p>	<p>ST1 تشکیل مدیریت یکپارچه، تدوین سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های متناسب با طبیعت‌گردی و حفاظت از محیط‌زیست.</p> <p>ST2 معرفی صنعت گردشگری طبیعی - ورزشی به جامعه و توانایی‌های استان به مردم</p>	<p>T1 مشکلات سیاسی، افزایش تنش‌ها و مرزی بودن استان، سو تبلیغات و تحریم ایران</p> <p>T2 رشد سوداگری قیمت زمین و تخریب اراضی و پوشش گیاهی (جنگل و مراتع)</p> <p>T3 ناتوانی بخش خصوصی و دولتی در سرمایه‌گذاری و یا جذب سرمایه خارجی</p>

<p>WT2 آموزش و استفاده از کارشناسان در نهادها و ادارات مرتبط با گردشگری برای پژوهش و توسعه پایگاه‌های تحقیقاتی به‌منظور توسعه برنامه‌ریزی راهبردی گردشگری طبیعی - ورزشی.</p> <p>WT3 بازبینی دولت در برنامه‌ریزی و حمایت از بخش خصوصی، مشارکت مردم و آیین‌نامه‌های جذب منابع مالی و سرمایه‌گذاری برای توسعه و پراکنش امکانات تفریحی، ورزشی، اقامتی و رفاهی در مناطق مختلف استان برای جذب گردشگر در تمام فصول سال.</p> <p>WT4 حمایت دولت از توسعه متقابل گردشگری و ورزش با برگزاری دوره‌های آموزشی برای برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی، مدیران محلی و کارآفرینان فعال در حوزه گردشگری.</p>	<p>ایران و سایر کشورها به‌خصوص عراق به‌وسیله انجام تبلیغات و بازاریابی مناسب.</p> <p>ST3 ترغیب و حمایت از مردم محلی و سرمایه‌گذاران خارجی جهت مشارکت بیشتر در گردشگری طبیعی - ورزشی استان.</p> <p>ST4 افزایش تنوع فعالیت‌ها و کیفیت خدمات موردنیاز گردشگران، طبقه‌بندی بازارهای هدف بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و ورزشی جهت ایجاد تصاویر ذهنی جذاب و کاهش اثر تنش‌های سیاسی و سو تبلیغات کشورهای مختلف و تحریم.</p> <p>ST5 توسعه فرهنگ گردشگری طبیعی - ورزشی برای تأثیر در ارزش‌ها و فرهنگ جامعه و کاهش تخلفات اجتماعی و خرابکاری‌ها.</p> <p>ST6 گسترش کارگروه‌های مختلف کارشناسی و افراد باتجربه به‌منظور ایجاد مزیت رقابتی، به اجرا درآوردن برنامه‌های حمایتی دولت، از بین بردن دلالتی، کاهش تخلفات اجتماعی و خرابکاری و توزیع درست درآمد بین طبقات مختلف جامعه.</p>	<p>T4 ارائه خدمات متنوع گردشگری توسط رقبا و افزایش رقابت در جذب گردشگران</p> <p>T5 تهدید محیط‌زیست استان در نتیجه توسعه فعالیت‌های گردشگری طبیعی</p> <p>T6 محدودیت آب‌وهوایی مناطق کوهستانی برای طرح‌ریزی گردشگری ورزشی فراگیر</p> <p>T7 بی‌ثباتی بازار ارز و نوسانات آن و مشکلات بانکی با خارج کشور</p> <p>T8 تهاجم فرهنگی، تخلف و بزهکاری اجتماعی در مقاصد گردشگری</p> <p>T9 نبود سامانه نظارت و ارزیابی قوی و ضعف در تأمین امنیت گردشگران</p>
---	---	--

۳-۵- برنامه‌ریزی کمی راهبردی

مرحله قبل (تدافعی) مشخص می‌گردد. جهت اولویت‌بندی راهبردهای با استفاده از جدول برنامه‌ریزی راهبردی کمی، در ستون عوامل همه فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها، ضعف نوشته‌شده و در مقابل آن‌ها وزن هر عامل قرار گرفته است. برای تعیین امتیاز جذابیت (AS) هر یک از عوامل کلیدی از نظرات اعضای گروه خبرگان و طیف امتیازی یک تا چهار استفاده شد. جمع وزن‌ها برای هر راهبرد برابر با دو و بر اساس جمع حاصل ضرب امتیاز جذابیت در وزن هر عامل (TAS) هر راهبرد، راهبردها اولویت‌بندی گردیدند. (جدول شماره ۵).

مرحله تصمیم‌گیری، اولویت‌بندی راهبردهای استخراج‌شده: در جدول SWOT چهار دسته راهبرد همگون با شرایط داخلی و خارجی تدوین و در جدول IE مشخص شد که جایگاه استان در قسمت بازنگری یا تدافعی قرار دارد؛ بنابراین با توجه به اینکه راهبردهای تدافعی، بهینه‌ترین راهبرد شناخته شدند، بیشترین تمرکز بر روی این راهبردها صورت گرفته است. جدول برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM): با استفاده از این روش جذابیت نسبی راهبردهای انتخاب‌شده در

جدول ۵. برنامه‌ریزی کمی راهبردی (QSPM)

راهبردها								وزن	عوامل
WT4		WT3		WT2		WT1			
TAS	AS	TAS	AS	TAS	AS	TAS	AS		
									فرصت‌ها
۰/۱۲۲	۱/۸	۰/۰۹۵	۱/۴	۰/۰۹۵	۱/۴	۰/۱۲۹	۱/۹	۰/۰۶۸	O1
۰/۰۹۱	۱/۶	۰/۱۰۲	۱/۸	۰/۰۹۱	۱/۶	۰/۰۹۶	۱/۷	۰/۰۵۷	O2
۰/۰۷۷	۱/۴	۰/۰۷۷	۱/۴	۰/۰۸۸	۱/۶	۰/۰۶۶	۱/۲	۰/۰۵۵	O3
۰/۰۸۰	۱/۴	۰/۰۹۱	۱/۶	۰/۰۶۸	۱/۲	۰/۰۹۱	۱/۶	۰/۰۵۷	O4
۰/۰۸۵	۱/۶	۰/۱۰۶	۲	۰/۰۷۴	۱/۴	۰/۰۵۸	۱/۱	۰/۰۵۳	O5

راهبردها								وزن	عوامل
WT4		WT3		WT2		WT1			
TAS	AS	TAS	AS	TAS	AS	TAS	AS		
۰/۰۶۳	۱/۲	۰/۰۹۵	۱/۸	۰/۰۶۳	۱/۲	۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳	O6
۰/۰۶۲	۱/۲	۰/۰۶۲	۱/۲	۰/۰۷۲	۱/۴	۰/۰۸۸	۱/۷	۰/۰۵۲	O7
۰/۰۷۰	۱/۴	۰/۰۸۰	۱/۶	۰/۰۶۰	۱/۲	۰/۰۷۰	۱/۴	۰/۰۵۰	O8
۰/۰۵۰	۱	۰/۰۷۰	۱/۴	۰/۰۶۰	۱/۲	۰/۰۵۵	۱/۱	۰/۰۵۰	O9
									تهدیدها
۰/۱۵۰	۳/۲	۰/۱۷۹	۳/۸	۰/۱۰۳	۲/۲	۰/۱۴۱	۳	۰/۰۴۷	T1
۰/۱۸۷	۳/۶	۰/۱۷۷	۳/۴	۰/۱۵۶	۳	۰/۱۸۷	۳/۶	۰/۰۵۲	T2
۰/۱۷۰	۳/۴	۰/۱۶۰	۳/۲	۰/۱۴۰	۲/۸	۰/۱۹۰	۳/۸	۰/۰۵۰	T3
۰/۱۸۰	۳/۴	۰/۱۵۹	۳	۰/۱۷۵	۳/۳	۰/۲۱۲	۴	۰/۰۵۳	T4
۰/۱۹۴	۳/۴	۰/۲۰۵	۳/۶	۰/۱۸۲	۳/۲	۰/۲۱۶	۳/۸	۰/۰۵۷	T5
۰/۱۸۲	۳/۲	۰/۲۰۵	۳/۶	۰/۱۹۴	۳/۴	۰/۱۹۳	۳/۴	۰/۰۵۷	T6
۰/۲۲۰	۳/۸	۰/۱۷۴	۳	۰/۱۸۵	۳/۲	۰/۱۵۱	۲/۶	۰/۰۵۸	T7
۰/۲۲۴	۳/۴	۰/۲۶۴	۴	۰/۱۸۵	۲/۸	۰/۲۲۴	۳/۴	۰/۰۶۶	T8
۰/۲۴۸	۳/۶	۰/۲۲۱	۳/۲	۰/۲۲۱	۳/۲	۰/۲۳۵	۳/۴	۰/۰۶۹	T9
۲/۴۵		۲/۵۲		۲/۲۱		۲/۴۵		۱	جمع نمرات عوامل خارجی
									قوتها
۰/۱۲۲	۲	۰/۰۹۲	۱/۴	۰/۰۷۹	۱/۲	۰/۱۱۹	۱/۸	۰/۰۶۶	S1
۰/۱۱۵	۱/۸	۰/۱۰۲	۱/۶	۰/۱۱۵	۱/۸	۰/۱۲۸	۲	۰/۰۶۴	S2
۰/۰۹۶	۱/۶	۰/۰۹۰	۱/۵	۰/۰۸۴	۱/۴	۰/۱۰۸	۱/۸	۰/۰۶۰	S3
۰/۱۳۶	۲/۲	۰/۱۲۲	۱/۸	۰/۰۸۷	۱/۴	۰/۱۱۱	۱/۸	۰/۰۶۲	S4
۰/۰۶۹	۱/۲	۰/۱۰۴	۱/۸	۰/۱۰۴	۱/۸	۰/۰۹۳	۱/۶	۰/۰۵۸	S5
۰/۱۰۶	۲	۰/۰۷۴	۱/۴	۰/۰۸۵	۱/۶	۰/۱۰۶	۲	۰/۰۵۳	S6
۰/۰۸۲	۱/۶	۰/۰۷۱	۱/۴	۰/۰۷۱	۱/۴	۰/۰۸۲	۱/۶	۰/۰۵۱	S7
۰/۰۶۰	۱/۲	۰/۰۸۰	۱/۶	۰/۰۵۰	۱	۰/۱۱۵	۲/۳	۰/۰۵۰	S8
۰/۰۶۶	۱/۴	۰/۰۶۶	۱/۴	۰/۰۶۶	۱/۴	۰/۱۶۰	۴/۳	۰/۰۴۷	S9
									ضعفها
۰/۱۹۰	۳/۸	۰/۱۶۰	۳/۲	۰/۱۶۰	۳/۲	۰/۱۹۰	۳/۸	۰/۰۵۰	W1
۰/۱۷۳	۳/۴	۰/۱۸۷	۳/۶	۰/۱۸۷	۳/۶	۰/۱۶۸	۳/۳	۰/۰۵۱	W2
۰/۱۸۷	۳/۶	۰/۱۷۷	۳/۴	۰/۱۷۷	۳/۴	۰/۱۳۵	۲/۶	۰/۰۵۲	W3
۰/۱۹۸	۳/۸	۰/۱۸۷	۳/۶	۰/۱۲۵	۲/۴	۰/۱۹۸	۳/۸	۰/۰۵۲	W4
۰/۱۵۴	۲/۸	۰/۱۵۴	۲/۸	۰/۱۹۸	۳/۶	۰/۲۰۹	۳/۸	۰/۰۵۵	W5
۰/۱۹۴	۳/۶	۰/۱۹۴	۳/۶	۰/۲۱۶	۴	۰/۲۱۶	۴	۰/۰۵۴	W6
۰/۱۷۹	۳/۲	۰/۱۹۰	۳/۴	۰/۱۹۰	۳/۴	۰/۱۹۰	۳/۴	۰/۰۵۶	W7
۰/۱۷۷	۳	۰/۱۸۹	۳/۲	۰/۲۰۰	۳/۴	۰/۱۸۹	۳/۲	۰/۰۵۹	W8
۰/۲۱۶	۳/۶	۰/۲۲۸	۳/۸	۰/۱۸۰	۳	۰/۱۹۲	۳/۲	۰/۰۶۰	W9
۲/۵۲		۲/۵۱		۲/۳۷		۲/۷۱		۱	جمع نمرات عوامل داخلی
۴/۹۷		۵/۰۳		۴/۵۸		۵/۱۶			امتیاز راهبرد

۵-۴- اولویت بندی راهبردها بر اساس نتایج جدول QSPM

همان طور که در (جدول شماره ۵) ملاحظه می شود اولویت اول راهبردها «ایجاد هماهنگی بین نهادها و بخش های مختلف دولت و برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی جهت ارتقا کیفیت خدمات عمومی (مانند امنیت گردشگران، پارکینگ،

سرویس بهداشتی، نمازخانه و...) در مکان های گردشگری ورزشی به ویژه مراکزهای ورزش های هوایی» است. بعد از آن دیگر راهبردها بر اساس امتیازاتی که با جدول برنامه ریزی راهبردی کمی به دست آمده اند اولویت بندی شده اند (جدول شماره ۶).

جدول ۶. اولویت بندی راهبردهای تدافعی

اولویت راهبردها	راهبردها	امتیاز راهبرد انتخاب شده
اول	WT1 ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف دولت و برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی جهت ارتقا کیفیت خدمات عمومی در مکان های گردشگری ورزشی به ویژه مراکز ورزش های هوایی.	۵/۱۶
دوم	WT3 بازبینی دولت در برنامه ریزی و حمایت از بخش خصوصی، مشارکت مردم و آیین نامه های جذب منابع مالی و سرمایه گذاری برای توسعه و پراکنش امکانات تفریحی، ورزشی، اقامتی و رفاهی در مناطق مختلف استان برای جذب گردشگر در تمام فصول سال.	۵/۰۳
سوم	WT4 حمایت دولت از توسعه متقابل گردشگری و ورزش با برگزاری دوره های آموزشی برای برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی، مدیران محلی و کارآفرینان فعال در حوزه گردشگری.	۴/۹۷
چهارم	WT2 آموزش و استفاده از کارشناسان در نهادها و ادارات مرتبط با گردشگری برای پژوهش و توسعه پایگاه های تحقیقاتی به منظور توسعه برنامه ریزی راهبردی گردشگری طبیعی - ورزشی.	۴/۵۸

۶- نتیجه گیری و پیشنهادها

گردشگری طبیعی یکی از مهم ترین بخش های گردشگری به لحاظ اقتصادی در تمام نقاط دنیا به حساب می شود. رشد روزافزون صنعت گردشگری و به خصوص در زمینه طبیعت گردی و ورزشی حاکی از آن است که باید نگاهی جدی به منظور برنامه ریزی در این بخش برای ادارات متولی داشت. از سویی دیگر گردشگری طبیعی - ورزشی، با تکیه بر توانایی های فراوان استان کرمانشاه از جمله مناطق کوهستانی متنوع، جاذبه های طبیعت گردی و بازارهای موجود فرهنگی و تاریخی، می تواند به محرکی برای اشتغال و اقتصاد منطقه تبدیل گردد. در مجموع، بر اساس قرارگیری وضعیت گردشگری استان در بخش راهبردهای بازنگری یا تدافعی، ارتقای کیفیت خدمات عمومی در مکان های گردشگری ورزشی، همچون امنیت، اسکان و ارتباطات، به خصوص در مراکز ورزش های هوایی، در کانون توجه قرار دارد. با توجه به محدودیت های موجود، پیشنهاد می شود که راهبردهای

پیشنهادی با مقصود استفاده از غنای فرهنگی و طبیعی به عنوان مزیت های رقابتی برای جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی به صورت فعالانه تری دنبال گردند.

وجود برنامه ریزی صحیح و پژوهش بنیان زمینه ساز تولید سیاست ها و برنامه هایی خواهد شد که توسعه پایدار گردشگری و ورزش را تضمین می کند. همچنین، ضروری است که از توانایی ها و تخصص افراد محلی به منظور ایجاد تجربه ای جذاب و ماندگار برای گردشگران و ورزشکاران استفاده شود. می توان اذعان کرد که توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی در استان کرمانشاه نیازمند توجه جدی به زیرساخت ها، ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف، نوآوری در بازاریابی و تبلیغات و به کارگیری بهینه نیروی انسانی متخصص است. این امر مستلزم حمایت های دولتی، بخش خصوصی و همکاری های فراملی برای جذب سرمایه گذاری و گردشگران به ویژه در موقعیت های کانونی است. در مجموع، توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی در استان کرمانشاه می تواند به مثابه دمیدن روح تازه ای به بدنه اقتصاد

منطقه‌ای باشد که با استفاده از ذخایر طبیعی استان در نهایت، مطابق با نتایج برگرفته از پژوهش گونیا^۱ و توله^۲ (۲۰۲۲) و کوتسیوک^۳ و همکاران (۲۰۲۳) به ارتقای کیفیت زندگی، حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار منجر خواهد شد. مشروط بر آنکه سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی به‌درستی و با دقت انجام‌پذیرند. استان کرمانشاه در غرب کشور از جاذبه‌های فراوان طبیعی برخوردار است.

حسب نتایج مشترک این پژوهش و فیض‌اله‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، استان کرمانشاه در خصوص توانایی گردشگری طبیعی در جایگاه بالایی قرار داشته و این توانایی قابل‌لمس است. در ادامه با گرایشی اقتصادی که گردشگری طبیعی - ورزشی به منابع طبیعی استان خواهد داد، درآمدزایی برای مردم محلی و نهادهای متولی ایجاد کرده و نیاز برای ظرفیت‌سازی بیشتر گردشگری را به وجود می‌آورد. این روند حسب نتایج پژوهش تسکوروبولوس^۴ و همکاران (۲۰۲۲) قابل‌دستیابی است. همچنین با توجه به دریافت عدم مطلوبیت وضعیت گردشگری انسانی استان در پژوهش فیض‌اله‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، سوق به سمت توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی و تسهیلات پیرامون آن منتج به شکل‌گیری چرخه توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی شکل می‌شود که سیر این روند در (شکل شماره ۲) نمایان است.

در مقام مقایسه نتایج با سایر پژوهش‌های استان کرمانشاه، برنامه‌ریزی گردشگری طبیعی - ورزشی در استان کرمانشاه به نسبت گردشگری روستایی در پژوهش رضایی و جلیلیان (۱۳۹۸)، از در حالت تدافعی‌تری بوده و از نقاط ضعف و تهدید بیشتری برخوردار است. بررسی نتایج نشان از نامناسب بودن زیرساخت‌ها در جایگاه مهم‌ترین نقطه‌ضعف

گردشگری استان کرمانشاه و از نقاط ضعف اساسی کشور در خصوص گردشگری دارد که با نتایج پژوهش قهرمان و همکاران (۱۴۰۲)، مولوی و همکاران (۱۴۰۲) و راهدار (۱۴۰۳) همسو است. توسعه گردشگری کشور در هر زمینه‌ای بیش از هر چیزی از مسیر واپایش نقاط ضعف و حداقلی است تا بتوان جهت رسیدن به زیرساخت‌های برنامه‌ریزی کرد. همچنین در آخر در راستای راهبردهای تدافعی اولویت‌بندی شده، راهکارهایی کاربردی ارائه گردیده است.

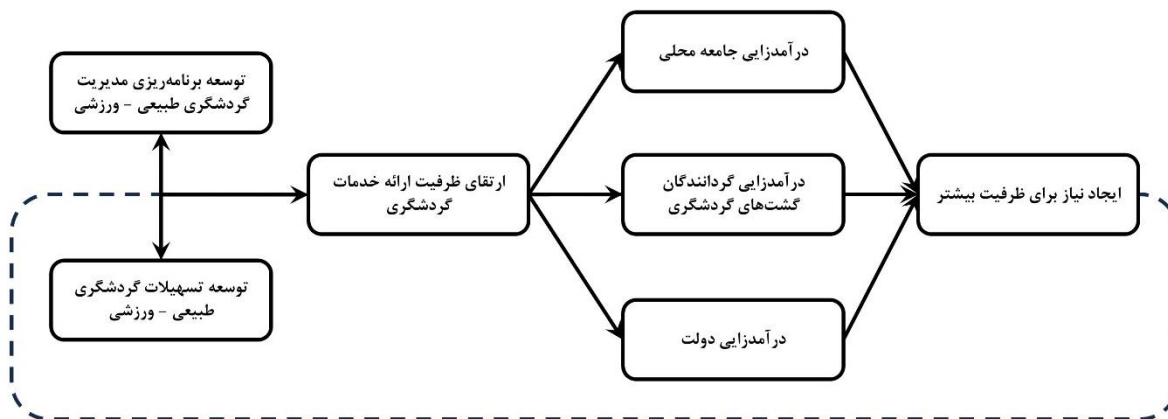
- تشکیل کارگروهی از نماینده نهادهای دولتی ذی‌نفوذ و بخش خصوصی استان برای بررسی کیفیت خدمات در مکان‌های گردشگری طبیعی - ورزشی.
- آموزش نیروی ماهر، قوانین شفاف، برنامه‌ریزی فضایی، نظارت بر محیط طبیعی و جمعیت گردشگران، در کنار حمایت از سیاستمداران و جامعه محلی.
- تخصیص بهینه منابع برای سرمایه‌گذاری و توزیع امکانات مناسب جهت بهره‌برداری از مناطق زودبازده گردشگری.
- فروش اوراق مشارکت برای تأسیس و برگزاری طرح‌های گردشگری طبیعی - ورزشی.
- توزیع مطلوب فضایی و جغرافیایی مکان‌های گردشگری طبیعی - ورزشی در جهت تعدیل و پرهیز از تراکم و مزاحمت گردشگران بر مناطق محدود.
- برگزاری همایش‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای فرهنگی و نمایان‌سازی مزایای توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی.

^۱ Kotsiuk

^۴ Tsekouropoulos

^۱ Gonia

^۲ Thöle



شکل ۲. چرخه توسعه گردشگری طبیعی - ورزشی استان کرمانشاه

- پاپلی یزدی، محمدحسین و سقایی، مهدی. (۱۳۸۸). گردشگری ماهیت و مفاهیم، انتشارات سمت، تهران.
- راهدار، احمد. (۱۴۰۳). چالش‌ها و راهبردهای توسعه گردشگری شهری بر اساس مدل SWOT - QSPM (مطالعه موردی: کلان‌شهر اهواز). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۶(۴)، ۱۱۱-۸۷.

<https://doi.org/10.22034/GAHR.2023.428091.1996>

- رضایی، عبدالمطلب و جلیلیان، سارا. (۱۳۹۸). بررسی عوامل راهبردی مدیریت گردشگری روستایی با استفاده از تکنیک SWOT و تشکیل جدول QSPM در استان کرمانشاه. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۵۰(۱)، ۲۱۸-۲۰۱.

<https://doi.org/10.22059/ijaedr.2019.250773.668551>

- عظیم پور، امیرحسین و مولوی، مهرناز. (۱۴۰۲). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر ساماندهی رود و رود کناره‌های شهری با تأکید بر گردشگری پایدار (مطالعه موردی رودخانه زرجوب رشت). *اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*، ۴(۳)، ۱۵۸-۱۷۱.

<https://doi.org/10.22034/uep.2023.423156.1423>

- فیض‌اله‌پور، مهدی، چراغی، مهدی و میری، زهرا. (۱۴۰۱). رتبه‌بندی زمینه‌های توسعه اکو توریسم،

۷- منابع

- امین رستم کلایی، نگار و پور سلطانی زرنندی، حسین. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری ورزشی با تأکید بر جاذبه‌های طبیعی ورزشی استان البرز. *فصلنامه علمی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی*. ۸(۲)، ۱۱۶-۱۰۹.

<https://doi.org/10.30473/arsm.2020.6456>

- امینی، مرجان، امینی، مژگان، مهدی پور، عبدالرحمن و قاسمی، حمید. (۱۳۹۶). تبیین شاخص‌های تأثیرگذاری موانع گردشگری ورزشی ایران با استفاده از روش AHP گروهی با تأکید بر نقش اطلاعاتی و ارتباطی. *مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی*، ۴(۱۵)، ۲۶-۳۵.

<https://ensani.ir/file/download/article/1537962314-9938-96.pdf>

- علی بیگی، جواد و سپید نامه، بهروز. (۱۳۹۸). بررسی دیدگاه‌های گردشگران ورزشی کوهنوردی ساکنین شهر ایلام در جهت برنامه‌ریزی گردشگری با تأکید بر امنیت گردشگران (مطالعه موردی: منطقه کوهستانی گچچان). *علوم و فناوری محیط‌زیست*، ۱۱(۲۱)، ۲۱۶-۲۰۱.

<https://doi.org/10.22034/jest.2020.22015.3112>

- (2022). Scientometric analysis of hiking tourism and its relevance for wellbeing and knowledge management. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(14), 8534.
- <https://doi.org/10.3390/ijerph19148534>
- Alavi, M. (2004). Regional stratigraphy of the Zagros fold-thrust belt of Iran and its proforeland evolution. *American Journal of Science*, 304(1), 1-20.
- <http://dx.doi.org/10.2475/ajs.304.1.1>
- Amir, A. F., Abd Ghapar, A., Jamal, S. A., & Ahmad, K. N. (2015). Sustainable tourism development: A study on community resilience for rural tourism in Malaysia. *Procedia-social and behavioral sciences*, 168, 116-122.
- <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.10.217>
- Araújo Vila, N., Fraiz Brea, J. A., & Araújo, A. F. (2020). Health and sport: Economic and social impact of active tourism. *European Journal of Investigation in Health, Psychology and Education*, 10(1), 70-81.
- <https://doi.org/10.3390/ejihpe10010007>
- Azmi, E., Rose, R. A. C., Awang, A., & Abas, A. (2023). Innovative and competitive: A systematic literature review on new tourism destinations and products for tourism supply. *Sustainability*, 15(2), 1187.
- <https://doi.org/10.3390/su15021187>
- Barbhuiya, M. R. (2023). Post-pandemic tourism strategies: A case of Himachal Pradesh. *Journal of Emergency Management*, 21(7), 315-337.
- <https://doi.org/10.5055/jem.0709>
- Bargeman, B., & Richards, G. (2020). A new approach to understanding tourism practices. *Annals of Tourism Research*, 84, 102988.
- <https://doi.org/10.1016/j.annals.2020.102988>
- Bell, S., Tyrväinen, L., Sievänen, T., Pröbstl, U., & Simpson, M. (2007). Outdoor recreation and nature tourism: A European perspective. *Living Reviews in Landscape Research*, 1(2), 1-46.
- گردشگری تاریخی و انسان‌ساخت در جهت توسعه پایدار منطقه‌ای (مطالعه موردی استان کرمانشاه). پژوهش‌های جغرافیایی اقتصادی، ۳(۸)، ۳۶-۱۹.
- <https://doi.net/dor/20.1001.1.27173747.1401.3.8.2.9>
- قادری، اسماعیل، بابایی، یاور، اکبری اربطان، کلثوم و فردوسی، سجاد. (۱۳۹۹). تبیین تأثیر خودکارآمدی کارآفرینی و قابلیت نوآوری بر عملکرد کسب و کارهای گردشگری (مورد مطالعه: شهر تبریز). برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۹(۳۵)، ۱۳۴-۱۱۲.
- <https://doi.org/10.22080/jtpd.2021.17908.3197>
- قهرمان، ناصر، سید میرزایی، سید محمد، ازکیا، مصطفی. (۱۴۰۲). برنامه‌ریزی توسعه گردشگری پایدار در شهر مراغه بر اساس تکنیک سوات. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۶(۴۲)، ۲۴۰-۲۲۹.
- <https://doi.org/10.22034/aaud.2023.288865.2488>
- کاظمی، مهدی. (۱۳۸۵). گردشگری، محیط و چالش‌های توسعه گردشگری پایدار برای کشورهای در حال توسعه. علوم مدیریت ایران، ۱(۳)، ۱۱۸-۸۹.
- <https://www.sid.ir/paper/130372/fa>
- محللاتی، صلاح‌الدین. (۱۳۹۳). درآمدی بر جهانگردی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
 - مرکز آمار ایران. چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار. پاییز ۱۴۰۲.
 - مولوی، مهرناز، رحیمی، علی و درزاده مهر، عبدالباسط. (۱۴۰۲). تحلیل مدیریت گردشگری خلاق با مدل QSPM مطالعه موردی شهر زاهدان. فصلنامه علوم محیطی، ۲۱(۳)، ۷۲-۴۹.
- <https://doi.org/10.48308/envs.2023.1217>
- Acevedo-Duque, Á., Llanos-Herrera, G. R., García-Salirrosas, E. E., Simón-Isidoro, S., Álvarez-Herranz, A. P., Álvarez-Becerra, R., Sánchez Díaz, L. C.

<https://doi.org/10.1080/09669582.2018.1560456>

- Istiqomah, A., Ekayani, M., Nuva, P., Pramudita, D., Idris, B., & Osmaleli. (2019). Manfaat ekonomi wisata alam pada pemenuhan pengeluaran rumah tangga dan konservasi taman nasional. *Jurnal Ilmu Pertanian Indonesia*, 24(3), 280-288.

<https://doi.org/10.18343/jipi.24.3.280>

- Khalfallah, B. (2023). Sustainable tourism development in mountain regions. The case study of the Jabel Mesaad, Algeria. *Technium Social Sciences Journal*, 39(1), 591-601.

<https://doi.org/10.47577/tssj.v39i1.8108>

- Kotsiuk, V., Rogova, N., Medvid, L., & Popovych, O. (2023). Ecological rural tourism: sustainable use of natural resources and ecosystems. *Investytsiyi: praktyka ta dosvid*, 12. 113-119.

<http://dx.doi.org/10.32702/2306-6814.2023.12.113>

- Kumar, V. (2018). Emerging trends in sociology of tourism. *Social Int J*, 2(3), 225-237.

<https://doi.org/10.15406/sij.2018.02.00053>

- Leite, N., & Graburn, N. (2009). Anthropological interventions in tourism studies. In T. Jamal & M. Robinson (Eds.), *The SAGE Handbook of Tourism Studies* (pp. 35-64). *SAGE Publications Ltd*.

<https://doi.org/10.4135/9780857021076.n3>

- Lu, H. F. (2021). Hallmark sporting events as a vehicle for promoting the sustainable development of regional tourism: Strategic perspectives from stakeholders. *Sustainability*, 13(6), 3460.

<https://doi.org/10.3390/su13063460>

- Morfoulaki, M., Myrovali, G., Kotoula, K.-M., Karagiorgos, T., & Alexandris, K. (2023). Sport tourism as driving force for destinations' sustainability. *Sustainability*, 15(3), 2445.

<https://doi.org/10.3390/su15032445>

- Mtapuri, O., & Giampiccoli, A. (2019). Tourism, community-based tourism and

<http://dx.doi.org/10.12942/rlrl-2007-2>

- Bhaskara, G. I., Filimonau, V., Wijaya, N. M. S., & Suryasih, I. A. (2021). The future of tourism in light of increasing natural disasters. *Journal of Tourism Futures*, 7(2), 174-178.

<https://doi.org/10.1108/JTF-10-2019-0107>

- Camprubí, R., & Gassiot-Melian, A. (2023). Advances in *Tourism Image and Branding*. *Sustainability*, 15(4), 3688.

<https://doi.org/10.3390/su15043688>

- Correia, A. I., Silva, G., & Rachão, S. (2022). Adventure sports and nature-based tourism: Assessment of canyoning spots in the North Region of Portugal. *International Conference on Tourism Research*, 15(1), 110.

<https://doi.org/10.34190/ictr.15.1.110>

- Custódio, M. J., Azevedo, A., & Perna, F. (2018). Sport events and local communities: A partnership for placemaking. *Journal of Place Management and Development*, 11(1), 6-25.

<https://doi.org/10.1108/JPMD-02-2017-0019>

- Doswell, R. (1997). Tourism: How effective management makes the difference. *Routledge*.

<https://doi.org/10.4324/9780080519463>

- Gonia, A., & Jezierska-Thöle, A. (2022). Sustainable Tourism in Cities—Nature Reserves as a 'New' City Space for Nature-Based Tourism. *Sustainability*, 14(3), 1581.

<https://doi.org/10.3390/su14031581>

- Hafiar, H., Prastowo, F. A., Priyatna, C. C., & Novianti, E. (2019). Natural tourism through the sensation of tourists with visual impairments. *WESTECH. EAI*

<http://dx.doi.org/10.4108/eai.8-12-2018.2283936>

- Hall, C. M. (2019). Constructing sustainable tourism development: The 2030 agenda and the managerial ecology of sustainable tourism. *Journal of Sustainable Tourism*, 27 (7), 1044-1060.

Physical Culture and Sport. *Studies and Research*, 57(1) 44-57.

<https://doi.org/10.2478/pcssr-2013-0007>

- Seočanac, M. (2022). Transformative experiences in nature-based tourism as a chance for improving sustainability of tourism destinations. *Economics of Sustainable Development*, 6(1), 1-10.

<https://doi.org/10.5937/ESD2201001S>

- Sicart, C. (2016). An essay on redefining tourism: An epistemological approach and town and country planning for tourism (Doctoral dissertation, Perpignan Via Domitia University). *European Journal of Tourism Research*, 14, 123–126.

<https://doi.org/10.54055/ejtr.v14i.251>

- Simoni, V. (2020). Encountering Tourism. *Oxford Research Encyclopedia of Anthropology*.

<https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190854584.013.170>

- Soares, J., & Nunes, N. (2020). Levada walks and canyoning as mountain sport products in nature tourism. *European Journal of Tourism, Hospitality, and Recreation*, 10(1), 41-55.

<https://doi.org/10.2478/ejthr-2020-0004>

- Tsekouropoulos, G., Gkouna, O., Theocharis, D., & Gounas, A. (2022). Innovative Sustainable Tourism Development and Entrepreneurship through Sports Events. *Sustainability*, 14(8), 4379.

<https://doi.org/10.3390/su14084379>

- Tuncsiper, C. (2023). Investigation of the Relationship Between the Tourism Revenue and the Economic Growth for Türkiye: A Relative Sensitivity Analysis Approach. *Journal of Economics, Finance and Management Studies*, 1260-1271

<https://doi.org/10.47191/jefms/v6-i3-28>

- Wanyonyi, L., Njoroge, J. M., & Juma, R. (2021). Challenges and Opportunities to Sustainable Sport Tourism Events: Insights from an Urban Host City. *Journal of Tourism Hospitality and Sports*, 55(6), 40-55.

ecotourism: A definitional problematic. *South African Geographical Journal*, 101(1), 22-35.

<https://doi.org/10.1080/03736245.2018.1522598>

- Nasrulloh, A., Sumaryanto, M., Nugroho, S., & Sumarjo, M. (2018). *Strategy of sport industry development as supporting tourism in DIY. In Proceedings of the 2nd Yogyakarta International Seminar on Health, Physical Education, and Sport Science (YISHPESS 2018) and 1st Conference on Interdisciplinary Approach in Sports (CoIS 2018) (pp. 252-258). Atlantis Press.*

<https://doi.org/10.2991/yishpess-cois-18.2018.62>

- Perić, M. (2018). Estimating the perceived socio-economic impacts of hosting large-scale sport tourism events. *Social Sciences*, 7(176), 1–18.

<https://doi.org/10.3390/socsci7100176>

- Perić, M., Đurkin, J., & Vitezić, V. (2018). Active event sport tourism experience: The role of the natural environment, safety, and security in event business models. *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 13(5), 758-772.

<http://dx.doi.org/10.2495/SDP-V13-N5-758-772>

- Perna, F., Custódio, M., & Oliveira, V. (2019). Local communities and sport activities expenditures and image: Residents' role in sustainable tourism and recreation. *European Journal of Tourism, Hospitality, and Recreation*, 9(1), 49-59.

<https://doi.org/10.2478/ejthr-2019-0006>

- Prokopenko, O., Rusavska, V., Maliar, N., Tvelina, A., Opanasiuk, N., & Aldankova, H. (2020). Digital toolkit for sports tourism promoting. *International Journal of Advanced Research in Engineering and Technology (IJARET)*, 11(5), 84-96.

https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3628048

- Radicchi, E. (2013). Tourism and sport: Strategic synergies to enhance the sustainable development of a local context.

community commitment, and communication. *European Journal of Tourism Research*, 33, 3311.

<https://doi.org/10.54055/ejtr.v33i.2762>

<https://doi.org/10.7176/JTHS/55-06>

- Yayla, Özgür, Koç, B., & Dimanche, F. (2023). Residents' support for tourism development: Investigating quality-of-life,

نحوه ارجاع به مقاله:

مولوی ، مهرناز، و عظیم پور ، امیرحسین. (۱۴۰۳). گردشگری پایدار و دوگانه طبیعت و ورزش؛ تدوین راهبردهای توسعه گردشگری استان کرمانشاه، توسعه پایدار شهری، ۵(۱۷)، ۱۹-۱.

 DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2024.2023176.1214>

 DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.1.5>

URL: https://usdjournals.daneshpajooan.ac.ir/article_720967.html?lang=fa



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



سنجش مؤلفه‌های بر سازنده‌ی حس مکان در بافت‌های تاریخی؛ مروری بر محله بازار کرمانشاه

مجتبی لرننگه*^۱، محمد مسعود^۲، آرزو جمشیدی شیخی آبادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده: حس مکان مفهومی مهم و تأثیرگذار در احساس شهروندان یک شهر یا باشندگان یک محله است. علاوه بر آن، توجه به شاخص‌های مرتبط با این حس می‌تواند در پویایی فعالیت‌ها در بستر محلی، ماندگاری ساکنان در محله، افزایش حس تعلق مکانی افراد و تعهدشان نسبت به آن بسیار مؤثر باشد. این پژوهش با ماهیت توسعه‌ای-کاربردی، روش کمی و روش تحلیل توصیفی انجام شده است. فرضیه این پژوهش آن است که بر ساخت حس مکان در محله بازار به علت عقبه تاریخی‌اش، متأثر از عامل معناست. عطف به هدف پژوهش، سنجش عوامل بر سازنده‌ی حس مکان در محله بازار، حجم نمونه با توجه به جمعیت سال ۱۳۹۵ محله بازار واقع در بافت تاریخی و مرکز کرمانشاه که ۲۷۶۰ نفر بود و با به‌کارگیری فرمول کوکران و لحاظ نمودن خطای ۰/۰۵، ۳۶۲ نفر برآورد شد. به منظور سنجش متغیرهای وابسته پژوهش حاضر، از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. در مدل ترسیم شده متغیرهای وابسته کالبد، معنا و فعالیت به‌عنوان عناصر سازنده حس مکان در بافت تاریخی محله بازار مورد سنجش قرار گرفته‌اند. فزون بر آن، با استفاده از نرم‌افزار ایموس گرافیک (AG) مدل پژوهش مورد تحلیل واقع شد تا میزان اثرگذاری هر یک از متغیرها بر ایجاد حس مکان در محله بازار کرمانشاه مشخص شود. نتایج حاکی از آن است که سه مؤلفه معنا، فعالیت و کالبد در بر ساخت حس مکان محله بازار دخالت دارند. بدین معنا که تمامی شاخص‌ها در سطح معناداری بالایی قرار داشتند. عطف به مدل معادلات ساختاری تدوین شده و برآزش آن، می‌توان چنین استدلال کرد که مؤلفه معنا با بار عاملی ۰/۹۹۷ بالاترین تأثیرگذاری را بر ایجاد حس مکان دارد. فزون بر آن، مؤلفه فعالیت با بار عاملی ۰/۹۶۷ و مؤلفه کالبد با بار عاملی ۰/۹۱۵ کمترین میزان تأثیرگذاری را بر ایجاد حس مکان در محله بازار کرمانشاه دارند.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، حس مکان، کرمانشاه، مدل معادلات ساختاری، محله بازار

^۱ * دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول [Emial: m.lorzangeneh@au.ac.ir](mailto:m.lorzangeneh@au.ac.ir)

^۲ استاد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۳ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

حس مکان مفهومی مهم و تأثیرگذار در احساس شهروندان یک شهر یا باشندگان یک محله است. فزون بر آن، عواملی که این حس را در تک‌تک افراد اجتماعات محلی به وجود می‌آورد، ارتقا می‌دهد و یا روبه‌زوال می‌برد از موضوعات مهمی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند شهر، محله، تعاملات افراد، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و عوامل بسیار دیگر را به انحطاط بکشانند. از این رو، توجه و تمرکز بر این مسئله در گفتمان شهرسازی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری باید ملحوظ نظر واقع شود.

به‌طور تقریبی مدت‌زمان زیست در یک محله با حس مکان عمدتاً رابطه معناداری دارد و پژوهش‌های بسیاری به این نتیجه دست‌یافته‌اند (حیدری، ۱۳۹۹). همچنین، تقلیل حس مکان به مدت حضور و عدم توجه به دیگر عناصر بر سازنده‌ی آن می‌تواند این مفهوم اساسی را به پدیده‌ای ساده تنزل دهد. مسئله دیگر آنکه تنها توجه به مؤلفه‌های اجتماعی، کالبدی، فعالیتی، معنایی نمی‌تواند نتیجه‌ای درخور به پژوهشگر ارائه دهد. چراکه همواره خطر تقلیل‌گرایی و در نظر نیابردن دیگر عوامل مؤثر در تحلیل وجود دارد. در پژوهش حاضر به منظور شناسایی عوامل و مؤلفه‌های بر سازنده‌ی حس مکان در محله بازار کرمانشاه سعی شده است تا دایره شمول بیشتری از آن‌ها را در پژوهش موردبررسی قرار دهد. بدین ترتیب، در همین راستا، سنجش بیشتر مؤلفه کالبدی (دانش‌پور و صفارسبزواری، ۱۳۹۷؛ الهویسی و چاره‌جو، ۱۴۰۰؛ شهریار و مشک‌سار، ۱۴۰۰)، فعالیتی (ضابطیان و خیرالدین، ۱۳۹۷) و معنا (Darby & Özata, 2017) به ارزیابی هم‌زمان سه مؤلفه معنا، فعالیت و کالبد تبدیل شده است. همواره یکی از اهداف رشد و توسعه‌های شهری در بافت‌های تاریخی سراسر شهرهای ایران، این بوده است تا از مهاجرت‌های درون محلی به دیگر نقاط شهر جلوگیری به عمل آید. این مسئله و ماندن در محله نیازمند ملزوماتی است. به‌طوری‌که گاهی عنصری اجتماعی، کالبدی یا معنایی موجب تقویت حس مکان می‌گردد. به‌طور مثال، ساکنان محله تاریخی امامزاده یحیی در تهران به علت

سکونت و ماندگاری‌شان در این محله احساس افتخار می‌کنند و حس مکان نیز در این محله بالاست (محمد‌مرادی، ۱۳۹۸). این در حالی است که در محله تاریخی آبشوران کرمانشاه باوجود تکیه بیگربریگی، تکیه معاون‌الملک، مساجد مختلف و دیگر ابنیه واجد ارزش تنها ۰/۴۲ از تغییرات مؤلفه‌های اجتماعی مربوط به ابعاد حس مکان است (پورموسوی و همکاران، ۱۴۰۲). از این رو، پرداختن به پیچیدگی‌های بافت تاریخی می‌تواند به منظور ارائه طرح‌های کارآمد مفید باشد.

هدف اصلی این پژوهش سنجش عوامل بر سازنده‌ی حس مکان در محله‌ی بازار شهر کرمانشاه است. این محله یکی از قدیمی‌ترین محلات بافت تاریخی شهر کرمانشاه است که طی سالیان متمادی نقش مهمی را حیات شهری ایفا می‌کرده است (Amanat, 1983). بازار و شهر کرمانشاه اگرچه در دهه‌های اخیر با مشکلات کالبدی چندی از قبیل فرسودگی کالبدی، از رونق افتادن نسبی بازار تحت تأثیر مظاهر مدرنیته (پاساژهای تجاری، مگامال‌ها و مانند آن) و برخی مشکلات زیست‌محیطی مواجه بوده است اما کماکان فعالیت‌های جاری در آن و عملکردهای ماندگار و هویت پویا در طول زمانش باقی‌مانده است. بدین ترتیب، سؤالات موردبررسی در این پژوهش به‌قرار زیر قابل طرح است:

۱. چه عواملی بر سازنده‌ی حس مکان در محله‌ی بازار کرمانشاه است؟
۲. آیا مؤلفه معنا در ایجاد و ارتقا حس مکان در محله‌ی بازار کرمانشاه تأثیرگذارتر است؟

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

در (جدول شماره ۱) اهم مقالات و پژوهش‌هایی که مرتبط با موضوع حاضر هستند آورده شده‌اند.

آنچه از برآیند خوانش مطالعات مرتبط حاصل می‌شود این است که پژوهش‌های داخلی و خارجی هر یک به نحوی از انحا در یکی از مؤلفه‌های کالبد، فعالیت و معنا قرابت بیشتری با پژوهش حاضر دارند. بدین صورت که در مؤلفه کالبدی (پورموسوی و همکاران، ۱۴۰۲؛ دانش‌پور و صفارسبزواری، ۱۳۹۷؛ الهویسی و چاره‌جو، ۱۴۰۰؛ شهریار و

کوشش کرده‌اند تا به سنجش هم‌زمان مؤلفه‌های سازنده‌ی حس مکان مبادرت ورزند. لازم به ذکر است که در پژوهش (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸) تا حدی مطالعه در بخش‌هایی به سمت هویت مکانی سوق پیدا کرده است. این در حالی است که در پژوهش (پورموسوی و همکاران، ۱۴۰۲) سعی شده است تنها حس مکان در بافت محله مورد ارزیابی قرار گیرد که البته با تأکید بر اصول نوشهر گرایی پژوهش به سرانجام رسیده است.

مشک‌سار، ۱۴۰۰؛ احمدی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰؛ Lewicka, 2011)، فعالیت (ضابطیان و خیرالدین، ۱۳۹۷؛ حبیب‌زاده کوزه‌کنانی و همکاران، ۱۴۰۱؛ رضایی و حج‌فروش، ۱۳۹۸) و معنا (De؛ Darby & Özata, 2017؛ Nardi, 2017؛ میرزایی و همکاران، ۱۳۹۷) بر مؤلفه‌های بر سازنده‌ی حس مکان در محلات تأکید داشته‌اند. همچنین، در این میان، دو پژوهش (پورموسوی و همکاران، ۱۴۰۲ و محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸) تنها پژوهش‌هایی بودند که

جدول ۱. مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با پژوهش

نویسنده	عنوان پژوهش	نتیجه و یافته‌ها
دانش‌پور و صفار سبزواری (۱۳۹۷)	تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزواری	نتایج نشان می‌دهد سه هنجار «تنوع و جذابیت»، «شخصیت کالبدی منحصر به فرد»، «دید و منظر» نسبت به سایر عوامل کالبدی همبستگی بیشتری با حس تعلق به مکان مورد مطالعه دارند و «انعطاف‌پذیری» از همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر عوامل برخوردار است. همچنین، سنجش‌های «تسهیلات رفاهی»، «وجود پارکینگ»، «وجود نظم و هماهنگی»، «رعایت تناسبات بصری» و «ایمنی عابر پیاده» به ترتیب کمترین مطلوبیت را داشته‌اند و لازم است به منظور افزایش تعلق به مکان در بازرگانی فضا مورد توجه قرار گیرند.
ضابطیان و خیرالدین (۱۳۹۷)	سطوح حس مکان در فضاهای شهری (نمونه موردی: میدان امام خمینی و امام حسین شهر تهران)	نتایج این پژوهش حاکی از آن است که با افزایش جاذبه و به‌ویژه تنوع فعالیت‌ها و همچنین حرکت از فعالیت‌های اجباری به انتخابی و به‌ویژه اجتماعی، میزان حس مکان افزایش می‌یابد. در نهایت راهبردهایی در جهت ارتقای میزان حس مکان در فضاهای شهری بر اساس نتایج مباحث مذکور، ارائه شده است.
میرزایی و همکاران (۱۳۹۷)	واکاوای رابطه مؤلفه‌های آسایش بصری با ابعاد حس مکان (نمونه موردی: محله تاریخی استقلال، شهر بجنورد)	نتایج کلی پژوهش با استناد به خروجی تحلیل‌های آماری نرم‌افزار SPSS بیانگر آن است که آسایش بصری بر حس مکان در محدوده مورد مطالعه به دلیل وجود همبستگی بین مؤلفه‌های سازنده آن‌ها تأثیرگذار بوده است. همچنین، میزان این تأثیر را می‌توان از طریق شدت تأثیر مؤلفه‌های سازنده آسایش بصری، از جمله اثرات رنگ و نور، نما و معماری ابنیه و غیره محله استقلال شهر بجنورد بر مؤلفه‌های سازنده حس مکان، از جمله امنیت، خوانایی، احساس تعلق و غیره نیز دنبال کرد.
محمدمرادی و همکاران (۱۳۹۸)	سنجش حس مکان و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آن در بافت تاریخی تهران (مورد پژوهی: محله تاریخی امامزاده یحیی)	نتایج نشان داد که در مجموع، حس مکان ساکنان محله امامزاده یحیی در سطح پایینی قرار دارد و از جمله دلایل آن می‌توان به نارضایتی ساکنان از عوامل کالبدی، اجتماعی، فعالیت‌ی و معنایی در محله اشاره کرد. همچنین آزمون همبستگی نشان داد میان حس مکان ساکنان و احساس افتخار آن‌ها به حضور در محله، رابطه معناداری وجود دارد و سطح بالای حس مکان باعث می‌شود تا ساکنان با شدت بیشتری خود را اهل محله خویش بدانند و متناسب با آن، انگیزه تداوم سکونت و ماندگاری‌شان در محل زندگی ارتقا یابد. در مقابل نحوه پیدا کردن مسیرها توسط ساکنان در این محله، رابطه معناداری با بعد وابستگی به مکان برقرار نکرده است. همچنین نتایج حاکی از این است که وجود ابنیه تاریخی در محله امامزاده یحیی به‌رغم علاقه‌مندی ساکنان به آن (۴/۷۶ = میانگین)، به‌خودی‌خود موجب تقویت حس مکان در ساکنان نمی‌گردد.
رضایی و حج‌فروش (۱۳۹۸)	ارزیابی عملکرد مؤلفه‌های آسایش بصری و رابطه آن با حس مکان (مطالعه موردی: شهر یزد)	بر اساس نتایج، تکنیک MAPPAC و وزن‌دهی مؤلفه‌های مربوط که به روش سلسله‌مراتبی فولر انجام شد، مؤلفه‌ی کیفیت معماری بناها با وزن ۰/۳۸۱ مهم‌ترین عامل اثرگذار بر آسایش بصری مردم و مؤلفه‌ی امنیت اجتماعی با وزن ۰/۲۹۱ مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر حس مکان شهروندان شهر یزد است. همچنین مؤلفه پوشش گیاهی با وزن ۰/۰۶۹ کمترین عامل اثرگذاری بر آسایش بصری مردم و مؤلفه ایمنی عناصر کالبدی با وزن ۰/۰۳۳ کمترین عامل اثرگذاری بر حس مکان شهروندان شهر یزد محسوب می‌شوند. همچنین

نویسنده	عنوان پژوهش	نتیجه و یافته‌ها
		نتایج پژوهش بیانگر رابطه معنادار میان مؤلفه‌های آسایش بصری و مؤلفه‌های حس مکان در شهر یزد (در سطح ۹۵ درصد) است.
الهویسی و چاره جو (۱۴۰۰)	تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سنندج)	نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای بُعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دل‌بستگی، عوامل کالبدی و اجتماعی و متغیرهای مستقل فردی رابطه معناداری با متغیر وابسته دل‌بستگی به مکان وجود دارند. همچنین، مقایسه عوامل دل‌بستگی در بین چهار محدوده نشان می‌دهد که محله بافت حاشیه با کمترین میزان دل‌بستگی به محله، از میان ابعاد دل‌بستگی، بعد عاطفی و از میان عوامل دل‌بستگی، عامل کالبدی نقش مؤثرتری بر دل‌بستگی و تعلق مکان دارد.
شهریاری و مشک سار (۱۴۰۰)	بررسی عناصر کالبدی حس تعلق به مکان در محلات شهری (مطالعه موردی: شهرک شهید بهشتی شهر شیراز)	نتایج نشان داد که در بخش مربوط به گوپه‌های مورد مطالعه در آزمون تی تک نمونه‌ای شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد بودن با میزان ۳/۹۰ در بالاترین سطح از میانگین قرار گرفته و در بین متغیرهای مستقل حس تعلق به مکان و شاخص‌های کالبدی آن همبستگی ضعیف بوده است و همچنین رابطه آماری معناداری وجود ندارد.
احمدی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰)	تبیین مؤلفه‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران مورد مطالعه: محور علمی- فرهنگی دروازه دولت- میدان انقلاب	ویژگی‌های کالبدی، طبقات اجتماعی ساکنین، استفاده‌کنندگان از فضا، ویژگی‌های طبیعی، محورهای ترافیکی و خیابان‌ها در این پهنه بر مؤلفه‌های حس مکان تأثیرگذار هستند؛ بنابراین، نوع توجه و اولویت دادن به هر مؤلفه برای سیاست‌گذاران برنامه‌ریزی و طراحی شهری به‌منظور ارتقای حس مکان اهمیت بسزایی دارد.
حبیب‌زاده کوزه‌کنانی و همکاران (۱۴۰۱)	تحلیلی بر عوامل تبیین‌کننده‌ی حس مکان در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: شهر تبریز)	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده‌ی حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز به ترتیب مؤلفه‌های فضایی-عملکردی، ادراکی-معنایی و کالبدی-فیزیکی بارزش ۰/۶۸، ۰/۵۱ و ۰/۴۶ بوده است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که با توجه به سطوح حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز، ادراک و احساس مادی و عینی و تا حدودی اقدام رفتارهای فردی یعنی حضور، استقرار و تعلق به مکان (سطوح اولیه‌ی حس مکان) تحقق یافته و ادراک و احساس فراعینی و ذهنی یعنی دل‌بستگی و تعهد به مکان (سطوح نهایی حس مکان) تحقق نیافته است.
پورموسوی و همکاران (۱۴۰۲)	کاربست اصول نوشهر گرایی و حس مکان در بازآفرینی محله‌ی آبشوران کرمانشاه	نتایج حاکی از آن است که هر ده اصل منشور نوشهر گرایی بر بازآفرینی حس مکان محله‌ی آبشوران شهر کرمانشاه مؤثرند و از سوی دیگر، توجه به عناصر کالبدی و عملکردی در بازآفرینی تأثیر مستقیمی بر حس مکان دارند و می‌توانند منجر به ارتقای مکان و حیات دوباره‌ی محله‌ی آبشوران گردند.
Lewicka (2011)	چه چیزی محلات را از خانه و شهر متفاوت می‌سازد	علاوه بر ارزیابی اثرات مقیاس مکان بر دل‌بستگی به مکان، به بررسی عوامل مؤثر و شکل دهنده تعلق به مکان پرداخته و بابیان مقیاس مکان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ارزیابی تعلق مکانی در سه مقیاس کوچک (خانه)، متوسط (محله) و بزرگ (شهر) پرداخته است. وی سه عامل جمعیتی، اجتماعی و محیطی را مؤثر بر شکل‌گیری تعلق و دل‌بستگی به مکان می‌داند.
De Nardi (2017)	چشم‌انداز و احساس تعلق به مکان و ارتباط با مکان روزمره در تجربه برخی از مهاجران ساکن شمال شرقی ایتالیا	نتایج نشان داد که رابطه ساکنین با محل زندگی، هم بر اساس اقدامات عملی و هم پاسخ‌های عاطفی استوار است «بعد عاطفی» منبع اصلی حس تعلق به مکان به حساب می‌آید: این امر به‌ویژه با معانی نمادین چشم‌انداز، عمدتاً از طریق خاطرات مهم، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی تعیین می‌شود.
Darby and Ozata (2017)	تحلیل مفهوم دل‌بستگی مکانی در زمینه عوامل فضایی	دل‌بستگی به مکان به خصوصیات کالبدی وابسته است و مکان‌هایی که از معانی غنی هستند میان مکان و افراد پیوند عاطفی ایجاد می‌کنند.

۲-۱- حس مکان

(سلطانی و حاتمی گلزاری، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، از نظر روانشناسان محیطی حس مکان مانند کاتالیزگری است که فضا را تبدیل به مکان می‌کند. تجربه‌ی یک مکان به‌مثابه موجودی زنده و نه یک شیء است که با پیوستگی متقابل محقق می‌شود (فلاحت، ۱۳۸۵)؛ و اما از نظر دیدگاه تجربی، به‌طور کل، چهار عامل فعالیت، مناسبات انسانی، مفاهیم و ویژگی‌های کالبدی عامل مهم حس مکان هستند. از نظر آن‌ها حس مکان نقش مؤثر در جذب مخاطبان و انجام فعالیت در فضا را سبب می‌شود و عاملی است که مرگ یا حیات فضای شهری به آن وابسته است (فلاحت و همکاران، ۱۳۹۶).

۲-۲- مؤلفه‌های شکل‌دهنده حس مکان

در مورد مؤلفه‌های سازنده حس مکان و شاخص‌های آن نظرات نسبتاً مشابهی از سوی صاحب‌نظران بیان شده است که تا حد زیادی همه این نظریات، سه مؤلفه اصلی سازنده مکان در سه دسته محیط فیزیکی (کالبدی)، فعالیت‌ها و ادراک صورت‌بندی کرده‌اند. شاید تنها تفاوت میان تفاسیر مختلف، تأکید بیشتر بر یکی از مؤلفه‌های گفته‌شده از سوی برخی از صاحب‌نظران باشد. در (جدول شماره ۳) مؤلفه‌های سازنده مکان و حس مکان از سوی تعدادی از پژوهشگران مطرح، بیان شده است.

۲-۳- حس تعلق به مکان

حس تعلق حس‌ی است که منجر به رابطه و پیوند قوی میان فرد و محیط زندگی‌اش می‌شود به‌گونه‌ای که فرد خود را با محیطش تعریف می‌کند. این امر سبب حضور فرد و ماندگاری او در محیط می‌شود و مکان برایش دارای احترام می‌گردد بر همین اساس درک ذهنی مردم از محیط و حس آگاهانه آن‌ها از محیطشان حس مکان است (رنجبری و همکاران، ۱۴۰۲). حسی که فرد را با محیطش مرتبط می‌کند به‌گونه‌ای که احساس شخص با زمینه محیط یکی شود (صالحیان آغبلاغ، ۱۳۹۷، ۱۹). حس مکان با تعلق خاطر همراه و با دل‌بستگی عاطفی به مکان مرتبط است. با افزایش تعلق فرد به یک مکان توجه و مراقبتش از آن مکان افزایش می‌یابد. مردم به تعلق و حس هویت به مکان و قلمرو ویژه

حس مکان از دو مفهوم درهم‌تنیده تشکیل شده است. بیشتر پژوهش‌گران بر این عقیده‌اند که این حس از حضور فرد در یک فضا آغاز می‌شود. همچنین، مفهومی کل‌نگر است که رابطه دیالکتیکی فرد و محیط را میسر می‌کند. این تعامل دوسویه بر ذهنیت فرد از خود، محیط، تعلق خاطر، رضایت‌مندی، معنای دریافت شده از محیط و تصورات انتزاعی اشخاص را در طول زمان شکل می‌دهد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فلاحت و همکاران، ۱۳۹۶؛ Grimshaw, Lesmana et al., Gottwald, 2021 & Mates, 2022; Kolodziejski, 2014; Dameria et al., 2018; 2021).

به‌عبارتی دیگر، اصطلاح حس مکان، وابستگی مردم و روابطشان با مکان و یا آنچه برخی ساختار احساس نامیده‌اند را در برمی‌گیرد. چراکه نشان‌دهنده باورها، احساسات و تعهدات رفتاری مربوط به محیط جغرافیایی خاص است (اسلامی و شاهوندی، ۱۴۰۱). این حس با تجربه یا مجموعه‌ای از تجربیات در یک مکان به دست می‌آید که با استفاده از تمام حواس شکل می‌گیرد؛ بنابراین، حواس ما از مکان و زمان است که در طولانی‌مدت حواس از مکان را ایجاد می‌کند. میراث برداشت مناسب از معانی است که با تکیه بر گذشته، ادعاهای آینده را تسهیل می‌کند و از طریق آن حس مکان از حواس زمان ایجاد می‌شود (Cighi, 2008). حس مکان استفاده پایدار از منابع طبیعی را ترویج می‌کند. این نظریه وجود دارد که افزایش دانش و دانش نسبت به یک مکان محبوب باعث ایجاد رفتارهای محافظتی می‌شود (Asghar, 2018, 20-23).

با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای مفهوم حس مکان تاکنون مکاتب مختلف تعاریفی متفاوتی پیرامون آن بیان داشته‌اند (جدول شماره ۲). به‌عنوان مثال، از دیدگاه پدیدارشناسان حس مکان پدیده‌ای کلی با ارزش‌های ساختاری و فضایی است که انسان از طریق ادراک، جهت‌یابی و شناسایی به آن نائل می‌گردد. این نظریه استدلال می‌کند که احساس مکان اساساً در ویژگی‌های کالبدی یک مکان نهفته است و با واژگانی همچون روح مکان و مکان دوستی در ارتباط است

(شهریاری و مشک سار، ۱۴۰۰). در نتیجه احساس تعلق به دلیل اینکه شخص از طریق افراد، اشیاء یا خاطرات خاص با مکان خاص شناخته می‌شود در نظریه مکان مهم است. هرچه بیشتر شخص از طریق مشارکت‌های مثبت با یک مکان ارتباط برقرار کند بیشتر احساس ارتباط با آن دارد. احساس تعلق با هویتی که ممکن است در یک مکان خاص داشته باشد گره خورده است (Dowler, 2009). بدین ترتیب، در (شکل شماره ۱)، دیاگرام چارچوب نظری پژوهش ارائه شده است:

نیازمندند. در طول زمان در مکان تجربه‌های مشترک و مهم بین مردم شکل می‌گیرد که حس تعلق متشکل از تعاملات و فعالیت‌های بین انسان - مکان و انسان - انسان در مکانی ویژه است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۱-۳۰) و (Chen et al., 2021, 1). به بیانی دیگر، می‌توان بیان داشت تعلق به مکان زمانی به وجود می‌آید که فرد در مکانش متولد شده نسبت به آن وابسته است که در طول زمان این حس شکل گرفته است. این حس در حضور فرد در مکان نقش مؤثری دارد

جدول ۲. سطوح مختلف حس مکان بر اساس دیدگاه نظریه پردازان؛ مأخذ: (Shamai, 1991; Cross, 2001, Humman, 1992)

نظریه پردازان		
هیومن	کراس	شامای
<ul style="list-style-type: none"> ▪ بی مکانی ▪ بیگانگی با مکان ▪ مکان نسبی ▪ ریشه‌داری ناخودآگاه ▪ ریشه‌داری عقیدتی 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ بی مکانی مطلق ▪ بی مکانی نسبی ▪ بیگانگی با مکان ▪ ریشه‌داری نامنسجم ▪ ریشه‌داری منسجم 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ بی تفاوتی نسبت به محیط ▪ آگاهی از قرارگیری در مکان ▪ تعلق به مکان ▪ دل‌بستگی به مکان ▪ یکی شدن با اهداف مکان ▪ فداکاری برای مکان

جدول ۳. مؤلفه‌های سازنده مکان، حس مکان و شاخص‌های آن، مأخذ: (پورموسوی و همکاران، ۱۴۰۲؛ اسلامی و شاهبوندی، ۱۴۰۱؛ گلکار، ۱۳۹۰، ۱۳۰؛ Montgomery, 1998)

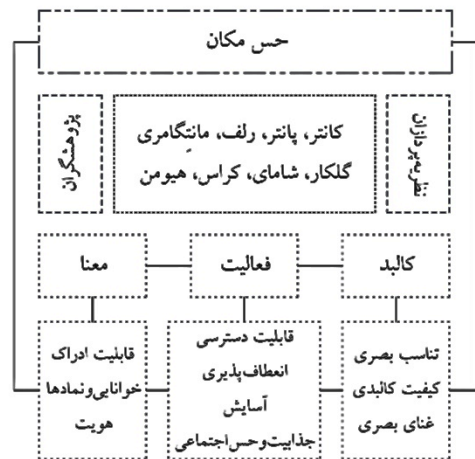
شاخص	مؤلفه	پژوهشگر
مشخصات بصری، تناسب کالبدی، عناصر متمایز، اندازه، مقیاس، منظر شهری، امنیت، اختلاط کاربری	ویژگی کالبدی	کانتر
دسترسی، فضای همگانی، آسایش و حس اجتماعی	فعالیت‌ها	
نماد و نشانه‌ها، هویت، ادراک، پیوستگی، تداعی معنا	تصورات	پانتر
ایمنی و امنیت، آسایش، تعاملات اجتماعی، نفوذپذیری	فعالیت	
بوم‌گرایی، جاذبه‌ها، خوانایی، غنای بصری، ساختار فیزیکی، رنگ، صدا، بو، عناصر متمایز، اندازه، مقیاس	محیط کالبدی	رلف
مبلمان، منظر شهری، خوانایی، چشم‌انداز	معنا	
مقیاس انسانی، محصور بودن، تداوم، مرکزیت، تراکم، عدالت، سازگاری، تنوع	کالبد	مانتینگامری
قابل دسترس بودن، انعطاف‌پذیری، تجارب اجتماعی، امنیت	فعالیت	
حواس پنج‌گانه، هویت، عناصر تحریک‌کننده حواس، مرز و قلمرو، نشانه کالبدی	معنا	گلکار
سرزندگی، جذابیت، انعطاف‌پذیری، حس اجتماعی	فعالیت	
دسترسی و نفوذپذیری، خوانایی، نماد و نشانه‌ها، هویت	تصورات ذهنی	فرم
مقیاس انسانی، کیفیت کالبدی، اختلاط کاربری، نفوذپذیری، غنای بصری، تناسبات بصری	فرم	
انعطاف‌پذیری، ایمنی و امنیت، آسایش اقلیمی، عرصه همگانی، همه‌شمولی، اختلاط کاربری، نفوذپذیری، سازگاری کالبدی	مؤلفه عملکردی	

پژوهشگر	مؤلفه	شاخص
	مؤلفه تجربی - زیبایی شناختی	رنگ تعلق، غنای حسی، حس زمان، شخصیت بصری، خوانایی
	مؤلفه زیست محیطی	پاکیزگی، کارایی

اول) از معناداری منطقی برخوردارند. مضاف بر آن، پایایی پرسشنامه طبق (جدول شماره ۵) با مقدار آلفای کرونباخ ۰/۹۴۰ نشان دهنده مقدار مطلوبی است.

جدول ۴. ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی متغیرها

آمار قابلیت اطمینان		
متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
کالبد	۱۴	۰/۷۹۳
فعالیت	۱۷	۰/۸۵۹
معنا	۱۵	۰/۸۹۴



شکل ۱. دیاگرام چارچوب نظری پژوهش

۳- روش تحقیق

این پژوهش با ماهیت توسعه‌ای-کاربردی و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. عطف به هدف پژوهش در ابتدا با روش اسنادی (کتابخانه‌ای)، مبانی نظری پژوهش که شامل بررسی ادبیات مرتبط با حس مکان و عناصر سازنده آن بود تدوین گردید. همچنین، در این روند متغیرهای مورد بحث در پژوهش شناسایی شدند. سپس در گام بعد، با به کارگیری روش پیمایش (میدانی) متغیرهای کیفی و قابل بررسی در نمونه مطالعاتی پژوهش برداشت شدند. در این مرحله حجم نمونه با توجه به جمعیت سال ۱۳۹۵ محله بازار واقع در بافت تاریخی و مرکز کرمانشاه که ۲۷۶۰ نفر بود و با به کارگیری فرمول کوکران و لحاظ نمودن خطای ۰/۰۵، ۳۶۲ نفر برآورد شد.

پس از توزیع و برداشت تعداد مورد نیاز پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS اقدام به تخمین میزان روایی و پایایی پرسشنامه شد. در این بخش آلفای کرونباخ گویه‌های پرسشنامه مطابق (جدول شماره ۴) حاکی از این مطلب است که گویه‌ها استخراج شده از مبانی نظری (مرحله مطالعاتی

به منظور سنجش متغیرهای وابسته پژوهش حاضر، از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در مدل ترسیم شده متغیرهای وابسته کالبد، معنا و فعالیت به عنوان عناصر سازنده حس مکان در بافت تاریخی محله بازار مورد سنجش قرار گرفته است. فزون بر آن، با استفاده از نرم افزار ایموس گرافیک (AG) مدل پژوهش مورد تحلیل واقع شد تا میزان اثرگذاری هر یک از متغیرها بر ایجاد حس مکان در محله‌ی بازار کرمانشاه مشخص شود.

جدول ۵. پایایی پرسشنامه

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
۰/۹۴۰	۴۶

۳-۱- محدوده مطالعاتی

محله‌ی بازار از قدیمی‌ترین محلات تاریخی بافت شهر کرمانشاه به شمار می‌رود. این محله از شمال به میدان آزادی، از غرب به محله چنانی، از شرق به بخشی از محله فیض آباد و از جنوب به خیابان مطهری محدود می‌شود. (شکل شماره ۲). قدمت بازار سنتی کرمانشاه که در این محله جای گرفته است به ادوار تاریخی بازمی‌گردد. سیاحان بسیاری که از کرمانشاه

۴- بحث و یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های توصیفی

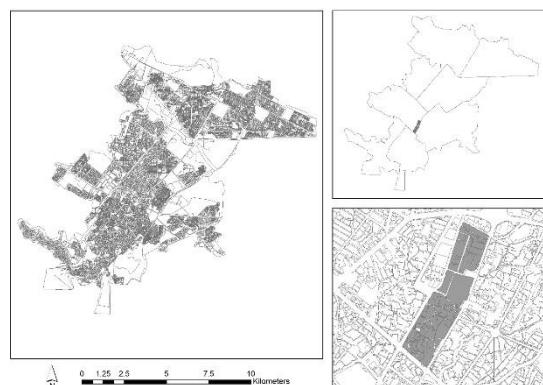
در این پژوهش بر اساس مبانی نظری، مؤلفه، معیار، شاخص و گویه‌های استخراج‌شده پژوهش در قالب پرسشنامه میان ۳۶۲ نفر از ساکنان محله بازار کرمانشاه توزیع شد. یافته‌های توصیفی این بخش در (جدول شماره ۶) به تفصیل آورده شده است و نتایج حاکی از آن است که:

مؤلفه کالبد: در محله‌ی بازار تمامی شاخص‌ها و گویه‌های معیارهای تناسب بصری، کیفیت کالبدی و غنای بصری در وضعیت خوبی ارزیابی شده است. تنها نکته قابل ذکر بالاتر بودن امتیاز «وجود فضای سبز و عمومی» نسبت به دیگر گویه‌هاست. به نظر می‌رسد ساکنان محله‌ی بازار نسبت به دسترسی مناسب به فضای سبز واقع در فلکه‌ی طالقانی در شمال محله احساس رضایت دارند؛ چراکه در محدوده محله فضای سبز چندانی وجود ندارد.

مؤلفه فعالیت: در محله‌ی بازار تمامی شاخص‌ها و گویه‌های معیارهای قابلیت دسترسی، انعطاف‌پذیری، آسایش و جذابیت و حس اجتماعی در وضعیت خوبی ارزیابی شده است. موضوع قابل تأمل بالاتر بودن نسبی امتیاز گویه «وجود مسیرهای مناسب پیاده‌روی» نسبت به دیگر گویه‌های مؤلفه فعالیت است. این امر نشان‌دهنده کارکرد مناسب مسیرهای کوتاه و عمدتاً ارگانیک محله‌ی بازار و سازگاری افراد با آن در طول زمان است.

مؤلفه معنا: در محله‌ی بازار تمامی شاخص‌ها و گویه‌های معیارهای قابلیت ادراک، خوانایی و نمادها و هویت با میزان خوبی ارزیابی شده‌اند. همچنین، نکته حائز اهمیت بالاتر بودن نسبی امتیاز گویه «حس تعلق ساکنان جهت نگهداشت محله» نسبت به دیگر گویه‌های مؤلفه معناست. این مسئله نشان‌دهنده بالا بودن حس مکان در ساکنان محله بازار است.

گذر کرده‌اند به این محله و بازار اشاراتی چند داشته‌اند. فریزر^۱ (۱۸۴۰) بازار را نیمه فعال می‌یابد و رکودی نسبی بر بازار کرمانشاه را توصیف می‌کند (Fraser, 1840, 196). در عین حال، گندلر^۲ هشت دهه بعد شلوغی و ازدحام بازار را به دقت شرح می‌دهد و از رونق بالای آن حکایت می‌کند (Candler, 1919, 243-44). در دوره پهلوی دوم، هنگامی که گریسکام^۳ (۱۹۲۱) از کرمانشاه عبور می‌کند به بازار نه‌چندان جالب کرمانشاه اشاره می‌کند (Griscom, 1921). در دوران معاصر، تونو^۴ (۱۹۷۱) بر استقرار مناسب بازار کرمانشاه و نگهداری آذوقه و خوراک مردم کرمانشاه تأکید کرده است (Thévenot, 1971, 69-70). اگرچه، امانت^۵ (۱۹۸۳) به روند روبه‌زوال رونق بازار کرمانشاه اشاره دارد (Amanat, 1983, 93) که این امر متأثر از شروع ساخت مگامال‌ها و پاساژهای تجاری بزرگ است. همان‌طور که از شرح سیاحان برمی‌آید رونق بازار و بالطبع محله بازار در گذر زمان با فرازوفرودهای بسیاری همراه بوده است؛ اما آنچه هویداست ماندگاری این ساختار فضایی در بطن اجتماع محلی کرمانشاه است. همین مسئله سبب شده است تا در طول زمان با تاب‌آوری در برابر تغییرات مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حس تعلق برای ساکنان این محله ایجاد کند که مانع از تحرکات جمعیتی و مهاجرت‌های درون‌شهری آنان شود.



شکل ۲. موقعیت محله بازار در شهر کرمانشاه

^۴ Thévenot

^۵ Amanat

^۱ Fraser

^۲ Candler

^۳ Griscom

جدول ۶. تحلیل توصیفی مؤلفه، معیار، شاخص و گویه‌های پژوهش

مؤلفه	معیار	شاخص	گویه	نماد	میانگین
مؤلفه کالبدی = A	تناسب بصری	تراکم/ اختلاط کاربری/ ابنیه تاریخی ساختار فیزیکی/ سازگاری کالبدی	بنای تاریخی و جذاب در محله	X1	۳/۶۴۶
			سازگاری کاربری‌های محله با یکدیگر	X2	۳/۵۰۳
			اختلاط کاربری مناسب	X4	۳/۵۰۰
			همخوانی تراکم (تعداد طبقات) در بناها	X8	۳/۶۸۰
	کیفیت کالبدی	مقیاس انسانی/ وحدت و هماهنگی بدنه/ درجه محصوریت	استقرار کاربری‌های فعال در شب	X7	۳/۷۷۹
			هویت فیزیکی و اجتماعی خاص محله (تمایز)	X5	۲/۸۴۸
			خاص بودن محله	X6	۳/۰۳۹
	غنا بصری	پپیچیدگی و تضاد/ کیفیت بصری/ منظر شهری/ منظر طبیعی/ بوم‌گرایی	وجود مرکز محله	X3	۳/۵۴۷
			ساختمان یا مکان‌های با نمای بارز	X10	۳/۴۴۸
			وجود فضای سبز و عمومی	X11	۴/۱۰۸
			چشم‌انداز و منظر شهری زیبا در محله	X12	۳/۹۸۱
			وجود آلودگی‌های بصری در محله	X13	۳/۳۰۹
			مطلوبیت محیط به لحاظ زیست‌محیطی	X14	۳/۵۱۹
			بوم‌آوری مصالح	X9	۳/۵۵۲
قابلیت دسترسی	حرکت وسیله نقلیه/ مسیر مناسب پیاده/ نفوذپذیری کالبدی/ ساختار سلسله‌مراتبی	اتصال و یکپارچگی مناسب محله	X15	۳/۵۷۲	
		دسترسی مناسب به خدمات محلی	X18	۳/۴۷۸	
		مطلوبیت دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	X19	۳/۳۲۹	
		دسترسی افراد به واحد مسکونی	X20	۳/۴۶۱	
		تداخل سواره و پیاده (آرام‌سازی ترافیک)	X21	۳/۴۷۸	
		کارکرد پارکینگ‌های داخل محله	X22	۳/۵۱۹	
انعطاف‌پذیری	فضاهای همگانی/ گوناگونی عملکرد و فعالیت‌ها/ فعالیت گروه‌های خاص	وجود مکان مراسم و جشن	X16	۳/۶۱۶	
		وجود مسیرهای مناسب پیاده‌روی	X23	۴/۰۷۲	
		وضعیت محله از نظر گوناگونی، فعالیت، عملکرد	X17	۳/۴۲۳	
		مطلوبیت ایمنی رفت‌وآمد	X24	۳/۸۷۰	
آسایش	ایمنی و امنیت/ وجود خدمات و تسهیلات	وجود امنیت در ساعات مختلف شبانه‌روز	X25	۳/۷۶۰	
		مطلوبیت خدمات عمومی و زیرساخت‌ها	X26	۳/۷۷۳	
		تعاملات ساکنان و ارتباطات اجتماعی	X27	۳/۵۳۳	
جذابیت و حس اجتماعی	رابطه چهره به چهره/ تجربه حسی و جمعی/ زندگی خیابانی/ سرزندگی/ نوع کاربری/ جاذبه‌های فضایی	میزان تمایل افراد جهت شرکت در مراسمات	X28	۳/۵۶۴	
		فضاهای به‌منظور تجمعات، تعاملات مردمی	X29	۳/۷۳۵	
		وجود خیابان‌های سرزنده در سطح محله	X30	۳/۸۷۸	
		مکان‌های جهت سرگرمی و اوقات فراغت	X31	۳/۸۹۰	
		مکان‌های دارای خاطره جمعی و تصویر ذهنی	X32	۳/۶۳۸	
قابلیت ادراک	تصویر ذهنی منسجم/ کیفیت زندگی در مکان/ جهت‌یابی/ خاطره‌ساز بودن مکان/ عملکرد ادراکی	رضایت از کیفیت محیط زندگی و محله	X33	۳/۶۲۲	
		وجود مکان دیدنی، آثار هنری جهت خوانایی	X35	۳/۶۰۸	
		وضوح و خوانایی در نام ساختمان و خیابان‌ها	X36	۳/۴۰۶	
		آشنایی و شناخت با محله از لحاظ خوانایی	X37	۳/۳۴۳	
		نظارت مردم و مسئولان شهری بر محله	X38	۳/۶۶۰	
		تنوع قومی افراد محله	X39	۳/۵۰۸	
		وجود اثر تاریخی نشان‌دهنده هویت محله	X34	۳/۴۰۱	
		حس تعلق ساکنان جهت نگهداشت محله	X40	۳/۵۹۱	
		احساس رضایت و خشنودی از محله	X41	۳/۵۸۶	
		حس دل‌تنگی نسبت به محله	X42	۳/۴۵۹	
خوانایی و نمادها	نمادگرا و خاطره مرز و قلمرو، حوزه و لبه کنترل و نظارت	مهم بودن اتفاقات محله	X43	۳/۱۰۸	
		وابستگی احساس به محله	X44	۳/۲۶۸	
		سازمان‌دهی کارها حول محله	X45	۳/۳۵۶	
		احساس صمیمیت و معاشرت با همسایگان	X46	۳/۱۷۴	
مؤلفه معنا = C	هویت	بناهای شاخص تاریخی / پیوستگی تاریخی/ تداعی معنا	تنوع قومی افراد محله	X39	۳/۵۰۸
			وجود اثر تاریخی نشان‌دهنده هویت محله	X34	۳/۴۰۱
			حس تعلق ساکنان جهت نگهداشت محله	X40	۳/۵۹۱
			احساس رضایت و خشنودی از محله	X41	۳/۵۸۶
			حس دل‌تنگی نسبت به محله	X42	۳/۴۵۹
			مهم بودن اتفاقات محله	X43	۳/۱۰۸
			وابستگی احساس به محله	X44	۳/۲۶۸
			سازمان‌دهی کارها حول محله	X45	۳/۳۵۶
			احساس صمیمیت و معاشرت با همسایگان	X46	۳/۱۷۴

۴-۲- یافته‌های استنباطی

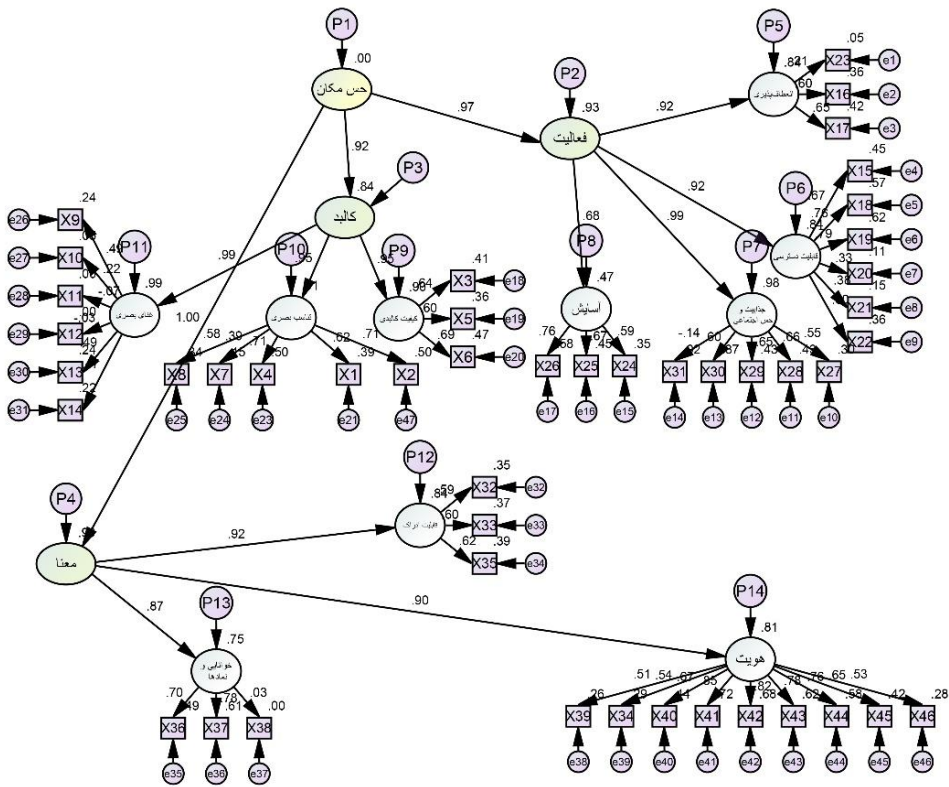
سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنا به‌عنوان متغیرهای مستقل مدل تحلیل عاملی برای پژوهش حاضر به شمار می‌آیند. در گام اول، این متغیرها به‌صورت مدل تحلیل مسیر به تفکیک شاخص‌ها و گویه‌های وابسته‌شان در نرم‌افزار ایموس گرافیک (AG) ترسیم شده‌اند (شکل شماره ۴). مدل ترسیم شده مدلی ساختاری است که تشکیل شده از متغیرهای مشاهده شده بیرونی و درونی است. این مدل توانایی سنجش آلفا و نوع ارتباط میان متغیرها را دارد. در گام دوم، میزان اثربخشی متغیرها و نوع اثرگذاری‌شان بر یکدیگر و متغیر وابسته حس مکان ارزیابی شده است.

تفسیر کوواریانس در مدل ساختاری پژوهش حاضر، بدین معناست که اگر با مقداری تغییر مثبت یا منفی در هر یک از متغیرهای مستقل کالبد، فعالیت و معنا، متغیر وابسته (حس مکان) نیز تغییر کند؛ آنگاه ارتباط معنادار میان متغیرهای وابسته و مستقل مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین، بایستی مقدار سطح معناداری (P.VALUE) آن کمتر از ۰/۰۵ باشد تا تفاوت معنادار با صفر رابطه قابل قبول باشد. در جدول شماره ۷ به نحوی مبسوط وزن رگرسیونی مسیرهای میان مؤلفه‌های پژوهش و معناداری‌شان ارائه شده است. در برازش اول مدل (شکل شماره ۴)، چهار مسیر به علت بالا بودن سطح معناداری‌شان و عدم وجود هم‌تغییری و ارتباط، از مدل حذف شدند. بدین ترتیب، گویه‌های «وجود فضای سبز و عمومی»، «چشم‌انداز و منظر شهری زیبا در محله» در قالب مسیرهای $physical \rightarrow X11$ $physical \rightarrow X12$ مؤلفه کالبد، «مکان‌های جهت سرگرمی و اوقات فراغت» در قالب مسیر $activity \rightarrow X31$ از مؤلفه فعالیت و «نظارت مردم و مسئولان شهری بر محله» در قالب مسیر $meaning \rightarrow X38$ از مؤلفه معنا از مدل تدوین شده اول حذف گردید. سپس دوباره اقدام به برازش شد تا مدل (شکل شماره ۵) به وضعیت مطلوبی برسد.

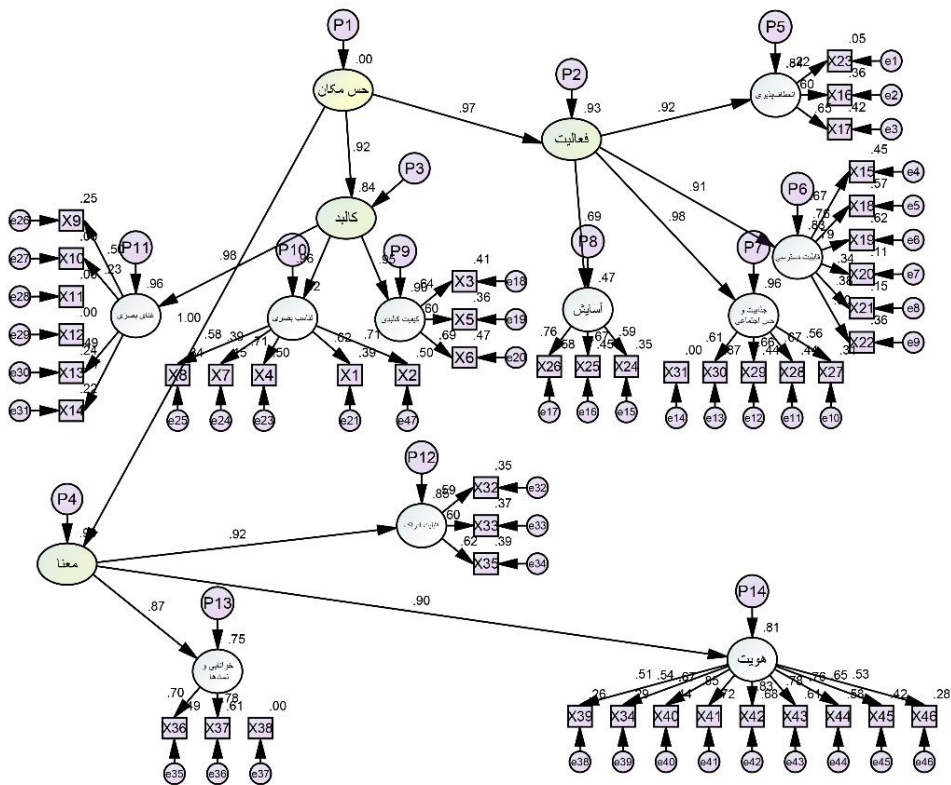
مسیر شماره ۱: بیانگر اثربخشی میان مؤلفه کالبد بر حس مکان با بار عاملی ۰/۹۱۵ است. در زیر مؤلفه‌های این بخش «غنا بصری» با مقدار بار عاملی ۰/۹۸۰ بیشترین اثرگذاری

را دارد. عطف به توصیفات تحلیلی بخش قبل و بالاتر بودن امتیاز گویه «وجود فضای سبز و عمومی» و «چشم‌انداز و منظر شهری زیبا در محله» که زیرمجموعه معیار غنا بصری است، اما هم‌تغییری و ارتباطی در ارزیابی اولیه به دست نیامد که سبب حذف آن‌ها در مدل و برازش دوم شد. بالا بودن میانگین آن‌ها تنها به این علت است که فضای سبز فلکه طالقانی واقع در شمال محله در ذهن ساکنان محله در طول زمان بسیار اثرگذار بوده است. همچنین، ساکنان محله وجود ابنیه واجد ارزش تاریخی را از عوامل مهم تقویت حس مکان از منظر مؤلفه کالبدی تشخیص داده‌اند.

مسیر شماره ۲: بیانگر اثربخشی میان مؤلفه فعالیت بر حس مکان با مقدار بار عاملی ۰/۹۶۷ است. همچنین، در زیر مؤلفه‌های این بخش معیار «جذابیت و حس اجتماعی» با مقدار بار عاملی ۰/۹۷۹ بیشترین اثرگذاری را دارد. فزون بر آن، معیارهای «انعطاف‌پذیری» و «قابلیت دسترسی» به ترتیب، با مقادیر بار عاملی ۰/۹۱۸ و ۰/۹۱۳ بالاترین اثرگذاری بر حس مکان محله‌ی بازار را دارند. یافته‌های توصیفی این بخش مبنی بر بالاتر بودن امتیاز گویه «وجود مسیرهای مناسب پیاده‌روی» هم مؤید تحلیل حاضر بود. نکته حائز اهمیت دیگر، آنکه معیار «آسایش» کمترین اثرگذاری در میان دیگر معیارهای مرتبط با مؤلفه فعالیت را داشته است. این معیار با مقدار بار عاملی ۰/۶۸۴ نشان‌دهنده پایین بودن اثرگذاری آن بر حس مکان محله بازار است. روشنایی نامناسب معابر در ساعات مختلف شبانه‌روز و بالطبع کاهش امنیت، کمبود و گاهی فقدان زیرساخت‌های اساسی در بافت محله آشکارکننده این مسئله است.



شکل ۴. وزن‌های رگرسیونی استاندارد مدل برازش شده اول



شکل ۵. وزن‌های رگرسیونی استاندارد مدل اصلاح شده

ارزیابی حاضر است. در مجموع محله بازار با دارا بودن مکان‌های متنوع تاریخی، واجد ارزش، بافت ارگانیک و دیگر فضاهای مرتبط با زیست روزانه ساکنان، تصویر ذهنی مناسبی را ایجاد کرده است. این مسئله باعث معنا بخشی به محیط و ارتقا حس مکان در اذهان باشندگان محلی می‌گردد. علاوه بر آن، ارزیابی و تحلیل مدل ساختاری نیز این گزاره را اثبات می‌کند. (جدول شماره ۷).

مسیر شماره ۳: این مسیر بیانگر اثربخشی میان مؤلفه معنا بر حس مکان با مقدار بار عاملی ۰/۹۹۷ است. نکته قابل تأمل آنکه بالاترین تأثیر در میان معیارهای این مؤلفه، معیار «قابلیت ادراک» با مقدار بار عاملی ۰/۹۱۷ است. همچنین، معیار «هویت» و «خوانایی و نمادها» به ترتیب، با مقادیر ۰/۹۰۲ و ۰/۸۶۹ در رتبه‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند. در بخش تحلیل توصیفی نیز گویه «حس تعلق ساکنان جهت نگهداشت محله» بالاترین امتیاز را به خود اختصاص داده بود و مؤید

جدول ۷. وزن رگرسیونی مسیرهای مؤلفه‌های پژوهش

مسیر	ضریب بتا (Estimate)	خطای معیار از میانگین (S.E)	نسبت بحرانی (C.R)	سطح معناداری (P)
کیفیت کالبدی	←	۰/۹۵۵		
تناسب بصری	←	۰/۹۵۰	۰/۰۹۹	۸/۸۶۹
غنا بصری	←	۰/۹۹۳	۰/۰۹۷	۷/۵۰۲
انعطاف‌پذیری	←	۰/۹۱۷		
قابلیت دسترسی	←	۰/۹۱۵	۰/۱۲۱	۹/۱۸۱
آسایش	←	۰/۶۸۴	۰/۱۰۲	۷/۰۶۱
جذابیت و حس اجتماعی	←	۰/۹۹۰	۰/۱۰۰	۸/۱۸۵
قابلیت ادراک	←	۰/۹۱۷		
خوانایی و نمادها	←	۰/۸۶۹	۰/۱۲۵	۸/۹۷۳
هویت	←	۰/۹۰۲	۰/۱۰۸	۷/۷۸۸

جدول ۸. وزن رگرسیونی متغیرها

تفسیر	مدل			برازش قابل قبول	اختصار	نام شاخص
	استقلال	اشباع	پیش فرض			
مطلوب	۰/۱۳۷		۰/۰۶۹	کمتر از ۰/۱	RMSEA	ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد
مطلوب	۰	۰	۰/۷۰۹	بزرگ‌تر از ۰/۵	PCFI	برازش تطبیقی مقتصد
مطلوب	۰	۰	۰/۶۲۵	بالاتر از ۰/۵ یا ۰/۶	PNFI	برازش هنجار شده مقتصد
مطلوب	۷/۸۰۶		۲/۷۹۰	کمتر از ۳ (مطلوب) و یا حتی ۵ (قابل قبول)	CMIN/Df	کای اسکور نسبی
نامطلوب	۰	۱	۰/۶۶۳	بین ۰/۹ تا ۰/۹۵ (قابل قبول) بالاتر از ۰/۹۵ (بسیار خوب)	NFI	برازش هنجار شده بنتلر-بونت
مطلوب	۱	۰	۰/۹۴۳	بالاتر از ۰/۵	PRATIO	نسبت اقتصاد
نامطلوب	۵۰		۱۴۰	بیشتر از ۲۰۰	HOELTER 0.05	هولتر
نامطلوب	۵۲		۱۴۴	بیشتر از ۲۰۰	HOELTER 0.01	

۴-۳- بحث

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های دانش‌پور و صفارسبزواری (۱۳۹۷) در برخی موارد از قبیل «تنوع و جذابیت»، «شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد» با حس مکان مؤید رابطه معنادار آن‌هاست. همچنین، «رعایت تناسبات بصری» با حس مکان در محله‌ی بازار برخلاف پژوهش دانش‌پور و صفارسبزواری (۱۳۹۷) به میزان کمی معنادار است. اگرچه «نظم و هماهنگی» در محله‌ی بازار از گویه‌های بسیار معنادار نسبت به دیگر عوامل کالبدی است. همچنین، «انعطاف‌پذیری» برخلاف نتیجه پژوهش دانش‌پور و صفارسبزواری (۱۳۹۷) همبستگی بالایی با حس مکان دارد. یکی از نتایج مهم این پژوهش بالا بودن میزان همبستگی «انعطاف‌پذیری» در به وجود آمدن حس مکان در محله‌ی بازار است. چراکه در بستر محله‌ی بازار مسیرهای مناسب پیاده‌روی امکان‌پذیری را به افراد می‌دهد؛ و تنوع در فعالیت‌های محلی موجب بروز رفتارهای مختلف می‌گردد. ساختار محله بازار متشکل از فضاهای همگانی مختلفی است که امکان‌پذیر شدن رویدادهای قبل را می‌دهد. فزون‌بر آن، برخلاف مطالعه دانش‌پور و صفارسبزواری (۱۳۹۷) که سنجه ایمنی عابر کمترین معناداری را با حس مکان داشت، در محله‌ی بازار این سنجه مطلوب ارزیابی شد و این امر را می‌توان به علت بافت نسبتاً خوانا، تنوع اقشار مختلف مردم و ساکنانی که مدت‌مدتی است در این محل تجربه زیسته دارند دانست.

برخلاف نتایج محمدمرادی و همکاران (۱۳۹۸) در محله‌ی بازار حس مکان مطلوب ارزیابی شده است؛ و تنها در بعد عوامل کالبدی بیشترین تأثیر منفی ارزیابی شد. مضاف بر آن، برخلاف محمدمرادی و همکاران «قابلیت دسترسی» و خوانایی مسیرها در محله‌ی بازار رابطه‌ی معناداری با حس مکان ایجاد کرده است. یافته‌های پژوهش رضایی و حج‌فروش (۱۳۹۸) با پژوهش حاضر، تنها در معناداری میان «آسایش بصری» و «مؤلفه‌های حس مکان» و عدم ارتباط میان «پوشش گیاهی» و «آسایش بصری مردم» و

کمترین معناداری بین «ایمنی عناصر کالبدی» و حس مکان تأیید می‌شود. اگرچه معناداری بالایی میان «مؤلفه کیفیت معماری بناها» و «آسایش بصری مردم» و «امنیت اجتماعی» و حس مکان در محله‌ی بازار تأیید نمی‌گردد. پژوهش حاضر، برخلاف نتایج اله‌ویسی و چاره‌جو (۱۴۰۰) است. چنانکه در پژوهش آنان عامل کالبدی بالاترین تأثیر را در حس مکان دارد و در پژوهش حاضر کمترین.

نتایج پژوهش حبیب‌زاده‌کوزه‌کنانی و همکاران (۱۴۰۱)، به ترتیب، مؤلفه فعالیت، معنا و کالبد را مؤثر بر ایجاد حس مکان می‌داند؛ در حالی که در پژوهش حاضر، این نتایج به صورت معنا، فعالیت و کالبد ارزیابی شد. نتایج پژوهش حاضر مؤید یافته‌های ضابطیان و خیرالدین (۱۳۹۷) است. بدین معنا که با افزایش تنوع فعالیت‌ها و مؤلفه‌های زیرمجموعه آن می‌توان انتظار ارتقای حس مکان را داشت. در پژوهش میرزایی و همکاران (۱۳۹۷) آسایش بصری و ارتقا گویه‌های مرتبط با آن، همبستگی معناداری با افزایش حس مکان دارد. یافته‌های شهریار و مشک‌سار (۱۴۰۰) کاملاً مؤید نتایج پژوهش حاضر است.

بدین معنا که «شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد» بالاترین تأثیر را در ایجاد حس مکان داشته است و شاخص‌های کالبدی با حس مکان همبستگی ضعیفی برقرار کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز این نتیجه تأیید شد که با افزایش گویه‌های مرتبط با غنای بصری با بار عاملی ۰/۹۹۳ معناداری آن با ارتقای حس مکان تشخیص داده شد. یافته‌های پژوهش احمدی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰)، پورموسوی و همکاران (۱۴۰۲)، لویکا^۱ (۲۰۱۱)، دناوردی^۲ (۲۰۱۷) و داری و اوزتا^۳ (۲۰۱۷) نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. همچنین، ارتباط میان مؤلفه‌های کالبدی در ایجاد حس مکان و شکل‌گیری معنا برای ارتقای حس مکان را الزام‌آور توصیف می‌کنند. در مجموع، مدل معادلات ساختاری محله‌ی بازار با توجه به مبانی نظری تدوین شده و مقایسه با پیشینه پژوهش و عطف به برازش مفهومی ارائه‌شده در (جدول شماره ۸) مطلوب

^۲ Darby & Özata

^۱ Lewicka

^۲ De Nardi

تدوین شده و برآزش آن می‌توان چنین استدلال کرد که مؤلفه معنا با بار عاملی ۰/۹۹۷ بالاترین تأثیرگذاری را بر ایجاد حس مکان دارد. فزون بر آن، مؤلفه فعالیت با بار عاملی ۰/۹۶۷ و مؤلفه کالبد با بار عاملی ۰/۹۱۵ کمترین میزان تأثیرگذاری را بر ایجاد حس مکان در محله‌ی بازار کرمانشاه دارند.

با توجه به نتایج و یافته‌های این پژوهش پیشنهادهایی چند به منظور بهبود و ارتقای حس مکان در محله‌ی بازار به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. توجه به جانمایی کاربری فضای سبز و توزیع مناسب آن در سطح محله.
۲. تهیه ضوابط ساماندهی و زیباسازی جداره‌های محله در قالب راهنماهای طراحی شهری.
۳. اختصاص کاربری‌هایی که پتانسیل تبدیل شدن به فرهنگسرا و کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان را دارد.
۴. توجه ویژه سازمان‌های متولی امر توسعه به هویت محله و برنامه‌ریزی در راستای حفظ ساکنان آن
۵. ارائه یارانه‌هایی جهت توانمندسازی ساکنان به منظور بهسازی و نوسازی ابنیه
۶. برنامه‌ریزی به منظور احیای ابنیه واجد ارزش میراث فرهنگی در سطح محله‌ی بازار

۶- منابع

- احمدی‌نژاد، فرشته، بندرآباد، علیرضا، پیری، سعید، و مدیری، آتوسا. (۱۴۰۰). تبیین مؤلفه‌های حس مکان در پهنه فرهنگی تهران مورد مطالعه: محور علمی- فرهنگی دروازه دولت- میدان انقلاب. *نشریه اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*، ۲(۴)، ۴۰۹-۳۹۱.

<https://doi.org/10.22034/UE.2022.2.04.10>

- اله‌ویسی، فرزام، و چاره‌جو، فرزین. (۱۴۰۰). تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت

ارزیابی می‌شود. این مسئله در نهایت اثبات فرضیه پژوهش را نشان می‌دهد؛ مبنی بر این امر که مؤلفه‌ی معنا در بر ساخت حس مکان در محله‌ی بازار نقش مؤثری ایفا می‌کند. فزون بر آن، یافته مهم دیگر این پژوهش آن است که سه مؤلفه‌ی معنا، فعالیت و کالبد هم‌زمان بر سازنده‌ی حس مکان در محله بازار کرمانشاه هستند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حس مکان مفهومی مهم و تأثیرگذار در احساس شهروندان یک شهر یا باشندگان یک محله است. علاوه بر آن، توجه به شاخص‌ها و گویه‌های مرتبط با این حس می‌تواند در پویایی فعالیت‌ها در بستر محلی، ماندگاری ساکنان در محله، افزایش حس تعلق مکانی افراد و تعهدشان نسبت به آن بسیار مؤثر باشد. در پژوهش حاضر، عطف به مبانی مدون نظری و اهداف پژوهش، سه مؤلفه کالبد، فعالیت، معنا و شاخص‌ها و گویه‌های مرتبط با آن‌ها در محله بازار کرمانشاه ارزیابی شد. اهتمام نگارندگان در این پژوهش در این بود تا به عوامل بر سازنده‌ی حس مکان در محله‌ی بازار کرمانشاه و تأثیرگذاری هر یک در ایجاد این حس پرداخته شود.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش، چه عواملی بر سازنده‌ی حس مکان در محله‌ی بازار کرمانشاه است؟ می‌توان چنین بیان داشت که سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنا در بر ساخت حس مکان محله‌ی بازار دخالت دارند. بدین معنا که تمامی شاخص‌ها در سطح معناداری بالایی قرار داشتند صرفاً در مؤلفه کالبد، گویه‌های «وجود فضای سبز و عمومی» و «چشم‌انداز و منظر شهری زیبا در محله»، در مؤلفه فعالیت، تنها گویه «مکان‌های جهت سرگرمی و اوقات فراغت» و در مؤلفه معنا، صرفاً گویه «نظارت مردم و مسئولان شهری بر محله» غیر معنادار ارزیابی شدند. بدین ترتیب، تأثیرگذاری سه مؤلفه نامبرده و تمامی شاخص‌ها و گویه‌های مرتبطشان در ایجاد حس مکان مثبت بود.

همچنین، در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، آیا مؤلفه معنا در ایجاد و ارتقا حس مکان در محله‌ی بازار کرمانشاه تأثیرگذارتر است؟ عطف به مدل معادلات ساختاری

مکان (مطالعه موردی: شهر یزد). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۳۷(۳)، ۵۵۲-۵۳۳.

<https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2019.276688.1065>

• رضوانی، نوشین، بهزادفر، مصطفی، و حبیبی، کیومرث. (۱۳۹۶). ارزیابی بافت‌های تاریخی بر پایه هنجار حس تعلق به مکان (نمونه مطالعاتی: محله سرچشمه گرگان). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۸(۲۹)، ۴۲-۲۳.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1396.8.29.26>

• رنجبری، امیر، جعفری مهرآبادی، مریم، و آقائی زاده، اسماعیل. (۱۴۰۲). تحلیلی بر رابطه حس مکان با تعلق در محلات شهری (نمونه موردی: محله باقرآباد شهر رشت). فصلنامه علمی پژوهشی و برنامه‌ریزی شهری، ۱۴(۵۲)، ۱۲۲-۱۰۷.

<https://doi.org/10.30495/jupm.2021.25813.3609>

• سلطانی، علیرضا، و حاتم گلزاری، الهام. (۱۴۰۰). تحلیلی بر مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوین‌د شهر (مطالعه موردی: محله باغچیان تبریز). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۸(۱)، ۵۵-۳۷.

<https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.48011.0>

• شهریار، محمدرضا، و مشک‌سار، پریرسا. (۱۴۰۰). بررسی عناصر کالبدی حس تعلق به مکان در محلات شهری (مطالعه موردی: شهرک شهید بهشتی شهر شیراز). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، ۲(۶)، ۱۱-۱.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173747.1400.2.6.1.7>

• صالحیان آغبلاغ، سودا. (۱۳۹۷). بررسی حس تعلق مکان در مجتمع‌های مسکن مهر (مطالعه موردی: مسکن مهر پیله مهران شهر اردبیل) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گرایش برنامه‌ریزی مسکن)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سنندج). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۸(۱)، ۱۸۴-۱۶۵.

<https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.67174.0>

• اسلامی، شیرین، و شاهپوندی، احمد. (۱۴۰۱). سنجش شاخص‌های خلق حس مکان در توسعه‌های جدید شهری نمونه مورد مطالعه: شهرک قدس قم. نشریه مطالعات شهری، ۱۲(۴۷)، ۶۴-۵۱.

<https://doi.org/10.34785/J011.2022.018>

• پورموسوی، نادر، جمشیدی شیخی‌آبادی، آرزو، و لرزنگنه، مجتبی. (۱۴۰۲). کاربست اصول نوشهرگرایی و حس مکان در بازآفرینی محله‌ی آبشوران کرمانشاه. نشریه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۱۰(۳۴)، ۲۱۵-۱۷۹.

<https://doi.org/10.22080/usfs.2023.23886.2273>

• حبیب‌زاده کوزه‌کنانی، سید جواد، عبدالله زاده طرف، اکبر، ستاری ساربانقلی، حسن، و پاکدل فرد، محمدرضا. (۱۴۰۱). تحلیلی بر عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافته‌های تاریخی (مطالعه موردی: شهر تبریز). نشریه معماری و شهرسازی پایدار، ۱۰(۲)، ۱۰۶-۹۵.

<https://doi.org/10.22061/jsaud.2022.8440.1969>

• حیدری، محمدجواد. (۱۳۹۹). تحلیلی بر نقش مکان‌های مذهبی در ایجاد حس مکان در ساکنین محلات شهری (مطالعه‌ی موردی: مسجد و محله‌ی حسینیه‌ی زنجان). جغرافیا و روابط انسانی، ۳(۲)، ۴۹۶-۴۷۸.

<https://doi.org/10.22034/gahr.2020.254902.1463>

• دانش‌پور، سیدعبدالهادی، و صفارسبزواری، فاطمه. (۱۳۹۷). تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزوار. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۳)، ۱۳۶-۱۲۵.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1397.9.33.9.8>

• رضایی، محمدرضا، و حج فروش، شهاب‌الدین. (۱۳۹۸). ارزیابی عملکرد مؤلفه‌های آسایش بصری و رابطه آن با حس

<https://www.proquest.com/openview/Off4f60f5b314516e1cf1a5e640921ac/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>

- Candler, E. (1919). *On the Edge of the World*. London-New York: Cassel & Co.

<https://www.amazon.com/Edge-World-Edmund-Candler/dp/1117589765>

- Chen, N. C., Hall, C. M., & Prayag, G. (2021). *Sense of place and place attachment in tourism*. Routledge.

<http://dx.doi.org/10.4324/9780429279089-1>

- Cighi, C. (2008). *Senses of place* (Masters Thesis). University of Massachusetts Amherst, 116.

<https://scholarworks.umass.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1161&context=theses>

- Cross, J. E. (2001). Private property rights versus scenic views: A battle over place attachments. *In 12th Headwaters Conference*, Western State College.

https://www.researchgate.net/publication/266092700_Private_Property_Rights_Versus_Scenic_Views_A_Battle_Over_Place_Attachments

- Dameria, C., Akbar, R., & Indradjati, Petrus. N. I. (2018). Whose sense of place? Re-thinking place concept and urban heritage conservation in social media era. *In IOP conference series: Earth and environmental science*, 158(1), 012010.

<https://iopscience.iop.org/article/10.1088/1755-1315/158/1/012010>

- Darby, D. Ö., & Özata, T. (2017). Analyzing the concept of place attachment in the context of spatial factors: Kuzguncuk, Istanbul. *ICONARP International Journal of Architecture and Planning*, (5), 18-29.

<https://doi.org/10.15320/ICONARP.2017.23>

- De Nardi, A. (2017). Landscape and sense of belonging to place: the relationship with everyday places in the experience of some migrants living in Montebelluna (Northeastern Italy) *Journal of research and didactics in geography* (j-reading), 1 (6), 61-72.

<http://www.jreading.org/index.php/geography/article/view/155/140>

- ضابطیان، الهام، و خیرالدین، رضا. (۱۳۹۷). سطوح حس مکان در فضاهای شهری (نمونه موردی: میدان امام خمینی و امام حسین شهر تهران). *نشریه دانش شهرسازی*، (۲)۲، ۶۳-۴۷.

<https://doi.org/10.22124/upk.2018.10448.1091>

- فلاحت، محمداصداق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. *نشریه هنرهای زیبا*، (۲۶)، ۶۶-۵۷.

<https://www.sid.ir/paper/5847/fa>

- فلاحت، محمداصداق، کمالی، لیلا و شهیدی، صمد. (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. *باغ نظر*، ۱۴(۴۶)، ۲۲-۱۵.

https://www.bagh-sj.com/article_44351.html

- گلکار، کورش. (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه شهید بهشتی.

- محمدمرادی، آرش، فیضی، محسن، یزدان‌فر، سید عباس، و نوروزیان، سعید. (۱۳۹۸). سنجش حس مکان و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آن در بافت تاریخی تهران (مورد پژوهی: محله تاریخی امامزاده یحیی). *نشریه مطالعات معماری ایران*، (۱۵)۸، ۱۹۱-۱۷۳.

<https://doi.org/10.22052/1.15.173>

- میرزایی، محمد، مرادچله، عبدالباقی، تازیکه لمسکی، ایمان، و محبوبی، امیرحسین. (۱۳۹۷). واکاوی رابطه مؤلفه‌های آسایش بصری با ابعاد حس مکان (نمونه موردی: محله تاریخی استقلال، شهر بجنورد). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۳۱)۸، ۲۲-۱۵.

<https://www.magiran.com/volume/166158>

- Amanat, A. (1983). *Cities & Trade: Consul Abbott on the Economy and Society of Iran 1847-1866*. London, Ithaca press.

<https://doi.org/10.1017/S0021086200005405>

- Asghar, W. (2018). *Sense of place in the city: Using photo voice to uncover meaningful places by newcomers of ethnic minority* (Doctoral dissertation). Royal Roads University, Canada.

The University of Manchester, United Kingdom.

<https://www.proquest.com/openview/7ca576a2d96b1d429f9bc5205c1d9ea1/1?pq-origsite=gscholar&cbl=51922>

- Lesmana, D., Wulandari, L. D., & Santosa, H. (2021). Senses of place in Lawas Maspati Village Community at Surabaya: Exploration study towards physical, social, and cultural factors. ARTEKS: Jurnal Teknik Arsitektur, 6(1), 67-74.

<https://doi.org/10.30822/arteks.v6i1.595>

- Lewicka, M. (2011). Place attachment, how far we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology*, 31(3), 207-230.

<https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.10.001>

- Montgomery, J. (1998). Making a city: urbanity, vitality, and urban design. *Journal of Urban Design*, 3(1), 93-116.

<http://dx.doi.org/10.1080/13574809808724418>

- Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358.

[http://dx.doi.org/10.1016/0016-7185\(91\)90017-K](http://dx.doi.org/10.1016/0016-7185(91)90017-K)

- Thévenot, J. de. (1971). *The Travels of Monsieur De Thevenot into The Levant: in three parts*. London.

<https://name.umdl.umich.edu/A64495.0001.001>

- Dowler, B. (2009). *Sense of Place: Public housing in the greater Mount Druitt area (Bachelor Thesis)*. Faculty of the Built Environment, University of New South Wales, Sydney, Australia.

https://www.be.unsw.edu.au/sites/default/files/upload/pdf/schools_and_engagement/resources/notes/5A2_42.pdf

- Fraser, J.B. (1840). *Travels in Koordistan, Mesopotamia & c.* London: Richard Bentley.

<https://archive.org/details/32882019064925-travelsinkoordi>

- Gottwald, S. (2021). *Sense of place in spatial planning: applying instrumental and deliberative approaches at the River Lahn*. Hannover: Gottfried Wilhelm Leibniz Universität, 97.

<https://doi.org/10.15488/11500>

- Grimshaw, L., & Mates, L. (2022). It's part of our community, where we live: Urban heritage and children's sense of place. *Urban Studies*, 59(7), 1334-1352.

<https://doi.org/10.1177/00420980211019597>

- Griscom, M.W. (1921). A Medical Motor Trip Through Persia Asia, *The American Magazine on the Orient*, by the American Asiatic Association. 21, 233-240.

<https://digital.library.upenn.edu/women/griscom/asia/persia.html>

- Hummon, D. M. (1992). *Community attachment: Local sentiment and sense of place in Place Attachment*. Boston, MA: Springer US. 12, 253-278.

https://doi.org/10.1007/978-1-4684-8753-4_12

- Kolodziejski, A. L. (2014). Connecting people and place: Sense of place and local action (PhD Thesis). Faculty of Humanities,

نحوه ارجاع به مقاله:

لرزننگنه، مجتبی، مسعود، محمد، و جمشیدی شیخی آبادی، آرزو. (۱۴۰۳). سنجش مؤلفه‌های بر سازنده‌ی حس مکان در بافت‌های تاریخی؛ مروری بر محله بازار کرمانشاه، توسعه پایدار شهری، ۵(۱۷)، ۳۸-۲۱.



DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2023.708750>



DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.2.6>

URL: https://usdjournal.daneshpajooan.ac.ir/article_708750.html?lang=fa



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



واکاوی معنا در معماری تاریخی و معاصر شهر سمنان با تمرکز بر آرای پدیدارشناسانه نوربرگ-شولتس^۱

سید مهیار هاشمی هزاوه^۲، فرامرز حسن پور^{۳*}، سعید کامیابی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده: موضوع معنا از مؤلفه‌های مورد بحث در پدیدارشناسی در معماری است. ادراک معنا از اثر معماری در دوره معاصر نسبت به گذشته امری است که می‌تواند مورد پژوهش قرار گیرد. با توجه به خلأ پژوهش‌های مرتبط با درک معنا در معماری بناهای تاریخی و معاصر شهر سمنان، بررسی اثر گذاری معماری بر استفاده کنندگان که از طریق فهم نحوه ارتباط و درک آن‌ها از معماری و مسئله هویت ممکن است، ضرورت انجام این تحقیق به نظر می‌رسد. هدف از انجام این پژوهش مطالعه شش ساختمان تاریخی و معاصر شهر سمنان با تمرکز بر مؤلفه معنا در معماری است. مطالعه معنا با استفاده از تعریف مؤلفه‌های مرتبط و مطالعه موردی معماری شهر سمنان در راستای این هدف تدوین شده است. بر مبنای چهار مؤلفه هویت، تعلق، خاطره و سودمندی که در بخش مبانی نظری تحقیق از آرای شولتس و سایر پدیدارشناسان برگرفته شده است، سه ساختمان تاریخی و سه ساختمان معاصر مورد واکاوی قرار گرفته است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و میدانی بهره گرفته شده و آرای فیلسوفان پدیدارشناس خصوصاً کریستین نوربرگ-شولتس و ادبیات مرتبط مورد بررسی قرار گرفته است. پس از تعیین مفاهیم، مؤلفه‌ها و ساختمان‌ها، با استفاده از روش دلفی نظرات متخصصان از طریق مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری شده است. پس از سنجش روایی، از طریق پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت با استفاده از روش‌های تحلیل آمار توصیفی و همبستگی به مقایسه و تحلیل نتایج پرداخته شده و یافته‌ها در قالب نمودارها و جداول ارائه شده است. در آمار به دست آمده از شهروندان ساختمان‌های تاریخی بیش از سه ساختمان معاصر حائز سه مؤلفه تعلق، خاطره و هویت بوده‌اند تنها میزان مؤلفه سودمندی در ساختمان‌های تاریخی و معاصر کم‌وبیش یکسان است. نزد متخصصان بناهای معاصر در سه مؤلفه تعلق، خاطره و هویت حائز میزانی کمتر و در مؤلفه سودمندی میزانی بیش از ساختمان‌های تاریخی بوده‌اند.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، معنا، نوربرگ-شولتس، معنا در معماری، شهر سمنان.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری سید مهیار هاشمی هزاوه در گروه معماری دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان با عنوان «مقایسه رویکرد پدیدارشناسی و فلسفه ویتگنشتاین در موضوع معنا در معماری؛ مطالعه موردی معماری معاصر شهر سمنان» است که با راهنمایی دکتر فرامرز حسن پور و مشاوره دکتر سعید کامیابی به انجام رسیده است.

^۲ دانش‌آموخته دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

^۳ * استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل، زابل، ایران؛ نویسنده مسئول، [Email: fhasanpour@uoz.ac.ir](mailto:fhasanpour@uoz.ac.ir)

^۴ استاد، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

بعد معنا از مؤلفه‌های مورد بحث در پدیدارشناسی در معماری است. این بعد از معماری چه در مقیاس یک ساختمان و یا یک شهر می‌تواند بر دریافت و حسی که شهروندان از معماری دارند، اثرگذار باشد. با وجود نظرات متفاوت که در مورد این موضوع بیان شده است، معنا آن چیزی است که استفاده‌کنندگان از معماری می‌فهمند. مردم فهم متفاوتی از بناهای تاریخی و مدرن، بافت‌های تاریخی و نوساز، محلات قدیمی و جدید دارند. در شهرهای مختلف ایران و جهان این حس و معنا متفاوت است که نیاز به بررسی و شناخت دارد.

یکی از راه‌های درک این تفاوت‌ها، بررسی آن‌ها بر اساس مبانی نظری پدیدارشناسانه است. پدیدارشناسی نحله فلسفی است که به مطالعه نحوه فهم انسان از موضوعات و اشیا می‌پردازد و در معماری نیز بسیار مورد توجه و کاربرد قرار گرفته است. در اینجا سعی شده است از نظریات یکی از پدیدارشناسان معماری و فیلسوف نروژی کریستین نوربرگ-شولتز^۱ است که ادبیات گسترده‌ای در این زمینه دارد، استفاده شود. هدف از انجام این پژوهش، مطالعه اجمالی این ادبیات و استخراج مؤلفه‌ها و مؤلفه‌های مورد نظر مؤلف در آن است تا شاید بتوان از آن در یک تحقیق میدانی و مطالعه موردی سود جست.

پس از مطالعه ادبیات مرتبط و بررسی نظرات محققان و پدیدارشناسان با تکیه بیشتر بر نظرات شولتز از میان آرای گفته شده تعداد ۴ مؤلفه که هر یک دارای سه زیرمؤلفه هستند استخراج شده است که دارای چهار مؤلفه اصلی و سیزده زیرمؤلفه است. برای هر مؤلفه تعداد دو سؤال یا بیشتر طرح شده است. در ادامه تعدادی سؤال با توجه به موضوع و مؤلفه‌ها، در مورد شش ساختمان مورد مطالعه موردی افزوده شده و پرسشنامه شهروندان شکل گرفته است. جمعاً

حدود پنجاه سؤال از پارامترها و حدود ۲۰ سؤال از مطالعات موردی و شش سؤال فردی پرسشنامه را می‌سازد. سپس با استفاده از روش کوکران با استفاده از سایت و افراد داوطلب پرسشنامه‌ها تکمیل شده، نتایج به صورت بانک آمار تهیه شده و در نرم‌افزار مورد تحلیل با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و همبستگی قرار گرفته است.

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

۲-۱- پدیدارشناسی

می‌توان شروع پدیدارشناسی را با کانت دانست: «درحالی‌که در فلسفه سنتی، فیلسوفان در پی «حقیقت» و «کنه» اشیا بودند... کانت مسیر دیگری در پی گرفت و پروژه متفاوتی برای فیلسوفان عرضه کرد. او شی را فی‌نفسه یا «در خود» دانست و از تجلی آن بر ما سخن گفت. به تعبیری هر چیزی حقیقتی یا «نومن»^۲ دارد و درعین حال بر ما به شکلی جلوه می‌کند که می‌توان آن را «فنومن»^۳ نامید» (اسلامی، ۱۴۰۱). این نحله فلسفی با فلاسفه‌ای همچون کانت^۲، برنتانو^۳ و هوسرل^۴ شروع شده و سپس با هایدگر^۵ و دیگران به پختگی می‌رسد. پدیدارشناسی در علوم و زمینه‌های مختلف مورد استفاده و مطالعه قرار گرفته است. در اینجا «پدیدار» یا «پدیده»، «فنومن»^۶ به معنای «آنچه دیده می‌شود» و پدیدارشناسی، فلسفه مطالعه ساختار تجربه و آگاهی است. هدف آن شناخت پدیدارها به آن شکل است که واقعاً هستند، بر هم تأثیر دارند و خصوصاً آن گونه که ذهن انسان آن‌ها را می‌فهمد.

درواقع پدیدارشناسی می‌خواهد بداند که ما به عنوان انسان هر پدیده را چگونه می‌فهمیم و چه درکی از آن داریم. بعضی به طور خلاصه پدیدارشناسی را «فلسفه شناخت» دانسته‌اند. لذا می‌توان پدیدارشناسی را چنین توصیف کرد: «نگرش ناب و بی پیش‌داوری، یعنی رهایی از هرگونه

^۲ Immanuel Kant

^۳ Franz Brentano

^۴ Edmund Husserl

^۵ Martin Heidegger

^۶ Fenomen, Phenomena

^۱ Christian Norberg-Schulz پدیدارشناس نروژی ۲۰۰۰-

نام او در متون به شکل نوربرت (نوبری)-شولتز نیز آمده اما در مقاله حاضر یکسان سازی انجام شده و متن مقاله نام ایشان به شکل نوربرگ-شولتز ذکر شده است.

صاحب آن قابل دستیابی است». رئیسی و نقره کار (۱۳۹۴) به خاستگاه معنا در آثار معماری می‌پردازند و هستی‌شناسی (اونتولوژی) معنا را بررسی می‌کنند. این دو نظرات اندیشمندان را به دو گروه «نظریه‌های مؤید معنا در آثار معماری» و «نظرات منکر معنا» تقسیم می‌کند و خود دسته دوم را به دو گروه تقسیم می‌کند. دسته اول طرفداران «شالوده شکنی» که معتقد به «خلق معنا» به جای «کشف معنا» هستند؛ و دسته دوم طرفداران «نوع‌ملگرایی»^۱ که دستیابی به معنا را ناممکن و تلاش در جهت آن‌ها بیهوده می‌دانند (رئیسی و نقره کار، ۱۳۹۴).

میان معنا در یک بیان و نشانه‌های آن نوعی درهم تنیدگی ذاتی وجود دارد. معنا هرگز نمی‌تواند مجرد از بافت زبان‌شناختی، نشانه‌شناختی و تاریخی‌اش در نظر گرفته شود. به‌طور خلاصه معنا وابستگی ذاتی با بافتار^۲ دارد (رشیدیان، ۱۳۸۲). در این تحقیق، به دلیل گستردگی رویکردهای مختلف که گاهی نامنطبق هستند، بیشتر بر آرای نوربرگ-شولتس که خود او بسیار تحت تأثیر هایدگر است، تأکید شده است. افشار نادری بین معنا و مکان و فضا ارتباط قائل است و مکان و فضا را واجد ارزش معنایی و مفهومی می‌داند به عبارتی مکانی که دارای معنا نیست فضا نمی‌سازد (افشار نادری، ۱۳۸۷).

۲-۱-۲- ارتباط پدیدارشناسی و مطالعات اجتماعی

در اینجا باید به یک سؤال مهم پاسخ داد، اگر معنا امری «فردی» است و پدیدارشناسی در جستجوی فهم پدیده‌ها آن‌گونه که بر انسان آشکار می‌شوند است، پدیدارشناسی معنا باید امری فردی و غیرقابل کشف برای «دیگری» باشد، پس شاید شناخت آن امری ناممکن باشد زیرا که به نظر می‌آید تجربه فردی نمی‌تواند خود را آشکار کند و به‌صورت علم حصولی درآید. در اینجا نقش مطالعات علوم انسانی به میان می‌آید، وقتی که با جوامع انسانی مثلاً ساکنان یک شهر یا مخاطبان یک اثر معماری سروکار داریم می‌توان از

پیش‌فرض‌ها و رویکردهای علمی، متافیزیکی، مذهبی یا فرهنگی و تمرکز بر وجوه بنیادین و اساسی تجربه انسانی، در جهان و از جهان» (Moran, 2000, 12).

۲-۱-۱- پدیدارشناسی معنا

معنا نزد فیلسوف پدیدارشناس هایدگر ارتباط مستقیم با هستی (بودن) انسان دارد، تنها انسان «هستی» را می‌فهمد و تنها برای او هستی معنا دارد. او در پیوستی بر «متافیزیک چیست؟» نوشت تنها هستی انسانی است که می‌تواند معنا دار یا فاقد معنا باشد (Spiegelberg, 1982, 537). از نظر هایدگر معنا در درک هستی بی‌واسطه توسط تنها موجودی که هستی را احساس و درک می‌کند یعنی «دازاین» درک می‌شود یا به وجود می‌آید (طهوری، ۱۳۹۶). می‌توان چنین در نظر گرفت که هایدگر معنا را مختص فهم انسان می‌داند؛ اما گروهی از محققان صرف پدیدارشناسی را جستجوی فهم مخاطب از اشیا و لذا جستجوی معنا در نظر گرفته‌اند. «معنا حقیقتی است با این قابلیت که مفهوم آن را نشان دهد. به دیگر سخن معنا ما به ازای «مفهوم» و علم حصولی است. معنا همان حقیقتی است که لفظ برای آن وضع می‌گردد» (فیاضی و همکاران، ۱۳۹۲). از این رو ارتباط وثیقی بین پدیدارشناسی و معنا وجود دارد به گونه‌ای که «پدیدارشناسی» به معنای بازگشت به معنا و ماهیت پدیده‌هاست، پدیده‌هایی که به‌وسیله انتزاع‌ها، تجربی‌ها و داده‌های عددی و آماری به چیزی غیر آنچه هستند تبدیل شده‌اند (اسلام پور و همکاران، ۱۴۰۰).

پدیدارشناسان همواره تلاش کرده‌اند که در مخالفت با ساختگرایان، عملکردگرایان و ادراک‌گرایان، به مفهوم‌ها و معانی موجود در فضا تأکید داشته باشند (سجادزاده و پیر بابایی، ۱۳۹۱). ساجدی (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان «هستی‌شناسی معنا» دارد که این مقاله به تقسیم‌بندی انواع نظرات پرداخته است و نتیجه می‌گیرد: «معنا حقیقتی است که درون انسان جای دارد. لذا معنا به گونه‌ای مستقیم تنها برای

^۲ Context

^۱ Neo-Pragmatism یک سنت فلسفی که با نامهایی همچون عمل‌گرایی زبانی یا عمل‌گرایی تحلیلی نیز شناخته می‌شود که اعتقاد دارد که معانی کلمات نتیجه نحوه استفاده آن‌ها است.

اجتماعی با بهره‌گیری از مبانی نظری پدیدارشناسانه استفاده کرده‌اند؛ اما در واقع باید توجه داشت که روش پدیدارشناسانه روشی کیفی است و در پژوهش‌های ذکر شده، پدیدارشناسی در رویکرد و مبانی نظری مورد توجه بوده و در روش تحقیق از روش‌های کمی استفاده شده است.

۲-۱-۳- پدیدارشناسی در معماری

در معماری پدیدارشناسی با آرای تعدادی از اندیشمندان مثل «یوهانی پلاسما»، «گاستون باشلار»^۲ و «شولتس» شناخته می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۲). مرلوپونتی پدیدارشناسی را پیوند و ارتباط تجارب فرد در گذشته و تأثیر آن بر زمان حال می‌داند (مرلوپونتی، ۱۳۷۵، ۲۱). همچنین باشلار پدیدارشناسی را از دیدگاه ابژه و سوژه بررسی کرده است، او معنا را در فهم سوژه (انسان) و تعبیری که از امر عینی (ابژه-شی) می‌کند و آن را «تبدیل به امری ذهنی کردن» می‌داند (Bachelard, 1994, 23).

یکی از زمینه‌های که شولتس مورد بررسی قرار می‌دهد موضوع معنا در معماری است. او مشخصاً پیرو هایدگر و هوسرل است و همه‌چیز را از دیدگاه «بودن در هستی»، «دازاین»^۳ یا به تعبیر هوسرل «زیست جهان»^۴ بررسی می‌کند و این مفهوم را با «حضور» یکی می‌داند، «حضور انسان نوعی در معماری». این حضور همراه امور مختلفی مثل «خاطره»، «هویت بخشی»^۵ و «تعلق» است. این‌ها به حضور معنا می‌دهند (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱، ۲۵).

او مثل هایدگر پدیدارشناسی را گونه‌ای دیدن و درک کردن [معنا] می‌داند (شیرازی، ۱۳۹۲). البته معنا در اینجا لزوماً امور قدسی نیست، بلکه فراتر از آن است و موضوعاتی مثل حس باشنده در فضا، ارتباط آدم‌ها و حتی رفتارهای اجتماعی را در برمی‌گیرد، «هر چیز که حس یا تصویری در انسان ایجاد کند». او به علوم جدید چندان خوش بین نیست و معتقد است که «...ما معنا را فقط با بررسی دقیق امور از جنبه‌های مختلف

ابزارهای سنجش نظرات و عواطف انسانی استفاده و به عبارتی نظر هر یک از افراد (در محدوده تحقیق) را «استمراج» کرد.

در نقد [روش] پدیدارشناسی برخلاف روش‌های کمی و گونه‌شناسی که در آن‌ها خصوصیات مشترک تعداد وسیعی بنا بررسی شده به تمایز بناها که عامل هویت آن‌ها است توجه می‌شود (اشرف گنجویی و سلطانزاده، ۱۳۹۳). سیمون پدیدارشناسی را امری فردی می‌داند و نیز در نقطه مقابل غیر پدیدارشناسان قرار می‌گیرد. او به تمایزها و تفاوت‌ها به جای شباهت‌ها توجه می‌کند و بیان می‌کند که تمایز باعث می‌شود محیطی از جاهای دیگر مجزا شود و حس خاص «محلّیت» را ایجاد کند (Seamon, 1982).

با وجود آنکه سیمون تجربه پدیدارشناسانه را امری عمیق و فردی می‌داند اما تأکید می‌کند که پدیدارشناسی زبان مفهومی برای ایجاد وفاق بین رویکردهای شهودی و پژوهشگران دانشگاهی که بیشتر از رویکرد عقلانی استفاده می‌کنند است و می‌تواند تنش‌های بین حس کردن و فکر کردن، شناختن و طراحی کردن و تجربه زیسته و گزارش‌های مفهومی را کاهش دهد (بهزادفر و شکیبیا منش، ۱۳۹۳). به این نحو می‌توان امر فردی را به صورت یک پدیده در اجتماع مورد بررسی قرار داد. در عمل نیز با مطالعه مقالات با موضوع پدیدارشناسی آشکار می‌شود که در غالب آن‌ها نوعی از نمونه‌گیری، نظرسنجی و جمع‌آوری آمار کم‌وبیش مشاهده می‌شود. این نمونه‌ها (افراد) ممکن است چند نفر تا صدها نفر باشند.

میرزایی و همکاران در کارشان بر روی پرستاران (۱۳۹۷)، اشرف گنجویی و سلطانزاده (۱۳۹۳) در مطالعه دو بنای تاریخی مسجد ملک و مسجد جامع کرمان و تحقیقات میرابی و همکاران (۱۳۹۴) و اصغریپور و همکاران (۱۳۹۶) از این گونه پژوهش‌ها هستند که از روش‌های مطالعات

^۴ Lifeworld ترجمه از واژه ترکیبی Lebenswelt

^۵ Identification

^۱ Juhani Pallasmaa - فیلسوف فنلاندی

^۲ Gaston Bachelard - فیلسوف فرانسوی

^۳ Dasein, Da Sien - بودن در جهان، انسان، باشنده، لفظ معادل

۲-۲- مبانی نظری و مفاهیم

در این بخش از پژوهش از میان مفاهیم بیان شده در ادبیات پدیدارشناسی خصوصاً شولتس سعی در ایجاد یک ساختار مفهومی و معنایی شده است:

۲-۲-۱- روح مکان^۱

روح و به عبارتی معنای مکان که یک مفهوم قدیمی بوده و ریشه در ادبیات روم باستان دارد؛ مفهومی کلیدی در ادبیات شولتس است که همه چیز در ذیل آن قرار می گیرد. شولتس معتقد است «هرگاه یک چشم انداز مسکون با انسان نزدیکی پیدا می کند، فضا، فرم و صورت همه در کار یکدیگر می شوند و تأثیر مکان را چند برابر تشدید می کنند و این همه تأثیری است که از روزگاران باستان به آن با لفظ «روح مکان» اشاره شده است» (ملاصالحی، ۱۳۹۴).

پرتوی به جای «روح مکان» از عبارت «حس مکان» استفاده می کند. او در کتاب «پدیدارشناسی مکان» درک انسان از مکان را حسی دانسته و معتقد است که از طریق حس ماهیت مکان متعین می شود. از نظر او مکان باید ویژگی «مشخص» و «تمایز» داشته باشد تا تعیین یابد و دارای روح شود (پرتوی، ۱۳۹۴، ۴۱).

نیک روش و سیچانی (۱۳۹۳) معتقدند شولتس مسئله را در سه سطح معنایی، پدیدار مکان، ساختار مکان و روح مکان و در دو سطح طبیعی و انسان-ساخت و با استفاده از موارد مطالعه شامل سه شهر پراگ، خارطوم و رم بررسی کرده است. از نظر آن ها شولتس با این تقسیم بندی ها عناصر مختلفی از زمین و آسمان گرفته تا عناصر ساخت بشر و عناصر معنایی را مورد مطالعه قرار داده است. به عبارتی همه چیز در یک مکان از عوامل طبیعی مانند طبیعت، درختان و گیاهان، عوارض زمین تا عوامل ساخته انسان مانند ساختمان ها و فضای سبز و البته حضور انسان ها باعث می شود که مکان دارای حس و حالی باشد که از آن تعبیر به روح مکان می شود. درجه محصوریت، رنگ، بو، تضاد، مقیاس، تنوع بصری است که به شکل ارزش های ساختاری باعث شناخت

درک می کنیم. مسئله معنا در معماری نهایت اهمیت را دارد چون کلاً هدف پدیدارشناسی فهم این معنا است چرا که علوم جدید در معنا دادن و کشف معنای هستی (دازاین) ناتوان بوده اند» (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱، ۸۳).

«رابطه زیست جهان با مکان مستلزم رابطه انسان و حضور وی در محیط پیرامونش است. برای پرداختن به ساختارهای زیربنایی زیست جهان به مفهوم هایدگری «فضاییت» مرتبط شویم یا به ندای حضور گوش سپاریم. فضاییت نشان دهنده ارتباط ریاضی با جهان نیست، بلکه در عوض به وجود فضایی زیستمان اشاره دارد. آن گونه که هر چیزی در این فضا جای خود را دارد و همه اینجاها به کارآفرینش و فراهم کردن محیطی می آیند که جریان راستین زندگی در آن محیط جریان می گیرد و روی می دهد» (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱، ۶۱). مکان بخشی از فضا است که توسط شخص یا چیزی اشغال شده و با آن رابطه متقابل پیدا می کند و دارای بار ارزشی و معنایی مشخصی است (مدنی پور، ۱۳۸۴، ۳۲).

۲-۱-۴- شهر سمنان و معماری معاصر

شهر سمنان با داشتن معماری شهری غنی از بافت تاریخی و معاصر سوژه مناسبی جهت مطالعه موردی است. ارتباط استفاده کنندگان، شهروندان و معماری، ساختمان های معاصر و تاریخی با مردم و حس تعلق به محیط از سوی مردم به آن ها و روح مکان در شهر، رابطه ساختمان های سنتی و معاصر با بافت نوین شهر و با یکدیگر موضوع مطالعه این پژوهش است که در منابع بسیار کم به آن پرداخته شده است. این شهر دارای یک بافت تاریخی غنی از میدان امام خمینی تا محله لثیبار در راستای شرقی-غربی و از محله اسفنجان تا میدان ارگ در راستای شمالی و جنوبی است که از نظر آرای پدیدارشناسان خصوصاً شولتس می تواند مورد مطالعه قرار گیرد تا به فهم بهتری از ارتباط مردم با این شهر رسید.

¹ Genius loci: Pervading spirit of a place

اجتماعی است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵). در این صورت می‌توان هویت را در دو شکل هویت فردی و هویت اجتماعی بررسی کرد.

۲-۳-۱- هویت فردی^۲

شولتس می‌گوید: «تعلق یافتن و وابستگی داشتن که خود را در معنای «هویت» پنهان ساخته، به معنای چیزی فراتر از حس آسودگی و خوش زیستی و رفاه است، هویت به معنای زیستن در جهانی است که هم‌مکان و هم‌اجتماعی که فرد در آن می‌زید را شامل می‌شود» (نوربرگ-شولتس، ۱۳۸۱، ۳۸). به دیگر سخن شولتس هویت را بسیار وابسته به مکان و لذا معماری می‌داند.

۲-۳-۲- هویت اجتماعی

ارتباط فرد با جامعه خود از خانواده گرفته تا همسایگان، محله، شهر و حتی کشور باعث ایجاد دوگانه‌های مختلف می‌شود. مثلاً اینکه من اهل شهر سمنان هستم پس همه سمنانی‌ها همشهری من و غیر سمنانی‌ها به گونه‌ای «غیر» یا دیگری خواهند بود. البته هویت هم‌زمان ابعاد گوناگون دارد مثلاً یک فرد ممکن است، پدر، همسر، دانشجو، کارمند، سمنانی، ایرانی و از این قبیل باشد. این موضوع که فرد هویت خود را چگونه می‌بیند و کدام‌یک از ابعاد آن را پررنگ می‌کند در بروز اجتماعی و فردی او تأثیر دارد.

۲-۳-۳- هویت تاریخی

بعضی پژوهشگران هویت را در تاریخ جستجو می‌کنند. از نظر ملاصالحی هویت آن چیزی است که از گذشتگان به ما رسیده است. هویت ریشه در تاریخ دارد، ساختمان‌ها باینکه در شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گوناگون در مکان‌های متعدد ساخته شده‌اند، صرف‌نظر از اینکه چه هستند خود به‌منزله هویت معماری تلقی شده و باید مورد توجه قرار گیرند (ملاصالحی، ۱۳۹۴).

نقی‌زاده بیان می‌کند که «سنت معماری ایرانی» جریانی بر مبنای ارزش‌های ایرانی-اسلامی شکل گرفته که در طول قرن‌ها به معماری و شهرسازی ما شکل داده است. [ولی] با

فضا و جهت‌یابی می‌شود. روح مکان می‌تواند باعث شود که یک فرد به یک مکان حس تعلق داشته و بخواهد در آنجا بماند یا به آن بازگردد و یا از آن بگریزد و در کل نسبت به آن خنثی و بی‌تفاوت نباشد (پورمند و همکاران ۱۳۸۹، ۸۰). المان‌های مختلف در روح مکان مؤثر هستند که در این پژوهش در ۴ دسته زیر تقسیم‌بندی شده‌اند:

۲-۳-۳- هویت

در فرهنگ لغات آکسفورد واژه هویت^۱ به سه معنی: ۱- کیستی یا چیستی ۲- ویژگی‌ها، احساسات و یا اعتقاداتی که باعث شباهت افراد می‌شود، ۳- ویژگی‌ها و حالاتی که باعث شباهت و تفاوت می‌شود معنا شده است (Oxford Dictionary, 2023). «علیرغم تناقضات گوناگون در رابطه با کاربرد این مفهوم (هویت) در حوزه معماری، اغلب نظریه‌پردازان تعریف آن‌ها به‌عنوان معنا یا سطحی از معنا پذیرفته‌اند. این معنا، مرتبط با میزان تعامل میان فرد و محیط مصنوع بوده و درکنش متقابل میان آن‌ها تعریف می‌گردد» (سلیمانی و همکاران ۱۳۹۵). رویدادها و حوادث تاریخی، مصالح ساختمانی رایج، موتیف‌ها و اشکال معماری، رنگ‌ها و بافت در هویت مؤثر هستند (بلیلان اصل و اسکندری، ۱۳۹۶).

هویت دارای وجوه متضاد بوده که از آن جمله می‌توان به هویت فردی در مقابل هویت جمعی، هویت انتسابی در برابر هویت اکتسابی و هویت درونی در برابر هویت بیرونی اشاره کرد. تقابل دوگانه بیرونی و درونی در حقیقت بیانگر مهم‌ترین ویژگی هویت در مرزبندی میان دنیای درونی و بیرونی هست که تعریف‌کننده مفهوم «من» در مقابل «غیر من» است. این تقابل به تعبیری دیگر با مفاهیم خود و شخصیت بیان می‌گردد به گونه‌ای که «خود» دربردارنده وجه درونی و «شخصیت» معرف وجه بیرونی و اجتماعی «هویت» است که در طی زمان شکل می‌گیرد. به‌این ترتیب می‌توان گفت که شکل‌گیری هویت محصول یک فرایند دیالکتیک درونی-بیرونی میان دنیای شخصی فرد و مفاهیم

² Personal identity

¹ identity

شهری و روستایی و پارک‌ها و حتی طبیعت دست‌نخورده در ایجاد روح مکان تأثیر دارند (ابراهیمی اصل و خلیلی، ۱۳۹۷).

۲-۵- تعلق (خوگیری)

این واژه که معادل کلمه Acclimation است سطحی از ارتباط مفهومی با هر موضوعی، چیزی یا جایی از جمله معماری است. همچنین با کلماتی مانند Habituation به معنای عادت کردن و Dependency به معنای وابستگی و یا تعلق و Attachment به معنای دل‌بستگی و وابسته به چیزی بودن مرتبط است. گل‌مان و گرینو خوگیری با محیط یا هر پدیده پیچیده دیگر را سطحی از یادگیری و دارای نوعی از هم‌گسیختگی و محدودیت و تا حدی ناخودآگاه می‌دانند (Gelman & Greeno^۱, 1989, 96). آن‌ها همچنین به نقش گذشت زمان در ایجاد تعلق تأکید می‌کنند.

۲-۵-۱- یگانگی با محیط

بدون شناخت از محیط حس تعلق به وجود نمی‌آید. حس تعلق به‌مرورزمان و طی روند تدریجی شناخت از محیط به دست می‌آید. مکان تنها مجموعه‌ای از اشیا نیست، هر مکان تصویری خاص بر روی ذهن افراد باقی می‌گذارد. حس تعلق به مکان، پیوندی محکم بین فرد و مکان ایجاد می‌کند و فرد خود را با مکانی که به آن تعلق دارد تعریف می‌کند، زمانی که فرد حس تعلق به مکان داشته باشد این امر موجب هماهنگی با محیط و رضایت وی از محیط شده و همچنین انگیزه ماندن در محیط را فراهم می‌کند (ابراهیمی اصل و خلیلی، ۱۳۹۷).

۲-۵-۲- اهمیت خانه

نوربرگ- شولتس (۱۳۸۷، ۲۱) به مسئله خانه و محل زندگی و ارتباطی که فرد با آن می‌گیرد بسیار اهمیت می‌دهد. معماریان (۱۳۸۴، ۲۳) در کتاب «سیری در مبانی نظری معماری» آنجا که از نگرش اقلیمی صحبت می‌کند معماری را معادل سرپناه می‌گیرد. البته شولتس این موضوع را می‌پذیرد ولی «خانه» را فراتر از «سرپناه» می‌داند. انسان در برابر عوامل جوی و محیطی نیاز به فضایی دارد که در آن

مثبت یا منفی، منقلب کننده یا شادی‌آور باشد. چیزی که در شخص حس خاصی ایجاد نکند اصولاً خاطره نیست. بعضی از متفکران مثل «والتر بنیامین» جنبه‌ای غیرارادی برای خاطره قائل هستند و خصوصاً در زمینه معماری و شهرسازی این جنبه خاطره را مهم‌تر می‌دانند. از نظر بنیامین شهرهای مدرن تفاوت‌های اساسی با شهرهای دوره سنت دارند، یکی از این تفاوت‌ها در نحوه تقابل آن‌ها با مقوله خاطره و تجربه شهری است. در شهر کهن به‌ندرت چیزی به‌عنوان خاطره‌ای از گذشته و یادآوری وجود داشت، نهایتاً بنای یادبودی در جهت بزرگداشت شاه یا سرداری معاصر زمان خود؛ اما شهرهای مدرن پر هستند از یادمان‌هایی که به گذشتگان، مشاهیر و عموماً موضوعاتی که ریشه در گذشته دارد، تعلق دارند (تاج‌بخش، ۱۳۸۳).

کانتر می‌گوید: فضاهای شهری، میدان‌ها، ابنیه تاریخی، دروازه‌های تاریخی محلی برای حفظ حافظه جمعی تاریخی شهروندان هستند. آن‌ها از طریق این مکان‌ها که از آن خاطره کم‌وبیش مشترک دارند روندهای اجتماعی و تاریخی را به یاد می‌آورند. از بین رفتن این مکان‌ها باعث آسیب به این حافظه جمعی شده و دیگر جای چندانی برای تعامل اجتماعی نمی‌ماند (کانتر، ۱۳۹۲، ۱۷۳).

۲-۴-۳- جزییات

نقش آن در این میان بسیار مهم است، عناصری مانند موتیف‌های ساختمانی، تزیینات، طاق‌ها و ورودی‌ها، در و پنجره و مصالح ساختمانی مثل نماهای آجری یا کاه‌گلی و... و همچنین فضای سبز می‌تواند بسیار در ایجاد این خاطره و هم ذات‌پنداری با فضا کمک کند. المان‌ها و مبلمان شهری، مجسمه‌ها و میدان‌ها و دیوارنگاره‌ها همه در ایجاد محیط مؤثر هستند. جوادی و همکاران خاطره را بسیار مرتبط با المان‌های محیط و آگاهانه می‌دانند. آن‌ها نقش حکومت و قدرت سیاسی در شکل دادن به خاطرات از محیط را پررنگ می‌دانند (جوادی و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین فضای سبز بسیار مؤثر است. عناصری مانند درختان، گل‌ها، گلدان‌های

^۱ Gelman & Greeno

معنی سودمندی در معماری نوع استفاده از فضا است. چگونه یک فضا مورد استفاده قرار می‌گیرد. معماری مدرن شعار خود را بهبود و هماهنگی بیشتر فضا و سودمندی می‌داند. لذا سودمندی در معماری مدرن به‌عنوان یک رکن خود را نشان می‌دهد. سودمندی البته در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری با همین معنی ولی رویکردی گسترده‌تر مورد استفاده می‌گیرد و عرصه‌های مختلف شهری به‌منظور عملکردهای مختلف مورد تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند. لذا از این نظر می‌توان بین واژه سودمندی و عملکرد تفاوت قائل شد: سودمندی: مقصودی که فضا یا ساختمان برای آن به وجود می‌آیند. عملکرد (کارکرد): نحوه و نوعی که یک فضا مقصود و فایده را که به خاطر آن به وجود آمده را مهیا می‌کند (Stein & Spreckelmeyer, 1999, 10).

۲-۶-۱- سودمندی از نظر شولتس

شولتس از کلمه سودمندی به‌عنوان یکی از ارکان معماری و نیز از کلمه کارکرد^۲ استفاده می‌کند. سودمندی از دیدگاه شولتس معنایی گسترده دارد و فقط معطوف به عملکرد نمی‌شود و شاید بتوان آن را تعبیر به «هر آنچه از یک مکان فهمیده می‌شود» کرد. او با رویکرد پراگماتیسمی (عمل‌گرایانه) معماری مدرن همدلی ندارد و آن را تقلیل‌گرایانه^۳ و یک‌سویه‌نگر می‌داند. او از عبارت «کاربری آدمی» [برای انسان] استفاده می‌کند (نوربرگ- شولتس، ۱۳۸۵، ۲۰۷) و خیابان را مثال می‌زند، خیابان آن چیزی نیست که مثلاً دفتر کار ما در آن قرار دارد و از آن «عبور» می‌کنیم بلکه «هنگامی که می‌گوییم از خیابان استفاده می‌کنیم بیشتر بدان معناست که ... از آن حیث که خیابان است بدان می‌نگریم ... و «هستی‌پذیری»^۴ در خیابان [اتفاق می‌افتد] یعنی دیدار با مردمان ... گام برداشتن در خیابان، شگفتی‌ها و اکتشافات [آن]» (نوربرگ- شولتس، ۱۳۸۷، ۳۹). لذا خیابان خود «فضایی از مکان‌های گوناگون» است.

احساس آسایش و امنیت کند. شولتس این راحتی و آسودگی را در عوامل چندی می‌بیند: او بر مفهوم سکونت تأکید می‌کند. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیط مفروض است. این ارتباط کیفی در نتیجه عوامل مختلف به وجود می‌آید. این ارتباط با سکنی‌گزیدن و «باشیدن» معنا پیدا می‌کند (طهوری، ۱۳۹۶).

۲-۵-۳- خانه به‌عنوان مأمن

واژه خانه در اینجا اغلب ترجمه کلمه Home در انگلیسی و Heim در آلمانی که اهمیت و مفهومی فراتر از «محل برای زندگی»، «محل سکونت»، «مسکن» دارد و شاید بتوان آن را با هویت و خاطرات شخص مرتبط دانست. هاشمی می‌گوید: در اینجا تفاوتی وجود دارد بین «خانه» و «مسکن»، مسکن محل سکنی‌گزیدن و مکان امنیت و آسایش فیزیکی است، اما «خانه» دارای بار عاطفی و احساسی بوده و با مفاهیمی مثل خاطره و حس تعلق ارتباط دارد (هاشمی، ۱۳۷۵). خانه به‌عنوان مسکن و منزل «محل نزول» اهمیت بسیار زیادی دارد و خصوصاً مسئله رفاه و آسایش در آن بیش از مکان‌های دیگر اهمیت دارد. در اینجا ارتباط حس «تعلق» و «خانه» اهمیت می‌یابد (نوربرگ- شولتس، ۱۳۸۱، ۴۷).

۲-۶-۲- سودمندی^۱

تا اینجا سه مفهوم هویت، خاطره و تعلق و از خلال متون خصوصاً ادبیات شولتس مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت اما به جنبه‌هایی از موضوع که به سودمندی و کارکرد (عملکرد) معماری سروکار دارد از قبیل جهت‌یابی، خوانایی، کارایی، نظم، انسجام و البته خود سودمندی که در ادبیات شولتس وجود دارد، کمتر پرداخته شده است. ریشه استفاده از واژگان *utilitarian purposes* و *convenience* و *utilitas* با معادل انگلیسی *utility* است که یکی از سه‌گانه‌های مبنا برای تعریف معماری توسط ویتروویوس است (Stein & Spreckelmeyer, 1999, 10).

³ Reductionist

^۴ Existence

^۱ Utility
^۲ Function

آرای شولتس مشاهده می‌شود و کیفیت آن‌ها در یک شهر می‌تواند مهم باشد. شولتس همچنین بیان می‌دارد که در بررسی و مشاهده مکان، شخصیت و جو^۳ مکان به‌عنوان یک ویژگی، قابل مشاهده و بررسی است (صحت زاده و حسن‌پور، ۱۴۰۰، ۳). گریفین، تراستی و ریکارد معتقدند که جهت‌یابی و تحرک علی‌رقم برخوردار از تعاریف متفاوت، ارتباط تنگاتنگی باهم دارند. جهت‌یابی به معنای توانایی انسان در تعیین موقعیت مکانی و وضعیت خود نسبت به اجسام و افراد (و معماری) پیرامونی است (قائینی و همکاران، ۱۳۹۰).

شولتس شناخت از مکان را در پرتو عوامل مختلف می‌بیند که در یک پیچیدگی میان انسان و معماری (مکان) و به‌صورت برهمکنش آن‌ها بر یکدیگر اتفاق می‌افتد. انسان اجمالاً از محیط شناختی پیدا می‌کند که به حائز کاراکنتر (شخصیت) شدن می‌انجامد؛ اما این شخصیت در قالب هویت شکل می‌گیرد بدون هویت فضا نمی‌تواند شخصیت یابد. از این‌رو شولتس توجه خود را به محیط‌های روستایی و معماری دوره سنت می‌دوزد و با فضاهای ساخته شده در دوران مدرن هم‌مدل نیست (کوششگران و گلوردی، ۱۳۹۲).

در نیمه دوم قرن بیستم در تقابل با مدرنیسم در معماری، منطقه‌گرایی^۴ شکل می‌گیرد که بر رویکرد محلی در معماری برای پرداختن به مسائل اقلیمی و فرهنگی تمرکز دارد (Hassan Pour et al., 2013). کنت فرمپتون^۵ نویسنده و منتقد معماری که نظریه منطقه‌گرایی انتقادی^۶ را مطرح کرده است بیان می‌کند که معماری باید نسبت به مکان و فرهنگ و زمینه مربوط به مکان حساس باشد که البته نظریات او در مورد منطقه‌گرایی به‌صورت مستقیم برگرفته از پدیدارشناسی هایدگر است (Illies & Ray, 2009). استقبال از منطقه‌گرایی در ایران در واقع ریشه در حضور فعال و گسترده ایران‌شناسان غربی در دو قرن گذشته دارد که زمینه توجه و

سودمندی از نظر شولتس گوناگون و پیچیده است و با حس مخاطب از مکان سروکار دارد. او از لفظ «برهم‌کنش»^۱ استفاده می‌کند یعنی ارتباط متقابل انسان و مکان، می‌تواند کلمه کلیدی هستی‌پذیری یعنی محقق شدن همه امکانات معماری از قبیل محیط، فضا، مکان، فضای سبز، مردم و غیره را مصداق سودمندی از نظر شولتس دانست. ابراهیمی و خلیلی از این خصوصیت سودمندی در نظر شولتس تعبیر به «آشکارسازی معانی»، «دوستی با محیط»، «صمیمیت، حتی ارتباط با دست‌غیب» می‌کند (ابراهیمی اصل و خلیلی، ۱۳۹۷). از آنجا که در مطالعه میدانی حاضر سروکار با بافت‌های شهری پیرامون بناها و خود ساختمان‌ها به‌عنوان جزئی از خیابان و بافت و در نهایت شهر داریم، می‌توان از تجربه‌های گوناگون و پیچیده در مکان سخن گفت.

۲-۶-۲- نظم و انسجام

از نظر شولتس کاربرد بانظم و بهنجار بودن در ارتباط است «...اگر چیزی در مکان ما را به تشویش می‌اندازد احساس سودمندی نمی‌کنیم، تنها از آن‌رو است که برای ما بهنجار بودن مکان هنگامی است که آن مکان منظم و بسامان باشد». سودمندی از نظر شولتس بسیار وابسته است به پیش‌فرض‌ها و انتظاری است که ما از فضا و حس تعلق که نسبت به مکان داریم. او این موضوع را با مسئله بی‌مکان شدن انسان ارتباط می‌دهد از نظر او یکی از مواردی که از دست رفتن مکان می‌انجامد از بین رفتن انسجام، پیوستگی و سامانمندی است (نوربرگ-شولتس، ۱۳۸۱، ۳۷). این سامانمندی و نظم باعث ایجاد یک کلیت در مکان می‌شود که به شناخت بهتر از معماری کمک کرده و باعث ایجاد حس اطمینان و امنیت در مخاطب می‌شود.

۲-۶-۳- شخصیت مکان^۲

می‌توان گفت اموری مانند هستی‌بخشی و ایجاد هویت، همه در زمینه شناخت از مکان امکان‌پذیر می‌شوند. در اینجا واژگانی مانند جهت‌یابی، مکان‌یابی، تحرک و خوانایی در

^۴ Regionalism

^۵ Kenneth Frampton

^۶ Critical Regionalism

^۱ Interaction

^۲ Character of place

^۳ Character and atmosphere of place

۳-۱-۲- روش دلفی

بر مبنای روش معمول در پژوهش دلفی پس از بررسی پیشینه و ادبیات موضوع مؤلفه‌های مرتبط انتخاب شده که برای دور اول همان مؤلفه‌های جدول ۱ است.

انتخاب پنل دلفی: در این روش معمولاً ۱۲ نفر یا بیشتر به‌عنوان پنل دلفی انتخاب می‌شوند. در پژوهش حاضر تعداد ۲۱ نفر از متخصصان معماری، شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری همه دارای تحصیلات کارشناسی ارشد یا دکتری و اغلب اعضای هیئت‌علمی دانشگاه در رشته‌های معماری، شهرسازی، عمران به‌عنوان پنل دلفی انتخاب شده‌اند.

دور اول: مؤلفه‌ها و سؤالات پرسشنامه شهروندان در اختیار پنل قرار گرفته و مؤلفه‌ها مورد بررسی و ارزش‌یابی قرار گرفته است و نتایج جمع‌آوری شده است.

دور دوم: در این مرحله با توجه به نظرات پنل مؤلفه‌ها مورد بازبینی قرار گرفته و به‌صورت ۸ مؤلفه تزیینات، خوانایی، هندسه، سودمندی، هویت، خاطره، تعلق و کلیت معماری شکل یافته است. در این دور دو مؤلفه تزیینات و خوانایی به مؤلفه اصلی تبدیل یافته و مؤلفه هندسه به جای نظم قرار گرفته است همچنین مؤلفه کلیت (معماری) اضافه شده است. در ادامه پرسشنامه جدید با عنوان پرسشنامه متخصصان دارای سؤالات ۵ گزینه‌ای لیکرت و سؤالات توصیفی و تشریحی و با تأکید بر مطالعات موردی (شش ساختمان) برای متخصصان ارسال شده و یا مصاحبه حضوری انجام است همچنین از پنل خواسته شده به ۶ ساختمان مرتبط در ۸ مؤلفه منتخب نمره دهند.

دور سوم: در این دور به روش دلفی پایان داده شده است و به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته شده است. در پایان دادن به ادوار دلفی از مقایسه آماری نتایج با یکدیگر و تحلیل‌های آماری مانند آمار توصیفی و همبستگی استفاده شده است. می‌توان از روش‌هایی میزان همبستگی و مطابقت نتایج را مورد بررسی قرار داد که البته از موضوع پژوهش خارج بوده است.

معطوف کردن نگاه‌ها را به معماری تاریخی ایران شکل دادند (Hassan Pour, 2015).

از دهه ۱۹۷۰، برخی از معماران برجسته ایرانی نیز به مطالعه بناهای تاریخی برای درک اصول بنیادی معماری سنتی برای تطبیق طرح‌های خود با اقلیم و فرهنگ محلی پرداختند (Hassan Pour, 2014) که در نتیجه آن، منطقه‌گرایی و بومی‌سازی ساختمان‌ها به موضوع اصلی معماری پیشرو در ایران تبدیل شد (Hassan Pour et al., 2015). برخلاف منطقه‌گرایی، پدیدارشناسی و آرای اندیشمندانی چون هایدگر و شولتس، هنوز جایگاه نظری فراگیری را برای شکل‌دهی یک جریان معماری پیشرو در بین معماران معاصر ایران ایجاد نکرده است که این خلأ در مبانی نظری، ضرورت انجام مطالعات بیشتر نظری توسط پژوهشگران معماری را نمایان می‌سازد.

۳- روش تحقیق

پس از مطالعه ادبیات مرتبط و بررسی نظرات صاحب‌نظران و پدیدارشناسان با تمرکز بر نظرات شولتس تعداد ۴ مؤلفه که هر یک دارای سه یا چهار زیر-مؤلفه است انتخاب شده است. در اینجا زیرمؤلفه‌ها که در واقع مؤلفه‌های معنایی پژوهش است، مبنای طراحی پرسشنامه قرار گرفته است (جدول شماره ۱).

۳-۱- مطالعه میدانی

۳-۱-۱- پرسشنامه عموم (شهروندان)

برای هر زیر-مؤلفه تعداد دو سؤال یا بیشتر طرح شده است و سؤالات مطالعه موردی شش ساختمان منتخب افزوده شده و پرسشنامه شهروندان شکل گرفته است. جمعاً حدود پنجاه سؤال از مؤلفه‌ها و حدود ۲۰ سؤال از مطالعات موردی و شش سؤال فردی پرسشنامه را می‌سازد. سپس با استفاده از سایت و افراد داوطلب پرسشنامه‌ها تکمیل شده و نتایج به‌صورت بانک آمار در نرم‌افزار مورد تحلیل قرار گرفته است.

به‌عنوان یک مقدار نامشخص به جهت هماهنگی بیشتر با تحلیل آماری و نرم‌افزاری استفاده شده است.

۳-۳- موارد مطالعه

در انتخاب مطالعه موردی از نظر متخصصان استفاده شده است. سه بنای تاریخی به جهت مقایسه و مناسب بودن ابعاد تحقیق به‌اتفاق آرای متخصصان انتخاب شده‌اند. یکی بنای مسجد امام (سلطانی) از اوایل دوره قاجار و دیگری ارگ سمنان از میانه این دوره و سومی مسجد جامع که سابقه سلجوقی تا قاجار دارد. انتخاب سه بنای معاصر نیز به همین ترتیب انجام شده، دو بنای برج تجاری - اداری ققنوس و ساختمان پزشکان بوعلی به جهت اهمیت اقتصادی و ابعاد بزرگ پروژه و تأثیر در سیمای شهری مورد انتخاب قریب به‌اتفاق متخصصان بوده است. تنهای بنای ساختمان تجاری خسروانی دارای ابعاد کوچک‌تر است اما همچنان به دلیل موقعیت قرارگیری بسیار شاخص و سبک منحصر به فرد و به‌عنوان نمادی از معماری عوام‌پسند انتخاب شده است. لیست بناهای انتخاب شده به‌عنوان مطالعه موردی و توضیحات مختصر در (جدول شماره ۲ و ۳) آمده، سپس به بررسی مؤلفه‌های کیفی بناهای مطالعه موردی پرداخته شده است. مبنای آمار این بخش روش دلفی و نظرسنجی از ۲۱ متخصص حوزه ساختمان‌سازی و معماری است. از متخصصان خواسته شد به شش بنای منتخب و به هشت مؤلفه کیفی: کلیت معماری، خوگیری (تعلق)، خاطره، هویت، سودمندی، هندسه، خوانایی و تزیینات نمره بدهند.

نحوه استخراج مؤلفه‌ها: این ۸ مؤلفه همگی از مؤلفه‌های (جدول شماره ۱) است که به علت ارتباط با مطالعه موردی تغییرات اندکی در آن‌ها داده شده است. مثلاً مؤلفه هندسه با نظم جایگزین شده و مؤلفه کلیت (معماری) افزوده شده است. دلیل آن برقراری ارتباط بهتر با متخصصان حوزه معماری در مصاحبه است که نتایج در تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است. توضیح لازم است که در این پژوهش طبق روال معمول مطالعات آماری، از واژه متغیر^۲

۳-۴- جامعه آماری

جامعه آماری موردنظر مردم شهر سمنان هستند. طبق روش کوکران باید بر اساس جمعیت این شهر حجم نمونه محاسبه گردد. لذا نیاز به اطلاعات آماری از شهر سمنان داریم. «جمعیت شهر سمنان بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ خورشیدی، برابر ۱۸۵۱۲۹ نفر بوده است» (تارنمای دانشگاه سمنان، ۱۳۹۵). در نمونه‌گیری، حجم نمونه از روش کوکران و جدول مورگان استفاده شده است.

۳-۴-۱- سنجش پایایی نتایج آماری پرسشنامه (روش آلفای کرونباخ)

با بارگذاری اطلاعات به‌دست آمده در نرم‌افزار SPSS برای پرسشنامه شهروندان اندازه عدد آلفای کرونباخ ۰/۸۲۰ به‌دست آمده است؛ یعنی پایایی نتایج خوب ارزیابی می‌شود.

۳-۴-۲- سنجش روایی: روایی پرسشنامه‌ها از طریق روش دلفی و با استفاده از متخصصان ارزیابی شده است. میزان روایی توسط ۸ نفر متخصص ۴/۱۷ از ۵، یعنی در محدوده بسیار خوب و عالی قرار می‌گیرد و به درصد حدود ۸۰٪ ارزیابی شده است.

۳-۴-۳- خطا و معناداری در روش میانگین: میزان خطا در این روش با استفاده از جدول کوکران در حدود ۵٪ است. به‌طور معمول نتایج با اختلاف بیش از ۰/۰۵ یا ۵٪ معنادار و بیش از ۱۰٪ قابل توجه است؛ و کمتر از ۵٪ معنادار نیست و ممکن است به خاطر خطای آزمایش باشد. در اینجا ۵٪ ملاک معناداری قرار گرفته است.

^۲ Variable

^۱ Components

جدول ۱. مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌ها به و پرسش‌های پرسشنامه

سؤالات	مؤلفه‌های معنایی مرتبط	زیر مؤلفه	مؤلفه
۵ و ۶	ارتباط با جزئیات تزیینات	خاطره از معماری	خاطره
	حس سرنوشت مشترک		
۱۳ و ۱۴	لحظه‌ها، خاطراتی که از برخورد با معماری ساخته می‌شود	روپارویی، خلق لحظه‌ها در مکان	
	تداوم تجربه‌های جدید در معماری		
۲۱ و ۲۳	آشنایی با مکان نقاط عطف (لندمارک) ها شهری	شناخت از مکان	
	احساس فردی نسبت به شهر سمنان	هویت فردی	
۲۰	ارتباطات اجتماعی با ساکنین	هویت اجتماعی	
۷ و ۸	علاقه به مکان‌های تاریخی شناخت و ارتباط با ابنیه و بافت‌های تاریخی	هویت تاریخی	
	۲۸ و ۳۰	خوانایی، تحرک، ارتباط کاربر و مکان	شخصیت مکان
۲۴		احساس امنیت احساس آرامش و نبود استرس	نظم و انسجام
	۲۵ و ۲۶	سودمندی به‌عنوان فهم از مکان برهمکنش کاربر و مکان	عملکرد
۱، ۱۹		حس وابستگی به محیط علاقه به شهر	حس تعلق به مکان
	۲ و ۲۱ و ۲۲	احساس دوستی با محیط میل به ترک محیط (مهاجرت)	یگانگی با محیط
۱۵ و ۱۶ و ۱۷		خانه به‌عنوان مأمن ارتباط خانه با محیط پیرامون	اهمیت خانه
	رضایت از خانه		

جدول ۲. مطالعه موردی سه ساختمان تاریخی و خصوصیات آن‌ها

تصویر	- نوع پلان - عناصر	- قدمت - سبک - دوره ساخت - سودمندی	نام بنا
	<p>- چهار ایوانی - درون‌گرا - تقسیمات سه‌تایی</p>	<p>- ابتدای قاجاریه - شیوه اصفهانی - بنای تاریخی - مذهبی: - نماز جمعه</p>	<p>مسجد امام (سلطانی) سمنان</p>
	<p>- حیاط مرکزی - تک ایوان - تک مناره - قوس‌های جناغی در نقش عنصر وحدت‌بخش</p>	<p>- صدر اسلام تا قاجاریه - شیوه رازی و آذری - بنای تاریخی - مذهبی</p>	<p>مسجد جامع سمنان</p>
	<p>- برون‌گرا - تزیینات - قاجاری - شش مناره کوچک</p>	<p>- ناصرالدین شاه - شیوه تهرانی - بنای تاریخی - یادمانی</p>	<p>ارگ سمنان</p>

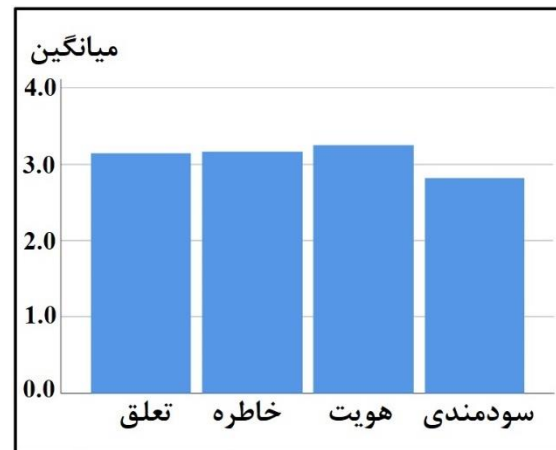
جدول ۳. مطالعه موردی سه ساختمان معاصر و معرفی اجمالی آن‌ها

تصویر	نوع پلان - عناصر	- قدمت - سبک - سودمندی	نام بنا
	<p>- برج ۱۸ طبقه - ایده مدرن ساختمان جعبه‌ای Box building</p>	<p>- ۵ سال - مدرن - برج تجاری اداری</p>	برج ققنوس
	<p>- ساختمان ۱۲ طبقه - دارای آتریوم - عقب‌نشینی پله‌ای در نما - عدم یکنواختی در ترکیب فرمی و رنگ مصالح</p>	<p>- ۱۰ سال - پسا مدرن - اداری و درمانی</p>	ساختمان پزشکان بوعلی
	<p>- ساختمان تجاری - نیم ستون - ایجاد فضایی شهری در جلوی بنا</p>	<p>- ۵ سال - نئوکلاسیک - تجاری</p>	ساختمان خسروانی

۴- بحث و یافته‌ها

۴-۱- آمار توصیفی (روش میانگین)

روش میانگین با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفته و به صورت جدول و نمودار استخراج شده است. جداول بدون دخل تصرف در مقادیر به فارسی تبدیل شده و مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته اند و نتیجه گیری انجام شده است. به طور مثال مؤلفه خوگیری با میانگین ۰/۶۵، ۱۵٪ از متوسط بالاتر بوده و به عبارتی مقبول تر است. به همین ترتیب می توان از این جدول نتایج کیفی زیر را استخراج کرد: معماری سمنان در موارد بررسی شده و در حد پرسشنامه شهروندان در سه پارامتر خوگیری، خاطره و هویت به طور معناداری دارای مقبولیت است؛ زیرا که اختلاف میانگین این سه متغیر با متوسط (۳) بیش از ۵٪ است. تنها پارامتر سودمندی با میانگین ۰/۴۷ در محدوده خطای ۵٪ قرار گرفته و لذا تفاوت معناداری با میانگین ندارد (شکل شماره ۱). بر اساس این شکل‌ها بیشترین میزان به هویت و کمترین میزان به سودمندی تعلق گرفته است.



شکل ۱. میانگین متغیرها استخراج شده از نرم‌افزار SPSS

در مجموع معماری شهر سمنان از سه پارامتر تعلق، خاطره، هویت نمره قابل قبول بالای ۵۰٪ می گیرد و در میانگین این سه متغیر نمره قابل قبول ۳/۲۲ می گیرد یعنی ۵۵/۵٪ فقط پارامتر سودمندی است که در این شهر کمتر متوسط است.

۴-۲- آمار تحلیل همبستگی

در این بخش با بارگذاری کلیه اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های شهروندان و متخصصان در نرم‌افزار SPSS بر اساس روش رگرسیون خطی ساده عمل شده است. نتیجه کار میزان همبستگی هر یک از چهار پارامتر به مدل مفهومی را نشان می دهد و می توان پیش بینی کرد که چه میزان توان پیشگویی نتایج را دارد.

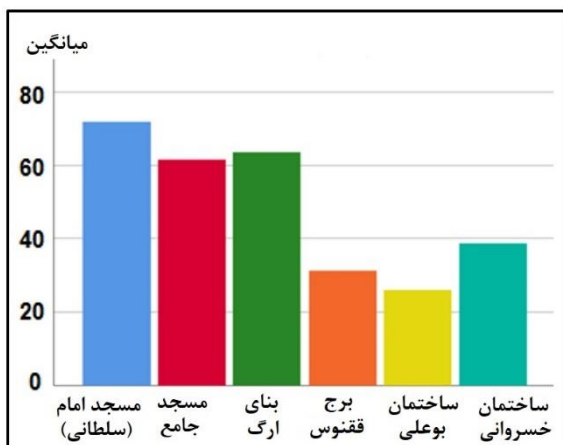
جدول ۴. متغیرها و ضرایب همبستگی استخراج شده از نرم‌افزار

متغیر	ضریب R همبستگی	Significant معناداری	B ضریب درصد وزنی همبستگی
خوگیری	۰/۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۴۱ ٪۲۴
خاطره	۰/۴۱۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳۷ ٪۳۴
هویت	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۰۰ ٪۲۰
سودمندی	۰/۱۴۲	۰/۰۰۱	۰/۱۴۹ ٪۱۵
مجموع			٪۹۳

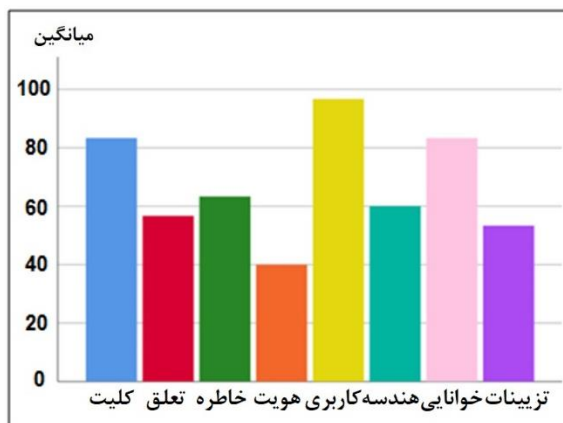
۴-۲-۱- مطالعه معناداری متغیرها

بر اساس مدل سازی رگرسیون در نرم‌افزار SPSS مدل مفهومی (همه متغیرها) به عنوان متغیر وابسته و پارامترهای چهارگانه خوگیری، خاطره، هویت و سودمندی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و نتایج با رگرسیون خطی ساده به صورت (جدول شماره ۴) به دست آمده است. ضرایب سیگنیفیکانت (Sig) همگی بسیار پایین و نزدیک صفر به دست آمده که خبر از معناداری ارتباط همبستگی بین متغیرهای غیر وابسته و متغیر وابسته می دهد. مقدار R2 به مقدار ۰/۹۷۸ یعنی با دقت حدود ۹۸٪ می توان از روی متغیرهای غیر وابسته متغیر وابسته یعنی مدل را پیش بینی کرد؛ اما میزان وزن همبستگی هر یک از چهار پارامتر بر مبنای ضریب همبستگی به ترتیب جدول است. لذا می توان گفت که تأثیر این چهار پارامتر بر متغیر به ترتیب زیر است:

مشاهده می‌شود کمترین نمره به هویت تعلق گرفته که نزدیک عدد ۲ یعنی حدود ۴۰٪ مقبولیت است، خاطره با حدود ۶۰٪ و تعلق حدود ۵۵٪ نسبتاً پایین است؛ اما از نظر متخصصان سودمندی (کاربری) نمره‌ای نزدیک به ۹۰٪ کسب نموده است. همچنین در مورد کلیت معماری و خوانایی نمرات حدود ۸۰٪ است. می‌توان نتیجه گرفت متخصصان از نظر جنبه‌های کاربردی به ساختمان‌های جدید نمرات بالایی داده‌اند.



شکل ۱. مقایسه میانگین نتایج ابنیه مورد مطالعه



شکل ۲. مقایسه میانگین متغیرها در بناهای معاصر به درصد

سه ساختمان تاریخی: متخصصان به این سه ساختمان نمرات بالایی داده‌اند، به طوری که کمترین نمره که متعلق به سودمندی است از ۵۰٪ بیشتر است و سه متغیر هندسه، هویت و خاطره نزدیک به ۸۰ یا بیش از آن هستند. همچنین تزئینات به حدود ۷۳٪ و خوانایی با حدود ۷۸٪ و کلیت معماری ۸۳٪ همچنان نمرات بالایی هستند (شکل شماره ۴). در مجموع می‌توان گفت متخصصان این سه ساختمان تاریخی را بسیار

خاطره، خوگیری، هویت، سودمندی: همچنین می‌توان گفت با استفاده از پارامتر Beta در تحلیل به دست آمده توسط نرم‌افزار وقتی که هیچ‌یک از همبستگی‌ها منفی نباشد عنوان میزان درصد وزنی همبستگی در نظر گرفت؛ یعنی وزن همبستگی خوگیری ۲۴٪ مدل پدیدارشناسانه، خاطره ۳۳٪، هویت ۲۰٪ و سودمندی ۱۵٪ است.

۳-۴- مطالعات موردی (ساختمان‌ها)

شش ساختمان به عنوان مطالعه موردی مورد بررسی قرار گرفته که تحلیل نتایج به شرح زیر آمده است. جدول زیر میزان میانگین جواب‌های مثبت و در واقع میانگین رضایت از موارد مطالعه به درصد است. ارگ سمنان ۶۲٪، مسجد جامع ۶۱٪، مسجد امام ۷۲٪، برج ققنوس ۳۱٪، ساختمان خسروانی ۳۹٪ و ساختمان بوعلی ۲۵٪. از مقادیر به دست آمده برای سه ساختمان تاریخی و سه ساختمان معاصر میانگین گرفته شد که در (شکل شماره ۲) مشاهده می‌شود. آمار گویای مقبولیت حدود ۶۰ درصدی ساختمان‌های تاریخی با قدمت حداقل ۱۵۰ سال و عدم مقبولیت ساختمان‌های معاصر با حدود ۱۱٪ نمره کمتر است. در میان شش ساختمان بررسی شده توسط پاسخ‌دهندگان بالاترین امتیاز به ساختمان مسجد امام (سلطانی) سمنان و پایین‌ترین امتیاز به ساختمان پزشکان بوعلی تعلق گرفته است. میزان مقبولیت کلی ساختمان‌های تاریخی ۶۰٪ و ساختمان‌های معاصر ۴۹٪ است.

۳-۴-۱- بررسی متغیرهای کیفی بناهای مطالعه موردی

مبنای آمار این بخش روش دلفی و نظرسنجی از ۲۱ متخصص حوزه ساختمان‌سازی و معماری است. از متخصصان خواسته شد که به هشت متغیر کیفی: کلیت معماری، خوگیری (تعلق)، خاطره، هویت، سودمندی، هندسه، خوانایی و تزئینات برای شش بنای منتخب از طریق روش لیکرت (۱ تا ۵) نمره دهند که نتایج به شرح زیر است.

سه ساختمان معاصر (جدید ساخت): سه بنای جدید

ساخت برج ققنوس، ساختمان بوعلی و ساختمان خسروانی در بین متخصصان نمراتی اخذ کرده‌اند که نمودار میانگین پارامتری آن در (شکل شماره ۳) دیده می‌شود. چنان‌که

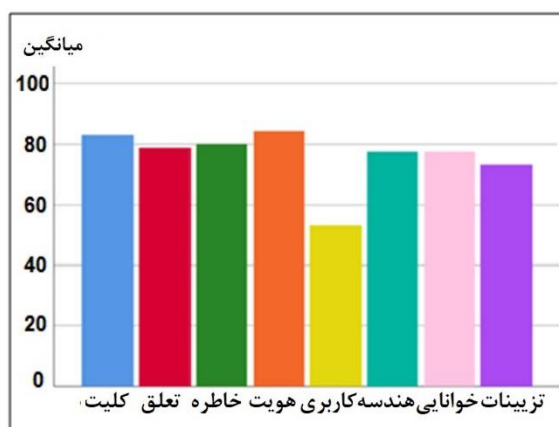
ساختمان مسجد امام با حدود ۷۰٪ بوده است. می‌توان ساختمان‌ها را به ترتیب نمره و از بیشتر به کمتر این گونه مرتب کرد: مسجد امام (سلطانی)، بنای ارگ، مسجد جامع، ساختمان خسروانی، برج ققنوس، ساختمان بوعلی. نکته اینکه که در میان سه ساختمان معاصر، ساختمان کوچک‌تر و کم‌هزینه‌تر خسروانی با نمای رومی پر تزیینات نمره بیشتری از دو ساختمان دیگر اخذ کرده است.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

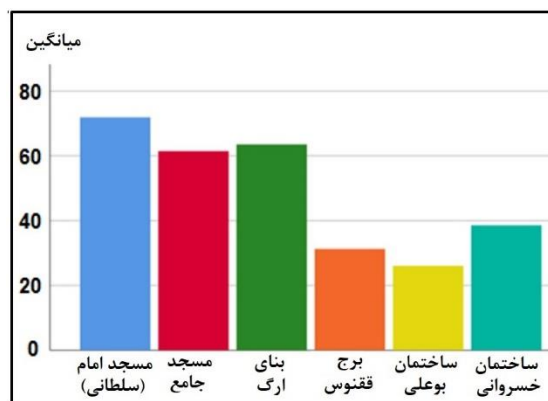
پس از بررسی آمار و نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌های شهروندان و مصاحبه‌های متخصصان در مجموع هر دو گروه ساختمان‌های تاریخی را مطلوب‌تر و قابل قبول‌تر از ساختمان‌های معاصر ارزیابی کرده‌اند، اما در متغیر سودمندی متخصصان میزان نمره بیشتری برای ساختمان‌های معاصر قائل بوده و این متغیر را در مورد ساختمان‌های تاریخی ضعیف‌تر ارزیابی کرده‌اند. همچنین از سوی متخصصان نمره بیشتری به ساختمان‌های تاریخی در متغیرهای هویت و خاطره تخصیص داده شده است. به نظر می‌آید در سال‌های اخیر ساختمان‌هایی در شهر سمنان ساخته شده است که از نظر شهروندان و متخصصان به میزان معناداری نامقبول‌تر از ساختمان‌های تاریخی هستند.

تحلیل آماری سه متغیر خوگیری، هویت، خاطره، نشانگر اختلاف سطح مقبولیت نسبی سه ساختمان تاریخی در مقابل سه ساختمان معاصر است. تنها در متغیر سودمندی ساختمان‌های معاصر در همان سطح مقبولیت است. یافته‌های پژوهش گویای مقبولیت نسبی کمتر شهروندان و متخصصان از معماری بناهای معاصر در نسبت با معماری بناهای تاریخی مطالعه شده است. مقاله حاضر قسمتی از یک پژوهش گسترده‌تر در جهت ارائه روشی برای شناخت متغیرهای کیفی در جهت فهم بهتر کیفیت معماری و شهرسازی است. با استفاده تحقیقات این گونه می‌توان به فهم بهتری از مسائل معماری، شهرسازی و جهت‌گیری‌های ساختمان‌سازی در سال‌های اخیر در شهرهای معاصر و ارتباط آن با هویت و

مطلوب و باکیفیت ارزیابی کرده‌اند. تنها تفاوت قابل توجه در متغیر سودمندی است که فقط اندکی از ۵۰٪ بیشتر بوده و کمترین نمره را کسب کرده است.



شکل ۴. نمودار متغیرهای ساختمان‌های تاریخی



شکل ۵. میانگین نتایج ساختمان‌ها به درصد

۴-۳-۲- مقایسه کلی ساختمان‌ها

در (شکل شماره ۵) شش ساختمان مورد نمره دهی واقع شده‌اند به طوری که هر ۸ پارامتر برای هر ساختمان میانگین گرفته شده و با هم مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. سه ساختمان معاصر (سه ستون سمت راست) نمرات کمتری از سه ساختمان تاریخی (سه ستون سمت چپ) کسب کرده‌اند. به طوری که ساختمان پزشکان بوعلی با نمره‌ای در حدود ۳۰٪ کمترین نمره و پس از آن ساختمان شاخص و مهم برج ققنوس و ساختمان خسروانی با نمای نئوکلاسیک با حدود ۴۰٪ هر سه کمتر از متوسط ارزیابی شده‌اند؛ اما سه ساختمان تاریخی هر سه بالای ۶۰٪ نمره کسب کرده‌اند، دو ساختمان مسجد جامع و ارگ حدود ۶۰٪ و بالاترین میانگین مربوط به

- اصغرپور ماسوله، احمدرضا، کرمائی، مهدی، و برادران کاشانی، زهرا. (۱۳۹۶). پدیدارشناسی همسرگزینی دختران جوان در شهر مشهد. زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، ۹(۱)، ۷۱-۴۹.

<https://sid.ir/paper/160492/fa>

- افشار نادری، کامران. (۱۳۷۸). از کاربری تا مکان. معمار، ۶(۴)، ۴-۷.

<https://sid.ir/paper/461329/fa>

- لیلان اصل، لیدا، و اسکندری، مریم. (۱۳۹۶). ویژگی‌های معمارانه مکان در طراحی صحنه‌هایی با هویت ملی در فیلم‌های «پری» اثر مهرجویی و «مادر» اثر حاتمی، مطالعات ملی، ۱۸(۳(۷۱))، ۱۲۴-۱۰۵.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735059.1396.18.71.6.4>

- بهزادفر، مصطفی، و شکیبامنش، امیر. (۱۳۹۳). جستاری بر فلسفه پدیدارشناسی مکان؛ بررسی اندیشه‌های دیوید سیمون در رابطه با مفهوم خانه به‌مثابه یک مکان. هویت شهر، ۸(۱۷)، ۱۴-۵.

<http://noo.rs/00C8H>

- پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). پدیدارشناسی مکان. تهران: فرهنگستان هنر.
- پورمند، حسنعلی، محمودی نژاد، هادی، و رنج آزمای آذری، محمد. (۱۳۸۹). مفهوم «مکان و تصویر ذهنی» و مراتب آن در شهرسازی از دیدگاه «کریستین نوربرگ شولتر» در رویکرد پدیدارشناسی. مدیریت شهری، ۸(۲۶)، ۹۲-۷۹.

<https://sid.ir/paper/92175/fa>

- تاج‌بخش، گلناز. (۱۳۸۳). والتر بنیامین: دگرگونی تجربه و خاطره در عصر جدید و کلان‌شهر مدرن. هنرهای زیبا، ۲۰(۲)، ۵-۱۶.

<https://sid.ir/paper/5618/fa>

- جوادی یگانه، محمدرضا، برزو، سپیده و شهیدی، مهشید. (۱۳۹۵). سیاست خاطره در فضای شهری: مطالعه موردی

سنت معماری و بناهای تاریخی و فهم استفاده‌کنندگان از معنای آن‌ها رسید.

۶- تشکر و قدردانی

از دانشگاه زابل به خاطر حمایت مالی با کد پژوهانه: IR-GR-UOZ-9984 از دکتر فرامرز حسن‌پور، نویسنده دوم مقاله، در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

۷- اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است و بهره‌مندی نویسنده دوم از حمایت مالی دانشگاه زابل بر اعلام صادقانه نتایج پژوهش تأثیری نگذاشته است.

۸- منابع و مأخذها

- ابراهیمی اصل، حسن، خلیلی، مرضیه. (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی فضاهای مورد استفاده در سینمای کیارستمی از منظر روح مکان بر اساس رویکرد پدیدارشناسی کریستین نوربرگ شولتر (نمونه‌ی موردی: سه گانه‌ی کو کر). نامه هنرهای نمایشی و موسیقی، ۱۰(۱۹)، ۶۵-۵۳.

<https://sid.ir/paper/378742/fa>

- اشرف گنججویی، محمدعلی، و سلطانزاده، محمد. (۱۳۹۳). بررسی تدابیر پدیدارشناسی در نقد بناهای معماری. صفا، ۲۴(۶۷)، ۲۲-۵.

<https://sid.ir/paper/520468/fa>

- اسلام پور، شیمای، میر ریاحی، سعید، و حبیب، سوزان. (۱۴۰۰). در جست‌وجوی معنای خانه: تبیین مؤلفه‌های کالبدی تجلی‌بخش معنا با استفاده از مفاهیم نظری پدیدارشناسی مطالعه موردی: خانه‌های حیاط دار همدان. باغ نظر، ۱۸(۱۰۵)، ۹۲-۷۹.

<https://sid.ir/paper/1001677/fa>

- اسلامی اردکانی، سید حسن. (۱۴۰۱). پیشگامان پدیدارشناسی، آینه پژوهش، ۳۳(۱) (پیاپی ۱۹۳)، ۲۴۸-۲۳۱.

<https://sid.ir/paper/967317/fa>

هفتمین کنگره سالانه بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران: دبیرخانه دائمی کنگره.

<https://civilica.com/doc/1373719>

• طهوری، نیر. (۱۳۹۶). آموختن از هایدگر، پدیدارشناسی در معماری تأثیر فلسفه هایدگر در نظریه پردازی معماری: هویت مکان در نظریات کریستین نوربرگ شولتز و کریستوفر الکساندر، *کیمیای هنر*، ۲۵، ۹۲-۷۳.

magiran.com/p1855233

• فیاضی، غلامرضا، ملک‌زاده، هادی، و پاشایی، محمدجواد. (۱۳۹۲). چستی معنا. *آیین حکمت*، ۵(۱۶)، ۱۶۰-۱۲۵.

<https://sid.ir/paper/512744/fa>

• قاینی، سعید، احمدی براتی، اکرم، و احمدی براتی، سعید. (۱۳۹۰). تأثیر تمرینات ذهنی، بدنی و ترکیبی بر قابلیت جهت‌یابی فضایی کودکان کم‌بینا. *تحقیقات در علوم زیستی ورزشی*، ۳(۱)، ۸۳-۷۷.

<https://sid.ir/paper/240528/fa>

• کاتر، دیوید. (۱۳۹۲). *روانشناسی مکان*، (ترجمه مریم امیری خواه)، تهران، نشر فضا.

• کوششگران، علی اکبر و گلوردی، مجتبی. (۱۳۹۲). مرتبه شناسی معماری دوره سنت، در آمدی بر مرتبه شناسی معماری روستایی بر مبنای تبیین و نقد آرای کریستین نوربرگ شولتز. *مسکن و محیط روستا*، ۳۲(۱۴۳)، ۱۲۰-۱۰۱.

<http://jhre.ir/article-1-195-fa.html>

• مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۴). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی-مکانی* (ترجمه فرهاد میرزایی)، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

• مرلوپوتتی، موریس. (۱۳۷۵). *در ستایش فلسفه* (ترجمه ستاره هومن). تهران: نشر مرکز.

• معاریان، غلام‌حسین. (۱۳۸۴). *سیری در مبانی نظری معماری*، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات سروش دانش.

• ملاصالحی، حکمت‌اله. (۱۳۹۴). بازخوانی حافظه و هویت در معماری یادمانی ایران. *باغ نظر*، ۱۲(۳۴)، ۸۲-۶۹.

موزه‌های تأسیسی پس از انقلاب در شهر تهران. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۷(۳۴)، ۱۸۳-۱۶۳.

<https://doi.org/10.22083/jccs.2016.23954>

• رشیدیان، عبدالکریم. (۱۳۸۲). دریدا و نظریه معنا در هوسرل. *پژوهشنامه علوم انسانی*، - (۴۰-۳۹) (ویژه‌نامه فلسفه)، ۸۶-۷۳.

<https://sid.ir/paper/371309/fa>

• رئیسی، محمدمنان، و نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۴). هستی‌شناسی معنا در آثار معماری. *هویت شهر*، ۹(۲۴)، ۱۶-۵.

<https://sid.ir/paper/154719/fa>

• ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۰). هستی‌شناسی معنا، نشریه معرفت فلسفی، ۹(۳۴)، ۸۵-۱۱۴.

<http://noo.rs/yZ7AV>

• سجاذزاده، حسن، پیربابایی، محمدتقی. (۱۳۹۱). مفاهیم فضای شهری در شهر اسلامی. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۳(۱۰)، ۳۴-۲۵.

<http://noo.rs/HI2xZ>

• سلیمانی، محمدرضا، اعتصام، ایرج، و حبیب، فرح. (۱۳۹۵). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. *هویت شهر*، ۱۰(۲۵)، ۲۶-۱۵.

<https://dori.net/dor/20.1001.1.17359562.1395.10.1.2.7>

• شعله، مهسا. (۱۳۸۵). دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه‌یابی رشته‌های خاطره‌ای. *هنرهای زیبا*، - (۲۷)، ۲۶-۱۷.

<https://sid.ir/paper/5743/fa>

• شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۲). جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۵(۱۱)، ۹۹-۹۱.

<https://sid.ir/paper/395194/fa>

• صحت‌زاده، نگین، و حسن‌پور، فرامرز. (۱۴۰۰). بررسی نظریه پدیدارشناسی در معماری با محوریت مکان در طراحی،

Lawrence Erlbaum Associates Inc: Routledge.

- Hassan Pour, F. (2014). Design of higher education learning spaces in Iran; From the Qajar Period to the Present Time. *Snapshots International Symposium on Learning Spaces*, the University of Melbourne.

<http://hdl.handle.net/11343/42271>

- Hassan Pour, F. (2015). The western impact on Iranian public architecture, 19th, and 20th centuries, in M. Fouché and R. A. Marino Zamudio (Eds.), *Oculus*. (48-49). Melbourne School of Design, the University of Melbourne.

https://msd.unimelb.edu.au/_data/assets/pdf_file/0008/2501963/Oculus-2015.pdf

- Hassan Pour, F., Lewis, M. & Guo, Q. (2013). The theoretical inapplicability of regionalism to analysing architectural aspects of Islamic shrines in Iran in the last two centuries. *International Congress of Imam's Descendants*, Esfahan, Iran.

<http://hdl.handle.net/11343/33373>

- Hassan Pour, F.; Lewis, M. & Guo, Q. (2015). Educational architecture and architectural education: through Dar al-Fonun to Iranian modern universities, in R.H. Crawford and A. Stephan (Eds.), *Living and Learning: Research for a Better Built Environment, 49th International Conference of the Architectural Science Association*. (1-10) Melbourne.

http://anzasca.net/wp-content/uploads/2015/12/ASA_2015_Proceedings.pdf

- Heidegger, M. (2010). *Being and Time: A Revised Edition of the Stambaugh Translation*, Findlay, J. N. trans, London, Routledge.
- Illies, C., & Ray, N. (2009). Philosophy of Architecture. *Philosophy of Technology and Engineering Sciences*, 1199-1256.

<https://doi.org/10.1016/B978-0-444-51667-1.50047-1>

- Moran, D. (2000). *Introduction to Phenomenology*, Routledge. London and New York: Taylor and Francis group.

<https://sid.ir/paper/125678/fa>

- میرابی، سعیده. یوسفی، علی و صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۹۴). پدیدارشناسی تجربه گناهان جنسی. *مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)*، ۶(۲)، ۱۹۴-۱۷۳.

<https://sid.ir/paper/173524/fa>

- میرزایی، وحید. رحیم نیا، فریبرز. مرتضوی، سعید، شیرازی، علی. (۱۳۹۷). بدینی سازمانی پرستاران: مطالعه پدیدارشناسی، *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۷(۱)، ۱۰۲-۸۸.

<https://sid.ir/paper/215511/fa>

- نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۹۳). *مبانی نظری معماری*. چاپ سوم. تهران: دانشگاه پیام نور.

- نقی زاده، محمد. (۱۳۷۹). رابطه هویت «سنت معماری ایران» با «مدرنیسم» و «نوگرایی». *هنرهای زیبا*، ۷(۷)، ۹۱-۷۹.

https://journals.ut.ac.ir/article_13940.html

- نوربرگ-شولتس، کریستیان. (۱۳۸۱). *ریشه‌های معماری مدرن (ترجمه محمدرضا جودت)* چاپ اول، تهران: انتشارات شهیدی.

- نوربرگ-شولتس، کریستیان. (۱۳۸۷). *معماری: حضور، زبان و مکان* (ترجمه علیرضا سید احمدیان) چاپ دوم، تهران: انتشارات نیلوفر.

- نیک‌روش، ریحانه و قاسمی سیپانی، مریم. (۱۳۹۳). بازشناسی جایگاه روح مکان در طراحی فضای کودکان، بر مبنای آرای پدیدارشناسی نوربرگ-شولتس، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۷(۱)، ۱۷۲-۱۴۵.

<https://doi.org/10.7508/isih.2015.25.006>

- هاشمی، سید رضا. (۱۳۷۵). *خانه و معمار. آبادی*، ۶(۲۳)، ۳-۲.

<https://sid.ir/paper/470687/fa>

- تارنمای دانشگاه سمنان، معرفی استان سمنان.

<https://semnan.ac.ir>

- Bachelard, G. (1994). *The Poetics of Space*. Boston: Beacon Press.
- Gelman, R., & Greeno, J. G. (1989). *On the nature of competence: Principles for understanding in a domain*, Mahwah,

Journal of environmental psychology, 2(2), 119-140.

[https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(82\)80044-3](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(82)80044-3)

- Spiegelberg, H. (1982). *The Phenomenological Movement*, London, Martinusnijhof.
- Stein, J. M., & Spreckelmeyer, K. F. (1999). *Classic Readings in Architecture*. New York: McGraw-Hill.
- Norberg-Schulz, C. (1979). *Genius loci: towards a phenomenology of architecture*, New York: Rizzoli.
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Meaning in Western Architecture*, New York: Rizzoli.
- *Oxford Advanced Learner's Dictionary 10th Edition*. (2023). Oxford, Oxford University Press.
- Seamon, D. (1982). The Phenomenological contribution to environmental psychology.

نحوه ارجاع به مقاله:

هاشمی هزاوه، سید مهیار، حسن پور، فرامرز، و کامیابی، سعید. (۱۴۰۳). واکاوی معنا در معماری تاریخی و معاصر شهر سمنان با تمرکز بر آرای پدیدارشناسانه نوربرگ-شولتس. توسعه پایدار شهری، ۵(۱۷)، ۳۹-۶۰.



DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2024.2007141.1083>



DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.5.9>

URL: https://usdjournals.daneshpajooohan.ac.ir/article_713602.html?lang=fa



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajooohan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



کشف ساختار دانش در داده کاوی شهری با استفاده از تحلیل هم رخدادی واژگان^۱

عنایت اله محقق نسب^۲، محمود محمدی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده: تکنیک هم رخدادی واژگان به منظور مصورسازی ساختار دانش در حوزه‌های جدید علمی بکار گرفته می‌شود. در مطالعه حاضر که از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است؛ از تحلیل هم رخدادی واژگان برای تحلیل و شناخت بیشتر حوزه داده کاوی شهری بهره گرفته شد؛ بنابراین در این مطالعه ابتدا روند زمانی تولیدات علمی و نویسندگان و کشورهای پیشرو در این زمینه بررسی شده است؛ و سپس مهم‌ترین جزء ساختارهای این حوزه‌ی جدید علمی بر اساس مقالات تولید شده معرفی شده است. بدین منظور پس از جستجو در پایگاه استنادی وب او ساینس ۳۹۲ مقاله در زمینه‌ی داده کاوی شهری به دست آمد که برای تحلیل اطلاعات این مقالات از روش‌های آماری و همچنین نرم‌افزار VOSviewer استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد تأثیرگذاران ترین و پیشروترین کشور در این زمینه کشور چین است که محققان وابسته به آن کشور ۲۸ مقاله در پایگاه استنادی علوم منتشر کرده‌اند. همچنین تحلیل سیر زمانی مقالات نشان می‌دهد، این موضوع پیشینه‌ای نزدیک به یک دهه دارد و هرچه به زمان حال حرکت شود، رشد تولیدات علمی در این زمینه افزایش می‌یابد؛ و اما مهم‌ترین یافته‌ی تحقیق حاضر که بر اساس تحلیل خوشه‌بندی و تحلیل نقشه دانش به دست آمده است، نشان می‌دهد حوزه داده کاوی شهری دارای پنج زیر حوزه یا جزء ساختار اصلی است: ۱- تحلیل سیستم‌های شهری و شهر هوشمند، ۲- مدل‌سازی و چارچوب تحلیل داده، ۳- شناسایی الگوها و پیش‌بینی آن‌ها به همراه تکنیک‌های مصورسازی، ۴- کلان داده‌ها و رسانه‌های اجتماعی، ۵- کلان داده شهری و شبکه ترافیکی؛ که از این میان تحلیل کلان داده‌های شهری از سایر جزء ساختارها به‌روزتر است و تحقیقات در این زمینه بیشتر مربوط به سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ بوده است.

واژگان کلیدی: هم رخدادی واژگان، علم‌سنجی، نقشه دانش، داده کاوی شهری، کلان داده شهری

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکترای نویسنده اول با عنوان "داده کاوی شهری: رهیافتی نو برای استفاده از کلان داده در حل مسایل شهری" است که با راهنمایی دکتر محمود محمدی در دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

^۲ دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^{۳*} دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول: Email:

M.Mohammadi4263@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

ظهور کلان داده‌ها علوم مختلف از جمله مطالعات شهری را دچار تحولات گسترده‌ای کرده است. وضعیت داده‌ها با گذشته به طور قابل توجهی تغییر کرده است. حجم عظیمی از داده هر روز و هر لحظه در شهر تولید می‌شود و شیوه‌های سنتی جمع‌آوری داده مانند پرسشنامه جای خود را به داده‌های اینترنتی و ثبت دیجیتال داده‌اند.

از این‌رو امروزه تحول بزرگی در مفهوم جمع‌آوری داده‌ی شهری و مفهوم شهر به‌عنوان یک مولد کلان داده صورت گرفته است. شهری که در هر لحظه داده‌های زیادی در ابعاد و شکل‌های گوناگون تولید می‌کند. تلفن‌های هوشمند مسیرها و فعالیت‌های ما را ضبط می‌کنند. اتوبوس‌ها و وسایل نقلیه در حال حرکت در اطراف یک شهر مسیرها، تأخیرها و مشکلات مربوط به خود را ذخیره می‌کنند. سنسورهای تعبیه‌شده در خیابان‌ها حجم ترافیک را ضبط می‌کنند. درعین حال، شهروندان اطلاعاتی را در مورد اینکه در کجا هستند، چه کاری انجام می‌دهند و چه احساسی دارند را در رسانه‌های اجتماعی هم‌رسان می‌کنند. آن‌ها آنچه را که اکنون به‌عنوان "حسگرهای اجتماعی" شناخته می‌شوند، تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، ایستگاه‌های هواشناسی مدرن حجم زیادی از اطلاعات آب‌وهوا و محیط‌زیست را تولید می‌کنند و ساختمان‌ها داده‌هایی درباره مصرف انرژی، نشت یا مسائل امنیتی را ارائه می‌دهند (Zhao et al., 2016).

این حجم عظیم از داده روش‌های تحلیل داده‌های شهری را نیز دگرگون ساخته است به طوری که امروزه مهم‌ترین مسئله در خصوص کلان داده‌ها، تحلیل کلان داده‌هاست. تحلیل کلان داده‌ها دیگر با روش‌های سنتی امکان‌پذیر نیست و برای آن نیازمند به‌کارگیری تکنیک‌های یادگیری ماشین، قواعد انجمنی، هوش مصنوعی، رگرسیون و به عبارتی علم داده‌کاوی است. لذا هم موضوع کلان داده‌های شهری و هم تحلیل آن که از طریق داده‌کاوی امکان‌پذیر است را می‌توان از نوظهورترین و به‌روزترین موضوعات در مطالعات شهری دانست که می‌تواند منجر به تغییرات اساسی در آن شود.

داده‌کاوی شهری موضوعی کاملاً بین‌رشته‌ای هستند و از این‌رو می‌توان آن را مشخصاً زیرمجموعه یک رشته قلمداد کرد و نه می‌توان زیرمجموعه‌های آن را برشمرد؛ بنابراین شناخت و ترسیم ساختار این حوزه از منظر علم‌سنجی امروزه بسیار اهمیت دارد. در مطالعات علم‌سنجی با استفاده از بررسی کمی تولیدات علمی، ترسیم نقشه علم و ارتباطات میان پژوهش‌ها، فعالیت‌های علمی ارزیابی می‌گردد.

در این مقاله با استفاده از تحلیل هم رخدادی واژگان کلیدی تولیدات علمی، محتوای موضوعی داده‌کاوی شهری مورد بررسی قرار گرفته و نقشه دانش داده‌کاوی شهری ترسیم گردیده است. تحلیل هم رخدادی واژگان که یکی از تکنیک‌های علم‌سنجی به شمار می‌رود، می‌تواند ساختار موضوعی حوزه‌های علمی را تعریف کرده و جز ساختارهای زیرمجموعه‌ی آن را شناسایی کند و ارتباط این جز ساختارها با یکدیگر را مورد بررسی قرار دهد. تحلیل هم رخدادی واژگان در موضوعات بین‌رشته‌ای نحوه‌ی ارتباط علوم مختلف با یکدیگر را نیز به تصویر می‌کشد و به محققان در پیدا کردن موضوعات به‌روز و جدید کمک می‌کند. در تحلیل هم رخدادی واژگان یک خوشه‌ی واژگانی می‌تواند به‌عنوان یک توصیف کوتاه از یک حوزه‌ی پژوهشی شناخته شود؛ بنابراین یک حوزه پژوهشی به‌عنوان یک ساختار از موضوعات پژوهشی که به‌صورت دوجانبه به یکدیگر متصل شده‌اند توصیف می‌شود (Cahlik, 2000).

در این مقاله نیز قصد بر آن است، حوزه داده‌کاوی شهری با استفاده از فن تحلیل هم رخدادی واژگان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا مشخص شود این حوزه‌ی جدید پژوهشی از چه زیرمجموعه‌هایی تشکیل می‌شود و این زیرمجموعه‌ها چگونه با یکدیگر ارتباط دارند که این هدف به شکل مشخص‌تری در سؤالات زیر آمده است:

سؤال ۱- روند پژوهش و رشد تولیدات علمی به تفکیک کشورها و نویسندگان در زمینه‌ی داده‌کاوی شهری چگونه بوده است؟

به یک دهه اخیر است و استفاده از آن در زمینه مطالعات شهری نیز متأخرتر است، تحقیقات در زمینه تحلیل هم واژگانی این حوزه علمی بسیار محدود است. با این حال به عنوان یک تحقیق نزدیک می توان به مطالعه کونگ^۱ و همکاران (۲۰۲۰) اشاره کرد. آن ها عبارت کلان داده را در مجموعه مقالات منتشر شده تا سال ۲۰۱۸ در UESS^۲ بررسی کردند. یافته های آنان نشان می دهد از زمان اولین مقاله در زمینه کلان داده که مربوط به سال ۲۰۱۲ بود (Sagl et al., 2012). مقالات در این زمینه به شدت افزایش یافته است به طوری که در سال ۲۰۱۸ تعداد مقالات مرتبط با ۷۷۵ استناد به ۱۰۰ مقاله افزایش یافت. همچنین اطلاعات مربوط به وابستگی نویسنده در مقالات نشان می دهد بیشترین مقالات مربوط به چین و پس از آن آمریکاست.

بر این اساس به نظر می رسد تحلیل و ترسیم نقشه دانش در زمینه داده کاوی شهری و کلان داده های شهری موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است. لذا تفاوت این مقاله با سایر تحقیقات اشاره شده در پیشینه، در حوزه علمی (داده کاوی شهری) مطالعه شده است.

۳- مبانی نظری تحقیق

تحلیل هم واژگانی مانند تحلیل زوج کتابشناختی و هم نویسندگی و هم استنادی از متداول ترین تکنیک های کتاب سنجی و علم سنجی است و کلمات کلیدی یا اصطلاحات استخراج شده از عنوان، چکیده یا مجموعه مدارک، واحد تحلیل مورد استفاده آن است. در این تکنیک نوع رابطه مورد بررسی در آن هم رخدادی اصطلاحات یا واژگان است (Cobo et al., 2011). تحلیل هم واژگانی در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد و بر این فرض استوار است که استفاده از واژه های مشترک در دو یا چند مدرک، دلالت کننده نزدیکی مفاهیم آن متن ها به یکدیگر است که به واسطه آن می توان ساختار، مفاهیم و مؤلفه های یک حوزه علمی را تعیین کرد. این شیوه به ترسیم ساختار حوزه ها و زمینه های علمی (Whittaker, 1989)، شناسایی الگوهای پنهان و برجسته،

سؤال ۲- بر اساس تولیدات علمی تاکنون چه زیر حوزه هایی (خوشه هایی) را می توان برای داده کاوی شهری به تفکیک روزآمد بودن تبیین کرد؟

۲- پیشینه تحقیق

روش تحلیل هم واژگانی در سال های اخیر در پژوهش های پژوهشگران کشورهای مختلف به نحو قابل ملاحظه ای مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از پژوهشگران با این روش حوزه های خاصی را به قصد تحلیل و ترسیم ساختار آن مطالعه کرده اند (Milojevic et al., 2011 Yin et al., 2009؛ Zong et al., 2013؛ Hu et al., 2013؛ Liu et al., 2012؛ Ravikumar et al., 2015).

در ایران نیز با استفاده از کاربردهای این روش، حوزه های علمی متعددی مطالعه و تحلیل شده است. عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰)، نقشه علم مدیریت شهری را بر اساس مقالات این حوزه در پایگاه استنادی علوم (آی اس آی) بررسی کرده و نهایتاً نتیجه می گیرند که این رشته شامل ۲۶ زیر حوزه موضوعی و ۱۸ ناحیه است. شجاعی کاریزکی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقاله ای به تبیین نقش و اهمیت داده کاوی در تصمیم گیری شهری پرداخته است. یافته های تحقیق او نشان می دهد دانش داده کاوی در مدیریت شهری شامل زیر حوزه های برنامه ریزی شهری، حمل و نقل و ترافیک، زیباسازی و مبلمان شهری، خدمات شهری است. همچنین ابوبی اردکانی و همکاران (۱۳۸۹) به تشریح کاربرد روش های خوشه بندی در ترسیم نقشه های علم پرداخته است.

علاوه بر موارد فوق در تحقیقات دیگری نیز از تحلیل هم واژگانی برای ترسیم ساختار حوزه های مختلف دانش استفاده شده است (توکلی زاده و نجابتیان، ۱۳۸۹؛ الهی و همکاران، ۱۳۹۱؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ صدیقی، ۱۳۹۳؛ کاتبی، ۱۳۹۳؛ احمدی و کوبی، ۱۳۹۴ و ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۵).

در زمینه های ترسیم نقشه های علمی حوزه های داده کاوی شهری با توجه به اینکه داده کاوی خود موضوع جدید و مربوط

^۲ urban environment, society, and sustainability

^۱ Kong

روابط درونی و بیرونی مفاهیم (عصاره و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۲)، رویدادهای در حال ظهور، تعیین روابط سلسله مراتبی مفاهیم در هستان شناسی‌های حوزه‌های علمی و زمینه‌های دانش تخصصی، خوشه‌بندی مفاهیم حوزه‌های علمی و سیاست‌گذاری علم و دانش کمک می‌کند (احمدی و عصاره، ۱۳۹۶).

هم‌واژگانی را از نظر مفهومی معادل Co-Word است که گاه واژه Co-Occurrence را به جای آن به کار برده‌اند. در زبان فارسی واژه نخست را هم‌واژگانی و واژه دوم را هم‌رخدادی معنا کرده‌اند. تحلیل هم‌واژگانی که نوعی از مصورسازی شبکه‌های کتاب‌سنجی است با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های مصورسازی به تجزیه و تحلیل روابط بین اسناد مختلف دانشگاهی بر اساس داده‌های کتاب‌سنجی می‌پردازد

(Liao et al., 2018; Jiang et al., 2017). گاهی تحلیل هم‌واژگانی به عنوان جایگزینی برای تحلیل هم‌استنادی در نظر گرفته می‌شود (Leydesdorff, 1987). تحلیل هم‌واژگانی نمونه‌ای از روش مدل‌سازی گرافیکی است که در آن از مفاهیم مربوط به تحلیل رابطه استفاده می‌شود. این روش نیز ابزاری قدرتمند در کشف دانش و ترسیم نقشه کتاب‌شناختی است.

مصورسازی شبکه‌های کتاب‌سنجی با استفاده از تحلیل هم‌واژگانی شامل شکل‌ها، نقشه‌ها و شبکه‌هایی است که می‌تواند بینش‌هایی در مورد ساختار، تکامل و تأثیر حوزه‌های تحقیقاتی، مؤسسات یا پژوهشگران فردی ارائه دهد (Aparicio et al., 2019). این بینش‌ها از طریق تحلیل ارتباطات هم‌رخدادی واژه‌ها در متون انتخاب‌شده یا پایگاه‌های استنادی به دست می‌آید. فراوانی هم‌رخدادها برای سنجش شدت این ارتباطات استفاده می‌شود. بر اساس این ارتباطات، موضوعات یا واژه‌ها خوشه‌بندی و در نقشه‌های شبکه‌ای برای تحلیل کمی بیشتر ترسیم می‌شوند (Holmberg et al., 2009). این نقشه‌های شبکه‌ای می‌توانند به محققان کمک کنند تا نویسندگان کلیدی، مقالات مهم و گرایش‌های نوظهور در حوزه‌های خود را شناسایی کنند (Ellegaard &

Wallin, 2015). البته شناخت گرایش‌های نوظهور و حوزه‌های مختلف علمی از طرق دیگری نیز امکان‌پذیر است، برای مثال به لحاظ سیر تاریخی، سیر جغرافیایی، واژگانی، ساختار فکری و ... نیز می‌توان به شناخت گرایش‌های مختلف یک حوزه دست‌یافت ولی روش سنتی و قدیمی معمولاً برای ترسیم ارتباط بین مفاهیم، ایده‌ها و مسائل در علوم، جستجوی دیدگاه‌های متخصصان آن حوزه بوده است. هرچند چنین روشی برای برخی اهداف ویژه ضروری به نظر می‌رسد، اما اولاً این روش هزینه‌های زیادی در بر خواهد داشت، مگر اینکه پیمایش روی متخصصان بسیار کمی صورت گیرد. دوم اینکه اگر پیمایش بر روی نمونه کوچکی انجام شود جامعیت آن مورد سؤال است و سوم گردآوری یک سلسله از دیدگاه‌ها در مورد مسیری که علم چگونه توسعه یافته یا در حال توسعه یافتن است، پیچیده خواهد بود (Law & Whittaker, 1992). به همین دلیل روش‌های کمی برای ترسیم ساختار علم توسعه یافت که یکی از آن‌ها تحلیل هم‌رخدادی واژگان است.

تحلیل هم‌واژگانی شیوه‌ای از تحلیل محتواست که با سنجش هم‌رخدادی واژه‌ها یا مفاهیم موجود در متون و منابع سروکار دارد و می‌تواند ابزار قدرتمندی برای شناسایی الگوهای معنادار در داده‌های متنی و به دست آوردن بینش‌هایی در مورد روابط بین مفاهیم و کلمات کلیدی مختلف باشد (Weerasekara et al., 2022).

پژوهش علم‌سنجی و مصورسازی نقشه شبکه‌های علمی، اطلاعات بصری روشن از نحوه ارتباطات حوزه‌ها، فراوانی واژگان کلیدی، تعداد مجلات منتشر شده و سازمان‌های منتشرکننده آن ارائه می‌نماید و به پژوهشگر کمک می‌کند تا نقاط داغ، محدودیت‌ها و کمبودهای موجود در حوزه موردنظر را شناسایی و بر آن فائق آید (نوروزی چاکلی، ۱۳۹۰، ۴۵-۴۶).

۴- روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر، توصیفی و تحلیلی است که در آن از تکنیک‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی و به‌طور خاص هم‌رخدادی واژگان بهره گرفته شده است. هم‌رخدادی

پیوند و تعدد تکرار کلیدواژه‌ها در هر یک از خوشه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

۵-۱- تعداد مقالات و نویسندگان و کشورهای برتر از نظر تعداد مقالات

نتایج جستجو در پایگاه استنادی Web of science نشان می‌دهد ۳۹۲ مقاله در زمینه داده‌کاوی شهری وجود دارد که هی ژیانگ^۲ با ۵ مقاله بیشترین مقالات در این زمینه را منتشر کرده است.

برای یافتن مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کشورها در این حوزه از تکنیک هم‌نویسندگی استفاده شده است. این تکنیک با استفاده از روابط وابستگی نویسندگان به کشورها علاوه بر تعداد مقالات هر کشور، ارتباط میان کشورها را نیز از طریق تعداد استناد به یکدیگر یا تعداد همکاری نویسندگان کشورهای مختلف با یکدیگر مورد تحلیل قرار می‌دهد. برای این تحلیل حداقل تعداد مقالات وابسته به هر کشور، ۲ مقاله مدنظر قرار گرفته است. یافته‌ها مطابق با (جدول و شکل شماره ۱) نشان می‌دهد، کشور چین هم به لحاظ تعداد مقالات و هم به لحاظ تعداد همکاری‌ها و همچنین تعداد استنادات رتبه اول را به خود اختصاص می‌دهد و پس از آن ایالات متحده آمریکا در رتبه بعدی جای می‌گیرد.

واژگان را می‌توان یک فن تحلیل محتوا نیز دانست. تحلیل هم‌رخدای واژگان در مطالعه حاضر در حوزه‌ی داده‌کاوی شهری مورد استفاده قرار گرفته است. بدین منظور در تاریخ ۲۸ آگوست ۲۰۲۳ در پایگاه استنادی Web of Science و مجموعه نمایه‌های SCI، SSCI، AHCI و ESCI که در ایران با نام ISI شناخته می‌شود، جستجو پیرامون مقالات حوزه‌ی مذکور صورت گرفت. در این جستجو تمامی مقالاتی که در عنوان آن‌ها واژه شهر به همراه یکی از واژه‌های "کلان داده" یا "داده‌کاوی" آمده باشد، مدنظر بوده است. فرمول جستجوی ما در این پایگاه استنادی به شکل زیر بوده است:

TI=(urban) AND (TI= ("data mining") OR (TI= ("big data")))

نتیجه‌ی این جستجو منجر به یافتن ۳۹۲ مقاله در این پایگاه استنادی شد که از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۲۳ را پوشش می‌دهد. از آنجایی که نگارندگان مطالعه حاضر، جستجو در پایگاه استنادی مذکور را به لحاظ زمانی محدود نکرده‌اند می‌توان گفت حوزه‌ی داده‌کاوی شهری یک حوزه‌ی نوظهور است و قبل از سال ۲۰۰۷ داده‌کاوی شهری در مقالات این پایگاه استنادی مورد بحث نبوده است.

مقالاتی که با جستجوی مذکور از پایگاه استنادی به دست آمد، به‌منظور تهیه نقش دانش و ساختار موضوعی داده‌کاوی شهری با استفاده از نرم‌افزار VOSviewer مورد تحلیل قرار گرفت.

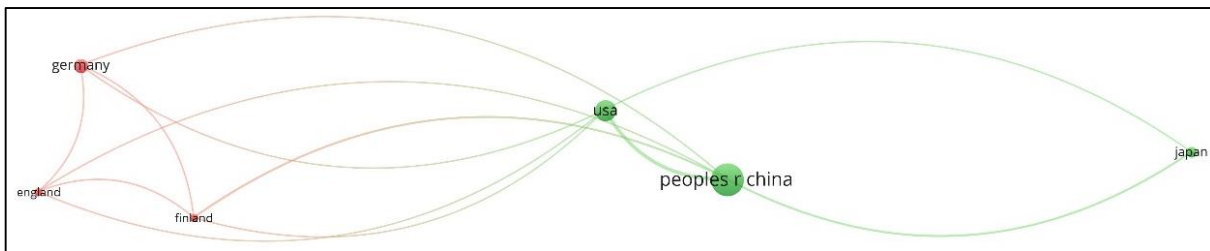
۵- بحث و یافته‌ها

تحلیل مقالات انتشار یافته در پایگاه استنادی وب او ساینس^۱ یافته‌هایی را در برداشته است که در زیر به تفکیک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور ابتدا یافته‌هایی نظیر تعداد مقالات، بازه زمانی مقالات، پر مقاله‌ترین نویسندگان و کشورها و سیر زمانی از منظر فراوانی مقالات ارائه می‌گردد و سپس یافته‌های تحلیلی‌تر شامل، مصورسازی شبکه دانش و ساختار آن، تحلیل این شبکه به همراه تحلیل خوشه‌ها، قدرت

^۲ He, Xiong

جدول ۱. آمار تولید مقالات علمی در حوزه داده کاوی شهری

کشور	تعداد مقالات	تعداد اسناد	قدرت پیوند کلی
چین	۲۸	۵۱۰	۱۲
آمریکا	۱۲	۲۴۶	۱۰
آلمان	۵	۳۰	۴
ژاپن	۳	۶۹	۳
کانادا	۲	۵۳	۰
انگلستان	۲	۷۹	۴
فنلاند	۲	۸	۵

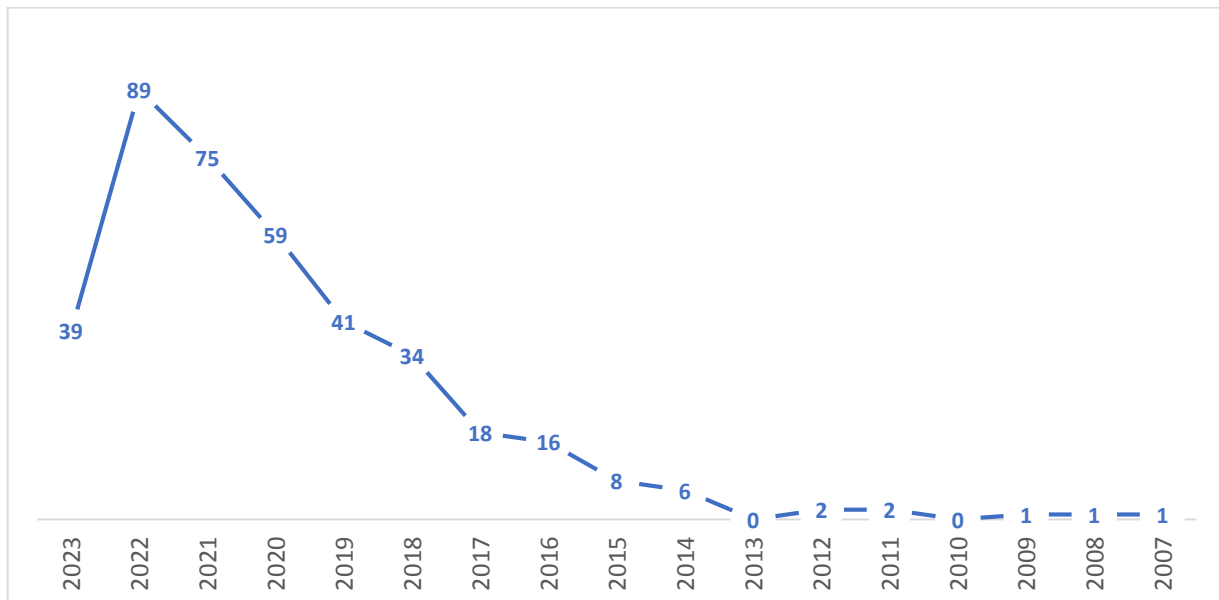


شکل ۱. شبکه دانش حوزه داده کاوی شهری با استفاده از تحلیل هم نویسنده

۵-۲- روند زمانی مقالات منتشر شده

جستجوی پایگاه استنادی نشان می دهد مقالات داده کاوی شهری از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳ انتشار یافته است که هر چه به

زمان حال حرکت شود، تعداد مقالات بیشتر می شود (شکل شماره ۲). به عبارت دیگر داده کاوی شهری را می توان یکی از به روزترین موضوعات برنامه ریزی و مطالعات شهری و محیطی دانست.



شکل ۲. روند زمانی تعداد مقالات منتشر شده در حوزه داده کاوی شهری

پس از انتقال داده‌ها از پایگاه داده استنادی، به نرم‌افزار VOSviewer، نقشه علمی شکل گرفته از هم‌رخدادی واژگان حوزه داده‌کاوی شهری ترسیم شد (شکل شماره ۳). هر رنگ در نقشه مذکور نشان‌دهنده‌ی یک خوشه است. تحلیل خوشه‌ها به شناخت زیر حوزه‌های داده‌کاوی شهری کمک می‌کند. هر خوشه از تعدادی گره یا نقطه تشکیل شده است که اندازه هر نقطه به معنی تعداد تکرار آن واژه در اسناد موردبررسی است. نقاط از طریق خطوط به یکدیگر ارتباط دارند که هرچه این خطوط پررنگ‌تر باشد یعنی هم‌رخدادی دو واژه دوسر خط با یکدیگر بیشتر بوده است. همچنین تعداد خطوطی که به هر نقطه (واژه) نیز وصل می‌شود نشان‌دهنده اهمیت آن واژه است، زیرا که نشان می‌دهد این واژه با کلیدواژگان بیشتری در این حوزه ارتباط دارد و یک مفهوم مرکزی است.

در اینجا برای تحلیل نقشه علمی زیر از خوشه‌بندی استفاده شده است. نتایج خوشه‌بندی، واژگان را به ۵ خوشه تقسیم کرده است. خوشه اول که با رنگ قرمز مشخص شده است دارای ۱۱ کلیدواژه است و بیشتر به تحلیل سیستم‌های شهری و شهر هوشمند از طریق داده‌کاوی اشاره دارد. به‌طوری‌که واژه‌های شهر، سیستم، شهر هوشمند و داده‌کاوی به ترتیب با تعداد دفعات تکرار ۵، ۴، ۳ و ۳ مرتبه و قدرت کلی پیوند ۲۲، ۱۱، ۱۵ و ۲ از مهم‌ترین واژگان این خوشه بوده‌اند.

خوشه دوم که با رنگ سبز مشخص شده است دارای ۱۰ کلیدواژه است، بیشتر به مدل‌سازی و چارچوب‌های تحلیل داده‌ها اشاره دارد. به‌طوری‌که واژگان مدل، تجزیه و تحلیل داده و چارچوب به ترتیب با تعداد دفعات تکرار ۶، ۴ و ۳ و قدرت کلی پیوند ۲۵، ۲۱ و ۱۵ از مهم‌ترین واژگان این خوشه هستند.

خوشه سوم که با رنگ آبی مشخص شده است دارای ۷ واژه است. این خوشه به کلان داده، داده‌های موبایل و رسانه‌های اجتماعی اشاره دارد. به‌طوری‌که واژه‌های کلان داده، تلفن همراه (و داده تلفن همراه) و رسانه اجتماعی (و داده رسانه اجتماعی) به ترتیب با تعداد دفعات تکرار ۱۰، ۲ و

۵-۳- دسته‌بندی موضوعی مقالات منتشرشده

پایگاه استنادی web of Science مقالات را از نظر موضوعی دسته‌بندی می‌کند. این دسته‌بندی مختص به خود این پایگاه استنادی است. بر اساس این دسته‌بندی که در (جدول شماره ۲) آمده است، داده‌کاوی شهری بیشتر در دسته مطالعات محیطی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. تعداد و درصد مقالات داده‌کاوی شهری در هر یک از دسته‌ها

درصد	تعداد	دسته‌بندی وب او ساینس
19/1	75	Environmental Sciences
15/0	59	Environmental Studies
13/2	52	Computer Science Information Systems
10/2	40	Engineering Electrical Electronic
9/4	37	Urban Studies
8/1	32	Geography
8/1	32	Green Sustainable Science Technology
8/1	32	Telecommunications
7/9	31	Remote Sensing
6/1	24	Geosciences Multidisciplinary
5/6	22	Engineering Civil
5/1	20	Computer Science Artificial Intelligence
4/8	19	Transportation Science Technology
4/5	18	Computer Science Theory Methods
4/5	18	Regional Urban Planning
4/3	17	Imaging Science Photographic Technology
4/02	16	Engineering Environmental
3/8	15	Engineering Multidisciplinary
3/5	14	Construction Building Technology
3/5	14	Meteorology Atmospheric Sciences
3/0	12	Energy Fuels
3/0	12	Geography Physical
3/0	12	Public Environmental Occupational Health
2/5	10	Computer Science Interdisciplinary Applications
2/5	10	Computer Science Software Engineering

۵-۴- ترسیم نقشه ساختار موضوعی با استفاده از تکنیک هم‌رخدادی واژگان

از این داده‌ها که گاهی داده‌های فضایی (دارای موقعیت مکانی) نیز هستند؛ تحقیقات بسیاری در زمینه‌های مختلف مطالعات شهری صورت گرفته است.

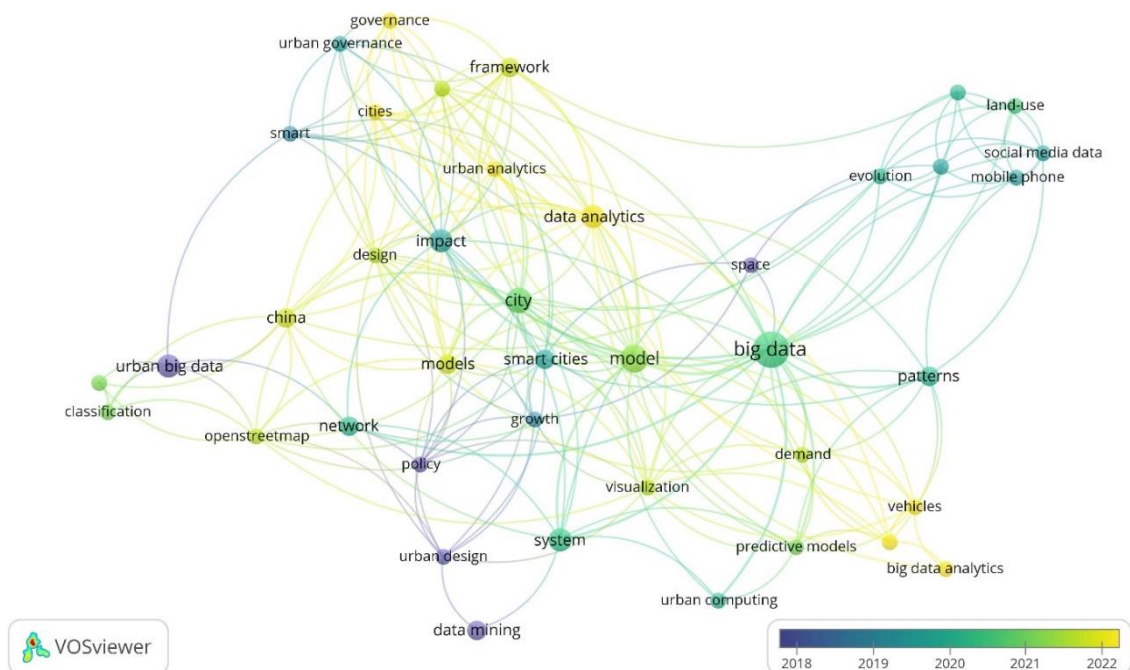
۵- کلان داده شهری و شبکه ترافیکی: موضوع دیگری که در داده کاوی شهری بسیار مورد استقبال بوده است، داده کاوی شهری در زمینه ترافیک و حمل و نقل است.

۵-۵- زمینه‌های تحقیقاتی آینده

اگرچه با توجه به ظهور نزدیک به یک دهه‌ای مفهوم داده کاوی شهری این حوزه به‌طور کلی در مطالعات شهری جدید و به‌روز است، با این حال می‌توان زیر حوزه‌های آن را منظر زمانی تفکیک کرده و زیر حوزه‌های جدیدتر را معرفی کرد. بدین منظور از نقشه دانش زیر (شکل شماره ۴) که دارای تفکیک زمانی است استفاده می‌شود:

شهری، تحلیل کلان داده است. تحلیل کلان داده‌ها می‌تواند به‌منظور شناسایی یک الگو، پیش‌بینی آن در آینده و یا مصورسازی آن صورت بگیرد که هر کدام طیف وسیعی از تکنیک‌ها را در برمی‌گیرد. تحلیل کلان داده‌های شهری می‌تواند الگوهای رفتاری شهروندان در زمینه‌های مختلف را کشف کرده و بر اساس این الگوها وضعیت آینده را پیش‌بینی کرده و به تصویر بکشد. تحلیل کلان داده در مطالعات شهری به‌منظور شناسایی و پیش‌بینی این الگوها از موضوعات اصلی و فن شناسی مرتبط با داده کاوی شهری است.

۴- کلان داده‌ها و رسانه‌های اجتماعی: بخش‌های چهارم و پنجم نشان می‌دهد که کاربردهای اصلی داده کاوی شهری در چه زمینه‌هایی است. نتایج نشان می‌دهد مهم‌ترین کاربرد تاکنون در زمینه رسانه‌های اجتماعی و داده‌های موبایل است. با استفاده



شکل ۴. نقشه ساختار موضوعی-زمانی داده کاوی شهری

شهری، داده کاوی است. داده کاوی در برخی مقالات با عناوین دیگری همچون کشف دانش از طریق پایگاه داده آمده است و به‌طور دقیق‌تر داده کاوی آن بخشی از فرایند کشف دانش از طریق پایگاه داده است که وظیفه‌ی کاوش و تحلیل داده‌ها به‌منظور شناسایی الگوها، پیش‌بینی آن‌ها و

این نقشه دانش به لحاظ زمانی واژگان کلیدی اسناد را مورد بررسی قرار داده است و نشان می‌دهد، مفهوم تحلیل کلان داده امروزه به‌روزترین موضوع مورد بحث در حوزه داده کاوی شهری است. به عبارتی اگر داده کاوی را متناظر با تحلیل کلان داده در نظر بگیریم مهم‌ترین وجه داده کاوی

تولید کرده‌اند. پس از چین محققان وابسته به آمریکا بیشترین مقالات را به خود اختصاص داده‌اند.

۲- نتایج جستجو نشان می‌دهد، مقالات داده کاوی شهری از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۳ منتشر شده‌اند. این بازه‌های زمانی نشان می‌دهد، این حوزه‌ی مطالعاتی بسیار جدید و نوظهور است.

۳- نتایج بررسی زمانی مقالات تولیدشده نشان می‌دهد هرچه از سال‌های ۲۰۰۷ به سمت سال ۲۰۲۳ حرکت شود، تعداد مقالات به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین مطالعه در این حوزه برای محققان مطالعات شهری بسیار جذاب و به‌روز است.

۴- نتایج دسته‌بندی موضوعی مقالات موردبررسی این مطالعه در پایگاه استنادی وب او ساینس^۱ نشان می‌دهد این مقالات بیشتر در دو دسته علوم محیطی و سیستم‌های اطلاعاتی علوم کامپیوتر استفاده شده است. این اطلاعات نشان می‌دهد که داده کاوی شهری بیشتر زیرمجموعه این دسته‌های علمی قرار می‌گیرند.

۵- نتایج ترسیم نقشه دانش و تحلیل خوشه‌بندی آن نشان می‌دهد جزء ساختارها یا زیر حوزه‌های کلان داده‌های شهری شامل تحلیل سیستم‌های شهری و شهر هوشمند، مدل‌سازی و چارچوب تحلیل داده، شناسایی الگوها و پیش‌بینی آن‌ها به همراه تکنیک‌های مصورسازی، کلان داده‌ها و رسانه‌های اجتماعی و کلان داده شهری و شبکه ترافیکی هستند.

۶- نتایج تحلیل زمانی نقشه دانش نیز نشان می‌دهد به‌روزترین موضوع در زمینه داده کاوی شهری، امروزه تحلیل کلان داده شهری است.

۷- منابع

- ابوبی اردکانی، محمد، عابدی جعفری، حسن، و آقازاده، فتاح (۱۳۸۹). کاربرد روش‌های خوشه‌بندی در ترسیم نقشه‌های علم: مورد کاوی نقشه‌ی علم مدیریت شهری. فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات، ۲۵ (۳)، ۳۷۱-۳۴۷.

مصورسازی آن‌ها را بر عهده می‌گیرد؛ بنابراین تمامی تحقیقاتی که به‌طور مشخصی بتواند با استفاده از کلان داده‌های قابل دسترس شهری، الگوهای رفتاری موجود در آن‌ها را شناسایی کرده و به کشف الگوها و دانش بدیع در آن‌ها بپردازد از پیشنهادها تحقیقاتی این مقاله باشد. همچنین شناسایی الگوها و تعمیم آن به آینده که به پیش‌بینی و مصورسازی آینده‌های ممکن می‌انجامد نیز در ادامه تحقیقات مذکور می‌بایست موردتوجه محققان قرار گیرد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعات شهری نیز همچون بسیاری دیگر از علوم مختلف با تغییر شرایط در ادوار گوناگون دچار تغییرات اساسی شده است. امروزه ظهور کلان داده‌ها و ورود به عصر دانش دوباره این مطالعات را دچار دگرگونی اساسی کرده است. از این‌رو مفاهیمی با عنوان کلان داده شهری و روش‌های تحلیل این کلان داده‌ها که از آن با نام داده کاوی شهری یاد می‌شود، پا به عرصه مطالعات شهری گذاشته‌اند. شناسایی ساختارهای این حوزه جدید علمی و ترسیم نقشه دانش آن می‌تواند ما را در فهم بهتر مسیر مطالعات شهری و همچنین یافتن موضوعات جدید و به‌روز یاری نماید؛ بنابراین در مطالعه حاضر از تحلیل هم رخدادی واژگان که نوعی تحلیل محتوا است و برای ترسیم نقشه دانش و شناسایی ساختارهای حوزه‌های علمی در مطالعات مربوط به کتاب‌سنجی و علم‌سنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بهره گرفته شده است.

برای استفاده از تحلیل هم رخدادی واژگان و ترسیم نقشه دانش، مقالاتی که در عنوان آن‌ها عبارات شهر و کلان داده یا داده کاوی وجود داشته است، استخراج گردید. نتیجه جستجو ۳۹۲ مقاله در زمینه داده کاوی شهری بوده است. تحلیل بر روی این مقالات یافته‌های زیر را در پاسخ به پرسش‌های تحقیق منتج شده است:

۱- بیشترین مقالات علمی تولیدشده مربوط به محققان وابسته به کشور چین است که ۲۸ مقاله در زمینه‌ی داده کاوی شهری

فنی. مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات، ۲۷ (۳)، ۱۴۷-۱۵۹.

<https://sid.ir/paper/224227/fa>

• شجاعی کاریزکی، شایسته، شاپوری، سودابه، و زارعی، هاجر (۱۴۰۰). بررسی روش‌های داده‌کاوی در تصمیم‌گیری مدیران (مطالعه موردی: شهرداری تهران). علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۷ (۴)، ۱۹۳-۱۱۴.

<https://doi.org/10.22091/stim.2021.6277.1487>

• صدیقی، مهری (۱۳۹۳). بررسی کاربرد روش هم‌رخدادی واژگان در ترسیم ساختار حوزه‌های موضوعی علمی (مطالعه موردی: حوزه اطلاع‌سنجی). پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰ (۲)، ۳۷۳-۳۹۶.

<https://sid.ir/paper/131088/fa>

• عابدی جعفری، حسن، ابویی اردکان، محمد، آقازاده، فتاح. (۱۳۹۰). ترسیم نقشه علم مدیریت شهری بر مبنای طبقه‌بندی‌های موضوعی پایگاه استنادی علوم (آی‌اس‌آی). مدیریت دولتی، ۳ (۷)، ۱۳۸-۱۳۱.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085877.1390.3.7.8.9>

• عصاره، فریده، سهیلی، فرامرزی، و منصور، علی (۱۳۹۳). علم‌سنجی و دیداری‌سازی اطلاعات. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

• کاتبی، فاطمه (۱۳۹۳). تحلیل هم‌رخدادی واژگان مدیریت دانش در پایگاه وب او ساینس در سال‌های ۱۹۹۳ لغایت ۲۰۱۲ به‌منظور دیداری‌سازی واژگان تشکیل‌دهنده زیرساخت این حوزه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اطلاعات، کتاب‌داری و دانش‌شناسی). دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

<https://sid.ir/paper/478948/fa>

• احمدی، حمید، سلیمی، علی، و زنگی‌شاه، الهه (۱۳۹۲). علم‌سنجی، خوشه‌بندی و نقشه‌دانش تولیدات علمی ادبیات تطبیقی در ایران. کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۳ (۱۱)، ۱-۲۸.

<https://sid.ir/paper/508415/fa>

• احمدی، حمید، و کوبی، مرتضی (۱۳۹۴). هم‌بندی واژگان: مطالعه‌ای پیرامون پیوند و مرز میان مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش بر اساس انتشارات داخلی نویسندگان ایرانی. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰ (۳)، ۶۷۶-۶۴۷.

<https://sid.ir/paper/131043/fa>

• احمدی، حمید، و عصاره، فریده. (۱۳۹۶). مروری بر کارکردهای تحلیل هم‌واژگانی. مطالعات کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات، ۲۸ (۱)، ۱۴۵-۱۲۵.

<http://noo.rs/xhnE8>

• الهی، شعبان، نقی‌زاده، رضا، قاضی‌نوری، سپهر، و منطقی، منوچهر (۱۳۹۱). شناسایی جریان‌های غالب در حوزه توسعه نوآوری در مناطق با استفاده از روش تحلیل هم‌رخدادی کلمات. فصلنامه بهبود مدیریت، ۶ (۳)، ۱۶۸-۱۳۶.

<https://sid.ir/paper/478455/fa>

• توکلی‌زاده راوری، محمد، و نجابتیان، مریم (۱۳۸۹). خوشه‌بندی مبتنی بر مدرک اصطلاح: هم‌جواری موضوعات روان‌شناسی ازدواج در ادبیات زیست‌پزشکی در دوره‌های زمانی ۱۹۹۰-۱۹۹۹ و ۲۰۰۰-۲۰۰۸. فصلنامه مدیریت اطلاعات سلامت، ۷ (۲)، ۱۷۲-۱۸۶.

<https://sid.ir/paper/121939/fa>

• ذوالفقاری، ثریا، توکلی‌زاده راوری، محمد، میرزایی، احمد، سهیلی، فرامرزی، و سجادیان، محمد (۱۳۹۵). کاربرد نقشه‌های به‌دست‌آمده از تحلیل هم‌رخدادی واژگان پروانه‌های ثبت اختراع در آشکارسازی دانش

sustainability research: State-of-the-science and future directions. *Journal of Cleaner Production*, 273, 123142.

<https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.123142>

- Law, J. & Whittaker, J. (1992). Mapping acidification research: A test of the co-word method. *Scientometrics*, 23(3), 417-461.

<https://doi.org/10.1007/BF02029807>

- Leydesdorff, L. (1987). Various methods for the mapping of science. *Scientometrics*, 11 (5-6), 291-320

<https://doi.org/10.1007/BF02279351>

- Liao, H. Tang, M. Luo, L. Li, C. Chiclana, F. & Zeng, X. J. (2018). A bibliometric analysis and visualization of medical big data research. *Sustainability*, 10(1), 166.

<https://doi.org/10.3390/su10010166>

- Liu, G. Hu, J. & Wang, H. (2012). A Co-word analysis of digital library field in china. *Scientometrics*, 91 (1), 203-217.

<https://doi.org/10.1007/s11192-011-0586-4>

- Milojevic, S. Sugimoto, C. R. & Yan, E. (2011). The cognitive structure of library and information science: Analysis of article title words. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 62 (10), 1933-1953.

<https://doi.org/10.1002/asi.21602>

- Ravikumar ., Agrahari ., & Singh, S. N. (2015). Mapping the intellectual structure of scientometrics: a co-word analysis of the journal. *Scientometrics* (2005–2010). *Scientometrics*, 102 (1), 929-955.

<https://doi.org/10.1007/s11192-014-1402-8>

- Sagl, G. Resch, B. Hawelka, B. & Beinat, E. (2012). From Social Sensor Data to Collective Human Behaviour Patterns: Analysing and Visualising Spatio-Temporal Dynamics in Urban Environments. Paper presented at *GI_Forum* 2012, Salzburg, Austria.

https://www.researchgate.net/publication/233379523_From_Social_Sensor_Data_to_Collective_Human_Behaviour_Patterns_Analysing_and_Visualising_Spatio-Temporal_Dynamics_in_Urban_Environments

- نوروزی چاکلی، عبدالرضا. (۱۳۹۰). آشنایی با علم‌سنجی (مبانی، مفاهیم، روابط و ریشه‌ها)، تهران: انتشارات سمت.

- Aparicio, G. Iturralde, T. & Maseda, A. (2019). Conceptual structure and perspectives on entrepreneurship education research: A bibliometric review. *European research on management and business economics*, 25(3), 105-113.

<https://doi.org/10.1016/j.iedeen.2019.04.003>

- Cahlik, T. (2000). Comparison of the maps of science. *Scientometrics*, 49(3), 373-387.

<https://doi.org/10.1023/A:1010581421990>

- Cobo, M. J. Lopez-Herrera, A. G. & Herrera-Viedma, E. (2011). An approach fordetecting, quantifying, and visualizing the evolution of a research field: A Practical application to the fuzzy set's theory field. *Journal of Informetrics*, 5 (1), 146-166.

<https://doi.org/10.1016/j.joi.2010.10.002>

- Ellegaard, O. & Wallin, J. A. (2015). The bibliometric analysis of scholarly production: How great is the impact? *Scientometrics*, 105, 1809-1831.

<https://doi.org/10.1007/s11192-015-1645-z>

- Holmberg, K. Huvila, I. Kronqvist-Berg, M. & Widén-Wulff, G. (2009). What is library 2.0? *Journal of Documentation*, 65(4), 668-681.

<https://doi.org/10.1108/00220410910970294>

- Hu, C. P. Deng, S. L. & Liu, G. Y. (2013). A co-word analysis of library and information science in China. *Scientometrics*, 97(1), 369- 382.

<https://doi.org/10.1007/s11192-013-1076-7>

- Jiang, Y. Ritchie, B. W. & Benckendorff, P. (2017). Bibliometric visualisation: An application in tourism crisis and disaster management research. *Current Issues in Tourism*, 22(16), 1925-1957.

<https://doi.org/10.1080/13683500.2017.1408574>

- Kong, L. Liu, Zh. Wu, J. (2020). A systematic review of big data-based urban

science in china: a co-word analysis.
Scientometrics, 94(2) 781-799.

<https://doi.org/10.1007/s11192-012-0799-1>

- Weerasekara, S. Lu, Z. Ozek, B. Isaacs, J. & Kamarthi, S. (2022). Trends in Adopting Industry 4.0 for Asset Life Cycle Management for Sustainability: A Keyword Co- Occurrence Network Review and Analysis. *Sustainability*, 14 (19), 12233.

<https://doi.org/10.3390/su141912233>

- Whittaker, J. (1989). Creativity and conformity in science: Titles, keywords, and co-word analysis. *Social Studies of Science*, 19 (3), 473-496.

<https://doi.org/10.1177/030631289019003004>

- Yin, R. Yi, T. Mo, Y., Chen, Zh., Liu, Y., Fang, J., & Yang, K. (2009). Hotspot for study in UML of China: Co-word analysis. *International Conference on Management of e-Commerce and e-Government*. Nanchang: China.

<https://doi.org/10.1109/ICMeCG.2009.92>

- Zhao, X., Qiao, Y., Si, Zh., & Yang, J. (2016). Prediction of user app usage behavior from geo-spatial data. *Proceedings of the Third International ACM SIGMOD Workshop on Managing and Mining Enriched Geo-Spatial*. Association for Computing Machinery. New York.

<https://doi.org/10.1145/2948649.2948656>

- Zong, Q., Shen, H., Yuan, Q., Hu, X., Hou, Z., & Deng, S. (2013). Doctoral dissertations of library and information

نحوه ارجاع به مقاله:

محقق نسب، عنایت اله، و محمدی، محمود. (۱۴۰۳). کشف ساختار دانش در داده کاوی شهری با استفاده از تحلیل هم رخدادی واژگان. *توسعه پایدار شهری*، ۵(۱۷)، ۶۱-۷۳.



DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2023.2011647.1130>



DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.3.7>

URL: https://usdjournals.daneshpajoohan.ac.ir/article_709219.html?lang=fa



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



خوانشی بر تحولات کالبدی فضای باز و نیمه‌باز در بناهای تهران اواخر قاجار و پهلوی اول^۱

جوهر کوتی^۲، ژاله صابر نژاد^{۳*}، مهرداد متین^۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

چکیده: شکل‌گیری مسکن تحت تاثیر الگوهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی قرار داشته و به‌عنوان یک ساختار پیچیده قلمداد می‌گردد که در ارتباط با محیط خود تکامل یافته است. با ورود مدرنیته به ایران از اواخر دوره قاجار بناهای مسکونی به تدریج دچار تغییراتی در فرم، فضا و کالبد معماری گردید که در دوران پهلوی با گسترش شهر تهران سرعت بیشتری به خود گرفت. بافت تاریخی تهران واجد عناصر ارزشمندی است که با توجه به اهمیت فضای باز و نیمه‌باز در معماری مسکونی سنتی ایران، تحلیل تحولات کالبدی فضاهای باز و نیمه‌باز در بناهای مسکونی تهران در اواخر قاجار و پهلوی اول می‌تواند در جهت دستیابی به مؤلفه‌ها و عناصر کالبدی مشترک در معماری بناهای سنتی تهران راهگشا باشد. از سوی دیگر می‌توان با مستندسازی کالبدی عناصر فضاهای ورودی زمینه تحقیق و تحلیل ابعاد نهفته در آن را بیشتر بررسی کرد. هدف از انجام پژوهش حاضر تحلیل و بررسی تحولات کالبدی فضای باز و نیمه‌باز در خانه‌های سنتی تهران است. این پژوهش بر مبنای شیوه توصیفی-تحلیلی است که با در نظر گرفتن بستر مکانی و موقعیت زمانی تحقیق و استفاده از روش مطالعات میدانی در جهت شناخت عناصر کالبدی مورد تحلیل به تقسیم و شناسایی خانه‌ها، به ۱۶ مورد خانه‌ها در دوره تاریخی اواخر قاجار و در دوره پهلوی اول منجر گردید. همچنین با مراجعه به اسناد و منابع موجود در نوشتارهای لاتین و فارسی موارد مربوط به پیشینه پژوهش و روش کار و تحقیق آن‌ها گردآوری گردید. در ادامه بحث از نرم‌افزار SPSS 22 برای بررسی فضاهای باز و نیمه‌باز استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در دوره قاجار به کارگیری فضای باز و نیمه‌باز به صورت حیاط مرکزی و ایوان در ساختار فضایی معماری خانه‌های سنتی تهران بیش از پهلوی اول به چشم می‌خورد. همچنین تناسب فضای باز و نیمه‌باز و همگنی این فضاها در خانه‌های اواخر قاجار به باوجود نفوذ مدرنیسم، بیش از دوره پهلوی اول قابل‌برداشت است که با توجه به گسترش فرم‌های برون‌گرا در پهلوی اول، وجود حیاط مرکزی و فضای نیمه‌باز نظیر ایوان کمتر به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: کالبد، مسکن، فضای باز و نیمه‌باز، دوره قاجار، دوره پهلوی اول

^۱ * این پژوهش، مستخرج از رساله دکتری معماری «جوهر کوتی» تحت عنوان «نقش سلسله مراتب فضای ورودی از منظر گونه‌شناسی در معماری مسکونی تهران در دوره اواخر قاجار و پهلوی اول» به راهنمایی «دکتر ژاله صابر نژاد» و مشاوره «دکتر مهرداد متین» در دانشکده «هنر و معماری» دانشگاه «آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی» در حال انجام است.

^۲ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۳ * استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول [Email: jsabernejad@yahoo.com](mailto:jsabernejad@yahoo.com)

^۴ استادیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

خانه حریمی مقدس و محور اصلی یکپارچگی خانواده است. همچنین مأمن و مأوای اصلی خانواده به شمار می‌رود (دوستی، ۱۳۹۷). راپاپورت خانه را چیزی فراتر از ساختار کالبدی می‌داند. او خانه را نهادی می‌داند که عملکردی با ابعاد فرهنگی، اجتماعی، آیین مذهبی، شرایط محیطی و اقتصادی دارد. خانه را امری فرهنگی می‌داند و بدان سبب شکل و سازمان آن را نیز متأثر از فرهنگ می‌داند. سنت محلی یا فرهنگی ارتباط مستقیمی با فرم‌های فیزیکی یک فرهنگ داشته و به عبارتی این دو الزام و ملزوم یکدیگرند (راپاپورت، ۱۳۸۲). با توجه به اینکه خانه‌های مسکونی جزء اصلی‌ترین بناهایی هستند که در دوره‌های مختلف معماری ایرانی نقش اساسی داشته‌اند و معماران در آن‌ها از تحولات و رویکردهای معماری تأثیرگذار الگوبرداری کرده‌اند، بررسی سیر تحول خانه‌ها در یک محدوده جغرافیایی خاص می‌تواند کمک شایانی به شناخت گرایش‌ها و رویکردهای تأثیرگذار بر معماری آن محدوده داشته باشد (حق‌جو و همکاران، ۱۳۹۸).

به عقیده فرمانفرمایان در معماری سنتی ایران، خانه یکی از مهم‌ترین فضاهای معماری به حساب آمده است و با تلفیق فرهنگ، اقلیم و هنر بومی در هر محدوده جغرافیایی نمود خاصی داشته و دارای اندام‌ها و عناصر فضایی متفاوت بوده است (حق‌جو و همکاران، ۱۳۹۸). فضاهای نیمه‌باز قابلیت معمارانه برای بسط یک فضای محدود، برخورداری از گنجایش بیشتر، امکان حرکت فیزیکی، بصری، ذهنی-معنوی و ارتباط با طبیعت و جامعه محسوب می‌شود (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴).

لذا با توجه به اهمیت معماری مسکونی در معماری ایران، شناخت عناصر کالبدی و بازشناسی عملکرد فضاها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف از انجام پژوهش حاضر تحلیل و بررسی تحولات کالبدی فضای باز و نیمه‌باز در خانه‌های سنتی تهران است.

پژوهش حاضر با رویکردی نظری و به روش تاریخی - تفسیری و با روش تحلیل محتوا انجام می‌گیرد. از این حیث چارچوب نظری در مرحله اول بررسی مختصری در مورد معماری دوره تاریخی قاجار و پهلوی و معیارهای تحول و تأثیر تحولات اجتماعی آن دوره‌ها بر آن است. در مرحله بعد نمونه‌های موردی انتخاب شده به روش مطالعات کتابخانه‌ای و بازدید میدانی از حیث پیشینه تاریخی بررسی می‌شوند. سپس به روش مطالعات میدانی و بررسی عناصر و اندام‌های اصلی خانه‌های انتخاب شده، چگونگی تحول خانه‌ها بررسی می‌شود. نمونه‌ها با توجه به دوره تاریخی و با فواصل مشخص تاریخی از اواخر دوره قاجار تا پهلوی اول (از سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰ ه.ش) انتخاب شده‌اند.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به شناسایی مؤلفه‌های کالبدی فضای باز و نیمه‌باز و تغییرات آن‌ها در اواخر دوران قاجار و پهلوی اول به این پرسش پاسخ دهد که روند تحولات کالبدی فضاها در نیمه‌باز در خانه‌های سنتی تهران در اواخر دوران قاجار و پهلوی اول چگونه بوده است؟

۲- مبانی نظری

مسکن به‌عنوان محل سکونت و آسایش یکی از نیازهای اولیه بشری و از نخستین مسائلی است که انسان همیشه سعی در یافتن پاسخی مناسب و معقول برای آن داشته است (مهدوی نژاد، ۱۳۸۵). مسکن تنها یک ساختار نیست، بلکه یک «نهاد» است که برای مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌گردد و به سبب اینکه پدیده‌ای اجتماعی نیز است، انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم فیزیکی آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی آن تأثیر می‌پذیرد. خانه انسان-های بدوی تنها یک پناهگاه نبوده، بلکه مفاهیم موجود در آن بیش از سودمندی، یا کالبد فیزیکی بوده است (Rapaport, 1969, 46). گونچ^۱ و همکاران (۲۰۰۸) به نقل از راپاپورت می‌نویسند: خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد نهادی است با عملکردهای مختلف. باشلارد^۲ (۲۰۰۸) خانه را قبل از هر چیزی، فضا و مکان

^۲ Bachelard

^۱ Kag'anGu

۲-۲- مفهوم فضای بسته، باز و نیمه‌باز در مسکن سنتی ایران

در معماری خانه‌های سنتی سه گروه فضایی باز، بسته و نیمه‌باز به صورت مجزا ساخته نشده‌اند، بلکه هر کدام در امتداد دیگری معنا می‌یابند. به این صورت که فضاها به تدریج درجه باز و بسته بودن خود را از دست می‌دهند به نحوی که یکی به دیگری تبدیل می‌شود. این پیوستگی در ترکیب فضاها باعث می‌شود که فضاهای متوالی به عنوان بسط یکدیگر به کار روند. از سوی دیگر تداخل ترکیب لایه‌های عمودی و افقی اطراف حیاط، توالی و پیوستگی و ترکیب گروه‌های باز و انسداد فضایی را از بین برده است (حائری، ۱۳۷۵).

فضاهای بسته: فضاهایی هستند مسقف و با چهار دیوار که پایین‌تر از سطح زمین، هم سطح زمین و یا در طبقات احداث شده و شامل: اتاق، تالار، شبستان، زیرزمین، حوض خانه هستند. (طاهباز، ۱۳۹۰، ۱۹).

بخش مهم اصلی فضاهای بسته خانه را اتاق‌ها تشکیل می‌دهند. در معماری سنتی ایران فضای بسته بیشتر در جوابگویی به نیازهای کاربردی قابل لمس عرضه می‌گردد. نظم دادن به فضای داخلی از فاکتورهای زیاد و متفاوت تبعیت می‌کند. پیروی از سلسله‌مراتب و روابط موجود بین فرد و گروه و مسائل زیست‌محیطی از قبیل نور، تهویه، شرایط کالبدی شهر و بسیاری از موارد دیگر در خلق ترکیب حجم یک فضای بسته دخالت دارد (فرخزاد و مدیری دوم، ۱۳۹۳).

فضای نیمه‌باز: فضای نیمه‌باز در لغت‌نامه دهخدا به معنی «بینابینی» تعریف شده است که واژه بین از جمله لغات اضداد به معنی جدایی و پیوستگی، فرق و فصل میان دو چیز آمده است (Dehkhoda, 1963, 305). یکی از واضح‌ترین شکل‌های بینابینی فضای بین درون و بیرون است. تفاوت بین این دو فضا زمانی مشخص شد که بشر به آهستگی و از طریق توسعه الگوهای متفاوت رفتاری انواع فعالیت‌های خود را از خارج فضا به داخل منتقل نمود (Nooraddin, 1996, 6).

نیمه‌باز بودن یک مفهوم کمی نبوده بلکه کیفی است و منظور از آن حسی از نیمه‌باز بودن است که در مخاطب ایجاد

درونی می‌داند. درونی بودن آن در رابطه با بیرون یعنی با کوچه و خیابان، رودخانه و مزرعه، گستره‌های روستا یا شهر، دریا و زمین و آسمان، طبیعت و جهان و سرانجام همه هستی معنا و ارزش می‌یابد. لذا با توجه به اهمیت مسکن در ایجاد آسایش و آرامش از یک سو و معماری ارزشمند بناهای مسکونی که نشأت گرفته از فرهنگ بومی مردمان یک منطقه است، مطالعه و بررسی پیرامون فضای مسکونی و مؤلفه‌های شکل‌دهنده فضا در بناهای مسکونی اهمیت می‌یابد. با توجه به موضوع پژوهش حاضر مبنی بر تحلیل تحولات کالبدی فضاهای باز و نیمه‌باز ابتدا مسکن ایرانی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و در ادامه مفهوم فضای باز و نیمه‌باز بررسی خواهد شد.

۲-۱- مفهوم مسکن ایرانی

خانه ایرانی به عنوان محفل و مکان جلوه‌گر شدن ارزش‌های برخاسته از فرهنگ، جامعه و بستر محیطی، بیانگر ارزش‌هایی گونه‌گون و پُرشمار است که هویت و تشخیص‌های فرهنگی بهره‌وران را تعریف نموده و تا مرز تعیین‌های فکری و سلیقه‌ای بر فرد، فرد آنان اثرگذار بوده است (ورمقانی، ۱۴۰۰، ۱۳۳). خانه‌های سنتی ایران همواره توانسته‌اند با برقراری ارتباطی شایسته با سبک زندگی و شرایط اجتماعی زمان خود از مطلوبیت بالایی برخوردار باشند (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵).

دوره قاجار از مهم‌ترین اعصار تاریخی ایران است که تغییر عمده در معماری و شهرسازی آن رخ داده است. این دگرگونی‌ها با کاهش تدریجی مبانی گذشته و نیل آن به سوی مفاهیم جدید در حوزه معماری مسکونی بوده است (جمالی و خندان، ۱۳۹۹).

بستر متنوع فرهنگی و اجتماعی را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم زمینه‌ساز ظهور و تجلی سبک‌هایی متعدد در معماری مسکونی ایران در نظر گرفت. خانه‌های دارای سبک و سیاق سنتی عمده‌ترین حجم بناهای مسکونی این دوران را تشکیل می‌دادند و عمارت آن‌ها در اوایل این دوره مورد استقبال عوام و خواص جامعه که روند احداث این خانه‌ها با اوج‌گیری نفوذ فرهنگ همراه بود. تمدن غربی از اواسط دوره قاجار، در میان خواص جامعه به تدریج کمرنگ شد و در اواخر این دوره صرفاً عوام جامعه به حیات خود ادامه داد (قلیچ‌خانی و همکاران، ۱۳۹۲).

خانه‌های ایرانی طیف متنوعی از فضاهای قابل شناسایی هستند. فضاهای باز این خانه‌ها از وسط حیاط شروع می‌شوند و به سمت آسمان در سطوح مختلف شکل می‌گیرند. کمی بالاتر از حیاط، صفا قرار دارد که به آن بهار خواب هم می‌گویند، کمی بالاتر از صفا، شارمی که پیاده‌رو سربازی است برای تأمین دسترسی فضاهای واقع در بالاخانه قرار دارد. کمی بالاتر از شارمی، بام خانه واقع شده است (حائری، ۱۳۸۸، ۱۲۰).

حال با توجه به بازشناسی مفاهیم مسکن و فضاهای باز و نیمه‌باز و همچنین با در نظرگیری موضوع پژوهش که پیرامون تحولات کالبدی فضاهای مورد بحث در اواخر قاجار و پهلوی اول در ادامه به بررسی سیر تحول فضایی در خانه‌های مسکونی تهران در این دوره پرداخته خواهد شد.

۲-۳- ویژگی‌های فضای نیمه‌باز

انتقال: فضاهای نیمه‌باز فضاهای انتقال‌دهنده هستند. در اینجا ارتباط فضای نیمه‌باز با فضاهای اطرافش مطرح است. فضاهای انتقال، مکان‌هایی از معاوضه کامل بین پدیده‌های متضاد می‌باشند. این فضاها مکان‌هایی هستند که در آن‌ها دنیا خودش را وارونه می‌کند. مدخل‌ها، درگاه‌ها، ایوان‌ها، بالکن‌ها، درها و دروازه‌ها و ... همه عناصر این وارونگی و تبدیل هستند. این فضاها نفوذپذیری یک محدوده را کنترل کرده و عدم تداوم فضایی را برقرار می‌کنند، درحالی‌که به‌طور هم‌زمان اجازه می‌دهند فرد از آن‌ها به‌طور فیزیکی یا بصری عبور کنند (Krier, 1938, 344). فضای نیمه‌باز به‌صورت انتقال را می‌توان در ورودی نیز مشاهده کرد (زرکش، ۱۳۹۰).

۲-۴- سیر تحول فضایی در خانه‌های تهران از دوره قاجار تا پهلوی اول

از اوایل دوره ناصری خواص متمول جامعه، به سبب سفر به فرنگ و آشنایی با فرهنگ و تمدن غربی نسبت به هنر و معماری غرب گرایش نسبی داشتند که در طرح خانه‌های خود بکار گرفتند. به تدریج زمینه‌های ظهور خانه‌هایی به سبک تلفیقی و دوقطبی شدن سبک‌های رایج در معماری مسکونی را فراهم کردند. روند گرایش به معماری غرب به

می‌کند. طبق تعریف مطرح شده فضای نیمه‌باز فضایی مابین است که دارای خصوصیات بینایی این‌گونه فضاهاست و بیشتر از اهمیت کالبد نیمه‌باز آن، این فضا باید احساس نیمه محصوریت در مخاطب ایجاد کند. از انواع فضای نیمه‌باز در معماری ایرانی می‌توان به ایوان، بهارخواب، مهتابی، صفا، رواق، طارمی و در نمونه‌های مدرن به تراس و بالکن اشاره کرد (یخچالی و همکاران، ۱۴۰۱). در خانه‌های سنتی، فضاهای نیمه‌باز نقش به‌سزایی در بروز شیوه زندگی و نظام رفتارها داشته‌اند. باید گفت هر چه گذر زمان تغییر در نیازها و مفاهیم را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، اما برخی نیازهای بشری که بیشتر از همه به خصوصیات روانی و فردی او برمی‌گردد، دارای بن‌مایه‌های پایداری است و با گذشت زمان تنها از لحاظ فرمی ممکن است دستخوش تغییر گردد. می‌توان به نیاز همیشگی بشر به ارتباط با طبیعت و فضای باز اشاره کرد که خود را در معماری فضاهای باز (حیاط) و نیمه‌باز (ایوان) جلوه‌گر می‌کند (محمودی، ۱۳۸۴). مطالعه فضاهای نیمه‌باز گویای آن است که این فضاها نقش مؤثری را در تعاملات اجتماعی افراد خانواده و بروز شیوه زندگی و رفتارهای متناوب با رفتارهای بومی منطقه را داشته است (مداحی و همکاران، ۱۳۹۷).

فضای باز: فضای باز، فضای میان ساختمان‌ها، قسمت‌های خالی، تهی و فضاهای منفی دانسته شده است که در فرایند معماری و شهرسازی در کنار فضاهای بسته، مثبت و پر پدیدار می‌گردند. البته مطلب مذکور به این معنی نیست که فضای باز فضای کم‌ارزشی در مقابل فضای بسته است. در واقع در معماری سنتی و خانه‌های سنتی، فضای باز عنصر اصلی شکل‌دهنده و تعریف‌کننده و عامل هویت‌بخش به فضاهای بسته بوده و همواره به آن جهت می‌بخشیده است. (فضای باز نقش مثبت ایجاد می‌کرده است) (فرخزاد و مدیری دوم، ۱۳۹۳). فضاهای باز با تعریف کف و جداره معنا می‌یابند. فضاهای نیمه‌باز با ادراک کف، سقف و تعریف خطی از جداره قابل تعریف هستند و فضاهای بسته هر سه عنصر کف، سقف و جداره را به‌طور کامل در معرض نمایش می‌گذارند (هدایت و طبائیان، ۱۳۹۱). در واقع حیاط، اصلی‌ترین فضای باز خانه به حساب می‌آید. به غیر از حیاط، در

فضای ورودی واحدهای مسکونی از عناصری مانند پیش‌طاق، هشتی و دالان تشکیل شده است. این عناصر غالباً به گونه‌ای طراحی و ساخته شده‌اند که مسیر ورود به فضای درونی خانه دارای یک یا چند اعوجاج باشد به نحوی که ورود ناگهانی و سریع به فضاهای درونی را ناممکن سازد. بر اساس نکات ارائه شده، می‌توان مسیر دسترسی به فضاها و انتقال فضایی را به صورت دسترسی غیرمستقیم از حیاط (فضای باز) به یک فضای ارتباطی (پیش‌فضا)، (فضای نیمه‌باز) و سپس اتاق‌ها (فضای بسته) نشان داد که خانه‌های قاجاری تهران دیده می‌شود و می‌توان آن‌ها به عنوان یکی از اصول خانه‌های قاجاری تهران در دسترسی فضایی مطرح نمود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۶، ۹۱).

اما در دوران پهلوی و با ورود مدرنیته و آغاز معماری معاصر خانه‌های سنتی تهران نیز دچار تغییر شده و با رونق شهرسازی جدید و معماری مدرن پلان و ساختار فضایی خانه‌های تهران در این دوران دچار تغییراتی شد: اولین گرایش‌ها به سمت پلان آزاد در خانه‌ها بود که با توجه به استفاده از شیوه‌های ساخت سنتی باعث ایجاد بهم‌ریختگی در ساختار خانه‌ها گشت. هماهنگی بین خطوط نما و خطوط پلان تا حدود زیادی از بین رفت. استقرار بنا در یک‌سوی زمین، قوی شدن ارتباط درونی بنا با فضای بیرون، استفاده از طبقات در این دوره در خانه‌های تهران آغاز شد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۶، ۹۳).

۳- پیشینه پژوهش

ریشه تحقیق‌های تحلیل عملکردی - فضایی مسکن تاریخی را باید در مطالعات مربوط به مسکن بومی (تاریخی) جستجو کرد. بیشتر این پژوهش‌ها در قالب گونه‌شناسی صورت گرفته‌اند گونه‌شناسی در واقع طبقه‌بندی آثار برحسب ویژگی‌های مشخص و تغییر گونه‌های مختلف است که در گونه‌شناسی‌های مسکن، روابط و ابعاد فضایی عملکرد و اجتماعی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری گونه‌های مختلف بوده‌اند (معماریان و پیرزاد، ۱۳۹۱، ۳۰).

پورمختار و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «بازخوانی شاخصه‌های کهن‌الگویی معماری خانه‌های قاجار محله نوبر

همین‌جا ختم نگردید و در اواخر دوره ناصری و سه دهه پایانی عصر قاجار خانه‌هایی به سبک غربی توسط خواص متمول و رجل متنفذ قاجاری کاملاً پدید آمد.

تنوع عوامل موجود در شکل‌گیری معماری مسکونی قاجار موجب شد که خانه‌های قاجاری به نقطه اوج آثار معماری این عصر در تجلی جامع ویژگی‌های معماری آن دوران و انعکاس مفاهیم متعددی همچون سنت و تجدد، اصالت و نوگرایی، تنوع و خلاقیت‌های فضایی، درون‌گرایی و برون‌گرایی و غیره مبدل گردند. بدیهی است که پرداختن به تحولات در معماری مسکونی این عصر بر اساس دو محور اصلی سنت‌گرایی و تجددطلبی می‌تواند تصویری مهم و کاربردی از اصول و مبانی خانه‌های سنتی ایران و خانه‌های معاصر دارای هویت غربی در اختیار ما قرار دهد. سلسله‌مراتب فضای ورودی به خانه در معماری سنتی ایران، یعنی جلوخان، هشتی، دالان و حیاط، تعریف شده است. بخش فضای باز و نیمه‌باز در خانه‌های مسکونی دوران قاجار از گذر به داخل خانه به شرح زیر است: جلوخان، به‌استثنای عنصر پیرنشین، دارای تمامی مشخصه‌های یک جلوخان ایرانی است. عقب‌نشینی ورودی از گذر علاوه بر این که نشان‌دهنده اهمیت عدم تجاوز به حریم گذر و عابرین در خانه ایرانی است، فضایی سرپوشیده و نیمه‌باز را در اختیار مراجعین خانه قرار می‌دهد. در پلان جلوخان ورودی تغییر جهتی ۴۵ درجه وجود دارد. این امر موجب تقویت حریم فضایی بصری و فیزیکی هشتی شده است. در اطراف هشتی سکوهایی جهت استراحت، انتظار و قرار دادن تجهیزات مورد نیاز، همچون شمع و غیره، وجود دارد.

پیرامون هشتی سه‌راه وجود دارد. راه اول توسط دالانی غیرمستقیم و دارای جهت جنوب به شمال به ضلع جنوبی حیاط اندرونی متصل می‌شود، راه کوتاه دوم به سمت غرب هشتی و به حیاط بیرونی می‌رسد و راه سوم به طبقه بالای خانه منتهی می‌شود. شیوه تفکیک فضای ورودی به فضای خصوصی و عمومی خانه بسیار واضح و درخشان است و تردیدی را در شخص مراجعه‌کننده ایجاد نمی‌کند. این شیوه، حریم دسترسی غیرمحرمانه به فضاهای خانه را در همان بدو ورود امر به‌خوبی مشخص می‌کند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۸، ۱۲۶-۱۲۱).

فضاهای نیمه باز کاهش دسترسی‌ها منجر به کاهش عملکردی خانه‌ها در دوره مدرن شده‌اند.

محرابیون و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «گونه‌شناسی فضاهای نیمه باز در خانه‌های بومی دوره صفویه و قاجاریه شهر تاریخی نائین» به بررسی خانه‌های بومی در حاشیه کویر و فضاهای نیمه باز، باز و بسته آن‌ها پرداخته‌اند؛ که با توجه به شرایط اقلیمی و کارکرد فرهنگی در انواع و گونه‌های مختلفی پدید آمده‌اند؛ که فضاهای نیمه باز نقش مؤثر ما بین فضاهای باز و بسته دارند که در معماری این خانه‌ها به وضوح قابل درک است که فضاهای نیمه باز توجه ویژه‌ای شده است. در این پژوهش باهدف گونه‌شناسی فضاهای نیمه باز در خانه‌های صفوی و قاجار سعی در شناسایی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های معماری این فضاها و تبیین نسبت آن‌ها با دیگر فضاها مرتبط داشته است.

امیدواری و همکاران (۱۳۹۹) در بازمینی مقاله «گونه‌شناسی عناصر فضایی نیمه باز در معماری خانه‌های اسلامی؛ مطالعه موردی: خانه‌های یزد (دوره قاجار) و خانه‌های دمشق (دوره عثمانی)، استفاده از روش تحقیق کیفی به گونه‌شناسی فضاهای نیمه باز در خانه‌های یزد در دوره قاجار و خانه‌های دمشق دوره عثمانی پرداخته تا بتواند به گونه‌های متفاوت از منظر شکلی و استقرار دست یابد، که با گونه‌شناسی عناصر فضایی نیمه باز به مقایسه و تحلیل تطبیقی آن‌ها پرداخته شد که از مقایسه این گونه‌های فضایی می‌توان به اشتراکات و افتراقات در آن‌ها دست یافت؛ مخاطبان را به یک گونه اصلی در این دو منطقه از جمله گونه ایوان اصلی هدایت خواهد کرد.

اویسی کیخا و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش صورت گرفته در «گونه‌شناسی سازمان‌دهی فضایی مسکن بومی سیستان از نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته»، به مطالعه نمونه‌های مسکن بومی از ۲۰ روستای منتخب روستا سیستان که با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی پرداخته است. رویکرد این پژوهش، گونه‌شناسی سازمان‌دهی فضایی مسکن بومی سیستان از نظر شکل‌گیری فضای باز و بسته است؛ که این گونه‌ها شامل گونه پایه، خطی L شکل، U شکل و حیاط مرکزی و کوشکی می‌باشند.

تبریز» به تحلیل ارتباط مفاهیم الگویی در خانه‌های قاجار تبریز چه از تفاوت‌ها و شباهت‌ها پرداخته در زیر فضاهای منتسب به بناها در بخش بسته، حوض‌خانه‌ها بیشترین شباهت و کمترین مشابهت در ورودی وجود دارد. در بخش بسته میزان مشابهت و افتراقات برابر است. در بخش نیمه باز در ایوان‌ها بخش تشابه بیشتر از تمایز است. در بخش باز، حیاط‌ها و مهتابی‌ها تفاوت‌ها و مشابهت‌های یکسان دارد. بتوان استخراج مؤلفه‌های شکل‌دهنده مفاهیم کهن الگویی و تحلیل محتوایی متون از طریق کدگذاری‌شان موجب دستیابی به معانی اشتراک و افتراق شاخصه‌ها در خانه‌های محله نوبر شد.

زنگنه و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تأثیر انواع ساختار فضایی بر میزان تفکیک قلمروهای عمومی و خصوصی در خانه‌های سنتی درون‌گرایی ایران به روش چیدمان فضا (مطالعه موردی؛ خانه‌های قاجار شیراز)» پرداخته‌اند، در این پژوهش تأکید بر تأثیر الگوها بر میزان تفکیک قلمروها در خانه‌های قاجار است. به وسیله ابزار A Graph گراف توجیهی ۸ خانه قاجاری ترسیم شد که نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که میزان تفکیک قلمرو عمومی و خصوصی در الگوهای چهار طرف ساخت و پس از آن سه طرف ساخت بیشتر از الگوهای دو طرف ساخت صورت گرفته است.

یخچالی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی روند تغییرات شاخص‌های نحو فضا برای فضاهای نیمه باز و تأثیر آن در راندمان عملکردی مسکن (خانه‌های سنتی و مدرن اصفهان)» به بررسی این پژوهش تعداد خانه‌های در نظر گرفته شده در شهر اصفهان ۲۳ خانه است که ۹ خانه نمونه سنتی و ۱۴ نمونه مدرن می‌باشند. برای فضاهای نیمه باز و فضاهای بینابینی با استفاده از شاخص نحو فضا به بررسی راندمان عملکردی آن‌ها در سیر تاریخی پرداخته است. در این پژوهش به افزایش راندمان عملکردی خانه‌ها در فضاهای نیمه باز در دوره‌های صفوی به قاجار شده است و این روند در دوره قاجار تا پهلوی به دلیل ساده‌تر شدن سازمان‌دهی فضاها روند صعودی داشته است و دو دوره پهلوی تا مدرن به علت کاهش ابعاد

بقایای فضاهای موردنظر و موجودیت کامل بنا، در بعضی شرایط که مرمت صورت گرفته، تأیید شد.

بنابراین انتخاب خانه‌های مدنظر پژوهش بر اساس سه آیتم صورت گرفته است:

۱- بناهای مسکونی که از دیدگاه معماری و تاریخی حائز اهمیت و ارزش باشند.

۲- خانه‌هایی که با توجه به نگهداری و مرمت صحیح آن‌ها در پی گذشت زمان ایستادگی و با توجه به عدم تغییرات زیاد، آن‌ها ساختار اولیه خود را حفظ کرده‌اند.

۳- خانه‌های موردبخت این پژوهش موارد ثبتی میراث فرهنگی هستند.

بر این اساس ۱۶ خانه، اواخر قاجار (دوران محمدعلی شاه و احمدشاه قاجار) و پهلوی اول که از خانه‌های شاخص بافت قدیم تهران مورد شناسایی قرار گرفتند که موقعیت جغرافیایی آن‌ها در [\(شکل شماره ۱\)](#) مشخص شده است. در بخش بعدی به مقایسه تطبیقی میان نمونه‌های انتخاب شده در میان نمونه‌های مورد نظر پرداخته شد همچنین در این بخش نقشه خانه‌های انتخاب شده در مقیاس موردنظر مورد تحلیل قرار گرفته و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS 22 به تحلیل و آنالیز این فضاهای مدنظر در بناها پرداخته شد.

علی‌رغم مطالعات انجام شده فوق، تاکنون تحقیقی بر پایه فضاهای باز و نیمه‌باز در خانه‌های سنتی شهر تهران در اواخر قاجار و پهلوی اول صورت نگرفته است. لذا این تحقیق ضمن بررسی فضای باز و نیمه‌باز در خانه‌های مسکونی اواخر دوران قاجار (محمدشاه و احمدشاه قاجار) و پهلوی اول به بررسی تحولات فضای باز و نیمه‌باز نیز می‌پردازد که در این راستا ضمن به‌کارگیری اسناد و نقشه‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای از نرم‌افزار SPSS 22 در جهت بررسی نسبت فضای باز و نیمه‌باز در این خانه‌ها استفاده خواهد شد.

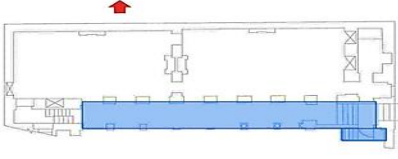
۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف تحلیلی-توصیفی و استفاده از نرم‌افزار است. با توجه به ارزش‌های معماری و تاریخی بناها و ارتباط هرچه بیشتر با مبحث پژوهش که در واقع بررسی کالبدی فضاهای باز و نیمه‌باز بوده انتخاب شده‌اند. نظر به اینکه این دوره تاریخی خود شامل ۲ بخش معماری اواخر قاجار و پهلوی اول است، در انتخاب نمونه‌ها سعی بر آن شده تا توازن بین این دو بخش رعایت شده و هر بخش با توجه به فراوانی داده‌ها و اطلاعات مورد مطالعه گردد.

منبع کتابخانه‌ای و گزارش‌ها موجود در سازمان میراث فرهنگی از خانه‌های قدیمی تهران در این دوره امکان انتخاب اولیه نمونه‌ها را ایجاد کرده‌اند. پس از تحقیقات میدانی و بررسی نمونه‌ها از نزدیک، انتخاب نهایی نمونه‌ها که به علت


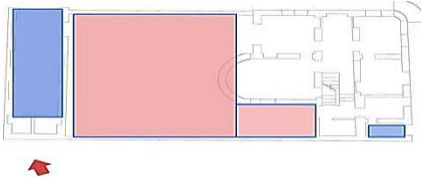
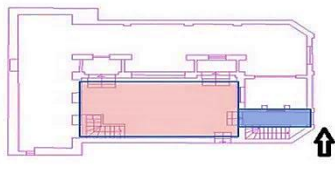
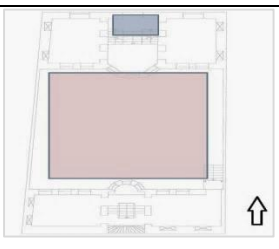
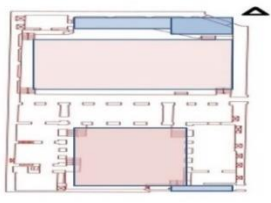
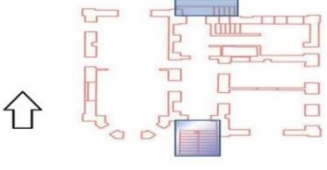

این فضا به سایر فضاهای باز داخلی و بیرونی دسترسی دارد (حق‌لسان و همکاران، ۱۳۹۹). در این مطالعه بررسی ساختار فضایی، فضاهای باز و نیمه‌باز و ویژگی‌های آن‌ها در (جدول شماره ۱ و ۲) مدنظر است.

جدول ۱. ویژگی‌های فضای باز به نیمه‌باز در خانه‌های دوره اواخر قاجار.

ویژگی‌های فضاهای مدنظر	نام بنا مقیاس پلان: ۱/۱۰۰	نوع و نام فضا
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل	 <p>خانه ملک</p>	<p>نیمه‌باز اندرونی و بیرونی دالان</p> <p>فضای باز حیاط</p>
هندسه فضای باز: مربعی شکل در ابعاد متفاوت		
جهت‌گیری فضای باز: جنوب و مرکز بنا		
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: شرق و غرب بنا		
تعداد فضای نیمه‌باز: ۲ تعداد فضای باز: ۲		
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل در ابعاد مختلف	 <p>خانه جلال آل احمد</p>	<p>فضای نیمه‌باز دالان</p> <p>فضای باز حیاط اندرونی و بیرونی</p>
هندسه فضای باز: مستطیلی شکل در ابعاد متفاوت		
جهت‌گیری فضای باز: جنوب شرق و مرکز بنا		
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب شرق و جنوب بنا		
تعداد فضای نیمه‌باز: ۲ تعداد فضای باز: ۲		
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل	 <p>خانه امام جمعه</p>	<p>نیمه‌باز ایوان</p>
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب غرب بنا		
تعداد فضای نیمه‌باز: ۱		
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل	 <p>خانه انیس الدوله</p>	<p>نیمه‌باز ایوان</p>
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب بنا		
تعداد فضای نیمه‌باز: ۱		
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل در ابعاد مختلف		<p>نیمه‌باز ایوان-دالان</p> <p>باز</p>
هندسه فضای باز: مربع شکل		
جهت‌گیری فضای باز: جنوب بنا		
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب شرق و شمال بنا		

ویژگی‌های فضاهای مدنظر	نام بنا مقیاس پلان: ۱/۱۰۰	نوع و نام فضا
<p>تعداد فضای نیمه‌باز: ۲ تعداد فضای باز: ۱</p>	 <p>خانه رزاکان</p>	<p>حیاط</p>
<p>هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی و مربع شکل در ابعاد مختلف هندسه فضای باز: مربع و مستطیلی شکل در ابعاد مختلف جهت‌گیری فضای باز: جنوب و شمال بنا جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب و مرکز بنا تعداد فضای نیمه‌باز: ۲ تعداد فضای باز: ۲</p>	 <p>خانه صادق هدایت</p>	<p>نیمه‌باز ایوان-هشتی</p> <p>باز حیاط اندرونی و بیرونی</p>
<p>هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل هندسه فضای باز: مستطیلی شکل جهت‌گیری فضای باز: جنوب بنا جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب و مرکز بنا تعداد فضای نیمه‌باز: ۲ تعداد فضای باز: ۱</p>	 <p>خانه موتمن الاطبا</p>	<p>نیمه‌باز ایوان</p> <p>باز حیاط</p>
<p>هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب غربی بنا تعداد فضای نیمه‌باز: ۲</p>	 <p>خانه پیرنیا</p>	<p>نیمه‌باز هشتی و دالان</p>
<p>هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل هندسه فضای باز: مربع شکل جهت‌گیری فضای باز: شرق بنا جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: شمال بنا تعداد فضای نیمه‌باز: ۱ تعداد فضای باز: ۱</p>	 <p>خانه فیروز کوهی</p>	<p>نیمه‌باز دالان و هشتی</p> <p>باز حیاط</p>

جدول ۲. ویژگی‌های فضای باز به نیمه‌باز در خانه‌های دوره پهلوی اول

ویژگی‌های فضاهای مدنظر	نام بنا	مقیاس پلان: ۱/۱۰۰	نوع و نام فضا
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل	خانه رهاوی		نیمه‌باز دالان
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: شمال بنا			
تعداد فضای نیمه‌باز: ۱			
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل در ابعاد مختلف	خانه متین دفتری		نیمه‌باز دالان باز حیاط
هندسه فضای باز: مستطیلی شکل			
جهت‌گیری فضای باز: شرقی-غربی بنا			
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: شمال و جنوب بنا			
تعداد فضای نیمه‌باز: ۲ تعداد فضای باز: ۲			
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل	خانه ابوالحسن صبا		نیمه‌باز دالان باز حیاط
هندسه فضای باز: مستطیلی شکل			
جهت‌گیری فضای باز: جنوب بنا			
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب شرقی بنا			
تعداد فضای نیمه‌باز: ۱ تعداد فضای باز: ۱			
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیلی شکل	لشکرنویس		نیمه‌باز هشتی باز حیاط
هندسه فضای باز: مستطیلی شکل			
جهت‌گیری فضای باز: مرکز بنا			
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب بنا			
تعداد فضای نیمه‌باز: ۱ تعداد فضای باز: ۱			
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیل و متوازی‌الاضلاع شکل	خانه مهربان		نیمه‌باز هشتی باز حیاط اندرونی و بیرونی
هندسه فضای باز: مستطیلی شکل در ابعاد مختلف			
جهت‌گیری فضای باز: شمال و جنوب			
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب و شمال بنا			
تعداد فضای نیمه‌باز: ۲ تعداد فضای باز: ۳			
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیل شکل	خانه صالح		نیمه‌باز دالان
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب و شمال بنا			
تعداد فضای نیمه‌باز: ۲			
هندسه فضای نیمه‌باز: مستطیل شکل	شهریار فربرز		نیمه‌باز ایوان
جهت‌گیری فضای نیمه‌باز: جنوب			
تعداد فضای نیمه‌باز: ۱			

نیمه‌باز با یکدیگر تلفیق‌اند. نکته قابل تأمل در این رهگذر، شکل‌گیری متنوع کالبدی، فضایی، عملکردی و رفتاری هستند که به اقتضای شرایط جغرافیایی و اقلیمی، فرهنگی و نیاز به سکونت و معیشت، به گونه‌های مختلفی از مساحت فضاهای نیمه‌باز در ترکیب معماری خانه‌های بومی تهران منجر می‌گردند. به جهت بررسی تحولات کالبد فضاهای باز و نیمه‌باز در خانه‌های مسکونی تهران در دو دوره اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی نسبت فضای باز به نیمه‌باز، فضای باز و همچنین فضای نیمه‌باز به صورت جداگانه مورد تحلیل قرار گرفتند.

در (جدول شماره ۳ و ۴) مساحت‌های خانه‌های اواخر قاجار و پهلوی اول و همچنین مساحت‌های فضایی باز و نیمه‌باز در این خانه‌ها مورد تحلیل‌های آمار قرار گرفتند که با توجه به این تحلیل‌ها (شکل شماره ۲)، نسبت‌های فضای باز و نیمه‌باز نسبت به هم در دوره قاجاریه و پهلوی اول را نشان می‌دهد

خانه‌های سنتی، در واقع بناهایی درون‌گرا و با محوریت وجود حیاط بودند. حریم خانواده، درون‌گرایی و زندگی جمعی سبب به وجود آمدن فضاهای مختلف با مقیاس‌های مختلف شدند، از جمله وجود حیاط در این بناها که با مقیاس‌هایی حیاط اندرونی و بیرونی را ساختار شدند. حیاط اندرونی که برای استفاده خانواده و اهالی آن جمع بودند تا احياناً دسترسی افراد غریبه به فضاهای خصوصی را مانع گردد. حیاط بیرونی که اصولاً برای عمومیت افرادی که می‌توانند به آن خانه رفت‌وآمد داشته باشند، گرفته شده است. همگام با تحولات مدرن در مغرب زمین و دگرگونی فرهنگی-تاریخی، فرهنگ معماری برون‌گرا بر آن غالب شد.

از ساختار پیوستگی فضاهای داخلی بناها به دور حیاط مرکزی یا حیاط اندرونی و بیرونی کاسته و نقش این حیاط‌ها کمتر ایفاء شد. به طوری که بنایی شاخص با سبک و سیاق و طراحی‌های آن روز معماری غرب رواج پیدا کرد. همچنین در این بناها به ساختار و وجود پله عظیم توجه ویژه‌ای شد.

۵-۲- نسبت‌های فضای باز و نیمه‌باز نسبت به هم در دوره قاجاریه و پهلوی اول

در معماری اکثر مناطق ایران گونه‌های فضایی مانند باز و

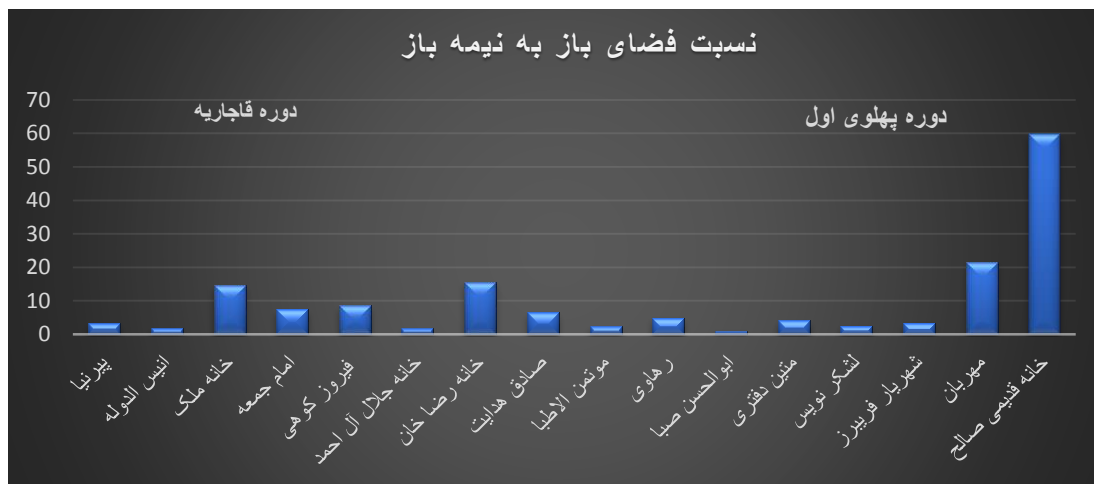
جدول ۳. نسبت تناسبات فضایی (باز و نیمه‌باز) خانه‌های اواخر قاجار تهران

فضای نیمه‌باز		فضای باز		مساحت کل	دوره قاجاریه
مقدار نرمال شده	مساحت	مقدار نرمال شده	مساحت		
۰/۰۱۷	۱۰	۰/۰۳۶	۲۱	۵۷۲	پیرنیا
۰/۰۱۶	۱۲	۰/۰۳۰	۲۲	۷۲۱	انیس الدوله
۰/۰۰۸۴	۲۱	۰/۱۲۲	۳۰۶	۲۵۰۰	ملک
۰/۰۷۶	۶۰	۰/۰۵۷	۴۵	۷۸۹	امام جمعه
۰/۰۰۷۱	۲	۰/۰۴۲	۱۲	۲۸۰	فیروزکوهی
۰/۱۲۶	۵۷	۰/۲۱۵	۹۷	۴۵۰	جلال آل احمد
۰/۰۲۶	۹,۶	۰/۴۱۸	۱۵۰	۳۶۰	رضاخان
۰/۰۱۰	۵	۰/۰۶۷	۳۲	۴۷۱	صادق هدایت
۰/۰۱۸	۱۵	۰/۰۴۲۵	۳/۴	۸۰۰	موتمن الاطبا

جدول ۴. نسبت تناسبات فضایی (باز و نیمه‌باز) خانه‌های پهلوی اول تهران

فضای نیمه‌باز		فضای باز		مساحت کل	دوره پهلوی
مقدار نرمال شده	مساحت	مقدار نرمال شده	مساحت		
۰/۰۲	۵	۰/۰۷۲	۱۸	۲۵۰	رهاوی
۰/۰۱۸	۶	۰/۰۱۶	۵/۳۲	۳۳۰	ابوالحسن صبا

فضای نیمه‌باز		فضای باز		مساحت کل	دوره پهلوی
مقدار نرمال شده	مساحت	مقدار نرمال شده	مساحت		
۰/۰۱۰	۴	۰/۳۹۱	۱۵	۳۸۳	متین دفتری
۰/۰۲۰	۹	۰/۰۶۲	۲۲	۳۵۰	لشکر نويس
۰/۰۲۶۴	۸	۰/۰۸۵۸	۲۶	۳۰۳	شهریار فریبرز
۰/۰۰۲۸	۱/۴۵۲	۰/۵۹۶	۳۱۰	۵۲۰	مهربان
۰/۰۰۴	۲	۰/۲۳۹	۱۵۵	۶۴۶	قدیمی صالح



شکل ۲. نسبت‌های فضای باز و نیمه‌باز نسبت به هم در دوره قاجاریه و پهلوی اول

همان‌طور که در (شکل شماره ۲) ملاحظه می‌شود، نسبت فضای باز به نیمه‌باز در خانه قدیمی صالح با مقدار ۵۹/۷۱ و در خانه ابوالحسن صبا با مقدار ۰/۸۹ به ترتیب بیشترین و کمترین مقادیر را به خود اختصاص داده است که هر دو بنا مربوط به دوره پهلوی اول است. در دوره قاجار نیز این نسبت در خانه رضاخان با ۱۵/۶۰ دارای بیشترین مقدار بوده و در

خانه جلال آل احمد با ۱/۷۰ کمترین مقدار را داشته است. (جدول شماره ۵) آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) نسبت فضای باز به نیمه‌باز در دو دوره قاجار و پهلوی اول را نشان می‌دهد.

جدول ۵. آمار توصیفی نسبت فضای باز به نیمه‌باز در دو دوره قاجار و پهلوی

	دوره تاریخی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
نسبت فضای باز به نیمه‌باز	قاجار	۹	۶/۸۴۶۷	۵/۳۰۷۴۲	۱/۷۶۹۱۴
	پهلوی	۷	۱۳/۸۱۵۹	۲۱/۳۸۳۰۹	۸/۰۸۲۰۵

مطابق نتایج (جدول شماره ۵)، میانگین نسبت فضای باز و نیمه‌باز در دوره پهلوی اول بیشتر از دوره قاجار است. همچنین، انحراف معیار نسبت فضای باز و نیمه‌باز نیز در دوره پهلوی اول بیشتر از دوره قاجار است. برای ارزیابی وجود یا عدم وجود تحولات فضایی از جمله نسبت فضای باز و نیمه‌باز از دوره قاجاریه به پهلوی اول در خانه‌های مورد مطالعه، باید

تفاوت معناداری میانگین‌های دو دوره در این شاخص مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، با توجه به مستقل بودن دو گروه خانه‌ها از لحاظ دوره ساخت، از آزمون T مستقل (Independent Samples Test) بهره گرفته شد. (جدول شماره ۶) نتایج آزمون T نمونه مستقل برای بررسی فرض برابری نسبت فضای باز و نیمه‌باز در دو دوره قاجار و پهلوی

اول را نشان می دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون T نمونه مستقل برای بررسی فرض برابری نسبت فضای باز به نیمه باز در دو دوره

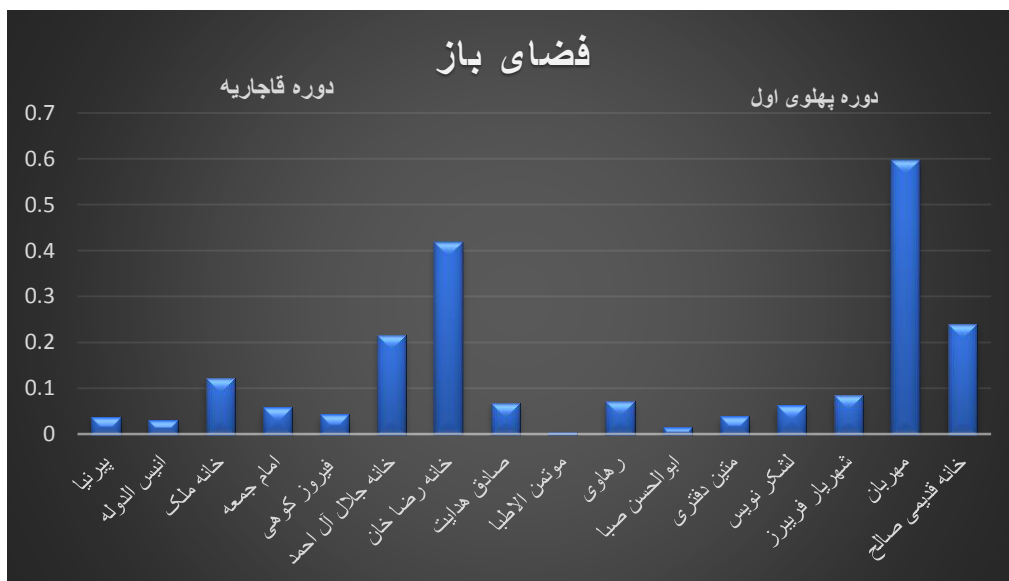
		Levene's Test for Equality of Variances		T-test for Equality of Means						
		F	Sig.	T	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
									Lower	Upper
نسبت فضای باز به نیمه باز	Equal variances assumed	5/740	0/031	-9/740	14	0/006	-6/96922	7/33861	-22/70898	8/77054
	Equal variances not assumed			-9/745	6/577	0/005	-6/96922	8/27341	-26/79042	12/85199

پهلوی اول با گسترش مدرنیته و به سبب رشد برونگرایی غالباً بنا به صورت یک حجم واحد ساخته می شد و کمتر حیاط مرکزی در طراحی خانه های تهران بکار گرفته شد؛ اما سبک معماری خانه های اواخر دوره قاجار (دوره محمدشاه و احمدشاه قاجار) نشان می دهد که سازمان دهی فضا از طریق فرم های درون گرا صورت می گیرد که فرم حیاط مرکزی و فضای باز بیشتر در معماری مسکونی این دوران قابل برداشت است.

۳-۵- فضای باز در دوره قاجار و پهلوی اول

(شکل شماره ۳) نسبت نرمال شده فضای باز به کل مساحت خانه در دو دوره قاجاریه و پهلوی اول را نشان می دهد.

مطابق نتایج اولین ستون از (جدول شماره ۶) Levene's (Test for Equality of Variances)، مقدار آماره F برابر ۵/۷۴۰ و مقدار سطح معناداری (sig) آن برابر ۰/۰۳۱ است؛ بنابراین، فرض برابری واریانس های دو نمونه بر اساس آزمون لون برقرار نیست ($sig < 0/05$)؛ اما مطابق نتایج ستون دوم (جدول شماره ۶) (T-test for Equality of Means)، مقدار آماره آزمون T برابر ۹/۷۴۵- و مقدار سطح معناداری (sig) برابر ۰/۰۰۵ است. لذا، بین میانگین نسبت فضای باز و نیمه باز در خانه های دوره قاجار و پهلوی اول تفاوت معناداری وجود دارد ($sig < 0/05$). علاوه بر نتایج به دست آمده از نتایج آمار توصیفی، این آمار از طریق بررسی و تحلیل سازمان فضایی و ساختار پلان ها نیز قابل تطبیق است. چراکه در دوران



شکل ۳. نسبت نرمال شده فضای باز به کل مساحت خانه در دو دوره قاجاریه و پهلوی اول

بوده و در خانه مؤتمن الاطبا با ۰/۰۰۴ کمترین مقدار را داشته است. (جدول شماره ۷) آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) نسبت نرمال شده فضای باز به مساحت کل خانه در بناهای مربوط به دو دوره قاجار و پهلوی اول را نشان می‌دهد.

جدول ۷. آمار توصیفی نسبت نرمال شده فضای باز به مساحت کل خانه در دو دوره قاجار و پهلوی

	دوره تاریخی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
فضای باز	قاجار	۹	۰/۱۴۶۱	۰/۱۹۸۸۳	۰/۰۶۹۴۳
	پهلوی	۷	۰/۱۱۹۸	۰/۱۷۳۴۹	۰/۰۴۳۷۱

این شاخص مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، با توجه به مستقل بودن دو گروه خانه‌ها از لحاظ دوره ساخت، از آزمون T مستقل (Independent Samples Test) بهره گرفته شد. (جدول شماره ۸) نتایج آزمون T نمونه مستقل برای بررسی فرض برابری فضای باز در دو دوره قاجار و پهلوی اول را نشان می‌دهد.

جدول ۸. نتایج آزمون T نمونه مستقل برای بررسی فرض برابری فضای باز در دو دوره

		Levene's Test for Equality of Variances		T-test for Equality of Means						
		F	Sig.	T	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
									Lower	Upper
فضای باز	Equal variances assumed	1/010	0/332	-4/520	14	0/011	-0/04796	0/08447	-0/22913	0/13321
	Equal variances not assumed			-4/999	9/672	0/010	-0/04796	0/08940	-0/24808	0/15215

قاجار به علت بهره‌گیری از فرم سنتی معماری مسکونی و غالب بودن درون‌گرایی، وجود حیاط‌های بیرونی و اندرونی متعدد، فضای باز بیشتری در مقایسه با معماری مسکونی دوره پهلوی اول قابل برداشت است.

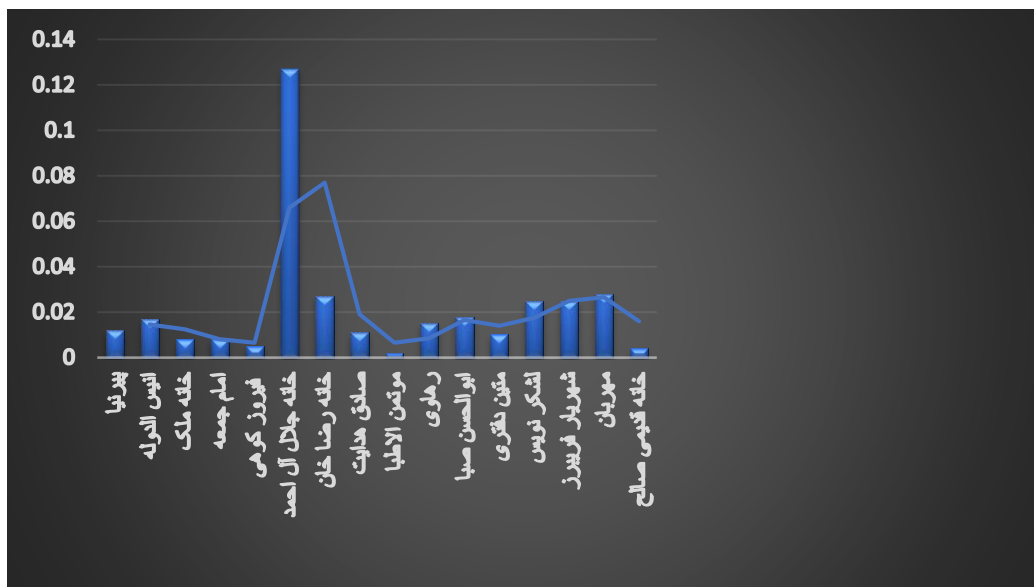
۴-۵- فضای نیمه‌باز در دوره قاجار و پهلوی اول

(شکل شماره ۴)، نسبت نرمال شده فضای نیمه‌باز به کل مساحت خانه در دو دوره قاجاریه و پهلوی اول را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در (شکل شماره ۳) ملاحظه می‌شود، در دوره پهلوی اول، فضای باز در خانه مهربان با مقدار ۰/۵۹۶ و در خانه ابوالحسن صبا با مقدار ۰/۰۱۶ به ترتیب بیشترین و کمترین مقادیر را به خود اختصاص داده است. در دوره قاجار نیز این نسبت در خانه رضاخان با ۰/۴۱۸ دارای بیشترین مقدار

مطابق نتایج (جدول شماره ۷)، میانگین فضای باز در دوره قاجار بیشتر از دوره پهلوی است. همچنین، انحراف معیار فضای باز نیز در دوره پهلوی اول بیشتر از دوره قاجار است. برای ارزیابی وجود یا عدم وجود تحولات فضایی از جمله فضای باز از دوره قاجاریه به پهلوی اول در خانه‌های مورد مطالعه، باید تفاوت معناداری میانگین‌های دو دوره در

مطابق نتایج اولین ستون از (جدول شماره ۸) Levene's (Test for Equality of Variances)، مقدار آماره F برابر ۱،۰۱۰ و مقدار سطح معناداری (sig) آن برابر ۰/۳۳۲ است؛ بنابراین، فرض برابری واریانس‌های دو نمونه بر اساس آزمون لون برقرار است (sig>0/05)؛ اما مطابق نتایج ستون دوم (جدول شماره ۸) (T-test for Equality of Means)، مقدار آماره آزمون T برابر ۴/۹۹۹- و مقدار سطح معناداری (sig) برابر ۰/۰۱۰ است. لذا، بین میانگین فضای باز در خانه‌های دوره قاجار و پهلوی اول تفاوت معناداری وجود دارد (sig<0/05). این امر نشان می‌دهد که در اواخر دوره



شکل ۴. نسبت نرمال شده فضای نیمه‌باز به کل مساحت خانه در دو دوره قاجاریه و پهلوی اول

مقدار بوده و در خانه مؤتمن الاطبا با ۰/۰۰۲ کمترین مقدار را داشته است. (جدول شماره ۹) آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) نسبت نرمال شده فضای نیمه‌باز به مساحت کل خانه در بناهای مربوط به دو دوره قاجار و پهلوی اول را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در (شکل شماره ۴) ملاحظه می‌شود، در دوره پهلوی اول، فضای نیمه‌باز در خانه مهربان با مقدار ۰/۰۲۸ و در خانه قدیمی صالح با مقدار ۰/۰۰۴ به ترتیب بیشترین و کمترین مقادیر را به خود اختصاص داده است. در دوره قاجار نیز این نسبت در خانه جلال آل احمد با ۰/۱۲۷ دارای بیشترین

جدول ۹. آمار توصیفی نسبت نرمال شده فضای نیمه‌باز به مساحت کل خانه در دو دوره قاجار و پهلوی

	دوره تاریخی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
فضای نیمه‌باز	قاجار	9	0/0239	0/03920	0/01307
	پهلوی	7	0/0178	0/00893	0/00337

(جدول شماره ۱۰) (T-test for Equality of Means)، مقدار آماره آزمون T برابر ۳/۷۴۵ و مقدار سطح معناداری (sig) برابر ۰/۰۲۲ است. لذا، بین میانگین فضای نیمه‌باز در خانه‌های دوره قاجار و پهلوی اول تفاوت معناداری وجود دارد (sig<0/05). وجود فضاهای نیمه‌باز در معماری قاجار با توجه به فرم حیاط مرکزی و رایج بودن به کارگیری فضاهای نیمه‌باز نظیر ایوان به نسبت معماری دوران پهلوی اول که گرایش به برونگرایی دارد ملاحظه می‌گردد.

مطابق نتایج (جدول شماره ۹)، میانگین فضای نیمه‌باز در دوره قاجار بیشتر از دوره پهلوی اول است. انحراف معیار فضای نیمه‌باز نیز در دوره قاجار بیشتر از دوره پهلوی اول است. در این راستا، با توجه به مستقل بودن دو گروه خانه‌ها از لحاظ دوره ساخت، از آزمون T مستقل (Independent Samples Test) بهره گرفته شد. (جدول شماره ۱۰) نتایج آزمون T نمونه مستقل برای بررسی فرض برابری فضای نیمه‌باز در دو دوره قاجار و پهلوی اول را نشان می‌دهد.

مطابق نتایج اولین ستون از (جدول شماره ۱۰) (Levene's Test for Equality of Variances)، مقدار آماره F برابر ۱/۹۶۷ و مقدار سطح معناداری (sig) آن برابر ۰/۱۸۳ است؛ بنابراین، فرض برابری واریانس‌های دو نمونه بر اساس آزمون لون برقرار است (sig>0/05)؛ اما مطابق نتایج ستون دوم

جدول ۱۰. نتایج آزمون T نمونه مستقل برای بررسی فرض برابری فضای نیمه‌باز در دو دوره

		Levene's Test for Equality of Variances		T-test for Equality of Means						
		F	Sig.	T	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
									Lower	Upper
مقدار نرمال شده فضای نیمه‌باز	Equal variances assumed	1/967	0/183	3/410	14	0/023	0/00609	0/01522	-0/02656	0/03874
	Equal variances not assumed			3/745	9/049	0/022	0/00609	0/01350	-0/02442	0/03660

۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال بررسی فضاهای باز و نیمه‌باز در خانه‌های تهران دوره قاجار و پهلوی اول و باهدف بررسی تحولات کالبدی فضاهای باز و نیمه‌باز خانه‌های سنتی تهران در این دو دوره انجام گرفته است؛ سپس با تحلیل‌های آماری ابتدا تفاوت معناداری میانگین‌های فضاهای باز، نیمه‌باز در دو گروه خانه‌ها با استفاده از T مستقل انجام گرفت؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برابری نسبت فضای باز به نیمه‌باز نشان می‌دهد که بین میانگین نسبت فضای باز و نیمه‌باز در خانه‌های اواخر دوره قاجار و پهلوی اول تفاوت معناداری وجود دارد. خانه‌های اواخر دوره قاجار از لحاظ نسبت فضای باز و نیمه‌باز از یک‌سو همگنی و تشابه بیشتری برخوردار هستند که این نشان‌دهنده وحدت میان شیوه‌های طراحی و اجرا در دوران قاجار بوده از سوی دیگر در دوره پهلوی اول به علت معماری رو به گسترش با فرم برون‌گرا و کاهش استفاده از فضای باز و نیمه‌باز و تنوع زیاد طرح‌ها در دوره پهلوی این تشابه و به‌کارگیری از فضاهای باز و نیمه‌باز ملاحظه نمی‌شود.

همچنین از لحاظ فضای باز، بناهای دوره قاجاریه از همگنی و تشابه بیشتری برخوردار هستند که این نشان‌دهنده وحدت میان شیوه‌های طراحی و اجرا در دوران قاجار و بهره‌گیری فرم‌های سنتی غالب در معماری ایران بوده که به دلیل تنوع گسترش مدرنیته و تغییر در پلان خانه‌ها و کاهش

فضاهای باز (حیاط مرکزی) در دوره پهلوی اول کمتر دیده می‌شود. در مورد فضای نیمه‌باز نیز، بناهای دوره قاجار به علت فرم سنتی غالب در بهره‌گیری از حیاط مرکزی به‌عنوان فضای باز و ایوان به‌عنوان فضای نیمه‌باز می‌توان به‌کارگیری فضای نیمه‌باز را در معماری اواخر دوره قاجار نسبت به پهلوی اول قابل توجه در نظر گرفت. با گسترش مدرنیته و تغییر در فرم پلان‌ها و احداث خانه‌های مسکونی به‌صورت برون‌گرا ساخته شد و این امر موجب گشت که رفته‌رفته حیاط مرکزی و به‌کارگیری ایوان به‌عنوان فضای نیمه‌باز در معماری پهلوی اول کمرنگ شود. برای ارزیابی وجود یا عدم وجود تحولات فضایی از جمله فضای نیمه‌باز از دوره قاجاریه به پهلوی اول در خانه‌های مورد مطالعه، باید تفاوت معناداری میانگین‌های دو دوره در این شاخص مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت لازم به ذکر است که مسیر تحولات فضایی تحت تأثیر عوامل مختلفی انجام می‌گردد. به‌طور میانگین شرایط اجتماعی، فرهنگی و تحولات برون‌گرا که در ارتباط با این تغییرات می‌باشند، می‌بایستی که بیشتر مورد پژوهش قرار بگیرند. چون این تغییرات اجتماعی، فرهنگی هر جامعه‌ای بازتاب و تأثیرات ویژه‌ای در خانه‌های مسکونی خواهد داشت.

۷- منابع

- آصفی، مازیار، ایمانی، الناز. (۱۳۹۵). بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر

- حق لسان، مسعود، ایرانی، مهری، و نیکنام، سودا. (۱۳۹۹). مطالعه سیر تحول ساختار فضایی خانه‌های سنتی ایرانی از بُعد کالبدی و ارتباطی با روش نحو فضا (نمونه موردی: خانه‌های دوره قاجاریه و پهلوی تبریز). مسکن و محیط روستا، ۳۹(۱۷۲)، ۳۲-۱۷.
[DOI: 20.1001.1.20084994.1399.39.172.2.2](https://doi.org/10.1001.1.20084994.1399.39.172.2.2)
- دوستی، شهرزاد. (۱۳۹۷). حریم و محرمیت در خانه‌های سنتی ایران، فرهنگ مردم ایران. تابستان و پاییز ۱۳۹۷، ۵۳، ۱۳۶-۱۱۵.
<http://noo.rs/pFD2u>
- راپاپورت، ایموس. (۱۳۸۲). خاستگاه‌های فرهنگی معماری، فرهنگستان هنر (خیال)، ۸، ۹۷-۵۶.
<http://noo.rs/B7Oru>
- زرکش، افسانه. مفهوم فضای نیمه‌باز در معماری. (۱۳۹۰). کتاب ماه هنر، ۱۵۵، ۱۰۱-۹۲.
<http://noo.rs/Vhvwm>
- زنگنه، نجمه، مضطرزاده، حامد، تقی‌پور، ملیحه، و نصر، طاهره. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر انواع ساختار فضایی بر میزان تفکیک قلمروهای عمومی و خصوصی در خانه‌های سنتی درون‌گرای ایران به روش چیدمان فضا (مطالعه موردی: خانه‌های قاجار شیراز)، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی. ۹۹(۵۹)، ۶۲-۴۵.
<http://ijurm.imo.org.ir/article-1-2870-fa.html>
- پورمختار، سارا، و پاکدل فرد، محمدرضا، و ستاری ساربانقلی، حسن. (۱۴۰۲). بازخوانی شاخصه‌های کهن‌الگویی معماری خانه‌های قاجار محله نوبر تبریز. باغ نظر. ۲۰(۱۱۹)، ۳۸-۲۳.
[DOI: 10.22034/bagh.2022.329652.5125](https://doi.org/10.22034/bagh.2022.329652.5125)
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۸). فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۶). تبریز خشتی استوار در معماری ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۴(۱۱)، ۷۵-۵۶.
<http://jria.iust.ac.ir/article-1-486-fa.html>
- امیدواری، سمیه، حمزه نژاد، مهدی، و امیدواری، الهام. (۱۳۹۹). گونه‌شناسی عناصر فضایی نیمه‌باز در معماری خانه‌های اسلامی، مطالعه موردی: خانه‌های یزد (دوره قاجار) و خانه‌های دمشق (دوره عثمانی). مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۱۱(۴۲)، ۳۲-۱۹.
<https://iic.ihss.ac.ir/Article/19932/FullText>
- اویسی کیخا، زهرا، کاوش، حسینعلی، حیدری، ابوالفضل، و داوطلب، جمشید. (۱۳۹۹). گونه‌شناسی سازمان‌دهی فضایی مسکن بومی سیستان از نظر شکل-گیری فضای باز و بسته. مسکن و محیط روستا. ۹۹(۱۷)، ۶۱-۷۲.
<https://doi.org/DOI:%2010.22034/39.171.61>
- جمالی، سیروس، و خندان، نادیا. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی ساختار کالبدی خانه‌های سنتی دوره قاجار (نمونه موردی: شهر تهران و تبریز). شبک، ۶(۴)، ۱۴۳-۱۵۴.
<http://noo.rs/364ie>
- حائری محمدرضا. (۱۳۷۵). طراحی مسکن امروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی. نشریه آبادی، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی. ۲۳(۶)، ۲۸-۱۹.
<http://sid.ir/paper/455311/fa>
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین و فرآیند و معیارهای طراحی خانه. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حق‌جو، امیر، و تهرانی، فرهاد، و آیوازیان، سیمون، و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۸). سیر تحول اندام‌های اصلی خانه‌های تبریز از دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم. صغه. پاییز ۱۳۹۸، ۱۲۱-۱۴۰.
[DOI: 20.1001.1.1683870.1398.29.3.7.5](https://doi.org/10.1001.1.1683870.1398.29.3.7.5)

امروز (مورد مطالعاتی شهر مشهد)، مجله آرمان شهر، ۱۱ (۲۵)، ۱۴۹-۱۶۱.

https://www.armanshahrjournal.com/article_85083_ee9d85b2c1ea05cdaf4681d89ba4bd8a.pdf

• معماریان، غلامحسین، و پیرزاد، احمد. نگاهی به معماری بومی سقانفارها. نشریه صفا، ۳ (۲۲)، ۴۴-۲۹.

<http://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1683870.1391.2.3.3.2>

• مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۵). سبک‌شناسی جریان‌های معماری معاصر (گرایش‌های معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۳۵۷-۱۳۸۵). فصلنامه آبادی، (۵۲)، ۱۶، ۲۳-۱۲.

<https://sid.ir/paper/487262/fa>

• ورمقانی، حسنا. (۱۴۰۰). پژوهشی در خوانش شاخه‌های آمیختگی در فضای فردی- جمعی حیاط خانه سنتی خانه‌های تاریخی ایران مرکزی در عهد قاجار و صفوی. دو فصلنامه فضای زیست، (۱)، ۱۳۸-۱۱۷.

<https://sanad.iau.ir/fa/Article/951965?FullText=FullText>

• هدایت، اعظم، و طبائیان، سیده مرضیه. (۱۳۹۱). بررسی عناصر تشکیل‌دهنده و دلایل وجودی آن‌ها در خانه‌های بافت تاریخی بوشهر. نشریه شهر و معماری بومی، ۳ (۳)، ۵۴-۳۵.

<http://dori.net/dor/20.1001.1.26453711.1394.3.3.2>

• یخچالی، صفورا، و صحراگرد منفرد، ندا سادات، و یزدانفر، سید عباس. (۱۴۰۱). بررسی روند تغییرات شاخص‌های نحو فضا برای فضاهای نیمه‌باز و تأثیر آن در راندمان عملکردی مسکن (خانه‌های سنتی و مدرن اصفهان). فصلنامه آرمان شهر، ۱۵ (۴۱)، ۱۹۶-۱۸۱.

<http://noo.rs/wtey9>

- Bachelard, G. (2008). *Poetics of space*. translated by Maryam Kamali and Mohammad Shirbache, enlightenments and Women studies, Tehran [in Persian]

• طاهباز، منصوره، و جلیلیان، منصوره. (۱۳۹۰). اصول معماری همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مساجد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

• فرخ‌زاد، محمد، و مدیری دوم، ایمان. (۱۳۹۳). کنکاشی در اصول طراحی فضاهای باز با توجه به پیشینه معماری و شهرسازی ایران. نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۶، ۹۵-۸۱.

<https://www.magiran.com/p1427090>

• قلیچ‌خانی، بهنام، و اعتصام، ایرج، و مختاباد امرئی، سید مصطفی. (۱۳۹۲). تحلیل کالبدی خانه‌های گرگان در دوران قاجار، هویت شهر، (۱۶)۷، ۶۲-۵۱.

[DOI:20.1001.1.17359562.1392.7.16.5.9](https://doi.org/10.17359/562.1392.7.16.5.9)

• کیانی، مصطفی، بهجو، اشکان، و راستیان طهرانی، نوشین. (۱۳۹۴). تداوم فضایی در معماری معاصر ایران بررسی میزان تأثیرپذیری معماری معاصر ایران از معماری غرب و معماری ایرانی. فصلنامه نقش جهان، (۳)۵، ۶۷-۵۲.

<https://www.magiran.com/p1519800>

• محرابیون، محمد، بیگ‌زاده، فاطمه، شهرکی، حمیدرضا، و امیدواری، سمیه. (۱۴۰۰). گونه‌شناسی فضاهای نیمه‌باز در خانه‌های بومی دوره صفویه و قاجاریه شهر تاریخی نائین. نشریه علمی معماری اقلیم گرم و خشک، ۹ (۱۳)، ۲۰-۱.

<https://www.doi.org/10.29252/ahdc.2021.16382.1530>

• محمودی، عبدالله. (۱۳۸۴). بازنگری اهمیت ایوان در خانه‌های سنتی (با نگاه ویژه به بم). هنرهای زیبا، (۲۲)، ۶۲-۵۳.

<https://sid.ir/paper/5820/fa>

• مداحی، سید مهدی، و اسفندیانی مقدم، الهه، و عباسی، لیلیا و بمانی نائینی، مونا. (۱۳۹۷). قیاس تحلیلی نقش فضاهای نیمه‌باز مسکونی بر شکل‌گیری شیوه زندگی و نظام رفتاری ساکنان در خانه‌های بومی دیروز و مسکن

- Dekhoda, A. A. (1963). *Dekhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University Press. [In Persian].
- Kag'anGu, n., Zafer, E., & Sevinc-, E. (2008), Questioning the “prototype dwellings” in the framework of Cyprus traditional architecture, *Building and Environment*, 43 (5), 823–833.

<https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2007.01.032>

- Krier, R. (2010). *Architectural Composition*. Edition Axel Menges.
- Nooraddin, H. (1996). *Al Fina' A study of "in-between" spaces along streets as an urban concept in Islamic cities of the middle east with a case study in Cairo*. Norway. Trondheim. Department of Town and Regional planning. Faculty of Architecture.
- Rapaport, A. (1969). *House form and culture*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

نحوه ارجاع به مقاله:

کوتی، جواهر، صابر نژاد، ژاله، و متین، مهرداد. (۱۴۰۳). خوانشی بر تحولات کالبدی فضای باز و نیمه‌باز در بناهای تهران اواخر قاجار و پهلوی اول. توسعه پایدار شهری، ۵(۱۷)، ۹۴-۷۵.



DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2024.2008287.1094>



DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.6.0>

URL: https://usdjournal.daneshpajooan.ac.ir/article_714057.html?lang=fa



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



فلسفه تاریخ معماری اسلامی در نگرش شرق‌شناسی^۱

مرضیه ثابت اقلیدی^۲، احد نژاد ابراهیمی^{۳*}، لیلا مدقالچی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده: هر تاریخ‌نامه‌ای متأثر از یک منظر تاریخی شکل می‌گیرد؛ حتی اگر مورخ از آن آگاه نباشد یا آن را انکار کند. تاریخ معماری اسلامی نیز از این موضوع مستثنا نیست؛ بنابراین شناخت رویکردهای تاریخ‌نگاری معماری اسلامی، مستلزم شناخت منظر تاریخی یا اصطلاحاً «فلسفه تاریخ» است که مبنای آن قرار گرفته است. با توجه به اینکه تاریخ معماری اسلامی، مولود اندیشه شرق‌شناسی است، این پژوهش به دنبال شناخت فلسفه تاریخ در نگرش شرق‌شناسانه به معماری اسلامی است. پژوهش حاضر به حوزه فلسفه علم تعلق دارد و از راهبرد استدلال منطقی استفاده می‌کند. بدین ترتیب مطالب پراکنده موجود در سامانه‌ای منطقی مربوط به فلسفه تاریخ منظم می‌شوند. بنابراین تحقیق از نوع کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی است. نتایج نشان می‌دهد در نگرش شرق‌شناسانه، معماری اسلامی، به‌عنوان «دیگری» معماری غرب تعریف می‌شود که دارای ذاتی مشخص بوده و فاقد تاریخ است. شیوه شناخت آن اثبات‌گرایانه و مبتنی بر عقلانیت اروپا محور است. گزینش‌ها و ارزیابی‌های تاریخی نیز مبتنی بر گفتمان اروپا محوری بوده که معماری اسلامی را رمانتیک، تزئینی و عجیب‌وغریب معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی: فلسفه تاریخ، معماری اسلامی، تاریخ معماری، شرق‌شناسی، اروپا محوری

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «جریان‌های تاریخ‌نگاری معماری در تألیفات محققان ایرانی دهه چهل و پنجاه شمسی با رویکرد تاریخ فرهنگی» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام شده است.

^۲ دانشجوی دکتری معماری اسلامی، گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^{۳*} استاد، گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران؛ Email: ebrahimiahad@gmail.com

^۴ دانشیار، گروه معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

«شرق‌شناسی»، پارادایم مسلط بر مطالعه شرق در سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ است. از اواخر سده ۲۰، اندیشمندان بسیاری همچون انور عبدالمالک، عبدالطیف الطیبی، برایان اس ترنر^۵ و ادوارد سعید^۶ از جنبه‌های مختلفی به نقد شرق‌شناسی پرداخته‌اند. سعید شرق‌شناسی را به‌عنوان هویت جمعی و نظام سلطه فراگیر مورد بحث قرار داده است. او شرق‌شناسی را نشانه‌ای روشن از تسلط غرب بر شرق می‌داند و نه یک گفتمان صادقانه آکادمیک (Said, 1978, 23). سعید گفتمان در مورد شرق را صرفاً یک بازنمایی از شرق در تخیل و تصور پژوهشگران غربی می‌داند که نسبتی با کیفیت واقعی موجود در شرق ندارد (Ward, 2018).

نظریات محققان پسااستعماری همچون سعید به تدریج وارد حوزه‌های دیگر شد. از آنجا که تاریخ هنر و معماری اسلامی در سایه شرق‌شناسی و به‌عنوان یکی از محصولات جنبی آن شکل گرفته است (مجته‌زاده، ۱۳۹۷، ۹)، پژوهشگران این حوزه نیز به مطالعه انتقادی تاریخ‌نگاری‌های شرق‌شناسانه از هنر و معماری اسلامی پرداخته و بر ضرورت بازنگری در مفروضات آن اذعان داشته‌اند (از جمله مهم‌ترینشان می‌توان به گلرو نجیب‌اغلو^۷، ناصر رباط^۸، زینب چلیک^۹، سامر عکاش^{۱۰}، مارگارت گریوز^{۱۱}، یو کا کادوی^{۱۲} اشاره کرد). با توجه به چنین ضرورتی، پژوهش حاضر نیز بازاندیشی در تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه از معماری اسلامی را مدنظر قرار داده است و به دنبال ارائه نظمی منطقی از مفروضاتی است که پیش‌تر محققان مطرح کرده‌اند.

تحقیق با چنین سؤالات اولیه‌ای آغاز شد که مورخ مستشرق از چه موضعی به هنر و معماری اسلامی می‌نگرد؟ چه ماهیتی برای آن قائل است؟ کدام جنبه‌های موضوع را برجسته می‌کند و از کدام جنبه‌ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، غافل می‌ماند؟ برای شناخت آنچه راه‌هایی قائل است؟ موضوع را

چگونه توضیح می‌دهد؟ از آنجا که این دست پرسش‌ها به حوزه «فلسفه تاریخ» تعلق دارد پژوهش حاضر برای تدوین سامانه‌ای منطقی ابناء خود را بر فلسفه تاریخ قرار داد بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این پرسش اصلی است: فلسفه تاریخ معماری اسلامی، در نگرش شرق‌شناسانه چیست؟

برای این منظور ابتدا با تجمیع نظرات صاحب‌نظران مؤلفه‌های اصلی فلسفه تاریخ را تعیین کرده و سپس ادبیات موجود در مورد تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه از معماری اسلامی، ذیل این مؤلفه‌ها ساماندهی می‌شوند.

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

۲-۱ پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص را می‌توان در سه دسته کلی به شرح زیر دسته‌بندی و ارائه نمود:

دسته اول، پژوهش‌هایی هستند که به‌طور کلی تصویری که شرق‌شناسی از ماهیت معماری اسلامی ارائه می‌دهد را با نگاهی انتقادی به چالش کشیده‌اند. نقد پیش فرض شمولیت هنر اسلامی و لزوم مطالعه هنر اسلامی به‌عنوان مجموعه تمدنی چند فرهنگی (Necipoglu, 2012)، نقد برخی مفروضات شرق‌شناسان همچون راکد بودن و نفسانی بودن معماری اسلامی و لزوم کیفیت چند فرهنگی معماری اسلامی (Rabbat, 2012)، زیر سؤال بردن صلاحیت مستشرقان برای حکم دادن در مورد شرق و ناکافی بودن چهارچوب‌های مفهومی غربی برای پرداختن به هنر و معماری اسلامی (Celik, 2018)، نقد نسبت دادن مفهوم وحدت در برابر کثرت به معماری اسلامی، دوره‌بندی‌های هنر و معماری اسلامی و همچنین مواجهه این حوزه با مدرنیته (Akkash, 2021) از مهم‌ترین بحث‌های این محققان در مورد تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه از هنر اسلامی است. در میان محققان ایرانی نیز پژوهش‌های ارزشمندی در این حوزه انجام شده است. (گلیجانی، ۱۳۸۴) از اولین افرادی است که شرق‌شناسی

^۹ Celik

^{۱۰} Akkash

^{۱۱} Graves

^{۱۲} Kadoi

^۵ Bryan S. Turner

^۶ Edward Said

^۷ Necipoglu

^۸ Rabbat

پرداخته‌اند هیچ‌یک موضوع را به‌طور خاص از منظر فلسفه تاریخ بررسی نکرده‌اند. از این رو پژوهش حاضر تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه از معماری اسلامی را از منظر فلسفه تاریخ بررسی می‌کند. برای این منظور ابتدا با رجوع به ادبیات موجود، مؤلفه‌های اصلی فلسفه تاریخ را استخراج و امکان‌های هر یک را مشخص می‌کند؛ سپس تحلیل می‌کند این تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه در هر یک از مؤلفه‌های فلسفه تاریخ به کدام امکان تعلق دارد.

۲-۲- فلسفه تاریخ

تاریخ در دو معنی کلی بکار برده شده و به تبع آن دو نوع فلسفه تاریخ را شکل داده است. در معنای اول، منظور از تاریخ روند حوادث و وقایعی است که رخ داده یا همان «تاریخ به‌مثابه واقعه» و در معنای دوم، منظور از تاریخ، دیدگاه‌ها و اعتقادات بیان‌شده یا نوشته‌شده در مورد وقایع است یا همان «تاریخ به‌مثابه ارزیابی». تا قبل از قرن بیستم فلاسفه به تأملات نظری درباره تمامی حوادث و وقایع (معنای اول تاریخ) می‌پرداختند. این تأملات نظری همان فلسفه جوهری یا نظری تاریخ است اما در قرن بیستم، فلاسفه و مورخان این دیدگاه‌ها را غیرقابل اثبات و غیرقابل دفاع دانسته و تعمیم‌های آن‌ها به کل جهان را بلندپروازانه دانستند و با مطالعاتی «دست‌دوم»، به انتقاد از فلسفه جوهری تاریخ پرداختند. در واقع این فیلسوفان بیش از آنکه به وقایع بپردازند، به نحوه تفکر، نگاه و نوشتن در مورد آن موضوعات (معنای دوم تاریخ) پرداختند. این تأملات با عنوان فلسفه تحلیلی یا انتقادی تاریخ شناخته شد (استفورد، ۱۳۹۸، ۸۳-۸۲). نظریه‌ها و فیلسوفان رویکردهای جوهری (همچون کانت^{۱۸}، هردر^{۱۴}، هگل^{۱۵}، مارکس^{۱۶}، اسپنسر^{۱۷}، اشپلنگر^{۱۸} و ...) نگاهی جبرگرایانه دارند و به تعمیم می‌پردازند، اما فیلسوفان با رویکردهای تحلیلی (همچون نیبور^{۱۹}، رانکه^{۲۰}، دیلتای^{۲۱}،

و ایران‌شناسی) را به‌عنوان یکی از سه محور اصلی تاریخ‌نگاری معماری ایران معرفی می‌کند و به‌طور پراکنده با ذکر مثال‌هایی به برخی مقاصد و مفروضات و روش‌های مستشرقان اشاره می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۶-۱۳۹۷، ۶۷-۶۵). هنر اسلامی را به‌عنوان یک گفتمان محصول اندیشه ادوار مختلف می‌داند، شکل‌گیری تاریخ هنر اسلامی را ذیل شرق‌شناسی و مردم‌شناسی توضیح داده و به برخی مبانی و مفروضاتش اشاره نیز می‌پردازد.

دسته دوم پژوهش‌ها، تاریخ‌نگاری‌های یک یا چند محقق خاص را مورد توجه قرار داده و از جنبه‌های مختلف آن را بررسی کرده‌اند که برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: استخراج مفروضات، روش و رویکرد تاریخ‌نگاری پوپ، ویلبر و پیرنیا (قیومی بیدهندی، ۱۳۸۴)، پوپ (Kadoi, 2012، رضایی لیپایی و همکاران ۱۳۹۹)، گدار (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰)، هرتسفلد (Jenkins, 2012) و تاریخ‌نگاری ویلبر (در مقایسه با پیرنیا) (حیدری دلگرم و همکاران، ۱۳۹۵).

دسته سوم تمرکزشان بر جریان‌های نمایشگاهی و موزه‌ای بر این حوزه است. یکی از مهم‌ترین این تحقیقات توسط کری و گریوز انجام شده است (Carey & Graves, 2012). همچنین تحقیقی روایتی از شبکه دلالات هنر، مجموعه‌داران، متخصصان و افرادی که مفروضاتشان، سلیقشان و منافعتشان در شکل‌گیری مجموعه ویکتوریا و آلبرت به اوج می‌رسد مورد بحث قرار گرفته است (Carey, 2017). پژوهش‌های دیگری نیز به تأثیر نمایشگاه‌های هنر اسلامی در ارائه تصویری شرق‌شناسانه از هنر و معماری اسلامی پرداخته‌اند (مریدی و مریدی، ۱۴۰۰ و مظهری و همکاران، ۱۴۰۲).

چنانچه ملاحظه می‌شود با وجود اینکه مطالعات بسیاری به تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه از هنر و معماری اسلامی

¹⁸ Spengler

¹⁹ Niebuhr

²⁰ Ranke

²¹ Dilthey

¹³ Kant

¹⁴ Herder

¹⁵ Hegel

¹⁶ Marx

¹⁷ Spencer

نیز مسائل و موضوعات اصلی تاریخ را این‌گونه برشمارد: حقایق در مورد گذشته، عینیت، تبیین و علیت و ارزش‌ها (اتکینسون، ۱۳۹۸، ۲۸).

• واقعیت تاریخی

ایمان (۱۳۹۹، ۹۱-۱۰۵) تلقی‌های موجود از واقعیت اجتماعی را در یک طیف از تلقی اثباتی تا تلقی پدیدارشناسانه مطرح می‌کند می‌توان گفت تاریخ مطالعه واقعیت اجتماعی متأثر از سه رویکرد کلی بوده است: اول رویکرد اثبات‌گرایی و دیدن جامعه به مثابه طبیعت و استفاده از رویکردهای تجربی، دوم رویکرد تفسیرگرایی و دیدن جامعه به مثابه فرآورده ذهنی و معنایی کنشگران اجتماعی و سوم رویکرد تلفیقی و دیدن واقعیت اجتماعی متأثر از تلفیق ساختار اجتماعی خارج از ذهن کنشگران و معنا و آگاهی آنان (بنی‌فاطمه و همکاران، ۱۳۹۷). شناخت امر واقع (فاکت) تاریخی خود بیانگر سه اصل است: اول اینکه وقایع و کنش‌ها در گذشته اتفاق افتاده‌اند، دوم اینکه گزاره‌های تاریخی حقیقی یا امور واقع تاریخی درباره بعضی از این رخدادها هستند؛ و سوم اینکه این گزاره‌ها قابل شناخته‌اند زیرا شواهد و مدارک کافی از آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین مورخان می‌توانند درباره چیزهایی که واقعاً در گذشته رخ داده شناخت حاصل کنند (پمپا، ۱۳۹۸، ۲۱۹-۱۷۴).

• عینیت تاریخی

مسئله عینیت را مهم‌ترین و گیج‌کننده‌ترین مسئله در فلسفه تاریخ‌نگاری دانسته‌اند (والش، ۱۳۶۳، ۱۰۵). مسئله عینیت چنین پرسش‌هایی را پیش می‌کشد: آیا می‌توانیم بگوییم که باورهای ما در مورد گذشته درست هستند یا فقط بازتابی از تعصبات ما هستند؟ آیا برخی از تبیین‌های تاریخی بهتر از سایرین هستند یا همه آن‌ها به یک اندازه معتبر هستند؟ آیا گذشته و تاریخ، تابعی از آن چیزی است که ما به دنبال آن هستیم و به ذهن ما وابسته است یا موضوعی است که می‌توان آن را به صورت علمی بررسی کرد. پاسخ به این سؤالات موضوع عینیت را روشن می‌کند (Newall, 2009, 172).

کالینگوود^{۲۲}، پوپر^{۲۳} و ... بر انواع مختلف تبیین‌ها و مفاهیم تأکید دارند (اتکینسون، ۱۳۹۸، ۲۵-۲۴). اولین متفکر ایرانی که به تمایز این دو تلقی از تاریخ و به تبع آن دو فلسفه تاریخ، اشاره کرد عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب تاریخ در ترازو بود. البته او ذیل عنوان‌های «تاریخ‌نگری» و «تاریخ‌نگاری» به این دو نوع فلسفه می‌پردازد. می‌توان گفت منظور او از فلسفه نظری تاریخ و از دومی فلسفه انتقادی تاریخ است؛ اما اولین متفکر ایرانی که به صراحت به دو نوع فلسفه تاریخ پرداخت عبدالکریم سروش در کتاب فلسفه تاریخ بود. او سه سؤالی که فلسفه نظری تاریخ در پی پاسخ به آن‌هاست را این‌گونه برمی‌شمارد: تاریخ به کجا می‌رود (هدف)؟ چگونه می‌رود (مکانیسم حرکت، محرک)؟ از چه راهی می‌رود؟ (سروش، ۱۳۵۸، ۷).

۲-۱- مؤلفه‌های بنیادی فلسفه تاریخ

محققان در مورد عناصر و مؤلفه‌های اصلی و عناصر پارادیمی فلسفه تاریخ و تاریخ‌نگاری، نظریات متفاوتی دارند که نسبتاً با یکدیگر همپوشانی دارند. (ایمان، ۱۳۹۹، ۵۹)، عناصر پارادیمی علوم اجتماعی به طور عام را شامل ماهیت واقعیت، ماهیت انسان، ماهیت علم، تبیین واقعیت، جایگاه ارزش در علم می‌داند؛ اما در خصوص تاریخ به طور خاص، (پمپا، ۱۳۹۸) معتقد است مورخان با گذشته انسان‌ها سر و کار دارند. با آنچه اتفاق افتاده (فاکت‌ها یا امور واقع، رخدادها و وقایع تاریخی)، چگونه اتفاق افتاده (شیوه‌ها و بسترهای وقوع، چگونگی، تبیین و تشریح) و چرا اتفاق افتاده (علل و عوامل) است. او بر این مبنا چارچوب‌های اساسی فلسفه مدرن تاریخ را این‌گونه برمی‌شمارد: شناخت امر واقع (فاکت تاریخی)، تبیین و درک وقایع (تبیین علمی یا انسان‌گرایانه)، عینیت و ارزش (قضاوت ارزشی مورخ)، روایت و واقع‌گرایی (پمپا، ۱۳۹۸، ۲۱۹-۱۷۴). برخی موضوعات چالش‌برانگیز فلسفه تاریخ را شامل شناخت، تبیین، علیت و اراده آزاد (اختیار)، عینیت و ارزیابی‌های تاریخی، نظریه کنش و فردگرایی روش‌شناختی، نسبی‌گرایی و جایگاه ارزش‌ها و احکام ارزشی اشاره می‌کند. (استنفورد، ۱۳۹۸، ۹۲-۹۱). اتکینسون

^{۲۳} Popper

^{۲۲} Collingwood

(ایمان، ۱۳۹۹، ۱۴۴-۱۲۲). از سوی دیگر ارزش، بحث گزینش و قضاوت ارزشی را به میان می‌آورد. روایت‌های تاریخی متفاوت، نتیجه «اصول گزینش» متفاوت‌اند. این اصول انتخاب همان چارچوب‌هایی هستند جنبه خاصی از پدیده تاریخی را در جلوی زمینه و جنبه‌های دیگر را در پشت زمینه قرار می‌دهند و تعیین می‌کنند چه جنبه‌هایی از موضوع مربوط و چه جنبه‌هایی نامربوط است (Currie & Walsh, 2018). تاریخ و فلسفه تاریخ، بدون گزینش و قضاوت ارزشی، عملاً ممکن نیست؛ تا جایی که والتر بنیامین (۱۳۹۸، ۲۳۸) معتقد است تمایز قائل نشدن بین حوادث مهم و غیر مهم، معادل آن است که چیزی هرگز رخ نداده است. ارزش‌ها می‌توانند در تعبیر رویدادهای مورد پژوهش هنگام ثبت آن‌ها به عنوان داده تحقیق نقش داشته باشند (Douglas, 2009, 88).

در مورد حضور یا عدم حضور ارزش‌ها در تاریخ، تناقضی سطحی وجود دارد: از یک سو گفته می‌شود تاریخ برای آنکه یک رشته فکری و یک علم باشد، باید به‌طور محض واقعی، عینی و به لحاظ ارزشی خنثی باشد و از سوی دیگر گفته می‌شود تاریخ‌نگاری ناگزیر از گزینش است؛ اما باید توجه کرد اگر این گزینش‌ها در راستای اهداف و پرسش‌های خاص تحقیق باشد و نه در پاسخ‌هایی که مورخ ارائه می‌دهد، به عینیت تحقیق تاریخی لطمه‌ای وارد نمی‌شود. مهم آن است که احکام ارزشی مورخ در گزینش‌های پیرامون موضوع مورد تحقیق وارد شود و نه در تلقی و نحوه مواجهه مورخ با موضوع. در واقع ارزش‌های فکری به‌وضوح در تاریخ حضور دارند، اما ارزش‌های فردی (همچون تعهدات سیاسی، اخلاقی، زیبایی‌شناسی که در مقابل ارزش‌های فکری هستند) را نباید به‌زور در پاسخ به سؤالات دخیل کرد (اتکینسون، ۱۳۹۸، ۴۸-۲۸).

• تبیین تاریخی

با توسعه فلسفه علم در قرن بیستم، مفهوم تبیین که به معنای علت‌یابی بود، تعاریف متفاوتی یافته است. در واقع اصالت دادن به مشاهده و تجربه، یا ذهنیت یا تاریخ، منتج به تعاریف متفاوتی از تبیین می‌شوند بستگی به تعریف از علم دارد. برای

تلقی‌های متفاوت از عینیت، پارادایم‌های مختلف را در علوم اجتماعی (در اینجا علم تاریخ) شکل داده است: علم اجتماعی اثباتی (تاریخ‌نگاری اثباتی)، از آنجا که جهان اجتماعی را همچون جهان طبیعی می‌بیند، به دنبال قوانین عام علی است، از حواس مشتق می‌شود. علم اجتماعی تفسیری نه مبتنی بر حواس که مبتنی بر درک معانی و تفاسیر است؛ بنابراین به دنبال کشف معنا و انتزاع آن است؛ اما رویکرد انتقادی میان علم اجتماعی اثباتی (جبرگرایی) و تفسیری (اختیارگرایی) قرار می‌گیرد (ایمان، ۱۳۹۹، ۹۱-۱۰۵). در واقع در سیر تاریخی علوم اجتماعی، یک نگرش این بوده که حقیقت در خارج وجود دارد و در دسترس مورخ است و مورخ باید آن را بیان کند؛ اما امروزه در ارزیابی کار مورخ به این توجه دارند که چه اطلاعاتی در دسترس مورخ بوده، به چه نحوی از آن‌ها استفاده کرده و با چه عقایدی و تفاسیری به سراغ وقایع تاریخی رفته است. انتخاب از میان این دو نگرش، مسئله عینیت در تاریخ را مشخص می‌کنند. به‌طور خلاصه در یک سو تاریخ، مجموعه واقعیاتی است که تقدم بی‌چون‌وچرا بر تفسیر دارد و در سوی دیگر تاریخ زائیده مغز مورخ می‌داند. اولی مرکز ثقل را در گذشته می‌گذارد و دومی در زمان حال (کار، ۱۳۸۷، ۱۳۶-۱۳۵).

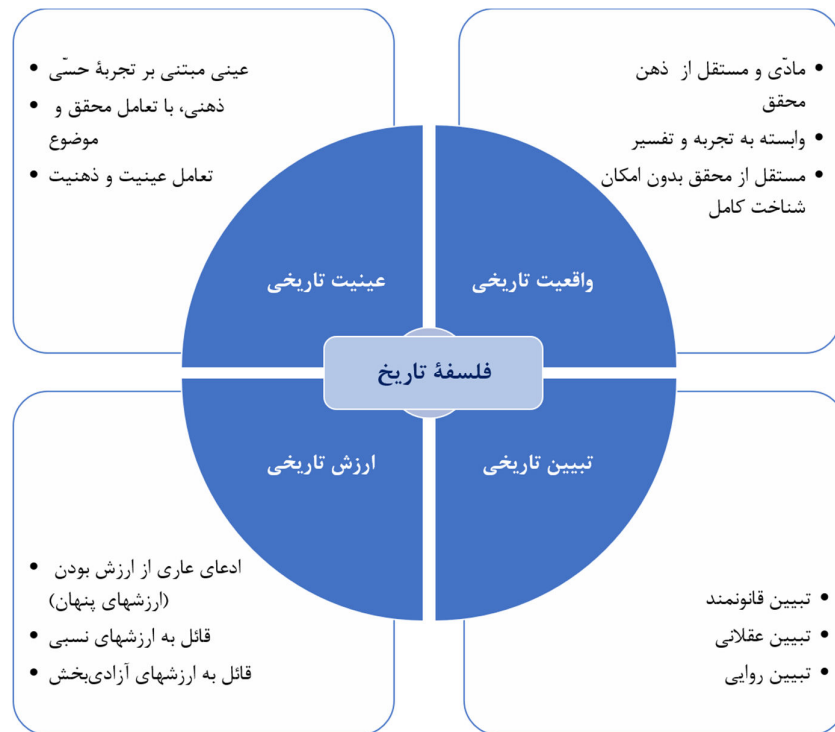
• ارزش در تاریخ

بحث ارزش در علم، از جمله تاریخ، در وهله اول به رسالت و مسئولیت علم مربوط می‌شود و نتیجتاً در پارادایم‌های مختلف، متفاوت است. برای مثال اثبات‌گرایان که به واقعیت عینی معتقدند، علم‌عاری از ارزش را حمایت می‌کنند. عینیت در علم اثباتی به این معناست که علم مستقل از ارزش‌ها، عقاید و گرایش‌ها است. علم تفسیری با اصالت به انسان و اختیار او، عاری از ارزش بودن را نه ممکن می‌داند و نه سودمند و ارزش‌ها را نسبی می‌بیند. در علم انتقادی، تحقیق اجتماعی یک کنش اخلاقی و سیاسی است که نیازمند باور محقق به یک موضع ارزشی است. این موضع برخلاف رویکرد تفسیری، نسبی‌گرایی را نمی‌پذیرد و مدافع ارزش‌های انسانی همچون آزادی، رهایی‌بخشی، توانمندسازی، نفی ستم و استثمار نفی سلطه و نابرابری است

مثال تبیین علم اثباتی مبتنی بر قوانین عام و روابط علی است و بحث از چرایی زندگی اجتماعی است، تبیین علم تفسیری مبتنی بر اصالت معنای خلق شده توسط انسان در یک موقعیت خاص است و توصیفی غنی و دارای بار معنایی ارائه می‌دهد و در پی پاسخ به چرایی است؛ اما علم انتقادی تبیینی دیالکتیک دارد و به دنبال توضیح تغییرات اجتماعی است. تبیین علی با اصالت عقلانیت، تبیین نظری با اصالت خلاقیت و تبیین دیالکتیک با اصالت هردو صورت می‌گیرد (ایمان، ۱۳۹۹، ۱۱۲-۱۰۵).

در تاریخ سه نوع کلی تبیین معرفی شده است: تبیین قانونمند (برداشت قانونمند از تبیین تاریخی): (پوپر و همپل) فلاسفه پوزیتیویست که تاریخ را نوعی علم پوزیتیویستی می‌دانند، تبیین‌های مبتنی بر قانون را اصلی‌ترین نوع تبیین می‌دانند. در این تبیین واقعه مورد نظر به عنوان جزئی از جریان کلی تعمیم‌بخش توضیح داده می‌شود. تبیین عقلانی (برداشت عقلانی از تبیین تاریخی) (کالینگوود) متأثر از تفاوت بین تاریخ و علوم، اعمال را با توجه به خواسته‌ها، اعتقادات، نیت، معیارها و به‌طور کلی با توجه به علل و دلایل آن‌ها تبیین

می‌کنند. روایت‌های سیاسی پر از این تبیین‌هاست. این تبیین به‌جای خود اعمال، به دنبال اندیشه و استدلال‌هاست پشت آن‌هاست، به دنبال معناکاوی است و می‌کوشد افکار عاملان تاریخی را بازاندیشی یا بازآفرینی کند. تبیین روایی (برداشت روایی از تبیین تاریخی) (اکشات، باترفیلد): که مختص تاریخ است و بر اساس آن «یک واقعه با نقل و روایت کردن وقایع پیش از آن توضیح داده و تبیین می‌شود». در این تبیین هیچ تعمیمی داده نمی‌شود و به جزئیات پرداخته می‌شود. رویدادها به‌هم‌پیوسته و در متن جریان تاریخی دیده می‌شوند (اتکینسون، ۱۳۹۸، ۴۶-۳۶). استفورد به شکل دیگری به این تبیین‌ها اشاره می‌کند. او توضیح می‌دهد در پاسخ به این سؤال که تاریخ علم است یا نه عده‌ای موضوع آن را واقعیاتی می‌دانند که باید از طریق قوانین عام تبیین شوند، عده دیگر موضوع آن را وقایع انتزاعی (شبه وقایع منفردی همچون نزاع بین دو نفر) می‌دانند که باید به شیوه فهم متعارف تبیین شوند؛ اما واقعیات تاریخی مربوط به پدیده‌های واحد و منفرد نیستند و قضاوت‌های تاریخی غالباً احکام واحدی هستند درباره شمار وسیعی از واقعیات یا وقایع که به‌صورت یک کل در



شکل ۱. مؤلفه‌های اساسی فلسفه تاریخ و امکان‌های مختلف در هر یک

اسلامی، در هریک از چهار مؤلفه واقعیت تاریخی، عینیت تاریخی، ارزش در تاریخ و تبیین تاریخی به کدام یک از امکان‌های مطرح شده تعلق دارد.

۴-۱- واقعیت معماری اسلامی

شرق‌شناسی مبتنی بر تمایز هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی شرق و غرب شکل گرفته (ward, 2018)، تمایزی میان «خود» و «دیگری» که باور به آن از دوران باستان و در افسانه‌ها وجود داشته، بعدها توسط جغرافیدانان، تجار و مورخان قرون وسطی و رنسانس نیز باز تولید شده است. خاستگاه رشته شرق‌شناسی در قرن نوزدهم چنین تمایزی است (مک‌فی، ۱۳۹۸: ۱۰۴-۱۰۳). در این دوتایی، برتر بودن خود، یعنی غرب، امری بدیهی و مسلم پنداشته می‌شود. گفتمانی که چنین نگاهی را حمایت می‌کند تحت عنوان اروپا مداری شناخته می‌شود. در سیر خطی اروپا محوری تاریخ هنر، تمدن غرب، همه فرهنگ‌های غیراروپایی را به صورت یکدست، به‌عنوان دیگری خود معرفی می‌کند. به گونه‌ای که غرب، «خود، اکنون و اینجا» است و شرق «دیگری، آن زمان (پیشامدرن / پیشا تاریخی / غیر تاریخی) و آنجا (دور دست / خارج از اروپا)» (Fabian, 1983)؛ بنابراین در این نگرش معماری اسلامی، پیش از هر چیز به‌عنوان «دیگری معماری غرب» تعریف می‌شود؛ غیر غربی خواندن معماری شرق و سرزمین‌های اسلامی توسط مستشرقان، حاکی از این نگاه است. دانا آرنولد^{۲۴} (2006, 220-235) نوشتن یک تاریخ معماری غیر شرقی را به‌عنوان پادزهری برای مقابله با تسلط این نگاه مطرح می‌کند. بعلاوه باید توجه داشت که خود و دیگری در نسبت با زمان و مکان تعریف می‌شوند. به‌نحوی که خود، تاریخ‌مند و دیگری فاقد تاریخ است. شرق‌شناسی، شرق را «بدون تاریخ» در زمان و مکان یخ‌زده تصویر می‌کند (ترنر، ۲۲، ۱۳۹۰) و این موضوع تا جایی پیش رفته که برخی اروپا را به سرقت تاریخ از شرق متهم کرده‌اند (Goody, 2007). در مطالعات هنر و معماری اسلامی نیز برخی مستشرقان ادعا می‌کنند نمی‌توان سیر تحول مشخصی که هنر غرب دارد را در هنر شرق یافت (نجیب اغلو، ۱۳۷۹، ۹۵).

کنار هم قرار می‌گیرند که می‌شود عنوان تاریخ تفسیری را برای آن‌ها پیشنهاد داد (استنفورد، ۱۳۹۸، ۹۳-۹۲). فلسفه تاریخ روزبه‌روز بیشتر و بیشتر به سمت تفسیر می‌رود تا مسائل شناخت و تبیین. در واقع امروزه مقوله محوری همه رشته‌های علوم انسانی که ذهن، زبان و جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌کند، معنی است. فلسفه تاریخ نیز از طریق مقوله معنی و دیگر مقوله مرتبط با آن، یعنی تفسیر، با سایر حوزه‌ها مرتبط می‌شود. در تاریخ به معنای دوم آن نیز، به‌طور ویژه‌تر، مقوله معنی، مقوله کلیدی است. در واقع تاریخ دوم در پی شناخت گذشته اعمال انسان و دریافت نیات و اهداف آن‌هاست. این دریافت بخشی از کار تفسیر است. (استنفورد، ۱۳۹۸، ۹۳-۱۰۳). با توجه به مطالب مطرح شده، مؤلفه‌های اساسی فلسفه تاریخ و امکان‌های مختلف هریک در تصویر زیر آورده شده است (شکل شماره ۱)

۳- روش تحقیق

این پژوهش متعلق به حوزه فلسفه علم است و به دنبال ارائه سامانه‌ای منطقی از فلسفه تاریخ معماری اسلامی در نگرش شرق‌شناسی است. از این رو از راهبرد استدلال منطقی استفاده می‌کند که مناسب چنین پژوهشی است (میرجانی، ۱۳۸۹، Sagi, 2021, Leitgeb, 2011). به‌طور خلاصه، استدلال منطقی راهبردی است که می‌تواند با ایجاد نظمی منطقی در میان مطالب پراکنده پیشین، سامانه مفهومی منطقی ارائه دهد. سامانه مدنظر این پژوهش از نوع سامانه‌های فرهنگی-گفتمانی است که با تحلیل و تبیین قاعده‌مند، ادعاهای خود را بر تکیه گاهی متعالی (در اینجا فلسفه تاریخ) استوار می‌کنند (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ۳۰۷-۳۰۲). به این ترتیب ابتدا با تجمیع نظرات صاحب‌نظران مؤلفه‌های اصلی فلسفه تاریخ و امکان‌های مختلف هر یک معرفی می‌شوند، سپس این مؤلفه‌ها مبنای پرداختن به تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه از معماری اسلامی قرار می‌گیرند.

۴- بحث و یافته‌های پژوهش

با توجه به مدلی که از مبانی نظری حاصل شد، برای شناخت فلسفه تاریخ معماری اسلامی در نگرش شرق‌شناسانه باید بحث کرد که تاریخ‌نگاری‌های مستشرقان از معماری

سادگی را در پرداختن به این حوزه فراهم کرده است. در واقع گویی نگرانی از تشویش و چندپارگی هنر اسلامی موجب ادامه دادن این رویکردها شده است (Bozdogan & Necipoglu, 2007).

بنابراین می‌توان گفت شرق‌شناسان مدعی‌اند معماری اسلامی، یک واقعیت معلوم و مشخص مستقل از ذهن دارد و آن «دیگری» معماری غرب بودن است. به‌زعم آن‌ها، این واقعیت ذاتی ثابت و مشخص دارد و فاقد تاریخ است.

۴-۲- عینیت در شناخت معماری اسلامی

اولگ گرابار^{۲۵} توجه به مباحث اسلامی از جمله هنر را بخشی از «پروژه روشنگری» می‌داند؛ از این حیث که روشنگری مبتنی بر این ایده بود که همه‌چیز را می‌شود شناخت، معرفت به همه‌چیز در یک تراز است و همه‌چیز را با همه‌چیز می‌شود تبیین کرد (کاوسی، ۱۳۹۸)؛ اما مطالعه شرق به شکل سازمان‌یافته، در قرن ۱۹، ذیل شرق‌شناسی و در محل تلاقی علوم تجربی و تاریخ گسترش یافت (مظهری و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر در این دوران مورخان مکتب رانکه برای تبدیل تاریخ به علمی مدرن، به تقلید از علوم طبیعی روی آورده بر استفاده از روش‌های علوم عینی در تاریخ اصرار داشتند (ایگرس، ۱۳۹۸، ۳-۲ و ۲۱-۲۲ و ۷۰). به‌این ترتیب شرق‌شناسان نیز در پی چنین شناختی از معماری اسلامی برآمدند و مدعی بودند شرق را به شکل عینی و علمی می‌شناسند (Mohanty, 2005, 36-37). (هرچند این شناخت حاوی مفروضاتی فلسفی بود که در بخش ارزش به آن پرداخته می‌شود). ابژه بودن شرق برای مستشرقان تا به حدی است که برخی شرق‌شناسی را صرفاً یک شغل می‌دانستند که با شرق سر و کار دارد (Said, 1978, 5)؛ بنابراین نگاه شرق‌شناسانه به معماری اسلامی نگاهی اثبات‌گرایانه و ماتریالیستی است که تحلیل‌ها در آن مبتنی بر عقلانیت مدرن و منطق اروپا محور است؛ اما این نوع خاص از عقلانیت صرفاً عقلانیتی اروپایی است که بر اساس نوع نگاه به انسان، مدرنیته و تجربه‌گرایی (پراگماتیسم، ساینتیسم،

برجسته‌ترین نمود غیر تاریخی دیدن معماری اسلامی را می‌توان در «درخت معماری» فلچر دید که، تنه زنده و شاخه‌های فوقانی و سالم درخت را به‌توالی و تداوم بی‌وقفه سبک‌های غربی از یونان باستان تا آمریکای مدرن اختصاص داده و معماری همه فرهنگ‌های دیگر (که برجسب سبک غیر تاریخی دارند) به شاخه‌های مرده و قطع‌شده‌ای تنزل داده‌اند که عموماً به‌عنوان کنجکاوای‌های سبکی عمل می‌کنند (Necipoglu, 2012; rabbat, 2018). چنین نگاهی به هنر و معماری اسلامی، باورهایی چون جهان‌شمولی و ذات باوری هنر اسلامی را پدید آورده و تقویت می‌کند (Necipoglu, 2012). به این معنا که این هنر، فارغ از تأثیرات هر متغیری (چون تاریخ، فرهنگ، زمان و مکان) دارای ذاتی ثابت است. بر این اساس، معماری اسلامی به مجموعه‌ای از خصوصیات رایج تقلیل یافت - ساکن و راکد بودن، نفسانی بودن و زینتی بودن محبوب‌ترین این ویژگی‌ها بود - که در تضاد کامل با ویژگی‌های خودآگاهی و تکامل تاریخی است که غالباً مختص معماری غربی تصویر می‌شد (rabbat, 2012). برای مثال می‌توان به شهر اسلامی اشاره کرد تا چند دهه پیش پدیده‌ای منجمد، بدون تاریخ و بدون تحرک و پویایی تصویر می‌شد که پس از بحث‌های انتقادی ادوارد سعید به چالش کشیده شد و آنچه به‌عنوان ذات شهر اسلامی معرفی می‌شد زیر سؤال رفت (Celik, 2018). یکی از شدیدترین نقدها به این تصویر رایج از شهر اسلامی در مقاله معروف «شهر اسلامی، اسطوره تاریخی، ذات اسلامی و ارتباط معاصر» در ۱۹۸۷ بود که نشان داد این تصویر صرفاً یک زنجیره از فرمول‌های تکرار شونده است که از یک محقق فرانسوی به دیگری رسیده بود (Celik, 2018)؛ اما ایده‌های شمولیت یا ذات‌گرایی، توضیح کافی برای آثار جسورانه و بدیعی در سراسر جهان اسلام ارائه نمی‌دهد (Rabbat, 2012). هرچند بارها تصدیق شده که تلقی هنر و معماری اسلامی به‌عنوان یک چتر وحدت‌بخش، مشکلات اجتناب‌ناپذیری ایجاد کرده است، به نظر می‌رسد نگاهی نوستالژیک به وحدت هنر اسلامی وجود دارد که نوعی

دانشمندانی نیز لازم داشته‌اند که از فرهنگ و زبان و سرشت و خوی مردم سرزمین‌های تابعشان آگاه باشند تا کار اداره و بهره‌برداری از این سرزمین‌ها را آسان کند. البته همه مستشرقان از نظر انگیزه و احساساتشان مشابه یکدیگر نبوده‌اند، اما در هر حال همگی تحت حمایت - مادی یا معنوی- شرایطی بودند که توسط استعمار ایجاد شده بود و در سایه آن توانایی مطالعه شرق را یافتند (Enayat, 1973). امروزه پژوهشگران هنر و معماری اسلامی نیز بر ماهیت استعماری تاریخ‌های شرق‌شناسانه از هنر و معماری اسلامی اذعان دارند (Rabbat, 2018; Ward, 2018; Necipoglu, 2012; Graves, 2012). یکی از ابزارهای شرق‌شناسی که مرتبط با استعمار است موزه‌داری و مجموعه‌داری و برگزاری نمایشگاه‌ها است. ایجاد موزه‌ها هرگز عاری از اهداف سیاسی، ملی‌گرایانه و ایدئولوژیک نبوده است (رینگبرگ و عبائی، ۱۳۹۷، ۴۶) و موزه (در کنار نقشه و سرشماری) از مهم‌ترین نهادهای وابسته به قدرت است که استعمارگران از طریق آن قلمروی فرمانروایی‌شان را مشخص می‌کردند. به‌نحوی که در موزه‌ها و نمایشگاه‌های هر کشور بیشترین آثار، از مستعمره‌هایش است (برای مثال بیشترین آثار هند در موزه‌های انگلستان و بیشترین آثار مصر در موزه‌های فرانسه است) (مجتهدزاده، ۱۳۹۷، ۱۵-۷).

۴-۳-۲- گزینش و ارزیابی در هنر و معماری اسلامی

به‌طور کلی می‌توان گفت معیار و چارچوب گزینش‌ها و ارزیابی‌ها در شرق‌شناسی، «اروپا محوری» است. چنانچه اشاره شد این گفتمان چنانچه از اسمش برمی‌آید، غرب و اروپا را مرکز و محور عالم می‌داند که در آن برتر بودن غرب، امری بدیهی و مسلم بوده و نتیجتاً سعادت بشر در غربی شدن خلاصه می‌شود (خدابنده‌لو، ۱۳۹۷). در واقع تقابل خود/دیگری، دوگانه‌ای کاملاً ارزشی است و تقابل‌هایی همچون مرکز/حاشیه، غالب/مغلوب، والا/پست، آشنا/عجیب‌وغریب، علمی/خیالی و غیره را تولید می‌کند (مظهری و همکاران، ۱۴۰۰). چنانچه به باور سعید شرق‌شناسی، غرب را خردپذیر، توسعه‌یافته، انسان‌دوست، برتر، اصیل، فعال، آفرینش‌گر و مردانه تصویر می‌کند و شرق

پوزیتیویسم) شکل گرفته و با عقل کل گرا متفاوت است (خدابنده‌لو، ۱۳۹۷). از این‌روست که میل به طبقه‌بندی، نام‌گذاری و تعمیم هنر و معماری اسلامی در میان مستشرقان دیده می‌شود. چنانچه در کتاب وصف مصر که آغاز نمادین تاریخ‌نگاری هنر و معماری اسلامی دانسته می‌شود در ۲۳ جلد، اطلاعات مربوط به مصر و مصریان فهرست و طبقه‌بندی شده است (مجتهدزاده، ۱۳۹۷، ۱۰). از مهم‌ترین ابزارها برای ارائه و نمایش این دسته‌بندی‌ها نمایشگاه‌ها جهانی هنر اسلامی بودند. هریک از این نمایشگاه‌ها زمینه تأسیس موزه‌ای را فراهم کردند. به این ترتیب زیر نگاه نافذ غرب بود که اشیاء و سوژه‌های شرقی انتخاب و خریداری شده و با مجموعه‌سازی و مقوله‌بندی و نام‌گذاری، به موزه‌ها راه می‌افتند. این فرآیند را سوژه شدن و موزه‌ای شدن هنر اسلامی دانسته‌اند (مریدی و مریدی، ۱۴۰۱)؛ بنابراین می‌توان گفت شرق‌شناسان با نگرشی اثبات‌گرایانه و ماتریالیستی به معماری اسلامی می‌نگرند و شیوه شناختشان مبتنی بر عقلانیت مدرن و اروپا محور است.

۴-۳-۳- ارزش‌ها در شناخت معماری اسلامی

۴-۳-۱- رسالت شناخت معماری اسلامی

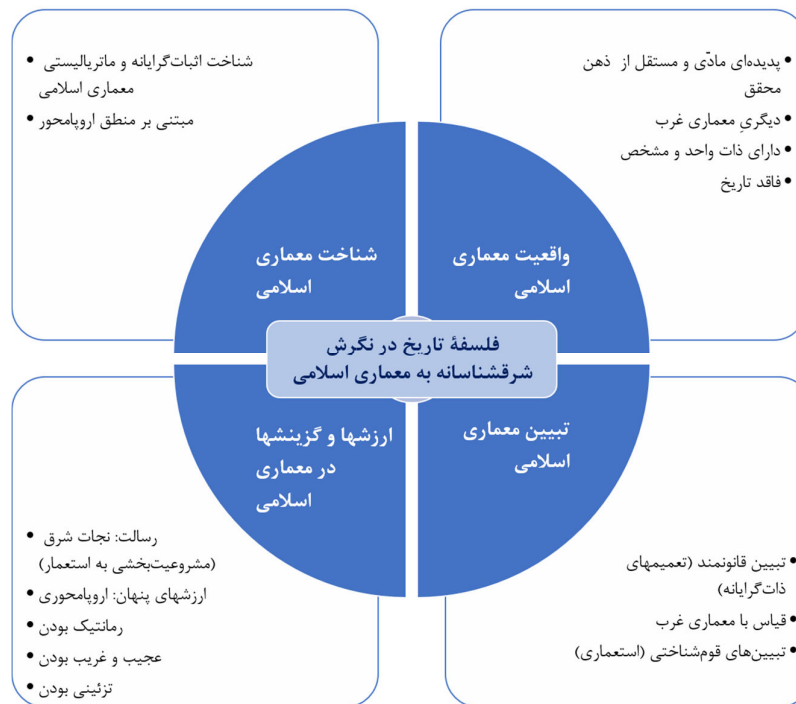
ارزش در تاریخ را می‌توان در رسالتی که محقق برای تاریخ به‌عنوان یک علم قائل است و در گزینش‌ها و ارزیابی‌ها به بحث گذاشت. در نگرش شرق‌شناسان، شرقی‌ها نمی‌توانند خودشان را بشناسند و شناختشان باید توسط غربی‌ها که این توانایی را دارند انجام شود (ترنر، ۱۳۹۰، ۹۶). بدین ترتیب شرق‌شناسی برای خودش «مسئولیتی» تعریف می‌کند که به‌واسطه برتری‌اش به او داده شده است؛ مسئولیتی که به‌عنوان الگوی نجات‌گری شناخته می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۷، ۷-۱۵). این الگو دو مسئولیت متناقض برای انسان غربی قائل است، از یک طرف رام کردن شرقی‌های وحشی و بربر و از طرف دیگر نجات ساختمان‌ها، میراث و فرهنگ قبیله‌ای آن‌ها (بروجردی، ۱۳۷۷، ۱۵)، از این‌رو آن را در راستای توجیه ماهیت استعماری شرق‌شناسی مطرح می‌کنند (ward 2018). گفته می‌شود دولت‌های استعمارگر، به همان اندازه که به کارشناسان نظامی و اقتصادی نیازمند بوده‌اند

خردگریز، کژرو، عقب‌مانده، بی‌تجربه، استبدادی، فرودست، بی‌اصالت، منفعل، زن‌آسا تصویر می‌کند (مک‌فی، ۱۳۹۸، ۲۴). در این گفتمان شرق دارای ماهیت عجیب‌وغریب اسرارآمیز و در همان حال شهوت‌ران، بی‌خرد و خطرناک است (ترنر، ۱۳۹۰، ۹۶-۷۹). بدین ترتیب در حوزه هنر نیز، فرهنگ و هنر غربی دارای منش و گوهری استعلایی دانسته می‌شود و سایر فرهنگ‌ها و هنرها بسته به فاصله‌شان از این مرکز، تعریف می‌شوند (ضیمران، ۱۳۹۵، ۲۴۷). چارچوب‌های اروپا محور تأثیرات بسیاری بر تاریخ‌نگاری معماری اسلامی گذاشته است؛ در وهله اول نگاه اروپا محور به سیر تکامل تمدن بشر موجب شد هنر و معماری اسلامی سنتی مربوط به گذشته و به تبع آن در تقابل با مدرنیته تصویر شود (Rabbat, 2012). بعلاوه این گفتمان هنر و معماری اسلامی را پدیده‌ای رمانتیک، عجیب‌وغریب، تزئینی معرفی می‌کند (Rabbat, 2012; Necipoglu, 2012). رمانتیسم ویژگی‌هایی همچون اولویت عاطفه، فقدان ساختار و ذات‌گرایی (جبروتی، ۱۳۹۴) را به معماری اسلامی منتسب می‌کند. بر این اساس، معماری اسلامی به مجموعه‌ای از خصوصیات رایج تقلیل یافت - ساکن و راکد بودن، نفسانی بودن و زینتی بودن محبوب‌ترین این ویژگی‌ها بود - که در تضاد کامل با ویژگی‌های خودآگاهی و تکامل تاریخی است که غالباً مختص معماری غربی تصویر می‌شد. مواردی که در این تقسیم‌بندی قرار نمی‌گرفتند) به‌عنوان مثال، میراث کلاسیک مشترک در قرون وسطی در خاورمیانه و اروپا، تعامل متمرکز بین آن‌ها در طول جنگ‌های صلیبی و مواضع مشابه تاریخی آن‌ها در قرن ۱۸، به‌عنوان عجایب یا انحرافات ناشی از شرایط تاریخی منحصربه‌فرد توضیح داده می‌شد (Rabbat, 2012). توصیف‌های شرق‌شناسانه از خاورمیانه هنوز زنده مانده و یک فرد معمول آمریکایی همان‌طور خاورمیانه را می‌فهمد. حتی در فیلم‌های جدید ساخته غرب (همچون ۳۰۰ و ارباب حلقه‌ها) در یک سمت رزمندگان غربی سفید پوست هستند که برای آزادی می‌جنگند و در سمت دیگر، دبگریِ عجیب و غریب و شیطانی (Ward, 2018) از همین رو غربی‌ها همواره نسبت شرق و مردمانش نوعی اشتیاق و کنجکاوی داشتند و اولین دانشجویان معماری

اسلامی که همگی اروپایی بودند در پی ماجراجویی، اشتغال و هیجان خیال‌انگیز آن کشورهای اسرارآمیز به شرق آمدند (Rabbat, 2018). متأثر نگرش رمانتیک به این حوزه، تزئینی بودن نیز به هنر و معماری اسلامی نسبت داده شد که در واقع نوعی کوچک شمردن این معماری است (مجتهدزاده، ۱۳۹۷، ۱۲). در واقع شرق‌شناسان در حالی هنر و معماری اسلامی را تزئینی معرفی می‌کنند که در نگاه آنان تزئینات صرفاً در حد آرایه‌هایی فریبنده است (رهنورد، ۱۳۷۸، ۷۷). نحوه نمایش آثار معماری اسلامی هم حاکی از این نگاه است و هم تقویت‌کننده آن. تصاویری زیبا با نماهای کلی تزئین شده، برجسته‌سازی و تأکید بر برخی ویرانه‌ها، حکاکای‌های رنگی و سایه‌روشن به سبک مدرسه هنرهای زیبا با طرح و جزئیات و برش با مداد سیاه. جزئیات و تزئینات آثار به شیوه‌ای منفک از زمینه خود نمایش داده می‌شدند (جمال‌الدین، ۱۴۰۱، ۱۰۶). نجیب اغلو از اولین پژوهشگرانی بود که به نقد این نگاه پرداخت و عنوان کرد مطالعه نقوش اسلامی جدا از زمینه‌های فرهنگی و تاریخی و منفک از تزئینات حجمی، موجب کج‌فهمی در مورد مفهوم «تزئین» در هنر و معماری اسلامی شده است. الگوهای هندسی اسلامی، نه صرفاً آرایه‌هایی تزئینی که سیستم‌هایی نمادین از فلسفه و فرهنگ اسلامی، پیشرفت‌های ریاضی و علمی زمانه خود هستند (نجیب اغلو، ۱۳۷۹)؛ بنابراین می‌توان گفت ارزش‌ها در نگرش شرق‌شناسانه به معماری اسلامی، ارزش‌های گفتمان اروپا محوری است. در این گفتمان معماری اسلامی پدیده‌ای رمانتیک، تزئینی و عجیب و غریب است. ارائه چنین تصویری از شرق، در راستای اهداف استعماری شرق‌شناسی است.

۴-۴- تبیین‌های قانونمند: ذات‌گرایانه و قوم‌شناسانه

چنانچه اشاره شد شرق‌شناسی تاریخ را همچون علمی طبیعی می‌بیند و با رویکردی اثبات‌گرایانه با معماری اسلامی مواجه می‌شود بنابراین از تبیین‌های قانونمند و تعمیم در مطالعاتش استفاده می‌کنند. تعمیم‌های شرق‌شناسی همگام با نگاه ذات‌گرایانه به معماری اسلامی است؛ یعنی ذاتی ثابت و واحد برای معماری اسلامی قائل است و تبیین‌هایش در راستای اثبات این ذات است.



شکل ۲. فلسفه تاریخ در نگرش شرق شناسانه به معماری اسلامی و مولفه های آن

است. همچنین هنر و معماری اسلامی با رویکردی قوم‌شناسانه تبیین می‌شود (شکل شماره ۲).

۵- نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری هنر و معماری اسلامی، به‌عنوان نوعی تاریخ، متأثر از دیدگاه و مفروضات مورخ است؛ مفروضاتی که آگاهانه یا ناآگاهانه، شیوه‌نگریستن محقق و مورخ را به یک پدیده شکل می‌دهند. فلسفه تاریخ، حوزه‌ای است که حاوی قسمت قابل‌توجهی از این مفروضات است. درواقع فلسفه تاریخ مشخص می‌کند تلقی یک نگرش رویکرد یا مورخ از واقعیت پدیده تاریخی مورد مطالعه‌اش چیست؟ چه عینیت علمی‌ای برای آن قائل است، چه ارزش‌ها و معیارهایی در گزینش‌ها و ارزیابی‌هایش دارد و چطور پدیده تاریخی موردبحثش را تبیین می‌کند.

تاریخ‌نگاری هنر و معماری اسلامی، به‌عنوان یکی از محصولات جنبی شرق‌شناسی شکل گرفته و با سنت‌های علمی غربی دیگر، ادامه یافته است؛ اما تأثیر برداشت‌های شرق‌شناسانه از این حوزه، در نگرش‌های دیگر نیز دیده می‌شود؛ ازاین‌رو پرداختن به مفروضات فلسفه تاریخ در

اما علاوه بر این، شرق‌شناسی معماری اسلامی را با رویکردی قوم‌شناسانه نیز تبیین می‌کند. درواقع غیرتاریخی دیدن هنر اسلامی آن را به سنتی قومی تقلیل می‌دهد. چنانچه اساساً شکل‌گیری رشته تاریخ هنر اسلامی در نتیجه دغدغه‌های قوم‌شناختی و زبان‌شناختی عصر استعمار معرفی شده است (Rabbat, 2012; Carey & Graves, 2012). تا چند دهه قبل هنر «غیر غربی» بجای آنکه موضوع تاریخ هنر باشد موضوع قوم‌شناسی بود؛ ازاین‌روست که نام‌هایی که در این دوره برای هنر اسلامی بکار می‌رود اشاره به ریشه‌های قومی دارد: از جمله هنر محمدی، هنر بربر، هنر ساراسن، هنر عربی و غیره (مجتهدزاده، ۱۳۹۷، ۱۱). البته باید توجه داشت قوم‌شناسی شرق‌شناسان نه از طریق انس و همدلی با سوژه که از طریق قیاس شرق و غرب و مواجهه شیء گونه و موزه‌ای با شرق صورت می‌گیرد. در نمایشگاه‌ها و موزه‌های هنر و معماری اسلامی، با رویکردی قوم‌شناسانه و مغرضانه معرفی می‌شود؛ چنانچه در نمایشگاه ۱۸۶۷ پاریس، غرفه ایران یک شیره‌کش‌خانه بود (مریدی و مریدی، ۱۴۰۱)؛ بنابراین تبیینی که شرق‌شناسی از تاریخ هنر و معماری اسلامی ارائه می‌دهد از نوع تبیین قانونمند و ذات‌گرایانه است که در پی تعمیم

نگرش شرق‌شناسانه به این حوزه، هدف این پژوهش قرار گرفت. در واقع تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها بود که در تاریخ‌نگاری شرق‌شناسانه از معماری اسلامی، واقعیت معماری اسلامی چیست؟ چگونه می‌توان آن را شناخت؟ گزینش‌ها و ارزیابی‌های مستشرقان از معماری اسلامی چیست؟ و معماری اسلامی را چگونه می‌توان و باید تبیین کرد. پاسخ این پرسش‌ها فلسفه تاریخ را در این نگرش برای ما روشن می‌کند.

بر اساس مطالعه صورت گرفته می‌توان گفت در نگرش شرق‌شناسانه واقعیت معماری اسلامی به‌عنوان یک پدیده تاریخی، پیش از هر چیز «دیگری» معماری غرب است. از پیامدهای چنین نگاهی، پرداختن به معماری اسلامی در قیاس و تطبیق با معماری غرب، به‌عنوان معیار است؛ نگاهی که حتی امروزه نیز در میان پژوهشگران معماری دیده می‌شود. بعلاوه در شرق‌شناسی معماری اسلامی فاقد تاریخ است؛ چنین نگرشی این تصور را ایجاد کرده که معماری اسلامی سنتی منجمد مربوط به گذشته بوده و تمام شده است و آن را در تقابل با معماری مدرن قرار داده است. بعلاوه با توجه به تاریخ‌مند نبودن معماری اسلامی، مستشرقان برای آن ذاتی ثابت و واحد قائل‌اند. ذاتی که هیچ نسبتی با زمانه و زمینه خود ندارد؛ بنابراین هرگونه تنوع، تکثر و زمانمندی را در این حوزه نادیده گرفته می‌شود تا خدشه‌ای به وحدت هنر اسلامی وارد نشود و پیش‌فرض‌های تثبیت شده این حوزه دچار تشویش نشود. از نظر عینیت تاریخی، می‌توان گفت شرق‌شناسی با رویکردی اثبات‌گرایانه و ماتریالیستی به هنر و معماری اسلامی می‌نگرد. معماری اسلامی همچون ایزه‌ای است که در جهان خارج و مستقل از ذهن وجود دارد و با رویکردهای اثبات‌گرایانه می‌توان شناخت کاملی از آن حاصل کرد. این شناخت با تجربه حسی و عقلانیت مدرن میسر است. در مؤلفه ارزش ابتدا باید گفت رسالتی که مستشرقان در پرداختن به هنر و معماری اسلامی برای خود تعریف کرده‌اند مبتنی بر این ایده است که شرقیان توانایی و صلاحیت شناخت خود را ندارند و مسئولیت شناخت آن‌ها بر دوش غربیانی است که از هر نظر شایسته‌ترند؛ که البته تعریف

چنین رسالتی در راستای توجیه اهداف استعماری شرق‌شناسی است. چنانچه دیده می‌شود بیشترین آثاری که در موزه‌های کشورهای مختلف غربی است، متعلق به مستعمره‌هایشان است و بیشترین کرسی‌های معماری اسلامی در کشورهای غربی دایر است. گزینش‌ها و ارزیابی‌های شرق‌شناسان از تاریخ معماری اسلامی نیز مبتنی بر گفتمان اروپا محوری است که هنر و معماری اسلامی را رمانتیک، تزئینی و عجیب و غریب می‌داند. این ویژگی‌های، در تقابل با عقلانیت و تاریخ‌مندی به‌عنوان ضعف هنر و معماری اسلامی معرفی می‌شود. تبیین‌های شرق‌شناسان از هنر و معماری اسلامی از نوع تبیین‌های قانونمند و تعمیمی است. این تعمیم‌ها در راستای ذات باوری هنر و معماری اسلامی است. بعلاوه با توجه به اینکه مستشرقان معماری اسلامی را در حد سنتی قومی تقلیل می‌دهند، تبیین‌های مردم‌شناسانه نیز از آن ارائه می‌دهند.

۶- منابع

- اتکینسون، آراف. (۱۳۹۸). *فلسفه تاریخ: نگاهی به دیدگاه‌های رایج در فلسفه تاریخ معاصر*. در *فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*. (گردآوری و ترجمه: حسنعلی نودری) تهران: طرح نو.
- ادیب زاده، سودابه، عباسی هرفته، محسن و امین پور، احمد. (۱۴۰۰). واکاوی کیفیت شناخت آرتور پوپ از معماری ایران با استناد به آثار مکتوب تاریخ‌نگاری او. *باغ نظر*، ۱۸(۹۵)، ۸۴-۷۵.
- استنفورد، مایکل. (۱۳۹۸). *مدخلی بر فلسفه تاریخ: گذشته، حال، آینده (۱)*. در *فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*. (گردآوری و ترجمه: حسنعلی نودری). تهران: طرح نو.
- ایگرس، گنورک. (۱۳۹۸). *تاریخ‌نگاری در قرن بیستم: از عینیت علمی تا چالش پسامدرن*. (ترجمه محمدابراهیم باسط). تهران: سمت.
- بنیامین، والتر. (۱۳۹۸). *تزهایی درباره فلسفه تاریخ*. در *فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*. (گردآوری و ترجمه: حسنعلی نودری). تهران: طرح نو.

<https://doi.org/10.22034/bagh.2020.207259.4353>

اسلامی: معماری (۱). (گردآوری و تدوین: مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: انتشارات سمت.

• سروش، عبدالکریم. (۱۳۵۸). *فلسفه تاریخ*. تهران: پیام آزادی

• سعید، ادوراد. (۱۳۷۷). *شرق‌شناسی (ترجمه عبدالرحیم گواهی)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

• ضیمران، محمد. (۱۳۹۵). *فلسفه میان حال و آینده: جستاری در باب اندیشه‌های فلسفی معاصر*. تهران: پایان.

• قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۴). *بررسی انتقادی چهار تاریخ‌نامه معماری ایران*. نشریه خیال، (۱۵)، ۴-۳۷.

<http://noo.rs/b758V>

• کار، ای. اچ. (۱۳۸۷). *تاریخ چیست؟ (ترجمه حسن کامشاد)*. تهران: خوارزمی

• کاووسی، ولی اله. (۱۳۹۸). *سرآغاز تاریخ نگاری هنر اسلامی در بوته‌ی استشرق، استعمار، مجموعه داری. هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)*، (۴)، ۲۴-۱۵.

<https://doi.org/10.22059/jfava.2019.274307.666134>

• گروت، لیندا و وانگ، دیوید. (۱۳۸۴). *روشهای تحقیق در معماری*. (ترجمه علیرضا عینی‌فر). تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

• مجتهدزاده، روح‌الله و مهدی سعدوندی. (۱۳۹۶). *نگاهی به تحولات گفتمانی حوزه هنر اسلامی در سه مقطع زمانی*. *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۳ (۲۸)، ۷۵-۵۵.

<http://noo.rs/IGRJx>

• مجتهدزاده، روح‌الله. (۱۳۹۷). *تاریخ معماری اسلامی*. در مجموعه هنر و تمدن اسلامی: معماری (۱). (گردآوری و تدوین: قیومی بیدهندی). تهران: انتشارات سمت.

• مریدی، محمدرضا، و مریدی، بهزاد. (۱۴۰۱). *تبیین جریان هنر اسلامی در نمایشگاه‌های جهانی، جشنواره‌های ملی و دوسالانه‌های هنری*. نگره، ۱۷ (۶۲)، ۱۱۷-۱۲۹.

<https://sid.ir/paper/1030851/fa>

• مظهری، محمدمهدی، ارمان، مریم و البرزی، فریبا. (۱۴۰۰). *بازشناسی بازنمود و آمیختگی گفتمان شرق‌شناسی در معماری*

• بنی فاطمه، حسین، شیلدز، راب، گلایی، فاطمه، قربشی، فردین، و بیانی، فرهاد. (۱۳۹۷). *مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی اجتماعی رئالیسم انتقادی؛ با تأکید بر آراء روی بسکار*. راهبرد فرهنگ، ۱۱ (۴۴)، ۵۷-۲۹.

<https://sid.ir/paper/149217/fa>

• پمپا، لئون. (۱۳۹۸). *فلسفه تاریخ: چارچوب‌های اساسی در آموزش فلسفه مدرن تاریخ*. در *فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*. (گردآوری و ترجمه: حبیبعلی نودری). تهران: طرح نو.

• ترنر، برایان اس. (۱۳۹۰). *رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن (ترجمه محمدعلی محمدی)*. تهران: نشر یادآوران.

• جمال‌الدین، غلامرضا. (۱۴۰۱). *شرق‌شناسی معماری ایران*. تهران: روزنه

• حیدری دلگرم، مجید، بمانیان، محمدرضا، و انصاری، مجتبی. (۱۳۹۵). *محمدکریم پیرنیا و دونالد ویلبر؛ تفاوت مقاصد و عناصر روایت سبکی*. *مطالعات معماری ایران*، (۱۰)، ۴۸-۳۱.

<https://sid.ir/paper/219501/fa>

• خدابنده‌لو، رضا. (۱۳۹۷). *اروپامحوری و تأثیر قدرت-دانش در شکلگیری علوم انسانی مدرن*. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۲۴ (۹۶)، ۱۳۳-۱۱۹.

<https://doi.org/10.30471/mssh.2018.1533>

• رضایی لیبایی، سیندخت، سلطان زاده، حسین و عسکری زاده، رضا. (۱۳۹۹). *تحلیل دیدگاه آرتور ایهام پوپ در رابطه با معماری ایران با تأکید بر نوشتار کتاب «سیری در هنر ایران*. هنر و تمدن شرق، ۳۰ (۸)، ۲۴-۱۵.

<https://doi.org/10.22034/jaco.2020.215353.1134>

• رهنورد، زهرا. (۱۳۷۸). *حکمت هنر اسلامی*. چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان سمت.

• رینگبرگ، پاتریک و عبائی، آندیا. (۱۳۹۷). *مطالعات غربی در معماری اسلامی: تاریخ و تفسیر*. در *مجموعه هنر و تمدن*

- Edward Said's Orientalism. *Journal of the Society of Architectural Historians*, 77(4), 381-387.
- <https://doi.org/10.1525/jsah.2018.77.4.381>
- Currie, A & Walsh, K (2018). Frameworks for Historians & Philosophers. *The Journal of the International Society for the History of Philosophy of Science* 9 (1):1-34
- <https://doi.org/10.1086/699797>
- Douglas, H.E. (2009). *Science, Policy, and the Value-Free Ideal*. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
- <https://doi.org/10.2307/j.ctt6wrc78>
- Enayat, H. (1973). The politics of Iranology. *Iranian Studies*, 6(1), 2-20.
- <https://doi.org/10.1080/00210867308701435>
- Fabian, J. (1983). *Time and the other: how anthropology makes its*. New York: Columbia University Press.
- <https://www.jstor.org/stable/10.7312/fabi16926>
- Graves, M. (2012). Feeling uncomfortable in the nineteenth century. *Journal of Art Historiography*, (6), 6 – MSG/1
- <https://arthistoriography.wordpress.com/>
- Goody, J. 2007. *The Theft of History*. UK: Cambridge University Press.
- <https://doi.org/10.1017/CBO9780511819841>
- Jenkins, J. (2012). Excavating Zarathustra: Ernst Herzfeld's Archaeological History of Iran. *Iranian Studies*, 45(1), 1-27.
- <https://doi.org/10.1080/00210862.2011.594622>
- Kadoi, Y. (2012). Arthur Upham Pope and his research methods in Muhammadan art: Persian carpets. *Journal of Art Historiography*, 6(a), 6-YK.
- <http://arthistoriography.files.wordpress.com/2012/05/kadoi.pdf>
- Leitgeb, H. (2011). Logic in general philosophy of science: old things and new things. *Synthese*, 179 (2), 339-350.
- <https://doi.org/10.1007/s11229-010-9776-5>
- Mohanty, B. B. (2005). *Edward W. Said's Orientalism – A Critique*. New Delhi: Rawat Publication.
- معاصر ایران دوره پهلوی. *دوفصلنامه اندیشه معماری*، ۵ (۱۰)، ۲۹۳-۳۰۹.
- <https://doi.org/10.30479/at.2020.13331.1526>
- مک‌فی، الکساندر لئون. (۱۳۹۸). *شرق‌شناسی* (ترجمه مسعود فرهمندفر). تهران: انتشارات مروارید.
 - میرجانی، حمید. (۱۳۸۹). استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش. *نشریه صفا*. ۲۰ (۱)، ۳۵-۵۰.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1683870.1389.20.2.3.6>
- نجیب اغلو، گلرو. (۱۳۷۹). *هندسه و تزئین در معماری اسلامی* (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: نشر روزنه.
 - والش، ویلیام هنری. (۱۳۶۳). مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ. تهران: امیرکبیر
 - Arnold, D. (2006). Beyond a boundary: Towards an architectural history of the non-east. In *Rethinking architectural historiography*. 229-245.
- <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780203008393-19/beyond-boundary-dana-arnold>
- Bozdogan, S. & Necipoglu, G. (2007). Entangled Discourses: Scrutinizing Orientalist and Nationalist Legacies in The Architectural Historiography of the "Lands of Rum". *Muqarnas: An Annual on the Visual Culture of the Islamic World*, (24), 1-6.
- http://dx.doi.org/10.1163/22118993_02401_002
- Carey, M. (2017). *Persian Art: Collecting the Arts of Iran for the V&A*. London: V&A Publishing.
- <https://journals.openedition.org/abstractairanica/47914>
- Carey, M. & Graves, M.S. (2012). Introduction: Historiography of Islamic Art and Architecture, *The Journal of Art Historiography*, 6 (1), 1-15.
- <http://arthistoriography.files.wordpress.com/2012/05/introgravesandcarey2.pdf>
- Celik, Z. (2018). Reflections on Architectural History Forty Years after

<https://doi.org/10.1007/s11229-021-03196-2>

- Said, E. W. (1978). *Orientalism*, United States: Vintage Publisher.

<https://books.google.com/books/about/Orientalism.html?id=Yivirt2t11YC>

- Ward, W.D. (2018). Orientalism and the Study of the Pre-modern Middle East. *Athens Journal of Mediterranean Studies*, 4, (1), 7-18.

<https://doi.org/10.30958/ajms.4-1-1>

<https://books.google.com/books?id=d9K9AAACAAJ>

- Necipoglu, G. (2012). The concept of Islamic art: inherited discourses and new approaches. *Journal of art historiography*, (6), 1-26.

<https://doaj.org/article/8c583b049c994fa7a905b2ca4b1d79b9>

- Newall, Paul. "Historiographic Objectivity." In *A Companion to the Philosophy of History and Historiography*, 172-80. Oxford, UK: Wiley-Blackwell, 2009.

<http://dx.doi.org/10.1002/9781444304916.ch14>

- Rabbat, N. (2012). What is Islamic architecture anyway. *Journal of art historiography*, (6), 1-15.

https://www.academia.edu/22544503/What_Is_Islamic_Architecture_Anyway

- Rabbat, N. (2012). Islamic Architecture as a Field of Historical Enquiry. *Journal of Art Historiography*, (5), 18-23.

https://www.academia.edu/22544502/Islamic_Architecture_as_a_Field_of_Historical_Enquiry?source=swp_share

- Rabbat, N. (2018). The Hidden Hand: Edward Said's Orientalism and Architectural History. *Journal of the Society of Architectural Historian*, 77(4), 388-396.

<https://www.jstor.org/stable/26771360>

- Sagi, G. (2021). Logic as a methodological discipline. *Synthese*, 199, 9725-9749.

نحوه ارجاع به مقاله:

ثابت اقلیدی، مرضیه، نژاد ابراهیمی، احد، و مدقالچی، لیلا. (۱۴۰۳). فلسفه تاریخ معماری اسلامی در نگرش شرق شناسی. توسعه پایدار شهری، ۵(۱۷)، ۹۵-۱۰۹.

 DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2024.2023211.1216>

 DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.4.8>

URL: https://usdjournal.daneshpajoohan.ac.ir/article_713151.html?lang=fa



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Sustainable Tourism and Duality of Nature and Sports; Compilation of Tourism Development Strategies in Kermanshah Province

Mehrnaz Molavi^{1*}, Amir Hosein Azimpour²

Received: 2024/02/17

Revised: 2024/04/19

Accepted: 2024/05/25

Published: 2025/01/04

Highlights

- Kermanshah boasts significant opportunities for natural-sports tourism with its diverse landscapes, four-season climate, and activities like mountaineering and aerial sports, contributing to economic growth.
- Tourism development in Kermanshah is hindered by poor infrastructure and weak coordination among stakeholders, requiring revised planning and better inter-agency collaboration.
- The top priority is enhancing public services in sports tourism hubs through government coordination and expert involvement.

Extended Abstract

Introduction

Tourism has become one of the broadest and most vibrant industrial systems of the modern era, significantly impacting societies, economies, and environments. Its development has introduced transformative changes on a global scale, serving as a major driver of economic growth and cultural exchange. For regions like Kermanshah in Iran, endowed with rich natural landscapes and cultural heritage, tourism represents a critical opportunity to foster sustainable economic development and local empowerment.

Kermanshah province, with its diverse natural features ranging from mountains to semi-arid plains, offers abundant potential for nature-sports tourism. This unique tourism form combines recreational activities like hiking, mountaineering, and aerial sports with the exploration of natural landscapes. By leveraging its geographic advantages and cultural richness, Kermanshah can position itself as a destination that integrates excitement, adventure, and environmental appreciation.

This study investigates the natural and sports tourism capabilities of Kermanshah, identifies its strengths and limitations, and proposes strategic solutions to optimize these potentials. Utilizing mixed research methods, the study aims to provide actionable strategies tailored to local conditions, highlighting the role of both government and private stakeholders in achieving sustainable tourism development.

Theoretical Framework

The theoretical underpinnings of this research are rooted in sustainable tourism principles, which emphasize the need to balance economic, environmental, and social considerations. Nature-sports tourism aligns closely with these goals, offering opportunities for recreation and economic growth while promoting environmental conservation and community involvement.

Sustainable tourism in Kermanshah must consider the dualities of environmental fragility and economic potential. With its scenic landscapes and historical attractions, the province has the foundation for creating unique tourism experiences. However, developing these opportunities requires careful planning to avoid overexploitation of natural resources and to ensure equitable benefits for local communities.

The study employs strategic tools such as the SWOT framework to assess internal and external factors influencing tourism development and the QSPM for prioritizing strategies. These methodologies allow for a structured analysis of

¹ *Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, Guilan University, Rasht, Iran; Corresponding Author, [Email: Mehrnaz.molavi@gmail.com](mailto:Mehrnaz.molavi@gmail.com)

² M.Sc. in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, Guilan University, Rasht, Iran.

Kermanshah's tourism sector, offering insights into how its strengths can be leveraged while addressing existing weaknesses and mitigating threats.

Methodology

This research adopts a mixed-methods approach, combining qualitative and quantitative techniques to develop a comprehensive understanding of the challenges and opportunities in Kermanshah's tourism sector. The study is applied and exploratory in nature, with data collected through library research, field surveys, and expert consultations.

Key steps in the research process include:

- **Data Collection:** Information was gathered from a diverse group of stakeholders, including university academics, local government officials, and tourism professionals, using the snowball sampling method.
- **Internal and External Factor Evaluation:** SWOT analysis was used to identify and assess the strengths, weaknesses, opportunities, and threats relevant to nature-sports tourism in the province.
- **Strategy Formulation:** The identified factors were used to develop strategies categorized as aggressive, conservative, competitive, or defensive.
- **Prioritization:** The QSPM was employed to rank strategies based on their attractiveness and feasibility, with input from 22 experts representing various domains of tourism development.

Results & Discussion

The research findings reveal that Kermanshah possesses exceptional potential for developing nature-sports tourism, yet it faces significant barriers that need to be addressed strategically. Below is a detailed analysis of the results and their implications:

Strengths

Kermanshah is endowed with diverse natural attractions, including mountainous landscapes, rivers, and a four-season climate, making it an ideal destination for a variety of sports and outdoor activities. Key strengths include:

- **Diverse Natural Resources:** The province offers a range of attractions suitable for activities such as hiking, mountaineering, rock climbing, and water sports. Additionally, seasonal migrations of nomadic communities add a unique cultural element to tourism.
- **Cultural and Historical Richness:** In addition to its natural appeal, Kermanshah boasts significant historical and cultural landmarks, such as ancient sites and local traditions, that can enrich the visitor experience.
- **Local Support and Expertise:** The local population exhibits a positive attitude toward tourism and sports development. The availability of skilled nature enthusiasts and athletes can further support tourism initiatives.

Weaknesses

Despite its natural advantages, Kermanshah struggles with several internal challenges that hinder its ability to capitalize on its potential.

- **Lack of Infrastructure:** The absence of sufficient accommodations, healthcare facilities, and transportation networks near key tourist sites discourages visitor engagement.
- **Institutional Gaps:** Limited coordination among stakeholders, including government bodies and private sector operators, has led to inefficiencies in tourism planning and management.
- **Inadequate Marketing:** The province has not fully utilized modern tools like social media and global advertising platforms to attract international tourists.

Opportunities

The global rise in interest in adventure and nature-based tourism provides Kermanshah with a unique opportunity to attract both domestic and international visitors.

- **Growing Tourism Demand:** Increasing disposable incomes and leisure time among the global middle class have spurred demand for niche tourism experiences like hiking, aerial sports, and cultural tourism.
- **Cross-Border Accessibility:** Kermanshah's geographic proximity to Iraq and its connectivity through air, rail, and road networks present opportunities for attracting regional tourists.
- **Policy Support:** The increasing focus of the Iranian government on tourism as a key economic sector and the introduction of policies to incentivize private investment can help drive growth in the province.

Threats

The external environment poses significant risks to the sustainable development of tourism in Kermanshah.

- **Environmental Concerns:** Unregulated tourism activities and real estate development have led to deforestation and environmental degradation in several parts of the province.
- **Political and Economic Instability:** Sanctions, currency fluctuations, and unfavorable geopolitical conditions have deterred foreign investment and affected the province's economic viability.
- **Competitive Pressures:** Neighboring regions with similar natural and cultural offerings have implemented aggressive marketing and development strategies, creating competition for tourists.

Strategic Directions

Based on the SWOT analysis, Kermanshah falls within the defensive strategy quadrant of the IE (Internal-External) matrix. This suggests that immediate efforts should focus on overcoming weaknesses and mitigating threats. The QSPM analysis prioritizes the following strategies:

- **Enhanced Public Services:** Establish coordination among government agencies and event organizers to improve infrastructure and services at tourist sites, particularly for aerial sports hubs.
- **Investment in Infrastructure:** Develop accommodations, healthcare facilities, and recreational centers to ensure a comfortable and safe experience for visitors.
- **Community Engagement:** Train local stakeholders, including tour operators and community members, to provide high-quality and authentic experiences for tourists.
- **Digital Promotion:** Use modern technologies and platforms to showcase Kermanshah's unique offerings and attract international and regional audiences.

Conclusion

The study underscores the immense potential of Kermanshah as a destination for nature-sports tourism, which, if harnessed effectively, can significantly contribute to the province's economic development and cultural preservation. However, realizing this potential requires overcoming fundamental challenges related to infrastructure, stakeholder coordination, and environmental sustainability.

- **Infrastructure Development:** Kermanshah must prioritize the development of essential facilities such as roads, accommodations, and recreational amenities. These investments will not only enhance tourist satisfaction but also enable the province to host events and activities that attract larger audiences.
- **Sustainable Tourism Practices:** Environmental preservation must be at the heart of tourism strategies to ensure the long-term viability of the province's natural resources. This includes implementing regulations to protect ecosystems, promote sustainable practices, and manage tourist numbers in sensitive areas.
- **Policy and Governance:** Stronger collaboration between government bodies, private enterprises, and local communities is critical. Policies that support private investment, incentivize innovation, and facilitate stakeholder engagement will play a key role in overcoming existing barriers.
- **Capacity Building and Training:** By leveraging the expertise of local communities and providing targeted training programs, Kermanshah can create a skilled workforce capable of delivering high-quality services and authentic experiences.
- **Leveraging Opportunities:** Kermanshah's strategic location and rich cultural heritage position it well to capitalize on regional and international tourism trends. Through strategic marketing and partnerships, the province can build a strong brand identity and attract diverse tourist segments.


In conclusion, Kermanshah has the potential to become a leading hub for nature-sports tourism in Iran. However, achieving this vision requires a well-coordinated and multi-dimensional approach that addresses both immediate challenges and long-term sustainability. The strategies proposed in this study provide a roadmap for stakeholders to work collectively toward unlocking the province's tourism potential while ensuring socio-economic benefits for local communities and preserving its unique environmental and cultural heritage.

Keywords

Kermanshah, Natural-Sports Tourism, Strategic Planning, SWOT, QSPM.

Citation:

Molavi, M., Azimpour, A. H. (2025). Sustainable Tourism and Duality of Nature and Sports; Compilation of Tourism Development Strategies in Kermanshah Province. *Journal of Urban Sustainable Development*, 5 (17), 1-19.

 DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2024.2023176.1214>

 DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.1.5>

URL: https://usdjournal.daneshpajoohan.ac.ir/article_720967.html?lang=en



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Measuring the Constructs of Sense of Place in Historical Area; A Review on Bazaar Neighborhood in Kermanshah

Mojtaba Lorzangeneh^{1*}, Mohammad Masoud², Arezou Jamshidi Sheikhi Abadi³

Received: 2023/07/17

Revised: 2023/08/30

Accepted: 2023/09/29

Published: 2025/01/04

Highlights

- The current study highlights the critical roles of the physical, activity, and meaning components and their respective subcomponents in shaping the sense of place, emphasizing their interconnected and dynamic effects.
- By emphasizing the activity-related and physical components of the Bazaar neighborhood, the sense of place can be enhanced, effectively preventing its physical and social erosion.
- Although the meaning component plays a significant role in shaping the sense of place in the Bazaar neighborhood, another key finding of this research highlights that the three components—meaning, activity, and physicality—simultaneously contribute to constructing the sense of place in the Kermanshah Bazaar neighborhood.

Extended Abstract

Introduction

Sense of place is a significant concept that profoundly influences the emotional connection of citizens to their city or neighborhood. The factors that create, enhance, or diminish this sense in individuals are crucial subjects in urban studies. Neglecting these aspects can lead to the decline of neighborhoods, interpersonal interactions, social and cultural capital, and other urban elements. Therefore, addressing this issue should be integral to urban planning, design, and development discourses. The primary objective of this study is to evaluate the factors contributing to the sense of place in the Bazaar neighborhood of Kermanshah. This neighborhood is one of the oldest areas within the historical fabric of the city and has played a vital role in urban life over the years. Although Kermanshah's bazaar and the city have faced challenges such as physical deterioration, a relative decline in commercial activity due to modern developments (e.g., shopping malls, megamalls), and environmental issues in recent decades, the neighborhood's ongoing activities, enduring functions, and dynamic identity remain noteworthy. This study addresses the following research questions:

What are the contributing factors to the sense of place in the Bazaar neighborhood of Kermanshah?

Is the component of meaning more influential in creating and enhancing the sense of place in the Bazaar neighborhood?

Theoretical Framework

The Sense of place

Sense of place arises from an individual's presence within a space, fostering a dynamic interplay between the person and their environment. This reciprocal relationship influences self-perception, environmental attachment, and the meaning derived from surroundings. Essentially, "sense of place" reflects an individual's attachment and relationship with a specific location, encompassing beliefs, emotions, and behavioral commitments related to that environment. This sense is acquired through a collection of experiences in a place, shaped by all sensory perceptions. Furthermore, the sense of place promotes the sustainable use of natural resources. A prevailing theory suggests that greater knowledge and awareness of a cherished place encourages protective behaviors towards it.

¹ *Ph.D Candidate in Urbanism, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran; Corresponding Author, [Email: m.lorzangeneh@au.ac.ir](mailto:m.lorzangeneh@au.ac.ir)

² Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

³ M.Sc. in Urban Design, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.

The Place Attachment

Place attachment is a strong bond between individuals and their living environment, influencing their self-definition and encouraging them to remain and respect the place. This attachment, intertwined with the sense of place, connects individuals to their surroundings through emotions and conscious awareness. Emotional attachment is a key component of the sense of place. As attachment strengthens, so does care and attention towards the location. Shared experiences within a location foster place attachment, shaped by human-place and human-human interactions. Essentially, place attachment develops over time as individuals connect with their birthplace. This attachment is crucial for continued presence in the space. Place attachment is significant in place theory as it involves individual identification with specific locations through people, objects, or memories. Positive interactions with a place strengthen this connection and contribute to identity formation.

Methodology

This research adopts a developmental-applied approach with descriptive-analytical methods. Initially, a literature review (documentary research) was conducted to develop the theoretical framework, focusing on the concept of sense of place and its constituent elements. Based on this framework, the study identified relevant variables.

In the subsequent phase, field survey methods were employed to collect qualitative data related to the study area. The sample size, based on the population of the Bazaar neighborhood in the historical center of Kermanshah (2,760 residents in 2016), was calculated using Cochran's formula with a margin of error of 0.05, resulting in a sample of 362 respondents.

After distributing the required number of questionnaires, their validity and reliability were assessed using SPSS software. Cronbach's alpha results indicated that the questionnaire items, derived from the theoretical framework, were logically valid. Furthermore, the reliability analysis yielded a Cronbach's alpha of 0.940, reflecting high reliability.

Results & Discussion

The study's questionnaire, based on theoretical components, criteria, and indicators, was distributed among 362 residents of the Bazaar neighborhood. Descriptive findings reveal the following:

- **Physical Component:** All indicators and criteria related to visual coherence, physical quality, and visual richness were evaluated positively. Notably, "availability of green and public spaces" scored higher than other indicators, reflecting residents' satisfaction with access to the green space at Taleghani Square in the northern part of the neighborhood, given the limited greenery within the area.
- **Activity Component:** Indicators related to accessibility, flexibility, comfort, attractiveness, and social interaction were positively assessed. Among these, "availability of suitable pedestrian pathways" received relatively higher scores, indicating the functional suitability of the neighborhood's short, predominantly organic routes and residents' long-term adaptation to them.
- **Meaning Component:** Indicators such as perceptibility, legibility, symbolism, and identity were rated positively. Importantly, the indicator "residents' sense of belonging and commitment to maintaining the neighborhood" scored higher, highlighting a strong sense of place among the Bazaar neighborhood's residents.

These findings underscore the enduring significance of the Bazaar neighborhood's physical, activity, and meaning components in shaping its sense of place, despite the challenges it has faced over time.

In the structural model of this study, covariance implies that if there is a positive or negative variation in any of the independent variables (physical, activity, or meaning), the dependent variable (sense of place) will also change accordingly. This confirms a significant relationship between the dependent and independent variables. Additionally, the p-value for these relationships must be less than 0.05 to establish a meaningful difference from zero, ensuring the relationship is statistically significant.

Path 1: This path represents the effect of the physical component on the sense of place, with a factor loading of 0.915. Among the subcomponents of this factor, visual richness demonstrates the highest impact, with a factor loading of 0.980.

Path 2: This path represents the effect of the activity component on the sense of place, with a factor loading of 0.967. Within the subcomponents of this factor, the criterion of attractiveness and social sense has the most significant influence, with a factor loading of 0.979. Additionally, the criteria of flexibility and accessibility follow, with factor loadings of 0.918 and 0.913, respectively, indicating their substantial influence on the sense of place in the Bazaar neighborhood.

Path 3: This path reflects the effect of the meaning component on the sense of place, with a factor loading of 0.997. Remarkably, the highest influence among the subcomponents of this factor is observed in the criterion of perceptibility,

with a factor loading of 0.917. Furthermore, the criteria of identity and legibility and symbolism rank next, with factor loadings of 0.902 and 0.869, respectively.

Conclusion

In response to the first research question, "What factors contribute to the construction of the sense of place in the Bazaar neighborhood?", the findings revealed that all three components—physical, activity, and meaning—play significant roles. While most indicators exhibited a high level of significance, some were identified as non-significant:

In the physical component: "presence of green and public spaces" and "beautiful urban views and landscapes in the neighborhood." In the activity component: "availability of spaces for entertainment and leisure activities." In the meaning component: "supervision by residents and municipal authorities." Despite these exceptions, the overall impact of the components and their related indicators on fostering a positive sense of place was confirmed.

Addressing the second research question, "Is the meaning component more influential in creating and enhancing the sense of place in the Bazaar neighborhood?", the structural equation model demonstrates that the meaning component holds the highest influence, with a factor loading of 0.997. The activity component follows with a factor loading of 0.967, while the physical component has the least influence at 0.915.

Based on the findings, the following recommendations are proposed to improve and enhance the sense of place in the Bazaar neighborhood:

Prioritize green space allocation and ensure equitable distribution within the neighborhood.

- Develop guidelines for the beautification and organization of neighborhood facades as part of urban design manuals.
- Allocate spaces with the potential to serve as cultural centers and educational hubs for children and adolescents.
- Emphasize the identity of the neighborhood in planning processes, ensuring the preservation of its residents.
- Provide subsidies to empower residents for the renovation and reconstruction of buildings.
- Plan for the restoration of culturally significant heritage buildings within the Bazaar neighborhood.
- By implementing these measures, stakeholders can foster a more vibrant, cohesive, and enduring sense of place, addressing both current challenges and future aspirations for Kermanshah's Bazaar neighborhood.

Keywords

Historical Area, Kermanshah, Sense of Place, Structural Equation Model, Bazaar Neighborhood

Citation:

Lorzangeneh, M., Masoud, M., & Jamshidi Sheikhi Abadi, A. (2023). Measuring the Constructs of Sense of Place in Historical Area; A Review on Bazaar Neighborhood in Kermanshah. *Journal of Urban Sustainable Development*, 5(17), 21-38.

 DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2023.708750>

 DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.2.6>

URL: https://usdjournal.daneshpajooan.ac.ir/article_708750.html?lang=en



Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Analyzing the Meaning in the Historical and Contemporary Architecture of Semnan, Focusing on the Phenomenological Views of Norberg-Schults

Seyed Mahyar Hashemi Hezaveh¹, Faramarz Hassan Pour^{2*}, Saeed Kamyabi³

Received: 2023/07/18

Revised: 2023/09/20

Accepted: 2024/01/03

Published: 2025/01/04

Highlights

- The findings of this research indicate a relatively lower acceptance of contemporary architecture among citizens and experts compared to the studied historical architecture.
- In the variable of utility, experts assigned higher scores to contemporary buildings, rating this variable lower for historical buildings.
- Experts allocated higher scores to historical buildings in the variables of identity and memory.

Extended Abstract

Introduction

The issue of meaning is one of the discussed components in phenomenology in architecture. Understanding the meaning of the architectural work in the contemporary period compared to the past is something that can be studied. There is a gap in research studies related to the understanding of meaning in the architecture of historical and contemporary buildings in Semnan city. Therefore, it seems necessary to carry out this research to investigate the effect of architecture on users. This is possible through understanding how architecture and the users communicate and understand architecture and the issue of identity. The purpose of this research is to study six historical and contemporary buildings in Semnan city, focusing on the component of meaning in architecture.

Theoretical Framework

Schultz perceives the understanding of place through various factors, manifesting in a complex interaction between humans and architecture as place. Humans acquire a rudimentary understanding of their environment, leading to the development of character; however, this character forms within the framework of identity. Without identity, space cannot attain character. Consequently, Schultz focuses on rural environments and traditional architecture and does not empathize with spaces constructed in modern times. In contrast to regionalism, phenomenology, and the ideas of thinkers such as Heidegger and Schultz, a comprehensive theoretical framework for shaping a progressive architectural movement has not yet been established among contemporary Iranian architects. This gap in theoretical foundations underscores the necessity for further theoretical studies by architectural researchers.

Methodology

After reviewing the relevant literature and investigating the perspectives of scholars and phenomenologists, particularly those of Schultz, four components, each containing three or four sub-components, were selected. These sub-components, which essentially serve as the semantic elements of the research, formed the basis for designing the questionnaire. In the citizens' questionnaire, at least two questions were formulated for each sub-component. Additionally, questions pertaining to six selected case study buildings were included, resulting in a comprehensive

¹ PhD in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Engineering, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

² *Assistant professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, University of Zabol, Zabol, Iran; Corresponding Author, Email: fhassanpour@uoaz.ac.ir

³ Professor, Department of Geography, Faculty of Human Science, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

questionnaire. The questionnaire comprises approximately fifty questions related to the components, around twenty questions from the case studies, and six personal questions. The questionnaires were then completed using a website and by contributing volunteers, and the results were analyzed using statistical software. In this study, 21 experts in architecture, urban planning, and city planning, all holding either master's or doctoral degrees and mostly university faculty members in architecture, urban planning, and civil engineering, were selected as the Delphi panel. At the first round, the components and questions of the citizens' questionnaire were provided to the panel for review and evaluation, and the results were collected. At the second round, based on the panel's feedback, the components were revised into eight categories: decoration, legibility, geometry, utility, identity, memory, attachment, and architectural wholeness. In this round, decoration and legibility were elevated to main components, geometry replaced order, and architectural wholeness was added. The new questionnaire, titled the "Experts' Questionnaire," included Likert scale questions, descriptive questions, and explanations, with an emphasis on case studies (six buildings). The experts were asked to rate the six buildings on the eight selected components. Finally at the third round, the Delphi method was concluded in this round, and the findings were summarized and concluded. The end of the Delphi rounds involved statistical comparison of the results and statistical analyses, such as descriptive statistics and correlations.

Results & Discussion

Based on the four components of identity, acclimation, memory and utility, which were taken from the opinions of Schultz and other phenomenologists in the theoretical foundations of the research, three historical buildings and three contemporary buildings were analyzed. It appears that in recent years, buildings constructed in the city of Semnan are significantly less acceptable to both citizens and experts compared to historical buildings. Statistical analysis of the three variables of acclimation, identity, and memory indicates a relative difference in the acceptability of three historical buildings compared to three contemporary buildings, with contemporary buildings being equally acceptable only in the utility variable.

Conclusion

Upon analyzing the statistics and results obtained from citizen questionnaires and expert interviews, it was found that both groups generally evaluated historical buildings as more favorable and acceptable compared to contemporary buildings. However, in the variable of utility, experts assigned higher scores to contemporary buildings, rating this variable lower for historical buildings. Additionally, experts allocated higher scores to historical buildings in the variables of identity and memory. This paper is part of a broader research aimed at developing a method for identifying qualitative variables to better understand the quality of architecture and urban planning. Such research can provide a better understanding of architectural issues, urban planning, and building trends in recent years in contemporary cities, and their relationship with the identity and tradition of architecture and historical buildings, as well as the users' understanding of their meanings.

Keywords

Phenomenology, Meaning, Norberg-Schultz, Meaning in Architecture, Semnan City.

Citation:

Hashemi Hezaveh, S., Hassan Pour, F., & Kamyabi, S. (2025). Analyzing the Meaning in the Historical and Contemporary Architecture of Semnan, Focusing on the Phenomenological Views of Norberg-Schults. *Journal of Urban Sustainable Development*, 5(17), 39-60.

 DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2024.2007141.1083>

 DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.5.9>

URL: https://usdjournals.daneshpajoohan.ac.ir/article_713602.html?lang=en



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



Discovering the Structure of Knowledge in Urban Data Mining Using Vocabulary Co-occurrence Analysis¹

Enayat Alah Mohaghegh Nasab², Mahmoud Mohamadi^{*3}

Received: 2023/09/17

Revised: 2023/10/19

Accepted: 2023/10/21

Published: 2025/01/04

Highlights

- Today, there has been a great transformation in the concept of urban data collection and the concept of the city as a generator of big data.
- Big data and urban data mining is one of the most emerging and up-to-date topics in urban studies, where the recognition and analysis of urban phenomena is done through the exploration of big data.
- Illustrating bibliometric networks using co-occurrence analysis includes graphs, maps and networks that can provide insights into the structure, evolution and impact of research areas, institutions, or individual researchers. These insights are obtained through the analysis of co-occurrence relationships of words in selected texts or reference databases.

Extended Abstract

Introduction

The emergence of big data has caused extensive changes in various sciences, including urban studies. The data situation has changed significantly since then. A huge amount of data is generated every day and every moment in the city, and traditional methods of data collection such as questionnaires have given way to internet data and digital registration.

Therefore, both the topic of urban big data and big data analysis, which is possible through data mining, can be considered one of the most emerging and up-to-date topics in urban studies, which can lead to fundamental changes in it. Urban data mining is a completely interdisciplinary subject, and therefore it cannot be specifically considered a subset of a discipline, nor can its subsets be listed. Therefore, it is very important to know and outline the structure of this field from the perspective of scientometrics today.

Theoretical Framework

Vocabulary co-occurrence analysis was proposed in the 1980s and is based on the assumption that the use of common words in two or more documents indicates the proximity of the concepts of those texts to each other, through which the structure, concepts, and components of a scientific field can be determined. This method draws the structure of scientific fields, identifying hidden and prominent patterns, internal and external relations of concepts, emerging events, determining hierarchical relationships of concepts in existence. Theologies of scientific fields of specialized knowledge, clustering of concepts of scientific fields, and science and knowledge policymaking help.

Of course, it is also possible to recognize emerging trends and different scientific fields in other ways, for example, in terms of historical course, geographical course, vocabulary, intellectual structure, etc. it is also possible to get to know

¹ This article is extracted from the PhD dissertation of the first author entitled "Urban Data Mining: A New Approach to Using Big Data in Solving Urban Problems" which is being done under the guidance of Dr. Mahmoud Mohammadi at AUI.

² PhD Candidate, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

³ Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. Corresponding author, [Email: M.Mohammadi4263@gmail.com](mailto:M.Mohammadi4263@gmail.com)

different trends in a field, but some quantitative methods It was developed to outline the structure of science, one of which is vocabulary co-occurrence analysis.

Methodology

The research method in the present study is descriptive and analytical in which bibliometric and scientometric techniques are used and specifically the vocabulary co-occurrence.

Results & Discussion

The search results in the Web of Science citation database show that there are 392 articles in the field of urban data mining, and Xiang has published the most articles in this field with 5 articles. The findings show that China ranks first in terms of the number of articles and collaborations, as well as the number of citations, followed by the United States of America. Searching the citation database shows that urban data mining articles were published from 2007 to 2023, with the number of articles increasing as you move to the present. In other words, urban data mining can be considered one of the most up-to-date topics of planning and urban and environmental studies.


Conclusion

The results of drawing the knowledge map and its clustering analysis show the sub-structures or sub-fields of urban big data, including the analysis of urban systems and smart cities, modeling and data analysis framework, identifying patterns and predicting them along with visualization techniques, big data and social media, and Urban big data and traffic network.

Keywords: Word Co-Occurrence, Scientometrics, Knowledge Map, Urban Data Mining, Urban Big Data.

Citation:

Mohagheh Nasab, E. & Mohamadi, M. (2025). Discovering the Structure of Knowledge in Urban Data Mining Using Vocabulary Co-Occurrence Analysis. *Journal of Urban Sustainable Development*, 5(17), 61-73.

 DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2023.2011647.1130>

 DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.3.7>

URL: https://usdjournal.daneshpajoohan.ac.ir/article_709219.html?lang=en



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

A Reading on the Physical Evolution of Open and Semi-Open Spaces in Buildings in Tehran Late Qajar and First Pahlavi¹

Javaher Kooti², Jaleh Sabernejad^{3*}, Mehrdad Matin⁴

Received: 2023/08/01

Revised: 2023/09/09

Accepted: 2023/11/01

Published: 2025/01/04

Highlights

- Since one of the most important uses of open and semi-open spaces of historical houses has been adjusting thermal comfort conditions; it can be said that the proportions used in these spaces are largely unique to the region's climate.
- Examining the findings of the extracted geometry, numbers and sizes shows that each of the open and semi-open spaces had a similar proportional geometry in all the examined cases.
- According to what was investigated, perhaps the most important factor in adjusting dimensions and proportions in Bushehr's open and semi-open spaces is the climatic factor in order to increase the amount of shading and wind blow.

Extended Abstract

Introduction

This study examines the architectural evolution of residential buildings in Tehran during the late Qajar and early Pahlavi periods. Housing, as a fundamental element of Iranian architecture, reflects cultural, social, and environmental influences. Traditional homes in this era featured distinct open and semi-open spaces, such as courtyards and iwans, which served as integral components of spatial organization. The research explores how these elements transformed under the influence of modernization and Western architectural trends, focusing on their role in defining the cultural and functional identity of traditional housing in Tehran.

Theoretical Framework

The theoretical framework of this study is rooted in the interplay between cultural, social, and environmental factors that have shaped traditional Iranian residential architecture. Housing in Iran has historically been more than a functional shelter; it is an expression of cultural identity, social values, and environmental adaptability. The study places, such as courtyards and iwans, as essential components in traditional architectural layouts. These spaces not only facilitated a connection between the built environment and nature but also fostered community interaction and cultural practices within the household.

Building upon concepts of spatial hierarchy, functionality, and environmental responsiveness, this framework seeks to understand how architectural elements were designed to reflect practices, and daily life requirements.

Moreover, the framework explores how the balance between form and function in traditional residential buildings played a critical role in maintaining a cohesive living environment. By analyzing the transformation of architectural elements, this study highlights the dynamic relationship between cultural continuity and architectural innovation,

¹ This article is an extract from Javaher Kooti's doctoral dissertation entitled "The Role of Entrance Space Hierarchy from a Typological Point of View in Residential Architecture of Tehran in the Late Qajar and Pahlavi Period" which is in being carried out under supervision of Dr. Jaleh Sabernejad and advisement of Dr. Mehrdad Matin at the Faculty of Art & Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

² Ph.D. Candidate in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

^{3*} Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Corresponding Author: [Email: jsabernejad@yahoo.com](mailto:jsabernejad@yahoo.com)

⁴ Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

illustrating how housing designs adapt to reflect broader societal changes. This approach provides a deeper understanding of the cultural and traditional architectural of tehran's during this transitional period.

Methodology

The research employs a descriptive-analytical approach, combining historical and architectural analysis. Data were collected through library studies, field surveys, and the examination of architectural plans of 16 residential buildings from the late Qajar and early Pahlavi periods. Quantitative analysis was conducted using SPSS 22 software to evaluate the proportion of open and semi-open spaces. The selection criteria for the case studies included historical significance, preservation status, and architectural value, ensuring a representative sample of traditional Tehran houses. Comparative analysis was used to identify spatial transformations across the two periods.

Results & Discussion

The study investigates the spatial and structural transformations in residential architecture in Tehran during the late Qajar and early Pahlavi periods. Key findings indicate that:

1. Spatial Organization:

Homes transitioned from introverted, courtyard-centric designs in the Qajar period to more extroverted, outward-facing designs during the Pahlavi era.

2. Open and Semi-Open Spaces:

The use open courtyards and semi-open spaces like verandas and iwans was prominent in the Pahlavi era, reflecting cultural and social changes influenced by modernity.

3. Architectural Evolution:

The shift from traditional layouts to modern, free-plan designs during the Pahlavi period resulted in reduced emphasis on central courtyards and semi-open spaces, mirroring Western architectural trends.

4. Quantitative Analysis:

Statistical tests showed significant differences in the proportion of open and semi-open spaces between the two periods, highlighting the architectural shift towards smaller and less homogeneous open areas in the Pahlavi era.

Conclusion

This study highlights the architectural evolution of residential spaces in Tehran during the late Qajar and early Pahlavi periods. The findings reveal a significant transformation from inward-focused, courtyard-centered designs to more outward-oriented structures influenced by modernity and western architectural trends. The Qajar period emphasized cohesive spatial planning with extensive use of Pahlavi era introduced diversity and reduced reliance on traditional forms such as central courtyards and iwans. These changes reflect broader cultural, social, and urban dynamics of the time.

Keywords

Physical Body, Housing, Open Space and Semi-Open Space, Late Qajar Period, Early Pahlavi Period

Citation:

Kooti, J., Sabernejad, J., & Matin, M. (2025). A Reading on the Physical Evolution of Open and Semi-Open Spaces in Buildings in Tehran Late Qajar and First Pahlavi. *Journal of Urban Sustainable Development*, 5(17), 75-94.



DOI: <https://doi.org/10.22034/usd.2024.2008287.1094>



DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.6.0>

URL: https://usdjournals.daneshpajoohan.ac.ir/article_714057.html?lang=en



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Philosophy of History of Islamic Architecture in Orientalism¹

Marzieh Sabet Eghlidi², Ahad Nejad Ebrahimi^{3*}, Leila Medghalchi⁴

Received: 2024/02/18

Revised: 2024/04/23

Accepted: 2024/05/15

Published: 2025/01/04

Highlights

- To fully grasp the Orientalist history of Islamic architecture, one can engage with the fundamental components of the Science of History, which contains these four: historical Reality, Objectivity, Values, and Explanation.
- In Orientalism, the Reality of Islamic architecture is the “Other” of Western architecture and “lacks history” itself.
- In terms of historical Objectivity, Orientalism studies Islamic art and architecture as an “object” with a positivist and materialist approach.
- In the Value component, Orientalists judge Islamic architecture by “Eurocentric” criteria and consider it romantic, decorative, and exotic.
- The historical Explanations provided by Orientalists about Islamic art and architecture tend to be deductive-nomological and essentialist.

Extended Abstract

Introduction

Orientalism has played a significant role in shaping the historiography of Islamic art and architecture. While scholars from various fields, including archaeology and art history, have started to explore the history of Islamic art and architecture after the era of Orientalism, many of their studies continue to rely on the same assumptions, concepts, and terminology established by Orientalists. This research seeks to examine and classify the assumptions of Orientalists regarding the history of Islamic art and architecture. To facilitate this analysis, a coherent conceptual framework rooted in the fundamental components of the science of history, or the Philosophy of science will be employed as the foundation. The choice of this framework is based on two key assumptions: first that the history of Islamic architecture is a form of History, and second, that history itself is a Science.

Theoretical Framework

By synthesizing the insights of scholars in the philosophy of history, we can conclude that history as a science consists of four fundamental components: historical reality, objectivity, values, and explanation. Researchers explore perceptions of reality, which can range from positivist to phenomenological perspectives. The issue of historical objectivity presents a complex challenge within the philosophy of historiography. This raises crucial questions regarding the accuracy and validity of historical explanations. Different interpretations of objectivity have given rise to various paradigms within the social sciences, including positivist historiography, interpretive social science, and critical approaches. In terms of values, positivists advocate for a value-free science, while supporters of interpretive and critical methodologies contend that such an approach is neither practical nor beneficial. These differing values significantly influence the selection and evaluative judgment of historical narratives. Historical explanation can be examined from two distinct

¹ This article is extracted from the doctoral thesis of the first author entitled "Currents of Architectural Historiography in the Writings of Iranian Researchers of the 1940s and 1950s with a Cultural History Approach" which was conducted at the Faculty of Architecture and Urbanism of Tabriz Islamic Art University.

² Ph.D. Candidate in Islamic architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

³ * Professor, Department of Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran; Corresponding Author, [Email: ebrahimiahad@gmail.com](mailto:ebrahimiahad@gmail.com)

⁴ Associate Professor, Department of Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

perspectives: the natural science model and the human science model. Carl Hempel introduced the covering law model, also referred to as the deductive-nomological model, as a framework for historical explanation. In contrast, thinkers like Collingwood championed a different approach, approaching history as a human science and advocating the concept of "re-enactment" of past thoughts.

Methodology

This research belongs to the field of the philosophy of science and aims to provide a logical framework for the philosophy of Islamic architectural history from an Orientalist perspective. It employs a logical argumentation strategy, which is well-suited for this type of study.

Results & Discussion

Reality: The concept of Orientalism reflects a historical dichotomy between the East and the West, an ideological construct that has fostered a pervasive belief in Western superiority. This ideology often homogenizes non-European cultures, categorizing them as the "Other". Certain Orientalist scholars assert that the distinctive evolution of Western art finds no parallel in Eastern art, contending that Islamic architecture lacks history. This perspective is illustrated in Fletcher's "Tree of Architecture," which often conceptualizes Islamic architecture as essentialist, marked by a fixed essence that resists the influences of historical, cultural, or temporal change. This characterization stands in stark contrast to Western architecture, characterized by its self-awareness and dynamic historical development.

Objectivity: as Grabar said, the examination of Islamic architecture is situated within the broader context of the "Enlightenment project", which seeks to transform historical inquiry into a modern, scientific discipline. Orientalists, who studying the east is their profession, typically employ a positivist and materialist framework grounded in contemporary Eurocentric rationality. This methodological approach often necessitates the classification and generalization of Islamic art and architecture, as exemplified in the seminal work *Description de l'Égypte* and various international exhibitions. The processes of museumification of Islamic art have profoundly influenced the methodologies adopted within this academic discipline.

Value: The interpretation of Islamic architecture is significantly shaped by the Orientalist framework, which frequently portrays Eastern cultures as mysterious and perilous. Such portrayals are often enacted through lenses of tradition, romanticism, and ornamentation, resulting in the establishment of colonial biases and power dynamics within the academic study of Eastern cultures. Critics argue that Orientalists tend to regard Islamic architecture as mere decoration, thus obscuring the profound cultural and historical significance intrinsic to Islamic art. The isolation of Islamic motifs from their cultural contexts often precipitates misunderstandings. Ultimately, the Orientalist framework positions Islamic architecture as romantic, decorative, and exotic, aligning with colonial ambitions and Eurocentric values.

Explanation: Orientalism conceptualizes history through the lens of natural science, employing a positivist methodology to analyze Islamic architecture. This approach aims to validate a singular essence of Islamic architecture through deductive-nomological reasoning while interpreting Islamic art through an ethnographic lens. Consequently, this perspective risks reducing Islamic architecture to a static, non-historical ethnic tradition, neglecting the complexity and dynamism inherent in its historical context.

Conclusion

Ultimately, a rigorous examination of orientalist historiography of Islamic architecture, conducted through the lens of the fundamental components of science of history, yields the following conclusions:

1. **Historical Reality:** Orientalism frequently characterizes Islamic architecture as the "Other" in comparison to Western architecture. This perspective promotes the notion that Islamic architecture is a stagnant object confined to the past, positioned in contradiction to modern architecture. Moreover, Orientalism portrays Islamic architecture as a homogeneous entity, neglecting its connections to the historical context in which it developed. Consequently, the diversity, multiplicity, and temporal dimensions of Islamic architecture are often overlooked.
2. **Historical Objectivity:** The approach of Orientalism tends to adopt a positivist and materialistic view of Islamic architecture, treating it as an independent object that exists in the external world. This perspective implies that a comprehensive understanding of Islamic architecture can be attained.
3. **Value Component:** The evaluations and selections made by Orientalists regarding the history of Islamic architecture are frequently anchored in Eurocentric criteria. Such a viewpoint tends to depict Islamic architecture as romantic, decorative, and exotic, presenting these characteristics as weaknesses in contrast to rationality and historicity.
4. **Historical Explanation:** The Orientalist narrative surrounding Islamic architecture is characterized by nomological and essentialist explanations that seek to generalize its features. This narrative is often further defined by an ethnographic approach, which can lead to oversimplified and stereotypical understandings of Islamic architectural practices.


In summary, the orientalist framing of Islamic architecture significantly influences its perception and understanding, both in historical scholarship and contemporary discourse.

Keywords

Philosophy of History, History of Islamic Architecture, Orientalism, Eurocentrism

Citation:

Sabet Eghlidi, M., Nejad Ebrahimi, A. & Medghalchi, L. (2025). Philosophy of History of Islamic Architecture in Orientalism. *Journal of Urban Sustainable Development*, 5(17), 95-109.

 **DOI:** <https://doi.org/10.22034/usd.2024.2023211.1216>

 **DOR:** <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27170128.1403.5.17.4.8>

URL: https://usdjournal.daneshpajoohan.ac.ir/article_713151.html?lang=en



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Daneshpajoohan Pishro Higher Education Institute. This article is an open access article licensed under the [Creative Commons Attribution 4.0 International \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

TABLE OF CONTENTS

Sustainable Tourism and Duality of Nature and Sports; Compilation of Tourism Development Strategies in Kermanshah Province	1
Mehrnaz Molavi; Amir Hosein Azimpour	
Measuring the Constructs of Sense of Place in Historical Area; A Review on Bazaar Neighborhood in Kermanshah	21
Mojtaba Lorzangeneh; Mohammad Masoud; Arezou Jamshidi Sheikhi Abadi	
Analyzing the Meaning in the Historical and Contemporary Architecture of Semnan, Focusing on the Phenomenological Views of Norberg-Schults	39
Seyed Mahyar Hashemi Hezaveh; Faramarz Hassan Pour; Saeed Kamyabi	
Discovering the Structure of Knowledge in Urban Data Mining Using Vocabulary Co-occurrence Analysis	61
Enayat Alah Mohaghegh Nasab; Mahmoud Mohamadi	
A Reading on the Physical Evolution of Open and Semi-Open Spaces in Buildings in Tehran Late Qajar and First Pahlavi	75
Javaher Kooti; Jaleh Sabernejad; Mehrdad Matin	
Philosophy of History of Islamic Architecture in Orientalism	95
Marzieh Sabet Eghlidi; Ahad Nejad Ebrahimi; Leila Medghalchi	



Journal of Urban Sustainable Development

Vol. 5, No. 17, Winter 2025

License Holder: Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute

Director-in-Charge: Dr. Amir Masoud Samani Majd

Editor-in-Chief: Dr. Fatemeh Mehdizadeh Saradj

Editorial Board (in alphabetical order)

Dr. Seyyed Mahdi Abtahi, Associate Professor, Isfahan University of Technology

Dr. Kayoumars Irandoost, Professor, University of Kurdistan

Dr. Alireza Ghari Ghoran, Associate Professor, Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute

Dr. Fatemeh Mehdizadeh Saradj, Professor, Iran University of Science and Technology

Dr. Seyyed Kamal Mirtalaei, Professor, Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute

Dr. Ramtin Moeini, Associate Professor, Isfahan University

Dr. Mahin Nastaran, Associate Professor, Art University of Isfahan

Dr. Hamidreza Pourzamani, Professor, Isfahan University of Medical Sciences

Dr. Amir Masoud Samani Majd, Associate Professor, Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute

Reviewers (in alphabetical order)

Dr. Mohsen Afshari

Dr. Jamshid Davtalab

Dr. Parisa Hashempour

Dr. Leila Jalal Abadi

Dr. Zeinab Moradi

Dr. Sepideh Peymanfar

Dr. Mohamad Taghi Pirbabaie

Dr. Somaye Rafiei

Dr. Sanaz Rahravi Poodeh

Dr. Maryam Rousta

Dr. Reyhane Tabatabaei Yeganeh

Dr. Farshad Tahmasebizadeh

Manager: Dr. Maryam Taefnia

Executive Director: Dr. Narges Ghodsi

Layout: Mahboubeh Rastegarpanah

Graphic: Narges Dayani Dardashti

Publishing Coordinator: Mandana Moradi

Persian Editor: Dr. Sayede Razieh Anvari, Dr. Mozhgan Esmaeili, Eng. Nasim Rahimi, Dr. Atefeh Ansari

English Editor: Dr. Maryam Taefnia

Address: Urban Sustainable Development Journal Office, Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute, No. 370, No. 14 Alley (Masoud), Jahad Street, Jahad Crossroads, Isfahan, Iran.

Tel: (+98) 31 32337081- EXT:503

Fax: (+98) 31 32360575

Web: usdjournals.daneshpajooan.ac.ir

Email: journal@daneshpajooan.ac.ir

Instructions to Contributors

- The quarterly Journal of Urban Sustainable Development publishes scientific papers in research area of architecture, urban planning & design and multidisciplinary studies on urban sustainable development.
- Submitted articles should have neither been previously published nor be under consideration elsewhere.
- Articles should be written in Persian and in compliance with the principles and punctuation of the language.
- The editorial boards reserve the right to accept or reject any article after reviewed by reviewers.
- The sole responsibility for views and statements expressed in the article remains with the author(s).
- The journal has the right in publishing, accepting, rejecting or editing the content of articles. Received articles will not be returned.
- Papers must be the results of the author(s) research (Research Paper).
- Papers should contain title, authors information, abstract, keywords, introduction, methods, research body including a variety of topics, conclusion, endnotes and references.
- The first page should include the name of the author(s), affiliation, address, telephone, fax and e-mail of author(s). Also, if the article is extracted from a research project or dissertation, the title of research project or dissertation and colleagues' names should be mentioned in first page. The second page should have no name of affiliation of the author(s), and only contain title, abstract and keywords in Persian.
- The title should be short, clear, and relevant to the text.
- Three to five keywords related to the text and the title of the article should be written immediately after the Abstract.
- Papers should have Persian and English abstract. The abstract should include problem statement, purpose, research methods, research subjects, important findings and results. This section should alone represent the whole article, and especially the results. The Persian and English Abstracts should be about 250-300 words. The Extended English Abstracts should be about 700-1000 words.
- To type text of paper and subtitles, BZar font in size 12 should be used.
- In the absence of comprehensive Persian equivalent for foreign words, it should be written in Persian and the original English word brought as endnote in Times New Roman font, size 10.
- Number of pages of a paper should be about 15 to 20 (with inserting page numbers), with 1 cm line spacing, and the margin of pages should be of the top 3 cm, bottom 2 cm and 2.5 cm for each side.
- Referencing style is based on the American Psychological Association (APA) guidelines.
- Conclusion of writing must be logical and useful for highlighting discussions and presenting findings.
- In the Acknowledgments section, will give thanks to guidance and contributions of others in short.
- Footnotes (terms, equivalent words, description and etc.) should be numbered sequentially in the text and brought at the end of each page.
- List of references must be written in alphabetical order at the end of the article.
- If the paper has more than one author, the authors must define a person as representative as corresponding author to the journal office.

Attention:

- The file of Instructions to Contributors is available at usdjournals.daneshpajooan.ac.ir; furthermore, authors can communicate via the journal email, journal@daneshpajooan.ac.ir, for more information.

In The Name Of God



Journal of Urban Sustainable Development

- ◆ **Sustainable Tourism and Duality of Nature and Sports; Compilation of Tourism Development Strategies in Kermanshah Province** 1
Mehrnaz Molavi , Amir Azimpour

- ◆ **Measuring the Constructs of Sense of Place in Historical Area; A Review on Bazaar Neighborhood in Kermanshah** 21
Mojtaba Lorzangeneh , Mohammad Masoud , Arezou Jamshidi Sheikhi Abadi

- ◆ **Analyzing the Meaning in the Historical and Contemporary Architecture of Semnan, Focusing on the Phenomenological Views of Norberg-Schults** 39
Seyed Mahyar Hashemi Hezaveh , Faramarz Hassan Pour , Saeed Kamyabi

- ◆ **Discovering the Structure of Knowledge in Urban Data Mining Using Vocabulary Co-occurrence Analysis** 61
Enayat alah Mohaghegh Nasab , Mahmoud Mohammadi

- ◆ **A Reading on the Physical Evolution of Open and Semi-Open Spaces in Buildings in Tehran Late Qajar and First Pahlavi** 75
Javaher Kooti , Jaleh Sabernejad , Mehrdad Matin

- ◆ **Philosophy of History of Islamic Architecture in Orientalism** 95
Marzieh Sabet Eghlidi , Ahad Nejad Ebrahimi * , Leila Medghalchi